

گاکت نز و منوینه ریست نش اتر مجلات آغاز پنجه پنجبر س اگه س عال

کشور و استقلال را هم بخود بگیر که ملکه تیریست و صدر امام اعضا محترم

محبته مرکز اراده مجلات و پژوهش افغانستان کا ذمہ نجیب افغانستان تبریز میگوئیں.

Ketabton.com

خطاب ده مرد

متن دری بیانیه رادیویی بناغلی محمدداود رئیس
دولت و صدراعظم که از رادیو افغانستان بروید کاست

گردید

بسم الله الرحمن الرحيم

این وعده ایست که درروز اول اعلا میه جمهوریت برای اقتصادی کشور ازدست داد آهنگ رشد اقتصادی کنترلر گردید و تجمع سرمایه بوجود نیامد از حجم سرمایه گذاریهای دولتی برای اکشاف اقتصادی ازیکسال تاسال دیگر کاسته شد. پس انداز ها و سرمایه گذاریهای خصوصی برای ایجاد صنايع جلب نگردید به طور مثال مجموع سرمایه گذاری هادریلان پنجساله دوم مشاهده تحولات سریعی که در سیماه منطقه وجہان به منفعت آزادی و ترقی و به زیان استبداد ارجاع و استعمار دریلان نام نهاد پنجساله سوم به ۱۹۳۵ میلارد افغانی تقلیل یافت هرگاه تطبیق چندیروزه محدود بیشینی شده پلان دوم در بیانیه اول خود اعلام داشتیم «برای سعادت آینده و طن، راکه آنهم بکم کشور های دوست صورت گرفت استشنا قراردهیم اقتصاد کشور طی دهه اخیر، با ملاحظه رشد نفوس سالانه، صعود قیم و تناسب رشد کشورهای مشابه در حال رشد عوض اینکه گامی به جلو بردارد، به عقب گام گذاشته است. درنتیجه این وضع در عاید ملی کشور افزایش قابل ملاحظه به وجود نیامد و ازان هم قسمت عمده آن همه ساله بعض اینکه سرمایه گزاری گردد بر اهای غلط و بواهی های فرمیل گردید. سرمایه گذاری خصوصی دریلان پنجساله اول ۶۰۹ فیصد مجموع سرمایه گزاریها را تشکیل میداد. در حالت اقتصادی، اجتمعاً علی وسیاسی، بحران عمیقی فرا گرفت که اینکه به بردسی آن مختصرأ برداخته میشود:

هموطنان عزیز!

در اثر تطبیق دویلان پنجساله در اثر تطبیق دویلان پنجساله اول و دوم رشد نسبی میافت. بارگرد مواجه گردید و بطرف ورشکستگی کامل سوق داده شد. پلان گذاری اقتصادی تابع امسال ذهنی اشخاص گردید موثریت لازم خودرا در امر رشد اندازه ریخته شده بود. ولی

هموطنان عزیز بجیب و قدر شناس افغانستان بمناسبت این رستاخیز ملی و تحول شکفت انگیز سیاسی وفادار خواهیم بود. ولی حتماً این سوال مهم در افکار عامه مردم ما واقع خانوادگی و طبقاتی خود را در راه منافع ملی و طبقات محروم کشور قربان گردایم. جزاب گویای این سوال این است که، سیاست غیر عادلانه ضد مملی رژیم سلطنتی طی اعظیم تاریخی ملی اقدام نمودند و سنگ تهداب اولین جمهوریت افغانستان را گذاشتند. «همه مردم نجیب و زحمت کش کشور و بخصوص به اردی فدایکار و جوان افغانستان تقدیم میدارم.

همچنان از پشتیبانی پوشور و شوق مردم افغانستان که از روز اول تاسیس رژیم جمهوری در وطن ابراز داشته اند اظهار سپاسگزاری و تشکر می نمایم.

هموطنان گرامی میدانند که تاریخ استرداد استقلال افغانستان در حقیقت ۶ جوزا است اما از سالیان دراز معمول برین شدکه یاد و بود آن روز مقدس ملی در اول سنبه تجلیل گردد. امسال هم به پیروی از تعامل گذشته خود را وجدان مکلف میدانم تا تبریکات خود و رفقای خود را به مناسبت این روز فرخنده بهم هموطنان گرامی تقدیم کنم.

سه پیکار بزرگ ملت افغانستان دار برای تجاز استعمار گواه بزرگ وانکا و ناپدیریست از فدا کاری، وطن دوستی و عزم شکست ناپدیر مردم ما.

استرداد استقلال کشور که پنجاه و چهار سال قبل بهمت رهبران جلیل القدر افغانستان و به نیروی اردو و لشکر های ملی و فدایکار ملت افغان صورت گرفت بارگرد نمونه کاملی از همین هفدهم بود. مخدمات فراموش ناشدنی اغليست رغایزی امام الله خان واعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شبد و آن مردان بزرگ را که در صفات اعلی مجادله با بیگانه گان قرار داشتند و قربانیهای فرزندان این سر زمین راکه بارشادت فطری و آزادی خواهی در راه آزادی جان سپردند، به نظر تقدیر و احترام نگریسته به ارواح تمام شهدای معرکه استقلال درود فرا و نمیفرستیم.

هموطنان گرامی خواهان و برادران عزیز!

مامطابق به شرایط و قانون تکامل جامعه علماء و عملاء بر حسب پلان و به یاری خداوند بزرگ و همکاری مردم خویش کامل بقدم برای اجرای تحولات بنیادی در حیات اقتصادی - ذهنی اشخاص گردید موثریت لازم خودرا در امر رشد اجتماعی و سیاسی جامعه اقدام خواهیم کرد.

د۱۳۱ فخستان

سیاست اختناق و فشار به مردم تعجیل میشد از ظلم و ستمگری و بعد از نیزه نور آوران دفاع گردید و داد مظلومان خواسته نمیشد. فساد در میان مردم و بخصوص در میان نسل جوان عمدات رویج داده میشود که های ضد ملی صورت میگرفت از دعوکراسی قلا بی سوء استفاده های سیاسی بعمل می آمد و بارگاهان یک ماشین رای دهن و صحنه گزاری بر اعمال ضد هی و بیو بیک دستگاه چباول و غارتگری از خزانه بیت المال وجیب مردم بدل گردیده بود حقوق و آزادی های حقیقی مردم روز به روز سلب میشد و عملاً پایمال میگردید. قانون جنگل و زورگونی و خود سری برکشور حاکم بود.

مشخصه سیاست رژیم گذشته را در تحت عنوان عمومی سیاست بیطری، سیاست استفاده جوئی تشکیل میداد. از قضاوت آزاددر سیاست خارجی سخن گفته میشود که در عمل قضاوت آزاد مردم در عیج مساله اساسی زمینه تطبیق پیدا نکرد - دولت در سیاست خارجی خوش بش صادق نبود فربی و تزویرسازش و کرنش از مشخصات این سیاست بود.

نه آه و فرباد مظلومان و نه زندگ های خطرناک از هر طرف بتصدا درآمده بود قتوانست آن رژیم مغور را از حال بد بخت و فلاکت بار وطنش هلتقت سازد دیگر امید اصلاح بکلی شطع گردید و جز سر نگون ساختن چنین رژیمی راه دیگری وجود نداشت.

ولی وضع آشفته و فلاکت باریکه رژیم گذشته به میراث ماند طالب وظایف سنتگین از جانب ماست.

عقب هاندگیها در همه ششون زندگی اجتماعی اقتصادی فراوان و بزرگ است که باید رفع گردد نارسا نیای زیادی در شیوه های کار و وجود دارد که باید اصلاح شود وضع اقتصادی کشور سخت برهم و در هم و بسی نعلم است مشکلات گوناگونی در حیات اجتماعی مردم موجود است - دستگاه اداره دو لطفوق العاده فاسد و فر توت است بی عدالتیهای اجتماعی در کلیه ساحات زندگی آشکار است فقر و بیکاری بیماری و بی سعادی در جامعه مسلط است تبعیض و نا برا بری نتایج نامطلوبی را بیان آورده است و بهینه ترتیب دهشامشک دیگر که باید حل گردد و صدھا وظیفه همراه هلی که باید انجام گیرد.

اما باید دید که آیا میتوان این همه مشکلات را به یک بارگی حل کرد؟ و آیا میتوان تمام وظایف ملی را که در برابرها قرار دارد فوراً انجام داد.

تجربه بخش از کشور های دیگر که به رشد اجتماعی اقتصادی خوش آغاز کرده اند ممکن و ناممکن برای رفع زندگی و دست زدن بپر وسیله همکن و ناممکن برای رفع فوری عقب هاندگی های قرون و اصلاح فوری تمام امور کاریست طفلاً و عملی است بی نتیجه لبذا باید با درایت و متناسب با سنجش دقیق و با استفاده از حد اکثر امکانات بفرض اصلاح جامعه و تامین شرایط برای بیرونی وضع مردم آغاز کرد.

باید قدم بقلم ساخته فعالیت های عملی را بسط و گستر ش

بقیه در صفحه ۱۰۴

صفحه ۳

از آن زمینه های مساعد به هیچکو نه کنترولی بر اسعار خارجی در کشور قایم نشد منفعت تکامل اقتصادی و نرخهای اسعاری سایقیر اقلام عمده صادراتی برداشته شد سیاست یولی دولت در ساحه اسعار خارجی صنعتی کردن گشود را برخه تابع نوسانات و دست بازیهای بازار سیاه گردید نه تنها برداری لازم صورت نکرفت. با نمایندگی های خارجی و تاجران خارجی طبق قانون در تولیدات صنعتی طی یک معامله نکردید بلکه برای آنها هم امتیازات خلاف مقررات داده شده و بدین وسیله اقتصاد کشور را تضعیف و ورشکست نمودند. خلاصه اینکه طی ده سال اخیر ناسامانیها و بی بند و بازیهای عام و نام از لحاظ اقتصادی در جامعه ما حکم رفما بود و این امر اقتصاد کشور را در آستانه ورشکست فرار داد در حال حاضر، اقتصاد و هوجوب کنندی کامل و شد صنعتی و نرنسی اقتصادی کشور منکر به زراعت است و زراعت ۹۰٪ فیصد تولید واجتماعی مملکت گردید.

در ساحة اجتماعی: سطح زندگی، فرهنگ و صحت در وطن ما همان سفنه در نازل ترین سطح جهانی فرار دارد. طی ده اخیر سطح زراعت که هنافانه هنوز در زندگی مردم افغانستان هر تیپانین آمد و مخارج زندگی بالا جامعه مامسلط است، با عث رفت که بار سنتگین و تحمل ناپذیر آن هرسال کم رشکن تر فقر دهقانان تنگ بودن بازار می شد قیمت بی طور سر سام آوری بالا رفت ولی معاش ملی، عدم قدرت خرید مردم مامورین پائین رتبه و مستخدمین دولت اجرت کارگران از حد و کمبود مواد خام زراعتی بخور و نمیر تجاوز نکرد فقر و بیکاری در جامعه سیاه روزی آواره گی مردم شدت یافت بیماری در میان مردم بیش از پیش شیوه پیدا کرد معارف و فرهنگ ملی به انحطاط گرایید عدم مصنوعیت و عدم تعلیق قانون در جامعه حکم رفما گردید مطلق العنانی، ظلم و ستم مستبدین و متنفذین و مامورین شد مالیات هنوز در عواید دولت سهم نهایت ناچیز دارد مالیات ارضی، هایله موادی و مالیات بر عایدات تاجران افغانستان کام هو تری برداشته شد مالیات هنوز در سقوط کرد. و بجای آن برای تکالوی مصارف اضافی دستگاه

دولت به حجم مالیات غیر مستقیم افزوده شد. د تجارت خارجی کشور. به انواع تهدید و تحریک اعمال سیاست زور و ایجاد در ده سال گذشته سیاست وحشت و سیاست تبعیض و امتیاز در برابر گروه های درهای باز تعییب گردید هیان مختلف مردم سیاست تفرقه و تغییر هیان اقوام افغانستان تورید اموال ضروری و غیر شرط استقرار و بقای رژیم سلطنتی یافتند. تحریر یک قوانین ارتقا عسی و تشویق آنها به تاخت و تاز ضروری از لحاظ منافع ملی تکمیل بعمل نیامد در صدور علیه وطن پرستان آن هم به بسانه و در تحت اسم اجناس عمده صادراتی کشور به اصطلاح «دعا گرسی» دو سیاست داخلی رژیم منسخ ببود به ملا حلقه نرسید گذشته مقام بلندی داشت.

شماره ۲۳۹۲۲

احسان

ملت نگار



مرحوم اعلیٰحضرت غازی محمد نادر شاہ



مرحوم اعلیٰحضرت امام اللہ خا ن غازی

پیکارهای بزرگ و رستاخیزهای عذر

فریاد (آزادی) از حنجره رهبران

بِقَلْمَنْ فَيْضُ مُحَمَّدٌ عَاطِفِي

بینای اصلی آن را آمادگی ذهنی ملت کاملی از همین مفهوم بود .
 افغان برای استرداد آزادی تشکیل مرحوم اعلیحضرت امام الله خان شاه مخلوع ، در شرایطی به سلطنت میزدید .
 استرداد استقلال کشور که پنجاه افغانستان رسید که مملکت عمالادر و چهار سال قبل بهمت رهبران ذیر نفوذ و سیطره استعمار بسر جلیل القدر افغان و به نیروی اردوی میرد و آن مرد تر قیخواه چون باشیامت و فدا کاریهای کافه ملت نجیب هاصورت گرفت بار دیگر نمونه ملت افغان آگاهی داشت تو ام باعلام

خپلواکی، او و افغانستان خوان رژیم

مین کمال دا فغانستان خلک په دا سی حال کښی د دھیوادد خيلواکن پنجه پنځوسه کالبیزه نهانځر
جهه زموږن به تاریخ کښی نوی یانه اوښت
ده داسی یانه چه افغان ولس په تیره بیسا
معرومه دله له کلنو توراهیسی دهقى دواللو په
لختار کښی وه .

دا فغا نستان دهلن او سترز عبر بتا غلن
محمد داود په لارښودله او دا فغان دکټرمائنه او دو
په میرانه، افغانستان د جمهوري نظام په منځ
نه راومستلو سره دله یانه په زړینو ګربنو
سره بشکلی ګړه .

داسی نظام چه که خدای کول دوطن دصادقو
او سرتیرو خدمتکارانو او فداکار و او معروفیت
کالانو خلکو په مرسته به تعیین و موهمن او په
څيلو پښویه و دریزوی .

دا فغانستان خلک به تیرو خلوروبنځسو کلو
نړۍ ګیده .

روحیه آزادیخواهی از مو ۱ هب
طبیعت است که دست قدرت آن رادر
ضمیر انسان بودیعت گذاشته است
ملل جهان با تو جه به استعداد فطری
و شرایط ذهنی تاریخ، کلتور و
معتقدات اخلاقی و عوامل اقلیمی و
جهrafیائی خوش بصورت نسبی
ازین هو هویت بر خود دار میباشدند.
ملت هائی وجود دارند که ارزش
آزادی را بصورت اکتسابی فرا
میگیرند و توده هائی نیز هو جود
میباشند که به شکل شعوری و
معنوی باین خصیصه والا و قیمتدار
تعلق خاطر دارند.
ملت افغان شامل دسته از ملل است
که اسلام‌قلال خصیصه طبیعی آنست
در اعمق دره های سرسبز،
کوهپایه های شامخ و قلل جبال، در
دل وادیها و در کنار چشمه های
خرشان وجو بیارها، در هر گنج
و گنبد این سر زمین باستانی مردمانی
بسرهی بوند که در زوایای روح
پر شور ورز منده آنها شورو غولایی
درخشان چلوه گر میسازد.

بزرگی از احساس آزا دیخواهی موج سه پیکار عظیم ملت افغان دربرابر
عیزند دست استعمار وقدرت نفوذ قوای مجهز و عصری مستعمره جویان
عمال و آبادی ایشان در طول تاریخ گواه بزرگ و انکار ناپذیر یست که



مرحوم محمود طرذی

آزادی در اعماق فطرت ب افغان نهضت است

هم مردم ما هنگامی به رسیده است که

در گوشها و دلها طنین افکنده است

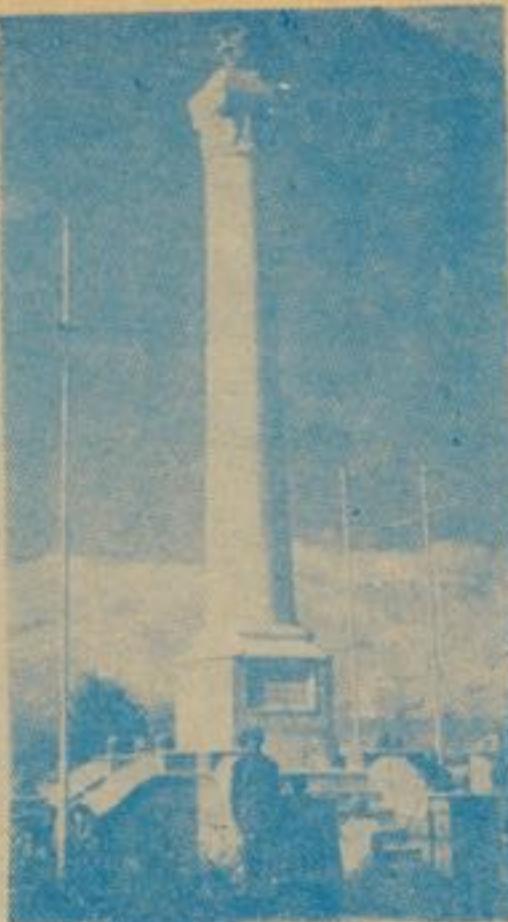
عمیق و آهادگی برای استر داداستقلال خوبتر مساعد ساخته بود. مخدمات فراموش ناشد. نی آن مردان بزرگ را که در صفت اعلای مجادله با بیکانگان قرار داشتند و قربانیهای فر زندان این مرز و بوم را که بارشادت فطری و آزادیخواهی در راه آزادی جان سپردند و بالغاصه فدا کاریهای خالصانه ارد وی افغانستان را به نظر تقدیر و تحسین نگریسته بهارواح تمام شهدای معروکه استقلال تحفه‌های تحيات درود فراوان شد.

در پهناى اين هياتات تاریخى که با نیروی شمشیر و تدبیر درایست کامل وبا قر بانی فر زندان این سرزمین صورت گرفت ترا وشات فکري وتبليغات موثر شاعر و نوisenده تواناي افغان مرحوم محمود طرزى نيز فصل درخشاني داده تاریخ کلتوري وطبعوعات افغانستان کشوده بود آثار همیم فر هنگى وادبى ومقالات يز شود وحماسی مرحوم طرزى در سراج الا خا د آراسته گردد .

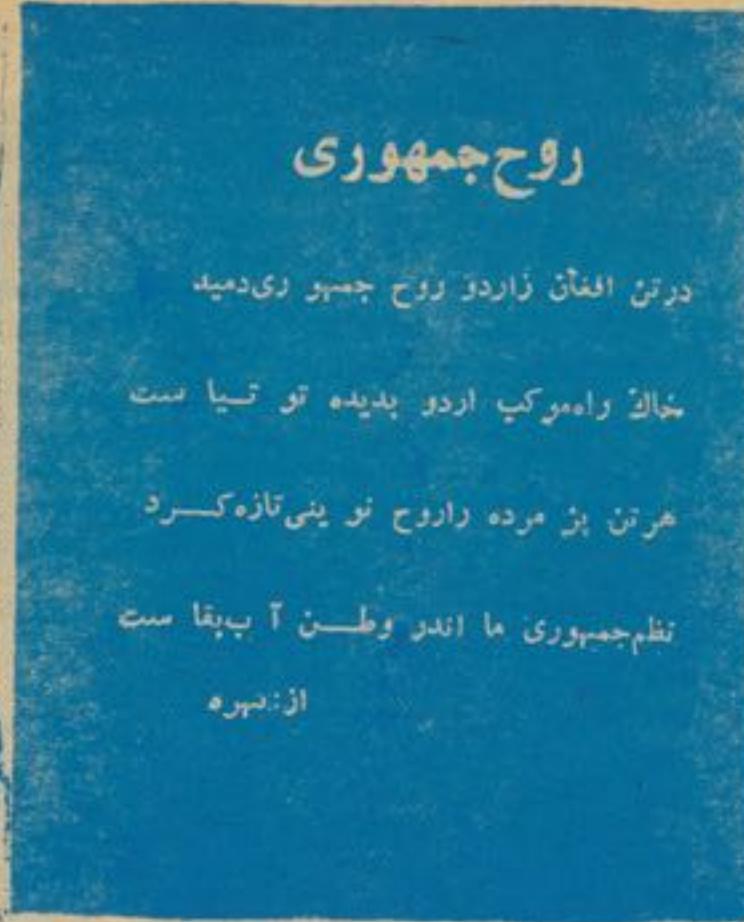
وغيره ودد آن شرایط اختنا ی زمینه رشد فکری و احساسات طبقه با سواد و پیشرو کشور را برای یک هبازه آباد و مترقبی باد افغا نستان
(فیض محمد عاطفی)

سلطنت ندای آزادی کشمود را از ساخت.
خنجره خویش بلند کرد و با این بیام وافغا نستان در سه جبهه پکتیا،
جان بخش روح تازه ای در کار لبد
کندهار و ننگرهار علیه دولت انگلیس
مردم دمید سر تاسر هملکت کانون
دست به جهاد و قیام علی زد و
پشتیبانی تمام طبقات ملت را گمانی
جوش و خروش وهر کز هیجان و
احساسات آزادی طلبی گردید
همان فریاد استرداد آزادی
مبارزات پیکیر و قبیر هنانه از تو
بود که دلپارا هملو از شوق و شعف
و ملت ها ادامه یافت و در جبهه پکتیا
که رعنی سرشار از وجود مسرت
و سینه هارا عالمقدار آن اعلم حضرت

میتوالس فطری حق و نشوونه بیوکی او افغانستان
خبله خپلواگی دنوی له مستونی خله راوایست



خاطره بایدار قربانیان شیبدای مهر که
استقلال



در تن المغان فاردو روح جمهور ری دمید

سچاک راهمن کی اردو بدیده تو تیا سنت

هر تن پن مردہ داروچ نو ینی تازه کرد

نظم جمهوری ما اندر وطن آب بقا سنت

از: دهره



مرحوم سه سالار غازی شاه محمود خاں

تقدیم به

قهر ماذان

زین بازور، دریای پر خوش، افق دلپذیرها
برای ساختن و بوجود آوردن دنیا نوبن بامواز
ما است. خلق های و تعجبیده و ستم کش
سمیمانه باعشق و علاقه دیگ نفر افغان بوای
ساختن و بودا ختن دنیا نیکه در آن کهنه ها
طرد میشود و نو بودن، نو اوری همراه است
از دل و جان کار خواهند کرد.

قیرما نان بدرود بر شما، ببر روح عالی
وهفت بزرگ تان

قیره هنان سلام بر شما که فرزندان
مباز، صالح و واقعی این کشور هستید
سلام بر شما که عجمون شیرین هراس، هم

جون عقاب تیز جنگ و عجمون شاهن بلن

برروز و بر غرورید. سلام بر شما که باظلم

و ستم علی مبارزه کردید، گلی اهر یعنان

و دشمنان خاک واژادی رادریدید و با یائمه

های اهنتن خوش آنرا لکد هال نمودید

سلام بر شما بر شهاده هر کجا که هستید،

بر شما که اکنون در برایر اجتماع وطن و

قوم خوش سر قرار و سر بلندید.

قیره هنان؛ این تغیر، این چنین، این تکامل

بزرگ، مهم و زیبائی است که تا اکنون

نظر آن به این خوبی، به این شایستگی

جنین دلرانه و سرا فتهندا ته به هیچکس و

به هیچ مردی داده نشده است. ها سوکنند

محکوریم که این امانت بزرگ را تا آخرین

قطاره خون خوش تکاه گشی و شعار ماهیشه

چنین باند:

چاوید باد جمهور است

تبارز نموده بود، بظایف خوش شروع من
نمایند. لحظات بسرعت میگزند، همه جیز
طبق بلان با نظم و ترتیب خاص پیش میروند
رفا وظایف خوش را به تکوئی انطم من
دند، همه از جان مایه گزانته اند از
هدای هاشست ارو مقاو میباشد مذبوحانه آن
ها، تمیزه اند از سیر میکند.. و
بالآخره کتابخانه میگزند.

دیگر آن طبقه شکسته شده است.

دیگر آن جادو افسون ندارد. تاریخ ورق
خوردید است، ها بیرون شده ایم، همچیج دل
انگز و رویایی نزدیک مشهود و شب را،

سماهی را وسکوت را نا خود به یکبار می

معو کرده چنان را نور روشنی و روشنانی

فرا مگرید، زمان نکون میاند و رهیز

قیره همان و دوران سازما، آن فرزند مبارز و

همسکر اصلی ما که دوش بدوش دریکار

علیه خصم و دشمنان آزادی با ما سبیم بود

اینک با داش هر فرد نسب این کشور را

با بیترین کلمات و عمق ترین جملات بخوا

شایسته ای، با تیامت خاصی ادا می

نمایند:

جمهور است بر اینان بیار لد

چکونه متوانم، با کدام احسا سو قلمی

از این «اور» و از آن «بر» گشت «سخن

نگویم، هر لحظه اش دنیای خاصی بود

وجه خوب ند که بخیر گذاشت.

دد رویای خوش و سکر آوری فرو میروند
به رفای مبارز ما، به این راهبردان تاریخ

من اندیشم که نه از جویه دار باان نهای
بسکو و وحشتنا کش، نه از ساطور نیز

بنشکل و چنانی کش، نه از جنده اند، سکو و
جلاد نه از حبس، نه از تبعید، نهی غرام

آنها زندگی را برای هردم، قرم واجتمعا خ
خوش میخواهند، وهدتی جز ریشه کن

گردن جبروستم نفر و فلاکت، ترس فرس
و تعالی خلفای رنجده و مظلسوه

ندارند. ایر های سام و غلقوی اسماه
یوسانیده وظفت را دو چندان گرده به

عملیات ما کمک می کند و دوست قیره همان که
سر هست از باده بیروزی بودنا احسا سات

گرمش چنین می گوید:

است. ترس و اضطراب وجود ندارد. هر

کدام از جان مایه گزانته ویرای بیروزی
و بیروزی حاضر به قربانی و اینار هستند.

بروز عملیات نزدیک است آهاده شودید به
ساعتم میگردم، به دفیقه فرصت زیستادی

است سرعت نظر به وظایف تقسیم شده

خود و عساکر دل بر شیام و تجیب خود را

تجیز میکنم، اوامرداده شده است ساعده س-

شروع مشهود. هر کدام ما، هر عسکر ما

همچو کوهی استوار و متنی کام بر هیداریم
کوچکریدن ترددیدی، ذوقی اضطرابی، اندگی

عقب نشینی بیلی در پشت سر خود ندارند

زیرا این حرکت متوفی است که باید بیروز

شود. لحظه بی ازحرکت دیگر گون گشته

تاریخ است، آغازی است، جنبشی است

زمزمه خلته است، برق توری است که خبر

از رعد میدهد که دنیا دا هیل زاند و

طوفانی و میسیکه از دل بر باز در وجود شان

لانه گرده است و به شکل عقدنا بزرگی

میسازد



چرا دفعتاً برك هيز نند
عرضم ایست که در پیماری موادر برق
زدن آنی موثر فاجعه بار می آورد و اینک
من چشمید خودرا مختصرآ شرح میدهم.
البته فاجعه ایکه در موثر سرویس لینولایت...
رخداد کدام تصادم ترافیکی نبود ، دربور
برک زد بخاطر اینکه گوستنی دازیر عزاده
نکند ولی راکین موثر بشدت تکان خوردند
واز جمله یکی از راکین موثر که نصوار
انداخته بود به اثر این تکان محتویات دهان
خودرا قورت داد ... لطفاً به دربوران بگوئید
تا انتظور ناگهانی برک نزند و باعث قورت
شدن نصوار دهن کسی نشوند .
غلام قاروچ احمدی

به خواستگارها بگوئید
پدری هستم متوسط الحال که درمشکل
عجیبی کیم آمده ام . دختر کوچکترم اندکی
زیباتر بود و خواستگاری آمد و تضادی
ازدواج کرد ، من هم قبول کردم و دختر
کوچک را که هزده ساله بود بخانه شوهر
فرستادم حال دختر بیست ساله ام کوزه را
یه کاسه میزند و کاسه را به چمچه و چنان
رادیو درامی در خانه بربا کرده که چه عرض
کنم ، لطفاً به تمام خواستگاران عزیز کوشید
نمایند که اگر بخواستگاری دختری میروند
خوب دقت کنند که آن دختر دختر بزرگتر
باشد نه دختر دوم و گرنه دختر بزرگتر
روز کار پدر و مادر را از حسادت خواب
میکند .

غ، ص، از سید نورمحمد شاهمه
چالاکی دسترا یاد گرفته اند ؟
این مطلب را بنویسید تا هرجعی که وظیفه
کنترول چنین اشخاصی را بعده دارند ملت
باشد . موضوع اذیتقرار است که خربوزه
فروشان فن چالاکی دست را یاد گرفته اند .
از یک خربوزه چشک میدهن و خربوزه دیگری
را «تول» میکنند . چنانچه خودم باز خوردم
و چنی بمن چشک داد ، دیدم خربوزه اش قند
واری شیرین است ، خوش شدم و گفت
«تول کو» و قنی که خربوزه را بخانه بردم «کدو
سرش شرف داشت » بایورکنید بالای قاش
های خربوزه بوره پاش دادم و خوردیدم ،
چون پول وقه بود ناچار خوردیدم دگه
پسانتر چرت زدم تاعله این ساله را پیدا
کنم ، موضوع از دوحال خارج نیست یا
اینکه خربوزه فروش چالاکی دست را داد
داشت و شور خوددنی خربوزه چشک دادگی
را بایک خربوزه کدو هاند تبدیل کرده بود
و با اینکه علاوه از چشم بندی ذایقه بندی هم
وجود دارد و خربوزه فروش زبانم دا هست
کرده و به این طریق خربوزه
ناشرین بمنظور زبانم شیرین آمده ... من را ز
این مطلب را تفہیم ، اگر شناور بفهمید !!
غلام دستگر ، ص

این اقدام دو وحدت عربیات ایر زیاد وارد
خواهد گرد و بیکار شان را با اسرائیل قوت
و قدرت بیشتر خواهد بخشید .
دو هر صورت با آنچه گفته آمد عجالاً درحالیکه
شرقيمانه روزهای داغی و اسپری میکند یگانه
امیدی سفر کورت والدهایم است تادیده شود
که آیا اسرائیل نرمس نشان میدهد و یا به
لجاجت گذشته خود ادامه دادن میگواد .
اگر این سفریه یک نتیجه نسبی هم برسد .
امیدل این بعران از طریق صلح قوت خواهد
گرفت در غیر آن عرب ها جنگکه خود میگویند جز
جنتک راه دیگری نخواهند داشت .

روزهای داعع در شرق میانه

محمد بشیر رفیق

های بزرگ اسرائیل را وارد سازند . تاظریق
را برگزیند که در آن روزه صلح نمایان باشد .
دوینجایی شک نیست که دو ابرقدرت امریکا
جنان یعنی اتحاد سوری و ایالات متحده امریکا
عروس طالب صلح درین منطقه هستند . امانتهای
شان در مرور صلح تمايز فراوان دارد .
درحالیکه مأموریت گوناریارنیگ سفر کبیر
مسایل شرقیمانه به شمال مساله فلسطین و
حقوق مردم آواره آنکه هست اساس
این بعران را تشکیل داده است حل گردد .
ایالات متحده تاحد زیاد از تقریبات اسرائیل
پیروی میکند . ولی هردوکشور در اعمال و تطبیق
فصله نامه هرچند روزنیه دارای ادامه مأموریت
بایرنیگ آمده سازد .

درین روزها باز بعران شرق میانه توجه
محافل خبری و سیاسی جهان را بخود جلب کرده
است .

در هفته گذشته اسرائیل باربودن یک طیاره
ملکی لبنانی که در گرایه شرکت هوای پیمایی
عراق بود . بیکار دیگر چه هزئت خود را انسان
داد . این طیاره بیانی که در تاریخ دیوون طیاره
هایی سابق است ، مسافت هوایی که در جوار اسرائیل
میانه مخصوصاً کشورهای کشورهای میانه مخصوصاً
قرار دارند . با خطر جدی هواجه ساخت . تاکنون
طیاره هایی که در بوده شده عموماً روی مقاصد
خاصی که دارد ، چنان توجیه کرد که گویا میخواست
میانه از طرف یک عدد اشخاص صورت گرفته
است . ولی اسرائیل به سوی دولت بهاین
کار آغاز کرد و جالب این است که موشی دایان
وزیر دفاع اسرائیل این عمل خود را با منطق
خاصی که دارد ، چنان توجیه کرد که گویا میخواست
خارج حبس رئیس جمهور خلق فلسطین را که
قرار بود درین طیاره سفر کند بیراید ؟

شورای امنیت مؤسسه ملل متحد بسیار
اولین باربودن اینکه وینوی امریکا بکار وود
اسرائیل را بعطا این عمل شوم آن به شدت
تقبیح کرد ، وبلاوه یعنی عضوایم این شوری
که در اعلی بزرگترین قدرت جهان را تشکیل
میکنند ، تیزی صورت اتفاقی عمل زشت اسرائیل
راد طیاره بیانی به سوی دولت تقبیح کرد .
این عمل اسرائیل در واقع بیکار دیگر معاف
درین روز طیاره سفر کند بیراید ؟

کورت والدهایم در وقتی تعیین گرفته است
از شرقیمانه دیدن کند و مذاکراتی با اولیای امور
ناظران سیاسی عقیده دارندگه کورت والد
عرب و اسرائیل اعلام بددهدگه هیچ داشی برای
عایم در این تعاس های دیگری بادو قدرت بزرگ
صلح درین منطقه وجود ندارد . جزاینکه کشور
بعران هندوچین که تاحدی زیاد رویه پایان
میرود بعران شرقیمانه در واقع یگانه بعران
بزرگ جهانی امروز است که هر روز احتمال
یک جنگ بزرگ در آنجامی روود . طبعاً دوچین
جتنی کشور های بزرگ جهان بی علاقه هاند
نمی توانند . عرب ها عجالاتی یگانه وسیله که
در دست دارند و می توانند از آن راه بردو
خرم مخصوصاً ایالات متحده امریکا فشار وارد
آورند تا سیاست نرم تری را دارد بعران شرقیمانه
در پیش بگیرد نفت است . اگرچه یک روزنامه
سویا لیست فرانسه نوشته است که انگلستان
و ایالات متحده امریکا مساله نفت واستفاده
سیاسی از آن را خیر مورد بررسی قرار داده
و بلانی طرح کرده اندکه اکثر کشورهای عربی
امریکا و کاودول غرب دا زراه نفت تهدید کنند .
میدان های هوانی و مناطق ستراتیزی آن کشور
هارا بوسیله قوای نظامی اشغال گشتند . اما این
بلان دوچیان امروز بیشتر جنبه تخلی خواهد
داشت . اگر مسافت کورت والد هایم ، هاند
دهوریت بارین گذر پسر فیلانه ناکام گردید
روزنه امیدی برای استقرار صلح درین منطقه
از طریق دیلوهایی باقی نمی ماند و آنگاه عرب
های از این نفت را در حمل این بعران مورد بررسی قرار
دهند .

زیرا بقول اکثر ناظران قرارداد نظامی ایکه
بین هصرو عربستان سعودی امضاء گردیده
کشور اخیرالذکر دابش از بیش دوین بعران
که مانده است و علی الرغم نفوذ امریکا مردم
سعودی مایل اند دریکار عرب هادر مقابله
صبویزم سهم بیشتر بگیرند .

بازدیدیکی و همیستگی بیشتر با دشمنان مشترک
خوبیش که عبارت از عقب ماندگی اقتصادی
انحطاط فرهنگی بیرونی و اسلامی میباشد
مبارزات آگاهانه ، جدی و پیکر بینایند و از
تجارب همیگر درین راه استفاده کنند .

خود را تحلیل مینماید ماخودرا درین خوشی
با این این کشورهای اندیزیا بی خود سبب میدانیم .
و آزو داریم تامنایی دوستی و علایق
برادرانه بین دو کشور تورم مزید باید .
و همچنان توقع میناییم تاکشور اندونیزیا
در مساعی خود برای ساختمان یک جامعه مترقبی
بودند برقرار سازد .



روزهای اندونیزیا

دین و زادگی مصادف بود با روز ملی اندونیزیا در همین روز بود که کشور اندونیزیا بعدها میباشد ۱۹۴۵ آزادی خود را بست آورد و به استعمار مولوانی هالند در آن سیزدهین خانه داد .

اندونیزیا بعدها حصول استقلال با طرح
برگرامی اکتشافی و دنیال نمودن یک
سیاست مستقل و آزاد مجاهدت کافی بعمل آورد
تابرمشکلاتیکه زاده استعمار بود پیروز گرد
و معضلات کوناکون اقتصادی اجتماعی و فرهنگی را زیان پردازد .

کشور اندونیزیا که در حدود ۷۲۵۳۴۰ میل
مربع مساحت دارد ، متشکل از ۱۳۶۰ جزیره
میباشد .

اندونیزیا باداشتن ۱۲۰ میلیون سکنه از
لحوظ نفوس از بزرگترین کشور های اسلامی
میباشد و از لحوظ کثرت جمعیت در جهان به درجه
پنجم قرار دارد .

علاقو و ارتباطات دوستی بین افغانستان و
اندونیزیا از دیر زمان پایانی طریق موجود است .
در سال ۱۹۵۵ که اولین اجتماع کشورهای
آسیایی و افریقایی دریاند و نک اتفاق دیگر
افغانستان از جمیره های ممتاز در آن اجتماع
بشمار برگشت و دولت اندونیزیا میزبان نخستین
اجتماع کشور های آسیایی و افریقایی بود .

کنفرانس باندونگ و چهارمین مشترک کشورهای
آسیایی و افریقایی را روشن تر ساخت زیرا
اکثر این کشورهای شامل لست مالک در حال
رشد میباشند . و به نحوی از اتحاد دوره از
استعمار را بیشتر سر گذاشته اند .

اجتماع باندونگ این حقیقت را آشکار تر
ساخت که مشکلات کشورهای آسیایی و افریقایی
تقریباً باهم مشابه است و این کشور های متواتند

راپورتر جنایی گزارش میدهد روزنامه

پاره حادث

چهره جوان کمی غمکین به نظر و پنج ساله خود نشانه میگیرد ..
میرسد، بیکاری او را رنج میدهد عبدالله برادر کوچکتر میکو شد
 ساعتی باست بدنبال پول از جایی به تامانع اینکار شود ولی اولین گلوله
جایی گشته وبالاخره به اینجا آمده.. اورا از پای درمیاورد ... گلوله دوم
پدر بابی میلی به گفته های پسرش فاصله کوتاهی را در اتاق طی میکند
کوش میدهد محمد ظاهر جوان (۳۵) و در شقیقه پدر میشیند ... او هم
ساله میگوید :

- من بیکار شده ام، پول ندارم ...
پیدا کند بزمیں میافتد متعاقب آن
ولاد هایم ... زنم ... همه پریشان
مانده ایم ... تا کمی پول برایم بدهید
سومین گلوله در فضای اتاق رها
من دکان لباس شوی خودرا بازمیکنم
و باز پول شماره میتم پدر حالت
غمکینی بخود میگیرد .. لحظه بی
فریادی میکشد و بزمیں میافتد ..
زنان و اطفال فریاد میزنند ...

وحشت زده به هر سو میدوند و
همسایه ها را به کمک میطلبند ...
قاتل لحظه بی به اجساد پدر و
برادرانش که درخون غوطه ورند
مکوی شان فضای اتاق کوچک و قدیمی
مینگرد آنوقت ناگهانی متوجه میشود
ساز را پرمیکند ... برادران دیگر هم که مرتکب چه عملی شده است .
به اتاق میایند ...

فریادی میکشد و همانجا می نشیند.
مدتی بعد گفتگوی پدر و پسر به
نشاجره بی شدید مبدل میشود تا
آنجا که محمد ظاهر به سوی الماری
و وحشت بیرون نیامده اند .. وهیچ
میلود .. تفنگچه پدرش را پر میدارد
کدام نمیدانند که چه کنند ؟
بسی حاجی عبدالواحد پدر پنجاه همسایه ها تک تک بر بام اتاقها آمده

چطور موضوع کوچک فامیلی باعث
حادثه رقت انگلیزی میگردد
این جوان پدر و برادرش را کشت و برادر
دیگر را شدیداً مجروح کرد ...

عبدالله برادر کوچکتر میکوشند تامانع
برادرش شودولی، اولین گلو له اورا
از پای درمی آورد.



14/5/52

465

دوجره از قاتل

اولین گلوله عبدالله را از پای در آورد و دو میں گلوله در شقیقه پدر نشست

قاتل لحظه‌یی به اجساد پدرو برا در ش
مینگزد و آنوقت ناگهانی متوجه می‌شود
که مر تکب چه عمل و حشتناکی شده‌است



این دونفر در همین اتاق کشته شدند

به شفاخانه انتقال میداد دستگیر «جروح شده بود فعلاً از حالت کوما کردمیم... او در تحقیقات ابتدایی بیرون شده و در شفاخانه بستر منکر قتل برادر و پسرش شناور اظهار است.

بولیس می‌کوید تا حال اسلحه بدلست نیامده وجستجو برای یافتن تفکیجه ادامه دارد.

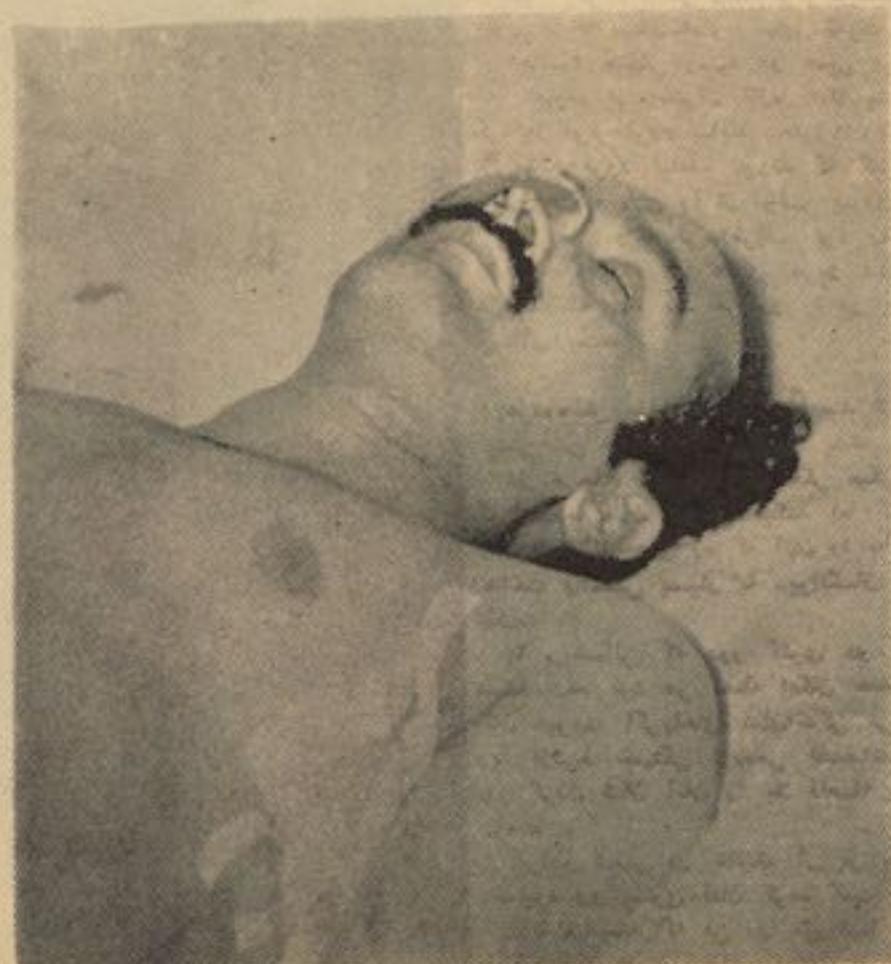
ادامه یافت به عملی که انجام داده بود اعتراف کرد و اعضای خانوode نیز بقول بولیس انگیزه این حادثه گفته های او را تائید کردند. رقت انگیز علاوه از موضوع بول، کشیدگی های فامیلی نیز بوده است.

- حاجی عبدالواحد پدر قاتل و قاتل تحت نظارت بوده و تحقیق عبدالله برادرش در راه شفاخانه موضوع برای روشن شدن حقایق وفات گردند و محمد طاهر که شدیداً جریان دارد.

محمد طاهر

اند و محمد ظاهر را می‌بینند که صدای (آذین) موتور های پولیس در کوچه های گذر «تئور سازی» طین میاندازند ...
بردوش گرفته و از خانه بیرون می‌شود ..
دیگران تازه بخود می‌باشند ... مرد ها جسد حاجی عبدالواحد و عبدالله جوانش را بسوی شفاخانه میبرند و زنان ضجه و ناله سر داده به هر سو میدونند ...

بولیس چه میگوید؟
ما قاتل را تزدیک شفاخانه در حالیکه جسد برادرش محمد طاهر را روز پنجشنبه رانشان میدهد که دقایق یکی بی دیگر می‌گذرد ...
عقربه های ساعت ده قبل از ظهر روز پنجشنبه رانشان میدهد که



طاهر که زخمی خطرناک بود

انگشتان اینه دخون

موقع یاد داشت در ترتیب نمره هاشمی‌باشی
دخن داده بادش وی در هر صورت باید موثر
نمذکور دستیاب گردد.
یک هفته گذشت وی از سوزان و جورجیا
ثروی مشهود نگشت.

بی کلایتی هاعورین پولیس در علم کشف
مالک موثر داتسون خوصله و شیکیا بی مادر
سوزان را به تحلیل رساند و نزدیک بود
ایوانه شود بالآخره خودش رفت دفتر پولیس
شروع به بررسی و تحقیق دفتر ترانیک
گرد.

بالا خبر بعد از گزشت ماهها هاعورین
امنتی دریافتند که موثر داتسون به چه
کسی ارتباط دارد به این معنی که موثر
به شخصی بنام گوارد چان شپرید مربوط
بود و نامبرده در هشتاد میلی اوک لندنارک
دریکی از عمارت کراپی سرمهیرد.

این شخص به اتهام جرم که متکب
شده بود دوران یک میال جمیس خود را در
محبس آن محل میگذشتاند.

قضیه اتهام وی نیز جالب بود:

در یکی از روزهای ماه جولایی دخن موی
سیاه شانزده ساله و نانسی هجده ساله که
گیسو هایش تا کیوش هیرسید در حاشیه
سرکن که کمتر مورد استفاده ترا فیک قرار
میگردید و در حومه هوجینی سین قرار داشت
منتظر بودند تا موثر از آن محل بگزد و
آن را از آنجا بر دارد.

دیری نگشت که موثر به را نندگان
گوارد شفیر گنار ختران نوقف کرد. این
شخص لیام ملک قریب‌پراین داشت گیرادشپرید
در حالیکه هردو دختر وادر موثر دعا
ببور از یک سلسه سرکهای خلوت بالآخره
در حاشیه جنگلی رسید در همین موقع بود
که نامبرده از دختران تازه آشنا یشن تقاضا
کرد از موثر فرود بیایند. هنوز ان دو دختر
از موثر فرود نیامده بودند که گوارد دو
عدد ولجک فولادی را از موثر بیرون کشید
رهنوز آن دو دختر اطراف خود را پسورد
بلندشده که در دستهای هردو دختر ولجک
ها انداخته شد بعد هر دو را در درخت
کشته‌ای بست.

هر دو دشمن مقاومت را سودمند ندادند
منتظر سر نوشت خویش گردیدند.
در مرحله نخست آنان نفر میگردند که
گوارد با آنان شویخ میکند اما گوارد
دست به کارهای زد که آنان را به وحشت
الداخالت و عملش پسیار به دیوانگان شباهت
داشت.

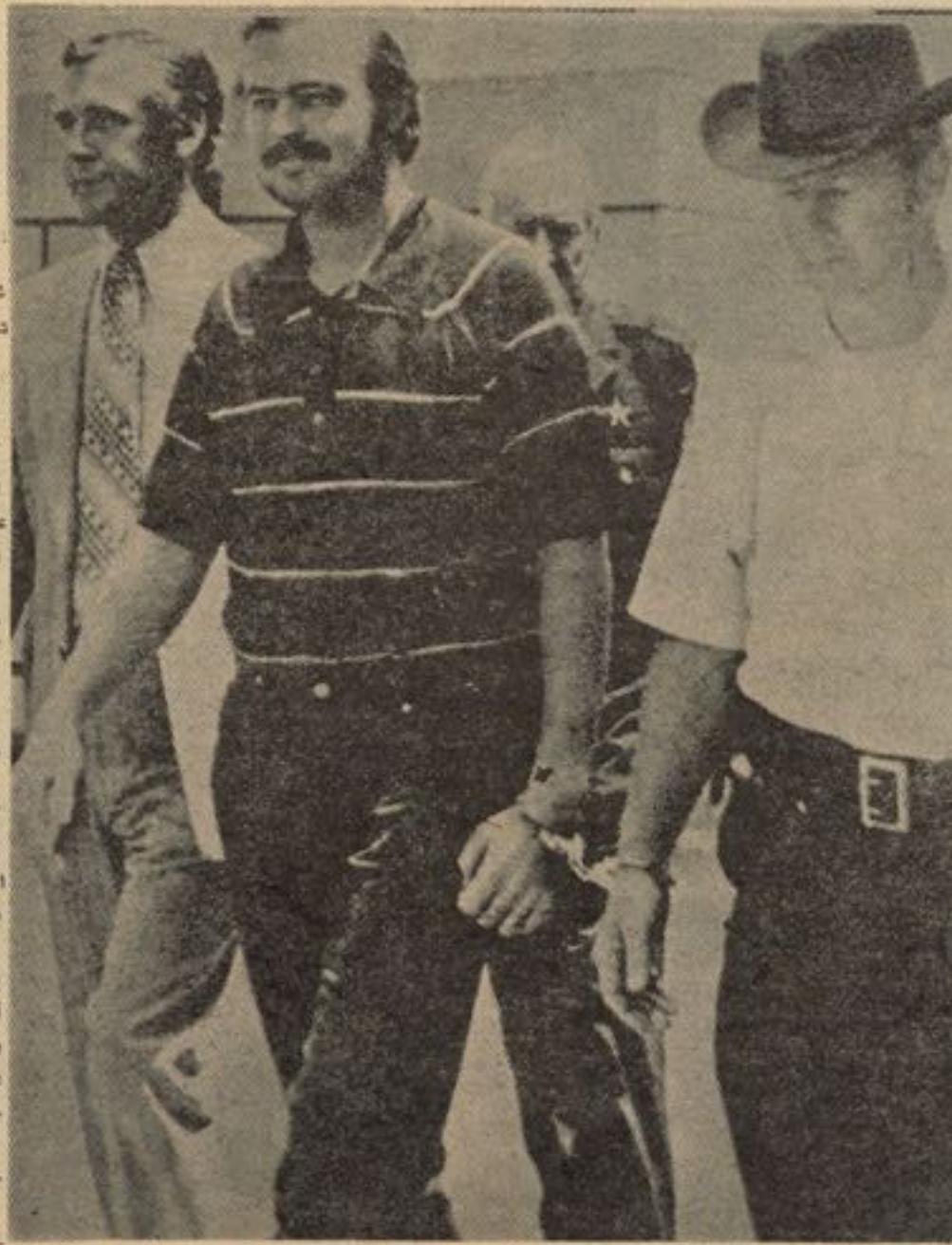
با رسماًی که دور گلوی دو دختر
بسته شده بود هر لحظه امکان خله شدن
آنان میرفت اگر یا های شان اندکی می‌لغزید
و یا از گرفت خستگی زیادی نشستند رسماًی
دور گرد شان آنان را بلا فاصله خله می
ساخت.

گوارد شفیر در حالیکه از این منظر
حطمیزه رو پسوند آنان گردد گفت:
آیا می‌فهمید که من در حق شما چه کاری
خواهیم کرد؟

جهن از طرف دختران جوانی نشید خودش
بجواب سوالش پرداخت.



نائسی ترو توکه از تله فیلم زبان به
سلامت بود



مأمور تنظیمه سابق گوارد شفیر که ۲۷ سال از عمرش میگذرد هنوز هم می‌خندد، در حالیکه اورالزمجیس چهت محاکمه می‌برند. اویکی از جنایتکاران خطرناکی‌هایی داشت دریک پریکس از نزد او البسه‌واشیایی را پیدا کرده‌است که متعلق به شش تن از قربانیان او بود.

**درفلوریدا خطر ناکترین قاتل عصر گرفتار شده و
پولیس در صدد است پرده‌از فجیع‌ترین حادثه قرن
بردارد.**

لوسیل پلاس یکی از روزهای پرخاطره
خواشنا در زندگی هرگز قراموش نمیکند.
درجه حرارت آنروز فوق العاده کرم بود.
و بعد از طیور به متنهای شدت خود رسیده
بود.

این کندیشن اطاق هوای تفت‌آلود و گرم
را داخل خانه می‌ساخت و موثر های تیز فشار
که در فاصله صدمتری عمارت قرار داشتند
بیون شبای تاقب بیک پارچه آهن مذا ب
تبدیل شده بودند.

ساعتی بیک بعد از طیور روز مذکور بود که
سوزان دختر موی دراز و بلونه ۱۷ ساله
از مکتب عازم خانه اش شد.

وقتی دختر و مادر پشت میز خدنا قرار
گرفتند دختر به مادر ش گفت:

بعد از صرف غذا قرار است یکتن
از دوستان مراهه ساحل ببرد آنها در نظر
است عده گیتار بتوانند.

ساین دوست توکه ترا به ساحل می‌بردجه
کمی خواهد بود و چه نام دارد.

وی به جبری شپرید معروف است.
هنوز صحبت مادر و دختر پایان نیافات
بود که شپرید باموت داتسون خود جلو
منزل شان نوقف کرد.

هر چند شپرید در نظر مادر سوزان
می‌موقر و محترم جلوه می‌نمود اولی در هر
حال مشکل بود قبول نماید که دختر بسی
تجربه و خرد سال او را مرد بیگانه ای در
برابر چشمانتش به محل رقص و آوازخوانی
ببرد.

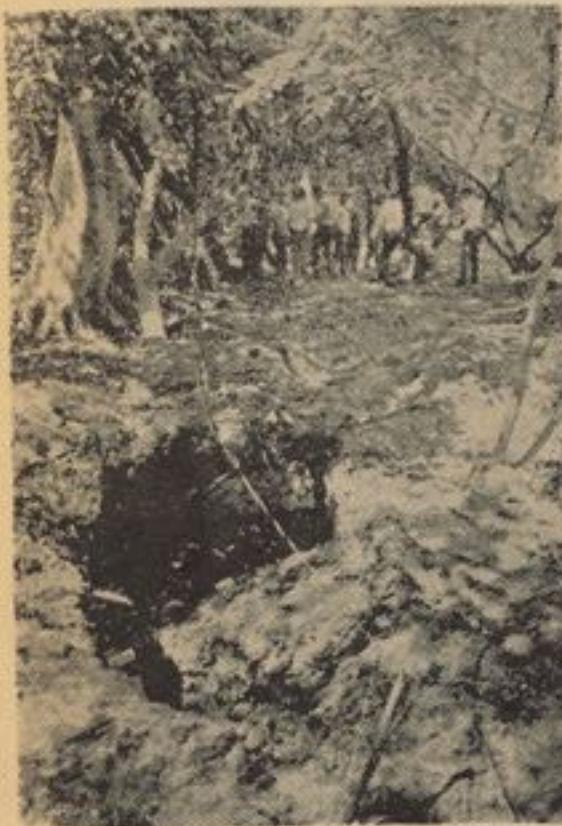
وقتی که سوزان سوار موثر شد و موثر
از خانه وی فاصله گرفت مادرش در کتابچه
باد داشت خود برسیل پلاس در
گرد - فلوریدا - ۴۲۰-۷۱۲۸.

پسیار احتمال دارد که لوسیل پلاس در
آلر عجله‌ای که داشت در موقع باد داشت
نیز پلیت برخی اعداد را پس و پیش نوشته
باشد.

این اشتباه بعد برای دوایر امنی و
پولیس مشکلات زیادی بار آورد.
شام همانروز جورجیا جوزیب خوا هر
خوانده شانزده ساله سوزان دختر موی سیاه
و در زمین لیز شانه ای وا که در آن
بیرون می‌برد ترک گفت.

چون نه تنها سوزان بلکه خواهر خوانده
اش نیز شب به منزل بر نگشته‌است لاجرم والدین
آن را پولیس مراجعت کردند. آنان توقع
داشتند که پولیس بلا فاصله دست به فعالیت
خواهند و دریک ساحه وسیع به جستجوی
گشید گان خواهد پرداخت وی این امیده
از نزد او البسه‌واشیایی را پیدا کرده است

۳۲ دخترو آلو داده!



خود نشان بدهد گفت :

خواین همان جوانی است که دخترم را در یکی از روزهای گرم تا سستان یامور داشت و خود از جلو نظرم بود. یکنون از مأمورین قضایی به نایمه حرف های مادر سوزان گفت ما هم فکر میکردیم این همان جوان مظلوم و گمراهی ما خواهد بود.

منزل مسکونی شیرد دقیقاً نلا نسی کردید ولی کوچکترین وسیله که بتواند اختلاف دختران را نات بگرداند بدست نیامد.

هندوز چارروز از گرفتاری شیرد نگذشت بود که یک بر خورد اتفاقی کار مامورین پولیس را در گفت حقوق خلی آما ن ساخت.

قضیه ازین قرار بود که جنه صد هزار دور تر از محلی که شیرد بولا و نانسی را به درختی سسته بود شخصی که معمو لادی سواحل شناور انسای گشته میگردد یک تعداد یاریه های استخوان انسانی را کشف کرد. هر ایاب به پولیس گذاشت داده شد و بلا خاصیه یک یوت قوای پولیس منطقه مشبوه را تحت محاصره گرفته و لوازمی را جمع آوری کردند که بعداً به اثربحث معلوم کردید مریوط به جور جبا و سوزان میباشد. درین موقع بود که نه تنها منزل رفته مخربات نکه باز املاحته کردند عبارت از یک سلسله انسایی تشکیل میداد که با

گودالی که اجساد دودختر جوان ماه ها پس از مرگ شان پیدا شد

اما در منزل مادر شیرد بکسای بست آمد که گفتند به پسرش تعلق داشته رفته مخربات نکه باز املاحته کردند عبارت از یک سلسله انسایی تشکیل میداد که با

باقی در صفحه ۹۵



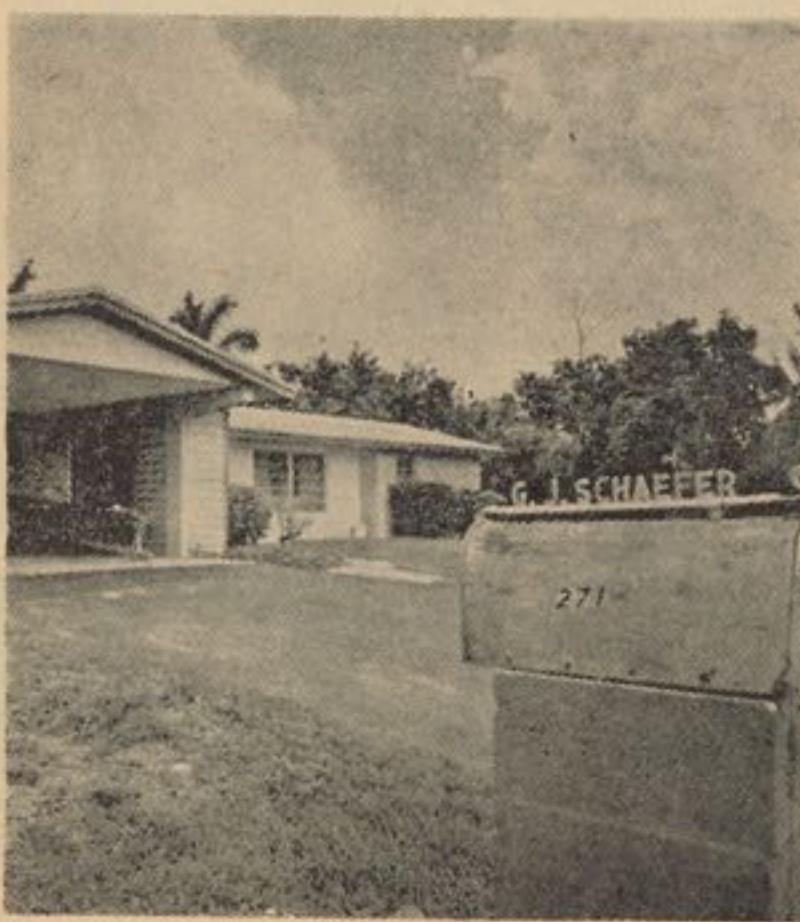
سوزان پلاس و جورجیا سوب (از راست به چپ) آخرین بار باشیفر دیده شدند ولی چند

ماه بعد اجساد آندو در گودالی پیدا شد من شما را به برد زوشان فروخته ام من بخواست محض بدختران عملای شان بدhem که سوا رشیدن در یک موئر بیکانه و حالا معامله گران فرا همیستند و کار شما به عوایق و خیمی بدبای خود دارد. دیگر انجام می پذیرد. گیرارد شیرد ربع ساعت دیگر آین منظره را ورآورد از کرد بعد به همین سبب شما همینه که حتی یک هر روز شوار شد و از محل به سرعت بسیار گردید.

ازین همراهی یوره سه ساعت گزشت تا پلاس و نانسی توائیسته خود را از پنهان آزاد نگردانند.

در حملیه هنوز ولچکسای فولادی در دستهای شان بود به اولین آبادی خود را رسانندند و لیس شیرد وقتی ازین جریان آنها شد فوراً او را از وظیه اش برکنار گرد. از جانبی هم به اثر تعقیبات پولیس تحت تعقیب قرار گرفت.

طرز دفاع شیرد خلی جالب بود جنابجه سوزان وجود حیار هرگز نمیشنا سد معهده و قنی شیرد قرار گرفت در برابر کردند مادر سوزان رو بر و سوالات و کلامی مدعی العموم اظهاردادند که ایندو دختر شناس داشتند که گرچه در دام شیرد افتادند و شیرد رشمه هایی را بدور گردند



271

درین عمارت مادر شیرد زندگی میکند او تمهدانست که در همین عمارت انسای متعلق به قربانیان پسرش رویهم ایشانه شد هاست



آنها محکم کرد اما آنها موفق به نجات خود شدند.

عکس نه

کمانت به چند؟

وقتی عکاس روندون این بیر مرد کو ز پشت را دید بیاد شعر معروف افتد که :

تازه جوانی ز سر ریشخند گفت به بیوی که کمانت بچند؟
بیر بخندید و بگفت ای جوان دهر ترا نیز دهد رایگان!
اما همینکه با او نزدیک شد و مخصوصاً «کمان» پشتش را بدقت نگریست متوجه شد که این «کمان» بیری نیست، بلکه اینان لوازمیست که از بازار خریداری نموده و بخانه می برد!



هر گونه نه!

در جمله بلند بالائی که در لوحة سخن رستورانت «نقش شده است کلمه «هر گونه» در جلو «کباب کرابی» بهمان اندازه باعث تعجب میشود که چا ینکی از «چای» ازیرا تاکنون «چاینکی از گوشت گوسفند و چای» را نمیده، نچشیده و نه شنیده ایم. البته این ابتکار سخن رستورانت باید از نظر کیمیا اثر مفتشان بشاروالی دور نماند!



روندون

از داخل

نیا یش برای پیروزی جمهوری



از تاریخ استقرار رژیم جمهوری در کشور، در هر گوش و گناه مملکت نشاط و سرور بی بایان دیده میشود. هر کس و هر صنف از مردم، بزعم و قدرت خوبش از این دگر گونی میمتند اثر استقبان میکند.

عکاس روندون در این میان از یک بیر مرد و جوان ۱ ین عکس خبری را بر داشته است که در حال نیا یش برای پیروزی نظام جمهوری هستند.

بولانی و متوا در رهگذار گردوخاک

این عکس از یک گوشش دکان «بولانی و کباب متوا» بر داشته شده است که بر علاوه هجوم مکس بدرو دیوار و پتو سهای آن گرد و خاک نیز یک لحظه از سینماشی دست بر نمی دارد. اگر رو غتیا پال های بسیار والی توجه نکنند، بدون تردید صحت و عافیت مشتریان این دکان و نظایر آن را که در شهر ما تعداد شان کم نیست در معرض خطر قرار خواهد داد.



او خبرونه

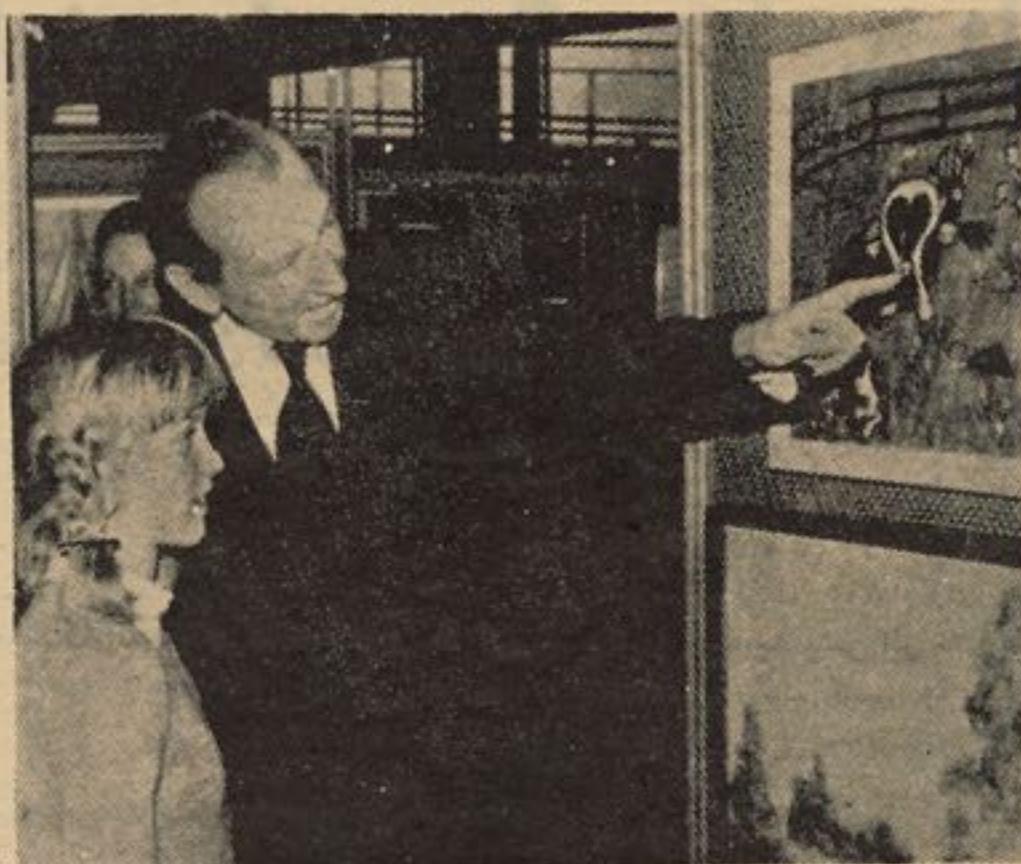
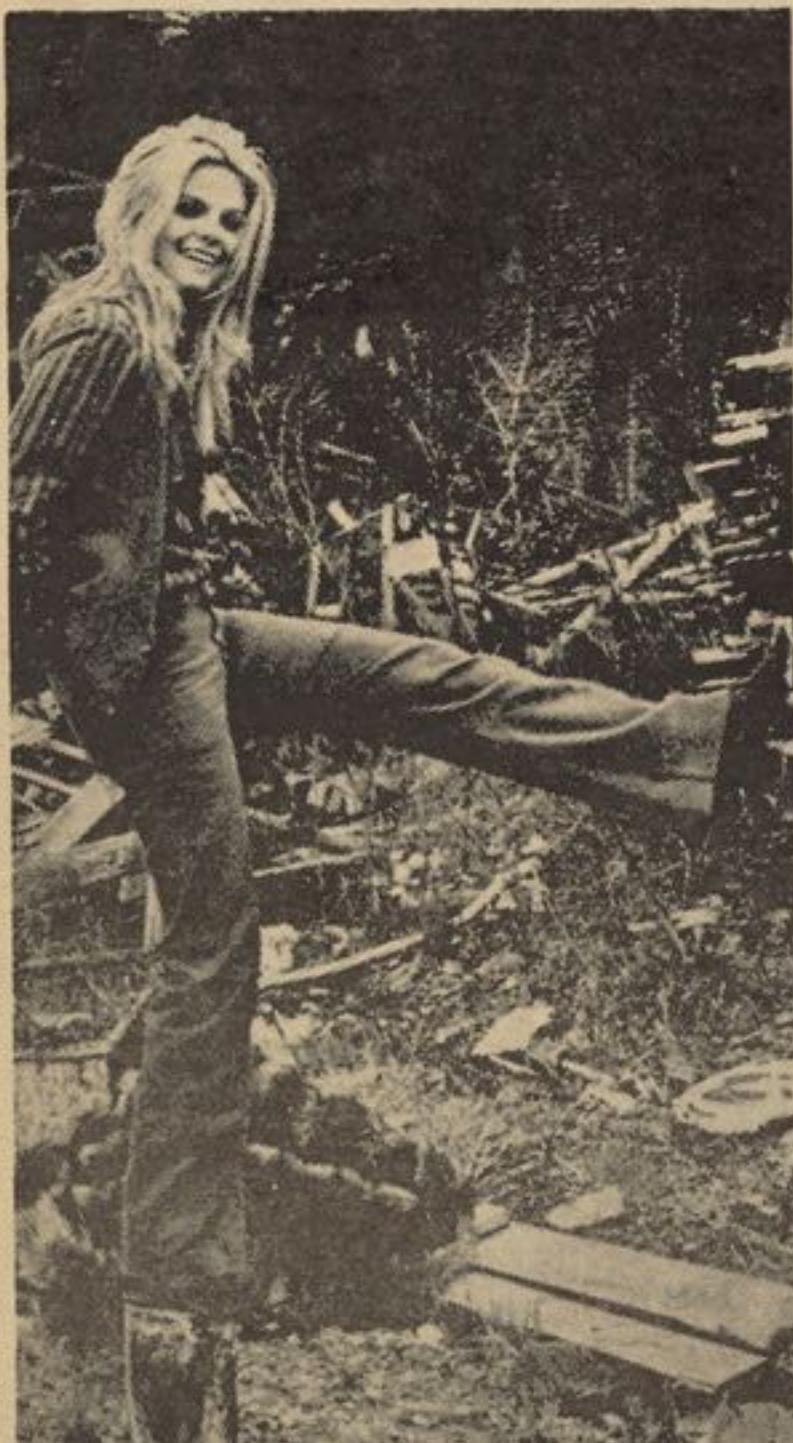
یکصد هزار طفل نقاش

درخارج

سیلو یا بجای سو فیا

سیلویا دیر نیسیو، هنر پیشه‌بیست و دو ساله ایتالی‌که از زیبایی کافی نیز بر خوردار است با وجود عمر کم از مشاهیر جهان سینما شده و تاکنون در بیش از دوازده فلم جهانی رول‌های اول را بعهده داشته است.

یک کارگردان معروف امریکا بی‌در مورد سیلو یا گفت که:
 « باو نقش‌های را خواهم سپرد که ده سال پیش آن نقش‌ها را سو قیالورن بعهده داشت » .



آخر اندارتو نی از آثار یکصد هزار کودک نقاش از ۲۷ کشور جهان در عمارت مو سسنه ملل متحدد نیویارک دایر شد. در این اندارتو نی که به نفع صندوق یوس نیسیف «مو سسنه حمایه طفل» دایر شده بود، آثار نخبه اطفال بنما یش گذاشده شد.

در جمله کسانی‌که از این اندارتو نی دیدند، سر منشی مو سسنه ملل متحد بنای غلی کورت والدها به نیز شا عمل بود. این عکس دکتور والدهایم را حین مشا هدایات تابلو و مذاکره با نقاش آن نشان میدهد.

ورزش‌های تعلیمی

یک سایکل سکی با زان جهت ادامه ورزش زمستانی با استفاده از امکانات دیگر از طرف کمپنی فرانسوی بنام «کوب میتال» ببازار

عرضه شده است این سایکل دو توتنه را میتوان بالای جاده‌ها و تپه‌های ریگی که سنگهای کلان و جفل زیاد نباشد مورد استفاده قرار داد.

کسانی که سکی بازی بلد باشند در ظرفه چند ساعت استفاده از سایل آنرا می‌آموزند. سایل سکی «سکنی رولر» به دو نوع عرضه می‌شود. قیمت نوع ساده و سبک آن برای کم وزن‌ها بالغ بر ۱۱۰ مارک بوده و نوع قویتر آن دو چند قیمت دارد.



دھوانوردى تاریخ ته یوه کتنه

افسان دله ندوی خل دپار

اوزور چه غوبېتىل بى دىوە وا قى
الوتىنى نندارە و كىرى، دغره د لمنى
خواتە نزدى كىيىدە چەند نىرى
دھوا نوردى، دەپەر لۇرى سىرى
سەرە مەركە و كىرى .

دوى ھەختە خەنلىقىندا تەورسىدل
چەھەنە لە خېلى الۇ تكى خەخە خان
خلاصاوه كال ۱۸۹۵ ۋاؤ لىلىنتا ل
تابىتە كەرە چە بشەر الۇ تلای شىھىتى
پەداسىي وخت كېنى چە هيچا ددى
ھەخەنە وەكىرى چە يۈرۈمچى لەونكى
الوتونكى ما شىين جورى كىرى .

لۇمۇرنى خېرلىكى نكىچە الۇ تكى
نە نزدى شوئۇ ۋۇو يە: «بنا غلى -
لىلىنتا، دېچىل دەغە عجىب-ب
ماشىن پەبارە كېنى خە ووايە» .
او تو لىلىنتا خېل وارخطا غوندى
نندارچى تە مو سكى شواو وىويلى:
مدازماد دەۋە وزەرە الۇ تكە دە دا خەكە
چە يۈلاندى او بل پاسنى وز دۇنە
لرى .

۱۳۲ لەپەر نوم مى وربانىد ئايىنى
او تر اوسە مى درى دەۋە وزەرە الوتىكە
جوئە كېرىدە چە دوزرۇنۇ اندازە بى
۱۰۵،۱۸ رى - ۲۰ مى بىع مترو تا
رسىزىي . دەغە الوتىكى ئىرى ئىنگى
دى چە پەخىلەزىمادپارە دەتعجىب و پەدى .
ماپە يۈرە ساعت كېنى د ۲۵ مىل
باد پەھرىيان كېنى الۇ تە كېرى يە .
لەچە تاسى دەغە صحەنە و لىدە .
او، دەغە دى عکاسى ، ھېلە لەم چە
عکس موبىنە اخىستى وى ملگە يە!
«او تو لىلىنتا ل «نىسبتا غلى او
متواضع سرى ۋە خود اھىلە ورسەرە
وەچە خېلى اختراع شاوخواتە خېرە
اونور خىل دى تە تشويق كېرى چە
دەغە راز تېرىبە سىرتە ورسوی .
ترىدە يخوا زىياتو خلکوھەخە كېرى
وەچە وا لۇزى ، دوى زىباتە مەرە يَا
تېيان شوئۇ ۋە مكىر او تو لىلىنتا لە
نوو فضا نوردا تو خەخە ۋە دەغە
مسىك يەدقىت او علمى افكارو سەرە
تعقىب كې او دەغەزورە خېرە دالو تو
دپارە دەغە دەزم مانع و نە گرخىدە .
حتى لە ھەختە وختە را هىسى چە
او تو لىلىنتا بە ۱۸۵۰ كال كېنى
لۇنىدۇ

حتى ھەختە چەھەلکە، «او تو لىلىنتا»
ھېلە درلۇدە چە دەرمە چەشان فضا تە والۆزى
داھە ھېلە وە چە دەلېرە بىرخە يىلاس تە
راوستىلە .

«او تو» پەخپەل شاھىكار سەرە دھوانور دى
دەپەرمان نوم و گاتە .



او تو لىلىنتا
«وەدرىپە بىاغلى لىلىنتا ، يو و لە فضا خە دەغە الۇ تو نكى
شىبە و گورەءە دا ھەنە جىمىلى وى پېلىوت يەلوي آواز داسى خواب ور كې او بە خوشالى سەرە يىچىغە و كېرە:
جە عکاسىن تەن خېلە يەنەو تورو جامو: «زە خېل زىيات كو شىش كەم دەپەر بىنە! ماعكسىن وا خىست»، خو
لاندى يەلوي آواز ادا كېرى . دە دە ملگىرە مكىر دېباد خارنە نىشم كولاي . عېچا دە دەغە غېرە توجە نە در لۇدە .
دىاسە بە يەنخۇ سىن فوتە لور والى ھەختە ھەلە تو لىلىنتا خېرى «او تو لىلىنتا» دروغ رەمت بىكىتە
كېنى دېتىنگى غوندى يو عجىب شىكل كولى، سېلى ودرىپە او دەپە سېكە كېدۈپە خەخە كېنى ۋە داسىي حال
الۇ تكە دەغۇ نىدى . بىكىتە خوا تە كېنى چە دەغۇ خېرلىكى نكىچە شور
ەغا كېنى خەرخىدە .



د فضاد ت سخیر د پاره ما موریت

خو نگه فضا ته و اوست؟



هلك و، دالو تو هيله بي در لوده . حتى دغسى يوه خيرنه دليلنتال سره، ليلنتال يهدى بريالي شو
دهاو دده ورورحتي يوداسي الوتونكى بهشان ديوه سرى دباره په مسکه چله خمکى خخه والوزى، خو دغه
جوي كرجه شپن وزرونه بي دولود كبسى هم كافى نهوه ليلنتال يووخت الوننه پيره لنده وه .
او تاكل شوي چجه ديوه مر غه داسى ليكلى و: «عفه طريقه چه مونبر دريمه الو تكه په ۱۸۹۱ کال كبسى
پهشان دخبلو وزرونو به ريو لوسره پكبسى دباد دنه انتظام سر مخامن جويه شوه . دغه الو تكه يوه لکى
هوانه والو زى . دغه تجربه نا کامه كيداي شو، يخبله به فضا كبسى د پاتى په ۹۷ مخ کى

شوه مكر ليلنتال تر خپلی مر ينسى اوسيدو له لاري مكنه ۵۵ .
بورى عقيده درلوده چهدى كولاي شى يهدى ترتيب «اوتوليلنتال» خيرنه
يوداسي الو تو نكى ماشين جويه كپى و تره، وي ليكله جويه بي كره او
جاد فضا خوانه والوزى او خپله لار والو ته . دكار به شروع كبسى «البته
دى دنورو پهشان دنا کاميرو سره خلاصه كپى .

له شهه مرغه دخيل هدف او د مخامن و دليلنتال لو مري لمبربي ما شينه
هوانوردي دعلو مو دبر مختيا دباره ليلنتال تصميم ونيوجه دخيلى بى ماشينه الو تكه درلوده او تصاد فا
پهالو تنه كبسى ناکامه نشوه . دوهمه الو تكه لکى در لوده خو په الو تنه كبسى ناکامه شوه . ليلنتال لو مري
زیارو ايست چله يوي تخني خخه دنورو علمي پر مختگونو پهشان

الو تنه چتيكه پر مختيا و نكره . زياتو فضا نوردانو هخه و كرجه الوتونكى ماشين جويه كپى خود نا کا من سره مخامن كيدل . دوي دمر غا تو دخier لو هخه و كره خو زرده دى و پوهيدل چه ددو ي د وزرو تو حر كت دوهره چتيك چجه زوره خير نه يسى مكنه نهوه . خو وروسته دعکا سى کامره اختراع شوه . دعکاسي په منځ ياندي دمرغانو دو زرونو دخو خولوا ثبتول ددى امكان منځ ته را په چه ددو د وزرو نو کاري به تفصيل سره و خيرل شى .



از طریق تفریحات سالیم،

چشم قا نو ا معالجه کنید

نموده و دقیق میشوند که کدام یک متخصصان چشم برای اصلاح و تقویت دید اطفالیکه دچار بعضی بلندتر می‌رود. گرچه یک بازی عوارض چشم از قبیل دو بینی تفتی و تفریحی است اما یک تمرين (حوال) میباشد میتودهای طبی خیلی مهم بشمارمیرود که برای چشمها دو رده اند که را بوجود آورده اند که درین حالت چشمها درین یا احوال کشف در عین حالیکه بازی و تفریح برای اطفال شمرده میشود یکنوع تداوی از نباتاتیکه در خانه ها نگهداری میشود نیز کار گرفته میشود با این میشود نیز کار گرفته میشود با این بحساب میرود.

این میتود تداوی مو فقاره دریکی معنی که طفل دارای عارضه چشم از باغ های اطفال شهر مسکو تطبیق همه روزه تحت نظر و هدایت دکتور شده و نتایج مثبتی نیز از آن پدست آمده است. درین جاده طول مدت روز اطفال مشغول بازیها و تفریحاتی نظر شکل و فورم و رنگ یکی را با دکتری مقاسه نموده و بانها دقیق استند که در حقیقت برای تداوی شان معالج رنگ ها و برگ های گل و بتنه ها را که درخانه نگهداری نموده اند از روز اطفال مشغول بازیها و تفریحاتی استند که در حقیقت برای تداوی شان تجویز گردیده و قدرت بینائی شان را میشوند. این تمرینات در اصلاح نقص چشم اطفال کمک زیاد نموده تقویت مینماید.

هر یک از این بازیها برای نوعی و طبیب معالج از روی آن درباره از نواقص چشم تجویز گردیده و اطفال اصلاح نقصیه چشم شان قضایت با مصروف میشوند. آنها باشون ق و علاقمندی زیاد بوقانه هارا پرتاب ۹۸

اطفال در طول مدت روز مشغول بازیها و تفریحاتی میشوند که در حقیقت برای تداوی شان تجویز گردیده و این بازیها قادر بینائی شان را تقویت مینماید. تداوی با آلات طبی درین واقعات کمتر صورت گرفته و اضافه تراز طریق بازیهای تفریحی بتداوی پرداخته میشود.



چکونه کمک مینما نید

بناغلی محمد داود متعلم صنف

دهم لیسه آقچه:

چاقی عبارت از یک ترا کم

غیر عادی مواد شحمی

برسینده محترم چاقی عبارت از

یک ترا کم غیر عادی مواد شحمی

تمام عضویت میباشد که در نتیجه

وظایف نور مال عضویت را مختل

ساخته و مشکلات حیاتی برای بیان

شخصی عاید میکند برای بیان

آمدن چاقی فکتو رهای زیادی

عامل بنتیه - فامیلی ارتیست همه

در بوجود آمدن چاقی ارزش دارند

فکتور عده که ۶۰ تا ۸۰ فیصد

در مورد چاقی قابل ارزش است

اول غذا است عوامل روانی و

تشویشات وظیفوی غدوت افزایش

داخلی از قبیل غده لی نخاعیه غده

در قیه و قشر محفظ فوق الکلیه و

غدوت جنسی همه عواملی است که

چاقی را سبب میشود .

در جواب این سوال شما که

برسیده اید چکونه میتوان چاق

شد پاید بگویم که چاقی از حد

زیاد یک نوع مریضی است و نباید

شما به آن علاقمند شوید - اگر

خیلی ضعیف و ناتوان میباشد از

شکر انواع شیرینی ها غذا های

نشایسوی و شحمی در پهلوی

مواد پروتئینی و ویتامین ها زیاد تر

استفاده کنید.

بناغلی عبدالله ناصری از پلخمری:

لکنت زبان در صورتی که

کدام نقصان عضوی

موجود نباشد یا اختلال کاملاً روحی

بوده و نزد مریضان بلاحظه می

رسد در خصوصی پیدایش آن

کفته میشود که فکتو رهای رو حی

واضطرابی باعث بوجود آمدن آن

میگردد.

لکنت زبان بدوقسم است نزد

بعضی اشخاص هنگام نکنند

تشنجات عضلات بعلوم و حنجره

تقلصات عضلات وجه حجاب حاجز

دیده میشود درین اثنا یک حرف و

یا کلمه بمشکل بصورت اتفاقی

و مشدد به قسمی که حرفاً اول آن

بصورت مکرر ادا میشود به

لاحظه میرسد مشکل دیگر آن

طوری است که هنگام تکلم نزد

بعضی اشخاص بعضی حر و ف

کلمات از کلام افتیده و یک نوع خلا

در کلمه و یا جمله باقی میماند در

قسمت تداوی آن که شما پرسیده

اید میگوئیم که لکنت زبان با

تداوی هایی بخصوص زیر نظر

دکتوران عقلی و عصبی اجسرا

میشود.

به خاطر باشد که این شق کاملاً میدهیم زیرا بخ ناحیه وخذه شده جلدی باشد و به اعضای دیگر و را سرد ساخته از امتصاص و عضلات صدمه وارد نکند سپس جذب زهر گزدم جلو گیری میکند. با میتوانیم از امتصاص زهر چوشیده شده به خارج انداخته شد میتوانیم از امتصاص زهر شود.

۳ - اگر در موضعی باشیم که گزدم جلو گیری کنیم ولی این کمک یخ بدنسته س ما باشد پارچه های ها هر قدر عاجل و بیزودی نزد مریض یخ را گرفته بالای ناحیه وخذه شده انجام شود به همان اندازه از آن برای مدت ۱۵ و یا ۲۰ دقیقه قرار نتیجه بهتر بست می آید .

بگزدم کز پد گان چکونه کمک مینما نید

- ۱ - اولاً بصورت فوری و عاجل تقریباً به اندازه ۱۵ سانتی متر بالاتر از ناحیه وخذه شده دیگر بنداز محکم تطبیق میگردد و بعد از هر ۱۵ دقیقه برای یک دقیقه باز می شود تا جریان خون مختل نگردد.
- ۲ - ثانیاً ناحیه وخذه شده تو سطح آلة جارحه که قبل جوش داده شده باشد را ویا باوسایل دیگر ضدغوفونی شده باشد شق میگردد اما

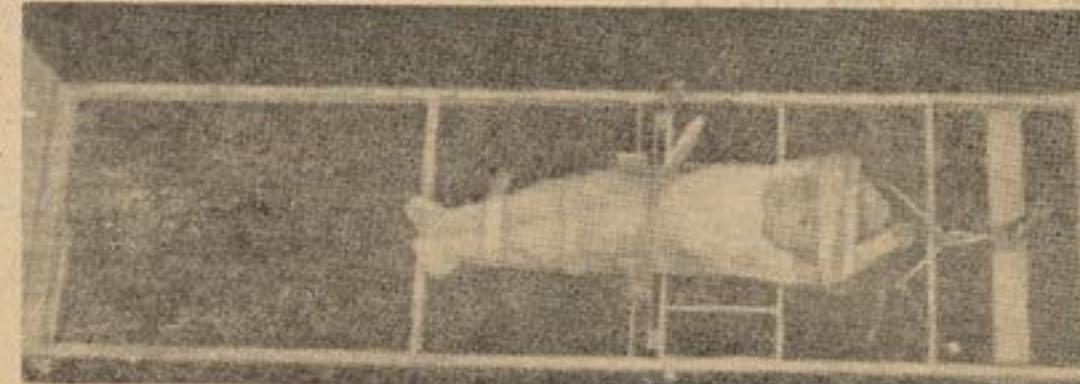
میتوجد جدید رادیو گرافی اطفال نوزاد

چون رادیو گرافی اطفال نوازه اشعه رونتگن را اجازه عبور میدهد معاينات و تحقیقات شعاع ایکس مخصوصاً تا سن سه سال تکمیل ساخته شده است کمر بند های نیکه را میتوان به وضعیت دل خود مشکلات زیادی را ایجا ب میکند از این ماده ساخته شده است قسمت انجام داد از حالات عمودی وافقی زیروا قرا ردادن اطفال به وضعیت سر، گردن، کمر، زانو، پاهای و دست استفاده کرده میتوانیم به این منظور های مطلوب آنقدر آسان نیست و های طفل را محکم میکند کپسول یک پایه و میز مخصوص نیز لازم است چند نفر از قسمت های مذکور به چنگ که در یک میله دسترس است و فقط تو سطح یک نفو مختلف طفل محکم بگیرند از اینرو متحرک قرار گرفته است آویزان ترتیبات مذکور فعل ساخته شده میشود میله مذکور در قسمت میتواند برای تو ضمیح بهتر اینکه عکس ترتیبات مذکور را بخواهند اگان محترم تقدیم میکنیم .

اطبای اطفال ها دهی علوم طبی اتحاد شوروی با همکاری شعبه انکنا لوزی اساختمانی هرگزی آنکشون و ترتیبات مخصوص جهت رادیو گرافی اطفال نوزاد تبیه کرده اند که با این میتواند را دیو گرا فی این گونه اطفال خیلی آسان شده است .

طفل رادیو یک کپسول مخصوص جای مسی دهند ، کپسول مذکور از ما ده های تو کیبی که شماره ۲۳-۲۲

کپسول مخصوص برای را دیو گرافی اطفال



روزنه‌ای بسوی تاریکیها

یادداشت از: لیلا- تنظیم از دیده‌بان

می‌گوید :

- زندگی بازی‌های عجیبی دارد من هیچ وقت فکر نمی‌کرم پدرت چنین گرفتاری بی پیدا کند و یا اینقدر زود بمیرد . به حال حال باید بفکر آینده بود، می‌فهمی دخترم بفکر آینده .

عمه با چاپلوسی نکاهی بصورت من اندازو می‌گوید.

- لیلا! چرا ساختی؟ چرا حر ف نمی‌زنی ، محسن خان یکی از دوستان خوب پدرت است . باید هر مشکلی داری به او بگویی . بی مقدمه گفت :

- من چیزی ندارم بگوییم عمه وقتی محسن خان می‌فهمد ما چه احتیاجی داریم، دیگر لازم نیست من صحبتی بکنم . محسن خان شتا بزده می‌گوید .

- بله، بله . حرف تو درست است دخترم . من همه چیز را میدانم بهمین جهت تصمیم گرفته ام پنجاه هزار افغانی در اختیارت یکدیگر تا خانه از دست نرسید و شکوفانی پیش می‌آورد و می‌گوید .

- همین مبلغ کافی است دخترم نمیدانم چرا بیشترین محسن خان خوشحال نمکرد، اما بی تفاوت می‌گویند:

- بله کافی است . اما .. محسن وسط حرفمی دودومیگوید

- ناراحت نباش دخترم، من برای بازگرفتن این پول عجله ندارم هر وقت که موفق شدم میتوانی آنرا بمن پردازی، تازه من باز هم میتوانم به توبه خواهert کنم. البته تا وقتیکه توبتوانی کاری پیدا کنم و

من سکوت کرم و حرفی نزدم . دوست خوبی هم بود، من نسبت باو مرد نیم نکاهی بصورت من دین بزرگی بگردن دارم و امیدوار هستم با کوکم بتلو آورده کنم .

که چهار زانو روی دوشک نشسته و بعد گفت : - پدرت آدم جالبی بود، درواقع مکنی میکند و آن وقت آه بلند میکشید و نکتائیش سست شده است . مرد

وقتی قدم به درون اتاق میکذارم نکاهم در صدر اتاق بمردی می‌افتد که چهار زانو روی دوشک نشسته است اما گره است . لباسش مرتب است اما گره نکتائیش سست شده است .

لبخند میزند و من در صورتش خیره میشوم . صورتی که گرد و یاف کرده است و هیچ خاطره را در من نمیکند. با تردید قد می‌جلو میکذارم و هنوز لب از لب بازنگردهام که عمه خنده میکند و می‌گوید :

- لیلا! چرا اینطور قیافه گرفتی؟ محسن خان را نمی‌شناسی؟

نکاهم را بصورت عمه میدوزم و سرم را بعلامت نفی تکان میدهم و می‌گویم :

- نه . مرد مثل اینکه نفسش گرفته باشد، خنده بوریده بوریده میکند و می‌گوید :

- مهم نیست که لیلامرا بیاد می‌اورد یانه؟ مهم اینست که من اورا کاملابیاد می‌اورم. آنوقت هایخیلی کوچک بود، خیلی، مثل یک گربه ملوس ناز نازی .

مرد اشکی را که گرد چشمانش حلقه زده است بادستمال سفید رنگی پاک میکند و بعد می‌گوید :

- چرا ایستادی؟ چرا نمی‌شینی . بابی میلی کنار عمه می‌نشینم و اوبا ایگستان خشک شده اش نیشگونم میگیرد و آهسته می‌گوید :

- نکفتم این بیراهن را نپوش؟ من حرفی نمی‌زنم و صدای گرفته مرد در اتاق می‌بیجد :

گفته، حالابکو به چقدر پول احتیاج داری؟ دختر جان! عمه عمه چیز را یمن

خوانندگان عزیز ژوندون قضایت میکنند

محترم دیده بان!

بدینو سیله از گشایش صفحه‌جدیدی در مجله ژوندون که براستی در این اوآخر دستخوش تغییر های چشم گیرشده برای تان تبریک عرض می‌کنم. (روزانه‌ای بسوی تاریکی‌ها) راستی که دریچه است که به آن چشم زرفنگر می‌تواند به سیا های شب زندگی، که گلیم تیره رنگش را بربخشی از جامعه ما پخش نموده است، راه یابد .

این بخش فراموش شدگان، که مافقط گاهی از کنار آن عجولانه می‌گذریم و اگر بسیار بالحسام باشیم لبخند ترحم آمیز برآن میزیم، جزو از جامعه مایوده و اساس آن را دست‌های بلند بالای خود افراد جامعه و شرایط نابسا مان اجتماعی بنیان گذارده است. این گو رستانی است

که در لجن آن قربانیان بی مبالغه‌ما، شرایط نامساعد زندگی، فقر استیصال و درمانگی تا گلو غرق شده اند و اکنون مذبوحانه در آن دست و پا می‌زنند، تعفن! یعنی لجنزار همه جا پخش شده و ماسعی می‌کنیم فقط با استن مخزن بوی بدآنرا احساس نکنیم و این سعی ایست سخت نابخردانه دور از خواست زندگی بی است که بطرف پیشرفت و شکوفانی پیش می‌رود .

این لکه‌های سیاه که داما نجامعه را آلوده ساخته است، اگریک کمی به صورت ژرف بنگریم ناشی از شرایط نامساعد خود جامعه و مولد نادرستی‌های آن است . گرچه یکی دو مرد بالحسام حاضر شدند تابا ایشار و فداکاری دست نامراد لیلا را بگیرند و اورا نجات پدهند . ولی سوال پیدا می‌شود که سرنوشت هزار هالیلا که اکنون در این لجن متغیر دست و پای میز نه چه می‌شود؟

آیا میتوان با چسبیدن به معلول‌علت را لبین برد؟ جواب بسیار ساده است . نمی‌توان بانجات یکی دونفر لجن را از بین برده باید ماشما تلاش نماییم بنیاد و اساس این لجن و شرایطی که آنها را بیان می‌آورد از بین و بین برکنیم .

مدد، از گارتہ ۳

زندگی خود و خواهرت را تامین کنی.

نیم نگاهی بصورت عمه انداختم
لبانش تابنا گوش از خنده باز شده
بودو بنظر میرسید که از بزرگواری
محسن خان سخت خوشحال است.

باوسواس همیشگی گفت:

- اما پرداخت این بول برای من
خیلی مشکل است، شمامیدانید که..
حروف نیمه تمام ماند و محسن با
شنا بزدگی گفت:

نهنم عجلة ندارم.
عمه از جایش بلند شد و بطر ف
در رفت. اما پیش از اینکه از اتاق
بیرون برود، محسن با صدای گرفته
اش گفت:

- لازم نیست بخاطر من زحمت
بکشید، من باید بروم.
عمه نیم رخ برگشت و گفت:
- هیچ زحمتی نیست، شما باید
چیزی بخورید. تامن برگردم لیا
پیش شما میماند.

دل نمیخواست عمه مرا تنها
بگذارد و برود، اما عمه رفته بود و من
چاره نداشتم چزاینکه تابر گشتن
او همانجا بنشیم.

محسن نگاهی بدرسته اتاق
انداخت و گفت:
- من طرف دوسروروز آینده ممکن
است بول راتهیه کنم، اما تا آنوقت
دخترم، تو باید یکبار بیایی خانه ما.

بی اراده و با تعجب برسیدم: محسن هم خاموش چشم بمن که برای من کامل غیرمنتظر بود و
دوخته بودو حرفی نمیزد. یکبار کنجهکاری ام را برانگیخته بود.

- خانه شما؟
بلی: مگر چه عیبی ها رد تو تصمیم گرفتم به بهانه از اتاق بیرون
بپتر است با خانواده من آشناشوی بروم، اما در همان لحظه در، صدایی
من هم دختری به سن و سال تودارم. کرد و عمه بایک سینی و یک گیلاس

و محسن خان چراسرش را تکان
من حرفی نداشتم بزنم. واقعاً شربت وارد اتاق شد و مستقیماً
چه باید میگفتم، دلم میخواست هر بطرف محسن خان رفت. درست
داد و دزدگی نگاهی بصورت من
انداخت؟

چه زودتر عمه برگرد و مرا از این در لحظه که گیلاس را جلو و میگذاشت
تجوایی کرد، تجوایی گنگ و نامعلوم
بن بست بر ها ند.

ناتمام

المراد فيلم

ترجمه سی و ها ج



درگزینه

این داستان بکلی حققت دارد

اتر: گستاخ نین رکس

Konstantin Rex

از طرف مادر یپودی بود... از این صدای همیشه رنج میرید که گویند مغزش انگاس داشت: «موریس دوال، هنرمند غیرمستعدی که ملیت خاصی نداود... مو ریس دوال نقاشی های خودش را به سرعت میرشد و مانند یک مالیخولیا کار می کند، موریس دوال به یول احتیاج شدیدی دارد و...» و این آنکا سات که ترا و یده مغز بیمار خودش بوده است او را در زیارتی اندوه میکشاند، خرد و حکیم ش میسازد واعتماد را به نفس خودش نایبود مینماید. در حقیقت رنج میرید از اینکه نیوگ قابل اطمینان نی در رشتة کار خودش ندارد از اینکه مشکلات مادی وی مانع آسایش فامیل او شده... از اینکه نظره ترس و وحشت بطروری در وجودش نمود که حتی از بر هم خوردن دو پله دروازه از جا میرد... اگر تما یلات وی تو سط پلک روانکار مفتخر مورد مطالعه قرار گیرد، با این نتیجه خواهد زمید که موریس دوال در حقیقت نه تنها از قرائمه نفرت ندارد بلکه در آرزوی رسیدن پان کشور زیبا است...

فرانسه زیامت، هنر را پرورش میدهد و هنر و را باوج شهرت میرسا ند، ولی راوم زندگی در فرانسه مستلزم بول فراوان است... و موریس دوال پول ندارد! عاقبت روزی فرا میرسد که موریس دوال امکانات رسیدن پان سر زمین را خیلی نزدیک می بیند... ولی جه اتفاق من افتاد در آن شب که موریس را سرمه میسازد؟ موریس چرا احسان میکند که سفر باریس معنی سفر بسوی مرگ را دارد؟ این آوار چگونه در مغز وی انگاس میکند؟

هوای توفانی هم شیر را اختوا کرد، ایست، شیلا نمیتواند بیش از آن در اتفاق خواب باقی ماند، آهسته، یا پاهای برعنی از اتفاق خارج میشود. کارگاه نقاشی موریس دوال در انتها دهیز باریک قرار دارد. شیلا دفعتاً ملتفت میشود که از سوراخ کلید، نور برق به بیرون میباشد. گوش بدز میبد ناچیزی بشنود لحظهای همه جا خاموش امیت.

بعد آوازهای راهنمایی، قدمهای انسانیکه بشدت و گوین غضب آلوه اینطرف و آنطرف میرود، من ایستاده بعد روحی چوکی می نشیند بعد مدادی شوهرش بگوشش میرسد، شیلا تمام نیروی خود را بگوش منتقل میسازد تا بقیه شوهرش در آن ازروا چه میگوید... از لحن موریس دوال پید است که گوین یا شخص دیگر صحبت میکند، هنباشد ای آندیگر اصلاً بگوش نمی آید... شیلا، بعداً صورت مکالمه شوهرش را اینطور بیاد می آورد:

«شما اصلاً چطور باینجا داخل شدید؟ کسی پاسخ نمدهد و موریس بشد تمن کوید: «آخر چیزی بگوید؟ باز هم مکوت، سیس آواز قد مها به کوشش میرسد، یک انسان هیجان زده، به

قلب ناراحتیش فشار میدهد...

او احسان میکند که گوین زده آهینه را

بدور سینه اش پسخنی نصب کرده اند...

نخستین برق «الماسک» بفاصله یک ثانیه

زنجیر سیاه شب را پاره میکند و غر شس

رعب انگزی پیغایق آن، پیغایه های آنا ف

کوچک خواب را میفرزند...

شیلا، همسر جوان نفاس که نا ایند م

بسینه اش چسبیده است، میکشا ند و

اسم مو ریس بامدای خله و ملتمس ا زمان

لیان خشکیده اش بیرون میرد... «موریس!»

مردکه خود وحشت زده است، میکو بید...

آرام خنده، فریاد زده از خواب میرد...

آن خنده، فریادی هست که میبا یست

از این خنده، روحش بزرگ، ولی حروف لرزان

مانند رعد هنگش کردد، برخاسته، کوت حمام را بشانه من آنها زدوان

میشود... شیلا بانگاه بیجاره متکای چملک

شده دوال را روی پستریش می بیند...

شیلا خیلی جوان است، هنوز بیست

سالش تمام نشده بخش زیادی از زیبایی

دارد و موریس را تسریح دینستش دوست

میماید.

شیلا خواب بیرون میرود...

موریس دوال از یک پهلوه پهلوی دیگر

مغلنده، او خیلی ناراحت است و خوا باز

چشمانتش پریده... مماعت، دفایق قبول از

نیمه شب را نشان میدهد.

دوال از جابر خاسته، دستش را بروی

مشهود دوال را باز میکند، میکو بید...

آرام باش!... و لحظه ای بعد جراح

خواب را روشن میکند، میس فاز پست

برخاسته، کوت حمام را بشانه من آنها زدوان

دان از جابر خاسته، دستش را بروی

مشهود دوال را باز میکند...

MORIS دوال از یک پهلوه پهلوی دیگر

مغلنده، او خیلی ناراحت است و خوا باز

چشمانتش پریده... مماعت، دفایق قبول از

نیمه شب را نشان میدهد.

دوال از جابر خاسته، دستش را بروی

مشهود دوال را باز میکند...

آرام باش!... و لحظه ای بعد جراح

خواب را روشن میکند، میس فاز پست

برخاسته، کوت حمام را بشانه من آنها زدوان

دان از جابر خاسته، دستش را بروی

مشهود دوال را باز میکند...

MORIS دوال از یک پهلوه پهلوی دیگر

مغلنده، او خیلی ناراحت است و خوا باز

چشمانتش پریده... مماعت، دفایق قبول از

نیمه شب را نشان میدهد.

دوال از جابر خاسته، دستش را بروی

مشهود دوال را باز میکند...

آرام باش!... و لحظه ای بعد جراح

خواب را روشن میکند، میس فاز پست

برخاسته، کوت حمام را بشانه من آنها زدوان

دان از جابر خاسته، دستش را بروی

مشهود دوال را باز میکند...

آرام باش!... و لحظه ای بعد جراح

خواب را روشن میکند، میس فاز پست

برخاسته، کوت حمام را بشانه من آنها زدوان

دان از جابر خاسته، دستش را بروی

مشهود دوال را باز میکند...

آرام باش!... و لحظه ای بعد جراح

خواب را روشن میکند، میس فاز پست

برخاسته، کوت حمام را بشانه من آنها زدوان

دان از جابر خاسته، دستش را بروی

مشهود دوال را باز میکند...

آرام باش!... و لحظه ای بعد جراح

خواب را روشن میکند، میس فاز پست

برخاسته، کوت حمام را بشانه من آنها زدوان

دان از جابر خاسته، دستش را بروی

مشهود دوال را باز میکند...

آرام باش!... و لحظه ای بعد جراح

خواب را روشن میکند، میس فاز پست

برخاسته، کوت حمام را بشانه من آنها زدوان

دان از جابر خاسته، دستش را بروی

مشهود دوال را باز میکند...

آرام باش!... و لحظه ای بعد جراح

خواب را روشن میکند، میس فاز پست

برخاسته، کوت حمام را بشانه من آنها زدوان

دان از جابر خاسته، دستش را بروی

مشهود دوال را باز میکند...

آرام باش!... و لحظه ای بعد جراح

خواب را روشن میکند، میس فاز پست

برخاسته، کوت حمام را بشانه من آنها زدوان

دان از جابر خاسته، دستش را بروی

مشهود دوال را باز میکند...

آرام باش!... و لحظه ای بعد جراح

خواب را روشن میکند، میس فاز پست

برخاسته، کوت حمام را بشانه من آنها زدوان

دان از جابر خاسته، دستش را بروی

مشهود دوال را باز میکند...

آرام باش!... و لحظه ای بعد جراح

خواب را روشن میکند، میس فاز پست

برخاسته، کوت حمام را بشانه من آنها زدوان

دان از جابر خاسته، دستش را بروی

مشهود دوال را باز میکند...

آرام باش!... و لحظه ای بعد جراح

خواب را روشن میکند، میس فاز پست

برخاسته، کوت حمام را بشانه من آنها زدوان

دان از جابر خاسته، دستش را بروی

مشهود دوال را باز میکند...

آرام باش!... و لحظه ای بعد جراح

خواب را روشن میکند، میس فاز پست

برخاسته، کوت حمام را بشانه من آنها زدوان

دان از جابر خاسته، دستش را بروی

مشهود دوال را باز میکند...

آرام باش!... و لحظه ای بعد جراح

خواب را روشن میکند، میس فاز پست

برخاسته، کوت حمام را بشانه من آنها زدوان

دان از جابر خاسته، دستش را بروی

مشهود دوال را باز میکند...

آرام باش!... و لحظه ای بعد جراح

خواب را روشن میکند، میس فاز پست

برخاسته، کوت حمام را بشانه من آنها زدوان

دان از جابر خاسته، دستش را بروی

مشهود دوال را باز میکند...

آرام باش!... و لحظه ای بعد جراح

خواب را روشن میکند، میس فاز پست

برخاسته، کوت حمام را بشانه



چپ و راست آنکه قدم میزند، باز هم صدای

موریس: «میگویید، از پاریس؟»

موریس این حمله را بقدری بلند میکوید که شنید و خشت میکند. موریس به تعقیب آن فریاد گوش خراش میگیرد: «

باز چه وقت اینجا آمد اید؟ آخر ها من چه میخواهد؟»

باز هم سکوت برقرار میشود. ولی در اصل راید موریس دوال پاسخی برای

سئوالات خود گرفته باشد. رزیرا باز دیگر اظهار میکند: «خوب است، من نقش شما را میکنم. ترسیم فیاقه شما کار ساده است

بیشتر است روی چوکی بشنیده ام... نه... نه، ایستاده شاید!... بلی همیظور!»

موریس جملات اخیر را با صدای فشرده و مضرب لدا میکند...

شنبلا، همسر جوان موریس دوال بعداً

حکایت مینماید که: «صدای شوهرم طیین

ناجور داشت پیدا بود که زیر فشار خورد گشته

ای قرار دارد. بعد از آنکه اینکه جملات

موریس دیگر حرفی نزد سکوت ماندی از

قرار شد...»

شنبلا خود نمیداند چه مدتی عقب در روزه

کار گاه نقاشی شوهرش اینماده... ولی

تاریخ خوبه میشود. در پاها یعنی احساس

ضعف و نا توانی میکند و در حالیکه یخش

اعظم فرای روحی و جسمی خود را از کف

داده است. باز میگردد بسوی آنکه خواب

شنبلا به بستر میافتد، ولی بیدار است

با خودش حرف میزند: «گرانساتی صدای ای

مشتود، در حالیکه آن صدای وجود خارجی

لذاید. زین خودش یک بیماری است... این

بیماری پرداز در اصطلاح طب چه نام گذاشته

آنده... آری، شین و فریس...»

شنبلا گویی میکند، گرمه بسیار صدای

خاموش... تنها دلش همگیرید و آب زلائی

از گلوشه چشمش فرو میریزد... با وصف

آن او انتباه میکند، شوهرش بیمار نیست

موریس بمرض شیزوفرینی مصاب نشده...

شنبلا یقیناً باین اشتباه خودش بی خواهد

برد. موریس دوال یک انسان کاملاً نورمال

است و غرض پدرستی کار میکند... مفتر

طلب اینجاست که او احساس بسیار قوی

وحیرت الگیزی دارد، احسا سینکه سایرین

کمتر از آن از خورد ازند. احسا میکند

خودش نیز تا حد آنکه از آن بی خبر

بوده است...

وقتی سایه شب جایش را بدور خورشید

رها میکند، شنبلا هنوز بیمار به بستر

دواش افتاده... هنوز بستر نقاش خالی

است.

زن جوان از بستر فرود می آید، دوش

میگیرد و صبحانه را آماده میسازد. در حالیکه

ری هنوز به مطبخ همیت موریس دوال وارد

میشود. رنگ چهره اش پریده، برق غصب

نشکل غیر طبیعی از چشمان بزرگش میچند

وی حرفی نمیزند. حتی «صیغه یختر» نمی

کوید.

شنبلا جرات نمیکند از وی سوال نماید

اعتراف به اینکه وی عقب دروازه گار گاه

استوار سمع کرده است. کار درستی نیست

بنابران شنبلا خاموش است و با خود می

اندیشید که اگر امکان سفر به پاریس میسر

آید، یقیناً همه چیز درست خواهد شد

یکانه حرفی که موریس موقع صرف صبحانه

میزند، دایست:

«تمام شب کار کردم... تا آنکه بیان

رسید. بلی کارش را بکلی تمام کردم.»

شنبلا میعنی میکند لبخند بزنه، ولی موریس

لبخند او را نمی بیند.

شنبلا بعد تر متوجه میشود که موریس

باز هم میتند. آهسته میرود، دروازه گار

گاه را آنکه گشوده، می بیند که موریس

تابلوی بزرگی را بوسیله مقوا میتواند...

این عجیب ترین حادثه بود که در تاریخ جنایات

فرانسه سابقه نداشت و روح زور نالیستان و پولیس

فرانسه رادر موقعش گیج کرده بود.

آیا نقاش میمیرد؟... قاتل او کیست؟...

این مطالب رادر شماره بعدی خواهد خواند.

ظاہر ھویدا



حالا ظاهر مو پیش رو یم نشسته

است. هنرمندی که برای همه ما سیما ی
نشاخته شده است، حتی بس ای مردم
آنسوی مرذ های ما، هنوز هم آهنگ کمر
باریک او یک آهنگ موقق است، یک آهنگ
دلیدیر است ولی او فقط خواننده آهنگ کمر
باریک نیست، یا بهتر بگو یم فقط آهنگ
کمر باریک شاعرکار او نیست، بلکه او من
تواند آهنگهای بهتری بخواند. باشدای خوبی
که دارد.

برازندگی صدای هویدا، در مخصوص من
بودش است یک آواز سنتی و پر طبع
با پنهانی فراوان و از پایه همین صدا بود که آهنگ
کمر باریک را، مشبور ساخت و خود نز با
آن آهنگ مشبور شد. پیشتر از پیش .

حالا او پیش رویم نشسته است تابا او
محبت کنم ولی از اوجه بپرسم؟! یعنی که از
آنها هایی را پیشتر دوست دارد و یا ناخستین
باری که پیش مکروفون نشست چه احساسی
برامش داشت داد. حتماً باین پرسش هایم
می خندهید، پرسش هایی که از شدت تکرار
نیوچ آور شده اند، و آنیکی فایده اش جیست
که ظاهر هویدا، مثل آشک را پیشتر دوست
دارد یا قورمه پلو را.

بگذردید او از خودش بگو ید از هنرمند
از موسیقی کشوش، از سرداشت های

هنریش چرا که او خوا نند آگاهی است
خواننده بین کدر پیلولی خواندن، چیزهایی
دیگری هم می فهمد، می فهمد که یک هنرمند
چه باید یکند چه رسالت دارد و چه التزامی.

روی چوکی نشسته است و برای پروگرام

رادیویی خودش پارچه تمثیلی می نویسد

که من می برمم:

ـ هویدا چرا گریز زدی، چرا ترانه هایت

رادیویی کشور دیگر مشبور ساختن آخر

این مخفی مراقعه میکند :

ـ حق نداری نامش را گریز بگذازی

من رفتم، من از اینجا سفر کردم تا تجربه

بناموزم، تا موسیقی دیگران را بیسم و

تصارفا در پیلولی آن برای خودم شنوند و

بیندازم کردم .

ـ دستیها، من را پسری من دراز می کند،

من لیکه میخواهد دقیقاً چیزی را بشمارد.

انکشتهای درازش را بترتیب بمحضه میکند

و ادامه می دهد :

ـ تصور کن اینجا سه میلیون شنوند .

داشتم آنهم در سورنیکه تمام همین سه

میلیونی که رادیو دارند و رادیو پیشووند،

خواخواه صدای من می بودند، در حالیکه

بارگز خود ۲۵ میلیون شنونده دیگر بر این

صدا افزون کردم خوب حالا این حق را

داشتم یا نه؟

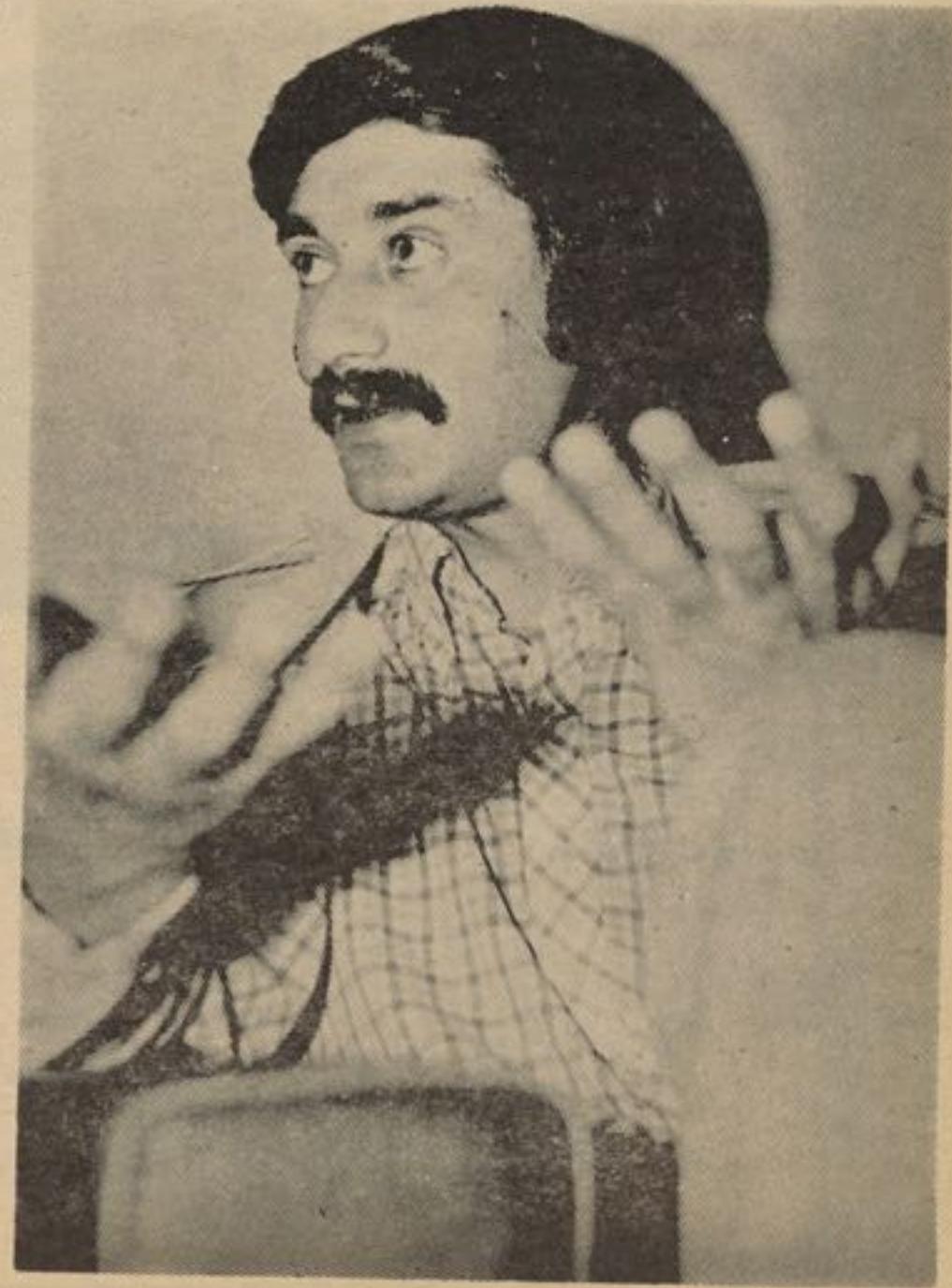
ـ هویدا بن آنکه پاسخ من را بشنوید ادامه

میدهد :

هویدا میگوید: مانباید تفاله موزیک غربی
رایاردیگر بردهن گذاریم.

بنظر هویدا، خواننده های ماتجمل پرست اند و این
تجمل پرستی مانع رشد موسیقی سلیم است.

هویدا میگوید: موسیقی خرابات بیشتریک حرف
است برای امراض معاش تا تلاش برای ارتقای هنر
موسیقی.



ـ گفته ای از آن من در روز هایی از اینجا
رفتم که میکروفون خواندن بسته چند نفر
محدود میلغزید و از الحصار آنها بیرون نه
میشند، من علاوه داشتم که بخوانم اما جگونه
بخوانند تویکو چکو نه بخوانند .

ـ حرف رایجای دیگری میکشا نم :
ـ جرا آهنگ کمر باریک تواینقدر سوکمه
بیداگرد؟

ـ باعجله پاسخ میدهد:
ـ برای اینکه یک آهنگ اصلی اتفاق نی بود
باسایه های فولکلوریک ا!

ـ مردم آهنگ را دوست دارند که از میان
خودشان برخاسته باشد، خود شانرا در آن
بیستند، خدا قل چیزی از زندگی شانرا در
آن بیستند و کمر باریک از آن شمار بود .
ـ من عقیده دارم که هنرها مطابق خواست
جامعه باید تولید کرد، هرجند که در موسیقی
بعد هنرهای دیگر نمیشود که نیاز نندی
جامعه را در نظر گرفت .

ـ می برمم :

ـ سرمهور دو میثی معاصر چه ذکر
میکنند، آن عویش می کنند و میگوید :
ـ در مورد موسیقی معاصر ما خیلی حرف
هast است که باید گفت ولی من در آغاز میخواهم
نگویم این درست نیست که گز و هر
میگویند، هنر در جامعه ما خردبار ندارد
چراکه در عمل خلاف این امر ثابت شده است.

آهنگهای فولکوریک هر گز موسیقی اصیل را نتوانستند نمایش بدهند چون در این موسیقی

دستکاری بعمل آمد بود



او کمربدار یک

میخواهم سخن را از تیاتر های شخصی
آغاز کنم ، تیاتر های که حالا ویشه کن شده
الدولی تا تیارات ناگوار آنها هنوز هم هست
مردمی که بیا یکوبی وابتدال عادت کرد و
آن دیگونه ممکن است که یک تیاتر جذب
استقبال گشته، مثلًا از مقتضی کو گو ل
خوش شان بباید ویا ز خسیس مو لیر ،
تیاتر های شخصی ذوق گرایی های بی سی
بنیادرا نعمم بخشیدند و این عمل نادرست
بود نمونه آن در مو سیقی آهنگهای
فولکلوریک بود. آهنگ های فولکلوریک
واقعًا غو گلو ریک ببودند .

در جواب هو یدا میگویم :

جگونه ممکن است که آهنگهای
فولکلوریک، فولکلوریک نباشند در حالیکه
این آهنگها مو سیقی اصیل را نمایش
دادند.

او بشدت من خنده:

متاسفانه این اندیشه درست نیست آهنگهای
فولکلوریک هر گز مو سیقی اصیل را
نوانستند نمایش بدهند چون در این
موسیقی دستکاری عمل آمده بود، در شعر
در آهنگ و در شیوه بیان مو سیقی اصیل
افغانی.

از همینجا می برم :
پس مو سیقی اصیل ما، بینظر تو کدام
موسیقی است .

هو یدا میگوید :

هو سیقی لو گری، مو میقی هزار گی و
امشان آن حالا اگر قرار باشد که ما موسیقی
ملی و اصیل خود را ذنده کنیم نقطه تسلی
کار خود را مثلاً باید برروی مو سیقی
لو گری بینهاریم و آنوقت با انتقام بدانش
موسیقی نایه های اصیل مو سیقی خود را
برون کشیم و این عمل هنگامی مقدور است
که موسیقیدان های ورزیده و داشتمند، این عمل
دشوار را آغاز کنند .

در آن مان در اسنالت این آهنگ هاشکنی
نخواهد بود در حالیکه من در ما هیبت
فولکلوریک آهنگ های فولکلوریک شکدارم
و اشاره بی هم گذیکار در مصاحبه اصلاح
سانس نمودم صرفاً بهمن آهنگ های
فولکلوریک را بیو متوجه نمیشود، شما خود نکر
کنید وقتی خواننده بی بخواند ، فولکلوریک مه
للو، این آهنگ هو گلوریک است .

از همینجا می برم :
تو خودت تاحالا چقدر آهنگ خوب
خواهی ؟

ظاهر همینجا که گویا منتظر این برم شد
اریت میگویید :

مسنی تا... تاحال می آهنگ لبک کدم ام
که هشت تای آنها از نظر من قابل شنبند
نمیست و می ماند در حدود بیست آهنگ دیگر
و در واقع من خواننده بی هیبت که از همکن
کمتر خواننده ام بن شائمه میگویم :

شنویله بی کلامی افغانی یعنی معاشر
یکروز خود را میگذرد و به شنیدن یک کنسرت
می رود، تماساً گری همین مبلغ پولش را
که باز هم مصرف یکروز خانواده اوست در
یهای یک تک تیاتر میگذرد و تماساً گر
دیگری که باز هم یک تک سینما را با هزار
بسی و نلاش و بقیمت هزار روپا آن خودش
بدست می آورد نشانه های از استقبا ل هنر

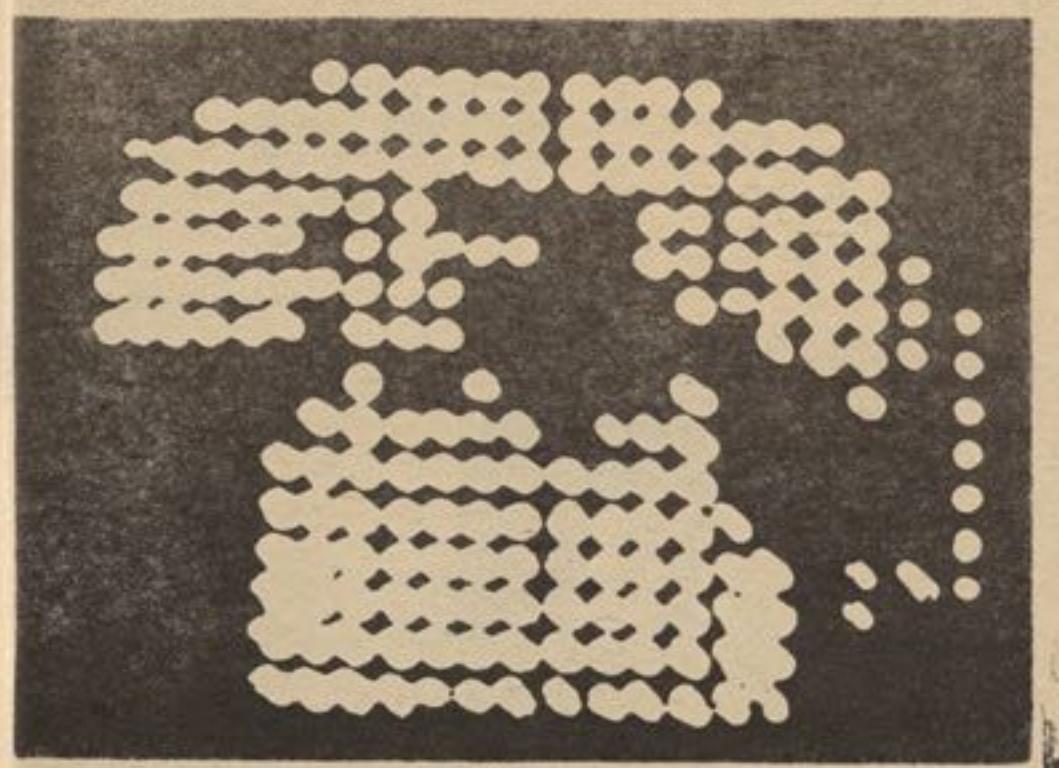


ولی همین آهنگ های اندیش تو آهنگهای
خوبی اند .
او من خند و من می برم :
-تو از صندی خودت راضی هستی ؟
او سکوت می کند و میخواهد که از پاسخ
دادند سر باز زند گفتن باز دیگر نکر از
میکنم و هویتا با همان سراحت همشکنی
میگوید :
من تا حدی از صدایم خوش می اید ،
شخصوصاً اینکه شخصیت های جر نه بی
رواره در مو سیقی صدایی مرا تحسین
کرده اند، یادم می آید در اتحاد شور وی
یک هوز یعنی آگاه وقتی صدایی مرا شنید
گفت :
و سمعت صداییت باور نکردی است ظاهر
تو نایهای صدایی که داری میتوانی یک
خواننده خوب شوی ولی من عقیده دارم
بچه دو صفحه ۸۸



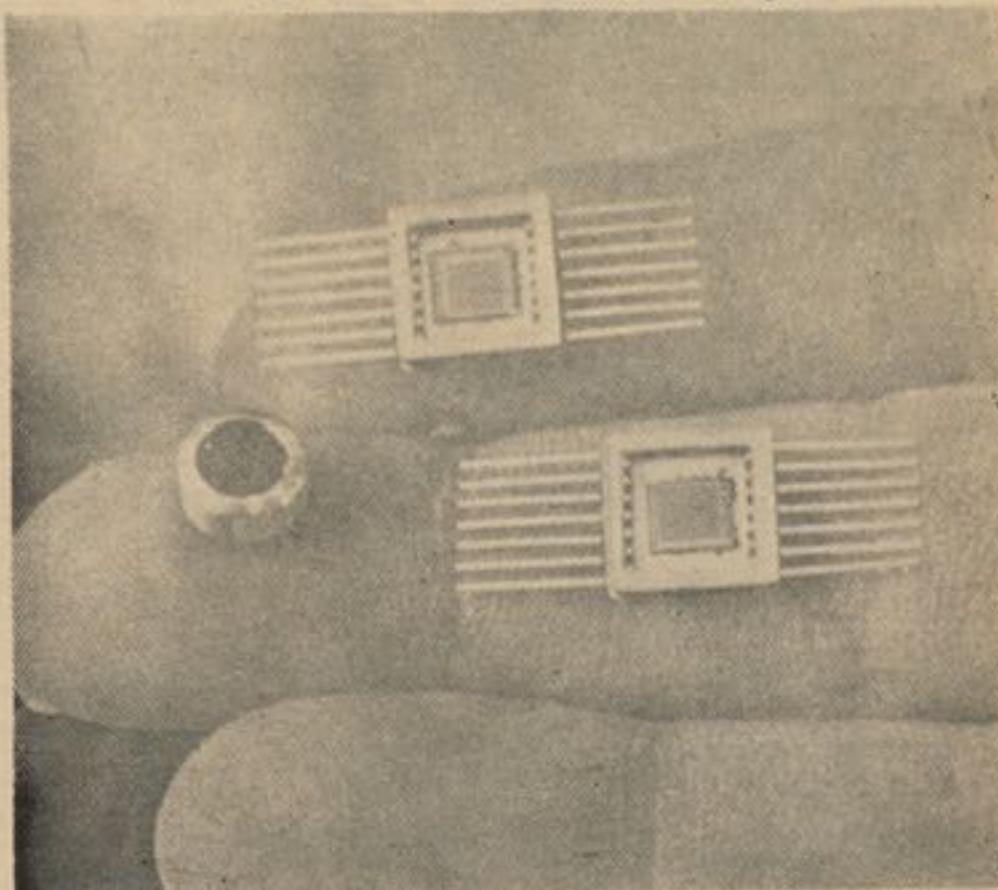
از شگفت‌انگیز ترین اختراقات زمان‌ما

با پوسه بدن نیز میتوان دید

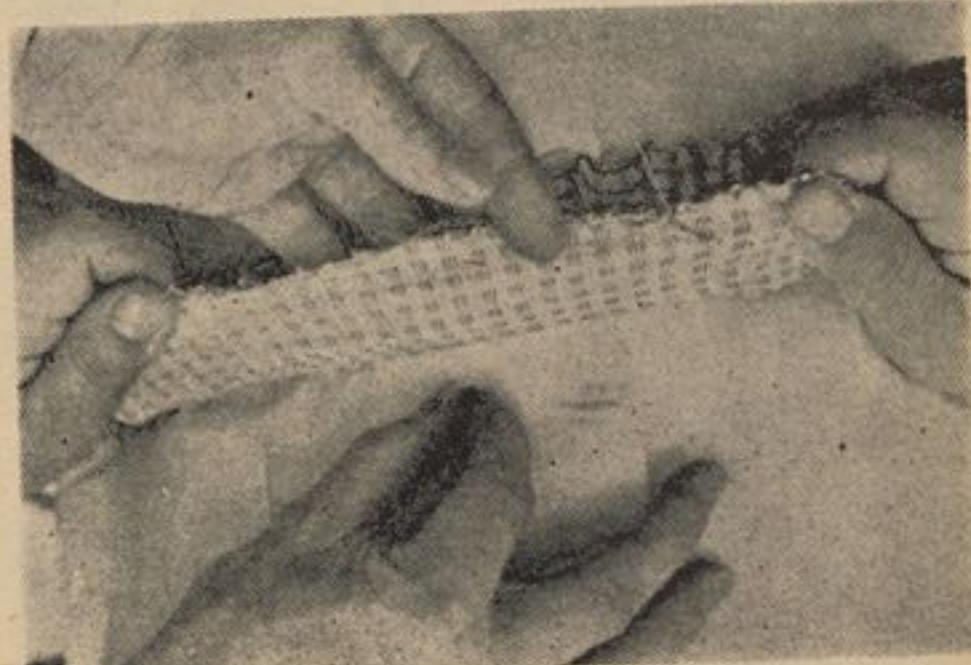


یک نابینا برای اولین بار تیلفون را باین شکل دید.

اختراع یک دانشمند کالیفرنیایی به نام داکتر پاول باخی ریتا عالم‌مفهوم کلمه (دیدن) را برای اکثریت نابینایان دربرداشت.



اینها وسایلی هستند که دین بوسیله جلد را ممکن می‌سازند.



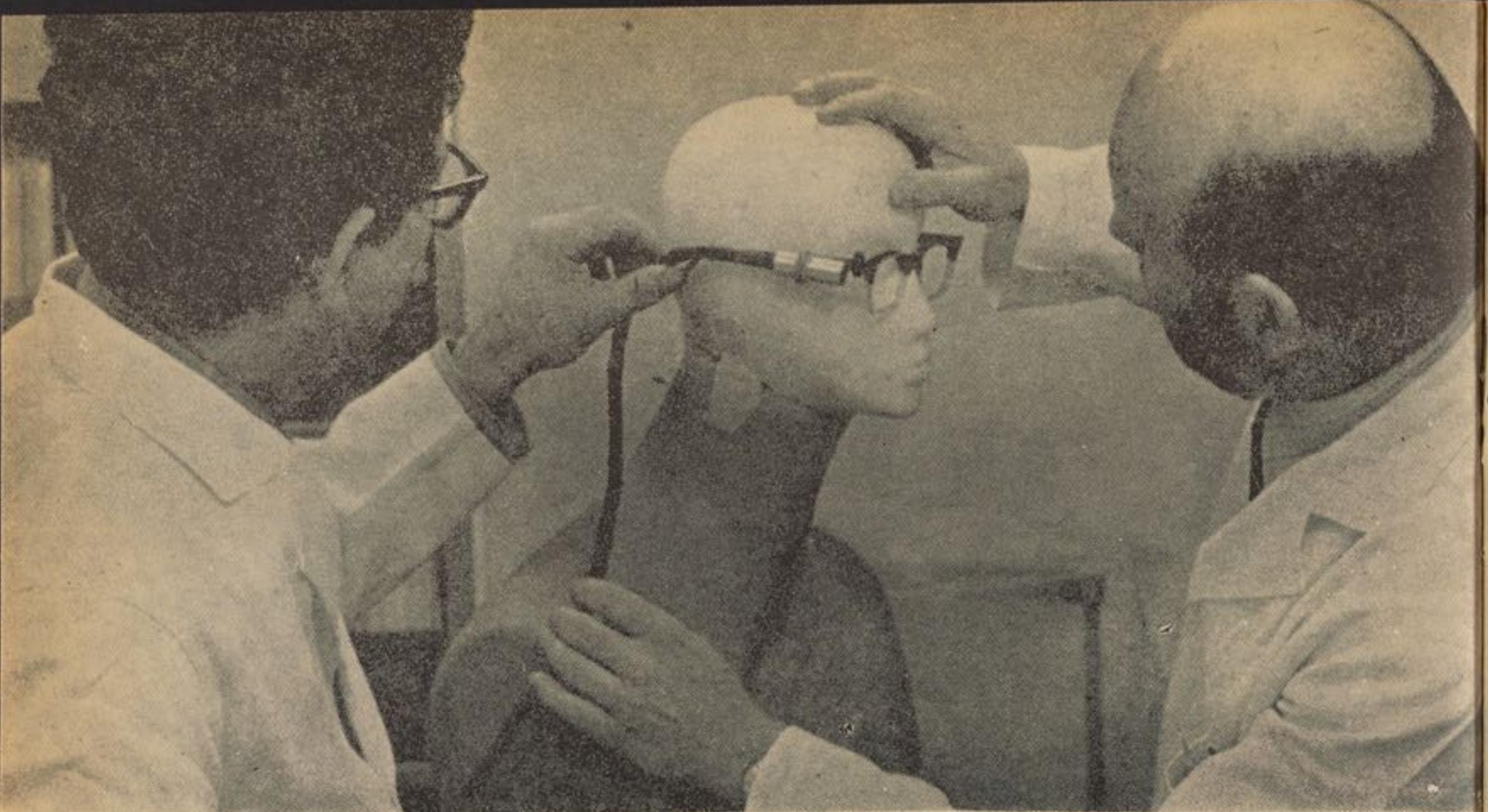
الکترودها باید بدین شکل بالته و دوخته شوند

صفحه ۲۶

نابینایان از همان بلو پیدا یشن بر سرو صدایی انجامید. او مشترکاً عین احساس انسانهای را دارند که با تیم هیکار ان خود که مشکل باچشم می‌بینند. باوصاف حصول نتایج قابل توجه استفاده نابینا یان مورد مطالعه قرار در زمینه - باز هم فراهم آوردن داد که مخفف آن تی وی - اس-اس تسهیلات و امکانات برای اینکه همه یعنی «سیستم تعویضی احساس نابینایان بتوانند دنیای ماحول خود دیدن» می‌باشد در عقب این مخفف را ببینند تا امروز محدود مانده تی- وی - اس چیزی جز این وجود ندارد که با استفاده ازین رسم الخط نابینایان - ارشیف قیمه طریقه نابینایان می‌توانند تصاویر ثبت شده تیپ - سگهای رهنمای و عکسها را بشناسند. البته نه از کوران - عصا چوب سفید و انواع طریق چشم بلکه به کمک جلد! دگر اختراقات مشابه امکان آزادی تحقیک تی وی - اس - اس تا امروز تحرک را برای نابینایان حتی از لحاظ آنقدر اکتشاف کرده که اشکالی برای روحی هم تضمین نمی‌نماید.

صرف نظر از بعضی تفصیلات این سیستم باید تکمیل شود. بنا دانش بشری در ساینس و تکنالوژی بدون تحریک امیدواری کاذب می‌توان فی الواقع به مرحله پختگی رسیده هم اکنون اذعان کرد که این طریقة است.

یک پرو فیسر امریکایی بنام پاول نابینایان کمک موثری خواهد شد. باخی ریتا راه کاملاً جدید تحقیقاتی را تمام کارها از یک چوکی خارج از استفاده در مورد کمک به نابینایان در پیش یک داکتر دندان شروع شد که در یک گرفت واستفاده ازین طریقه به نتیجه لاپور مخصوص در انسٹیتوت افویزو وال



پروفیسر بردوی مدل پلاستیکی این شبکار تختیک را آزمایش میکند

ساینس درسانفرانسیکوی کالیفرنیا قیمت داشت - اکنون به یک سیستم آله مذکور وارد شده اینست که گذاشته شده بود آغاز یافت . ماده و کوچک تلویزیونی که ۶ پوند تصویر در عوض تکان های حرکتی ارزش دارد تبدیل شده است . اکنون توسط ضربان برقی ضعیف لطفا ورق بزنید

یک تغییر محسوس دیگر که در

جسمی که توسط کمره اخذ شده بود در داخل پشتی چوکی دانشمندان نابینا قابل رویت شد .

یک شبکه جال مانند رابا صد نقطه تماس شونده نصب کردند . یک مدیره انسیتوت سمیت کتل ول میباشد در مورد بدبست آمدن این کمره تلویزیونی از طرف نابینای مورد ازمایش بحرکت اندامه شد نتیجه اظهار داشت : بعقیده من برای معزی اهمیت است که «اطلاع و عوض چشم طبیعی تصاویر اجسام تصویر» را از طریق چشم گرفته و اشیاء رائبت کرد .

تصویر نقطه بی تلویزیونی توسط سپس به مغز منتقال یابد . یا از زاه یک آله تعویضی کنند و به نقاط متحرك جلد بدن و به کمک کمره تلویزیونی تبدیل گردید و به روی جلد نابینا این کا رصورت گرفته واز مجرای رشته عصبی به مغز منتقل گردد . این آله سحرآمیز صرف ۶ پوند شونده در تماس بود منتقل شد . از طریق سلول تنبیهی جلد و مجرای قیمت دارد .

رشته های عصبی جسم «اطلاع در خلال این مدت آله مذکور تصویر» به مغز شخص مورد آزمایش انکشاف زیاد کرده است تجهیزات انتقال یافت و در آنجا به شکل تصویر چوکی داکتر دندان که صد ها پوند



یک محصل نابینا بوسیله این آله تمرین دیدن میکند

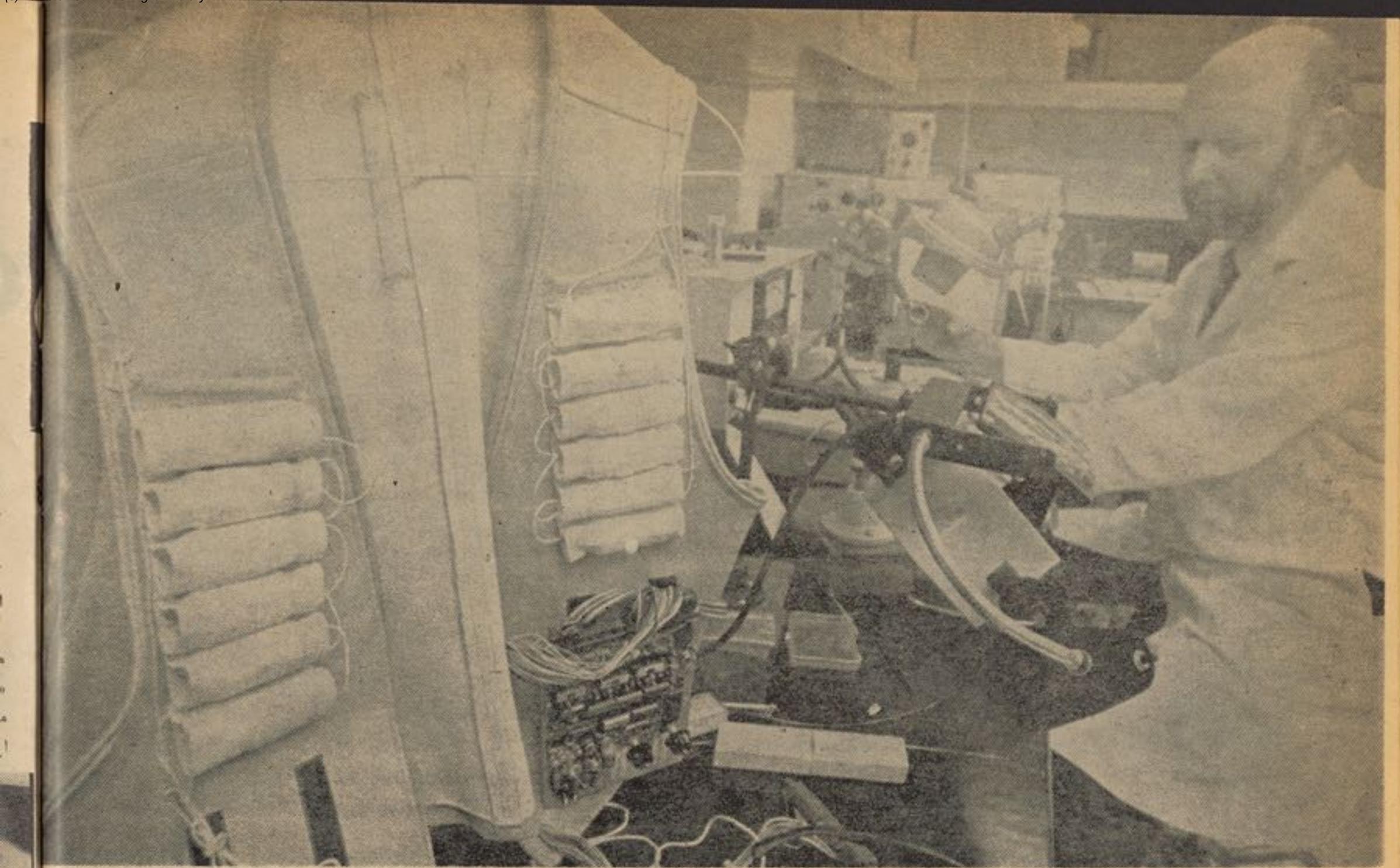
صفحه ۲۷



تلویزیون دیزدروچنین عینکی تعییه شده است

شماره ۲۲-۲۳

نر کا
ل
جهت
نوار
اس
ف
این
ن
اویر
از
روز
رأی
اما
بنا
توان
ریقه
هر ای
شد.
تفاذه
دریک
روال
ون



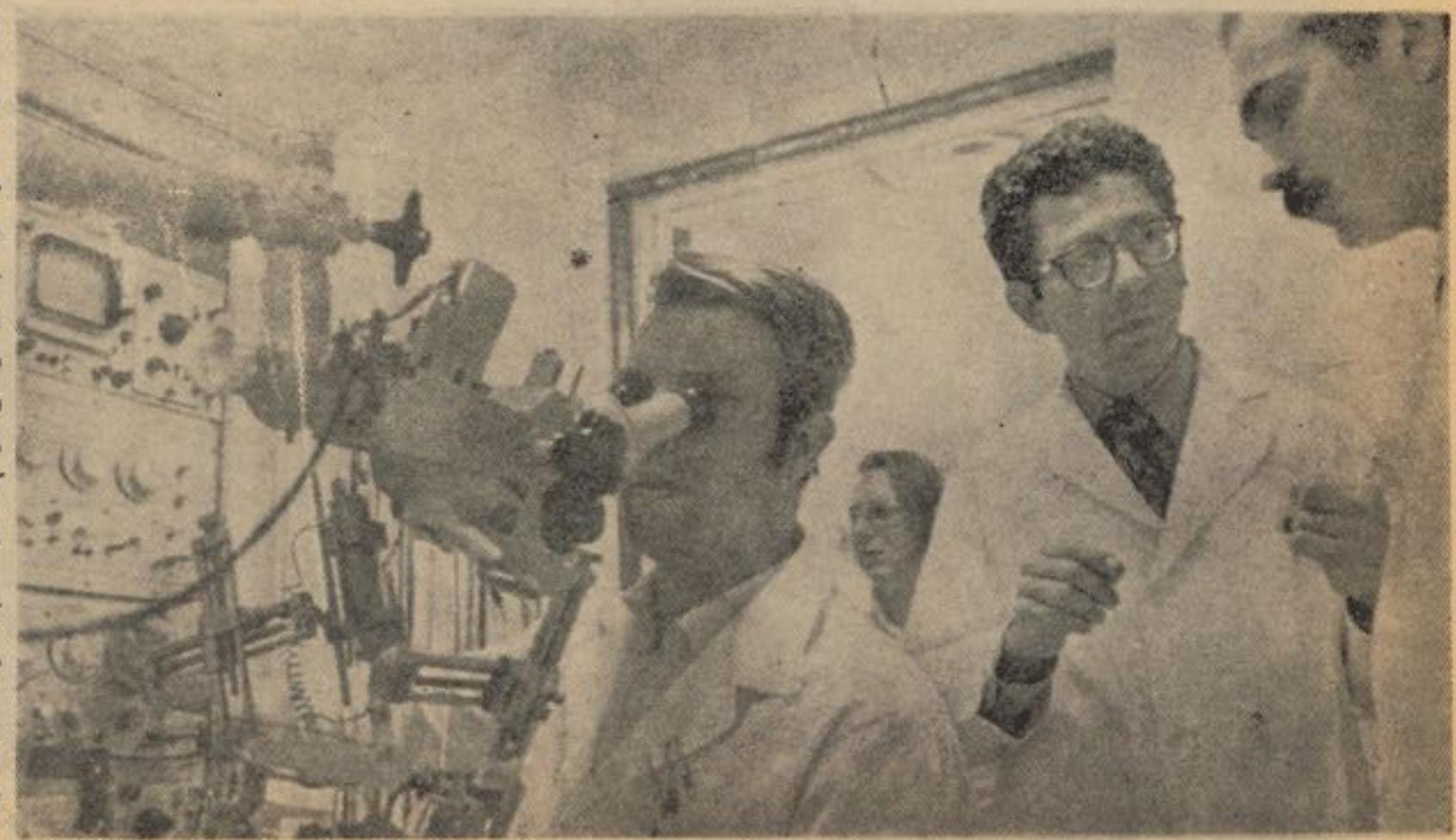
فزیکدان هشپور ، کوینس ، که در ابداع «وا سکت نا بینایان» اسهم موثر دارد .

به روی جلد منتقل میگردد. مدت دوام تلویزیونی به نصب یک عینک سبک توسط این هزار زیمولاتور به جلد حد تصویر ساده میباشد. نخست این ضربان بر قی بین ده تا سه صد نکان دار تعویضی گردیده است . واژ آنجا به مفرز مرد کور منتقل خطوط ثابت و سپس خطوط متخر ک «اطلاع تصویر «بالای یک پارچه جالی میگردد از لحاظ کیفیت بسیار روشن برای نا بینایان توسط دستگاه تی وی مانند که دارای ۲۵۶ نقطه های وصحیح میباشد . متعاقباً (زیمولاتور) بر قی میباشد انتقال میباشد قدر مسلم اینست که دیدن از طریق اجسام کیو متريک مانند دایره ها . اما درین اواخر اکتشاف دیگری هم یوسفت باید تمرين شود . تدریس مربع ها - مثلثها و اهرام نمایش تون خاکی رنگ را از هم تفریق روی داده است . زیرا تعداد زیمولاتور صورت استفاده از دستگاه تی وی - داده شده و آنگاه با تصاویر پیچیده کنند . در عین زمان کمره سنگین ها چهارچند شده است . تصاویر یکه اس - اس برای شاگردان نابینا تا تری مانند حروف الفبا آشنا ساخته میشوند .

به اثر تمرين و ممارست استاد می شوند .

دکتر پاخی ریتا معتقد است که هر نابینا پس از گذشت ده تاییست دقیقه تمرين نخستین ، شخصاً قادر خواهد شد کمره را کنترول کند . پس از فعالیت ده تا پانزده ساعته دستگاه شخصی نابینا اصلاً ارتعاش و ضربان برق را به روی جلد خود متوجه نمی شود و دگر احساس نمی کند که نقطه هایی گیر نده تصویر به پشتیش تماس میگیرد .

مقاد دگرش مطابقت باز مان است : کورها نخست یک تصویر از حواشی شی را در مفرز شان مجسم میسازند . وهم باید متوجه بود که پرسپکتیف برای یک کور کاملاً بیکانه میباشد مثلاً برای یک کورسکه پولی که در



بروفیسر داکتر پاول پاخی ریتا (نفر دوم، سمت راست) حین مناقشه با سایر همکاران خویش در لابرatory نجاتی دیده میشود .

کوران باید بیاموزند که اشیا غیر از آنچه آنها احساس می‌نمایند و معلوم نمی‌شود

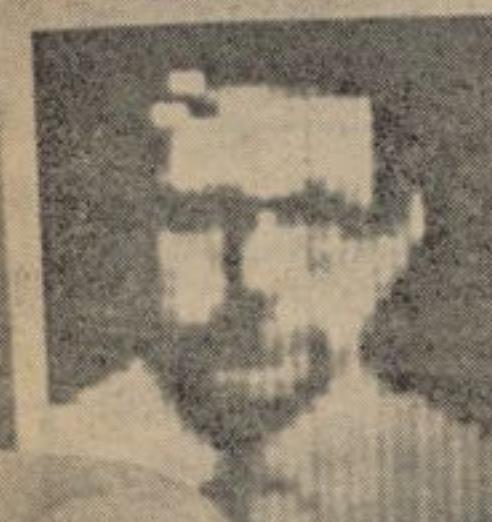
دکتر باخی ریتا درینباره مینگارد:

بسیار عجیب است وقتی انسان می‌بیند که یک نایبیتا باجرات وارد لاپوراتو شده بطرف یک شی که خواسته اوست می‌رود و آنرا از جایش به سبیولت می‌برد همچنان بسیاری از نایبیتا‌یان که اکنون ازین کمره‌های تلویزیونی استفاده می‌کنند بسیار راضی به نظر می‌رسند، زیرا آنها می‌بینند. اما گاهی هم انسان چنانچه باری یک مرد کور از دکتر باخی ریتا خواهش آرزو کرده بود که یکبار قیافه همسرش را با استفاده از آن عدد از شاگردان نایبیتا که رشته های ساینس مهندسی و انجینیری را انتخاب کرده اند توانسته اند بهتر آرزویش از طرف دکتر بر آورده شد.

بقیه در صفحه ۹۲

گیرد درین قسمت بازهم ساحه دید یک دفعه استفاده کند: مقدار خبر دارای ارزش می‌باشد. مخترع آله مدعا است: کوران باید بیاموزند که زمانی هضم نماید کافی نیست که زیاد نخست رویت اجسام تناسب‌ها باوجود آمدن امکان دیدن امید وسایه را خالی ساخت و فهماند. نتیجه تعلیم از طریق استفاده سیستم جدید بیشتر به استعداد و لیاقت شخص تحت توجه بستگی دارد. دانشمندان متوجه شده اند که آن عدد از شاگردان نایبیتا که رشته های ساینس مهندسی و انجینیری را ازین سیستم استفاده برند. کارلو کولیتر می‌خانیک تیم دانشمندان تحت رهبری برو فیسر

در یک اتاق تاریک از فلاش عکاسی یک دفعه استفاده کند: مقدار خبر که یک انسان میتواند درین فاصله می‌باشد. اگر بطور مثال سر خود را خم سازد یا بصورت مایل قرار دهد در آنصورت تصویری که توسط کمرا تلویزیونی اخذ گردیده در مفترض مایل منعکس می‌شود. و حتی تصویر از طرف شخص نایبیتا هم مایل اخذ می‌شود. برو فیسر دکتر باخی ریتا به آله تی وی- اس- اس در محیط تجریبی ارزش زیاد قابل است. شخصی که ازین سیستم استفاده می‌کند صرف یک مقدار محدود و کم «اطلاع دیدن» را دریک مرتبه اخذ می‌کند. دکتر باخی ریتا می‌گوید: این عمل شبیه به آنست که انسان



مطبوعات جهان ازین صحبت می‌کند که :

قلب صنایع

روهر زمانی محل صنایع جدا جدا بوده ولی حالا بحیث یکواحد صنعتی قیصر ووفر هروپا پیشوا (هیتلر) برای حفاست از این غول های صنعتی برآه عظیم که در آن ۱۰ میلیون انسان نفس می‌کشد تبدیل شده است. در طرف چنان بیرون، به وادی رو هربه افتادند.

چنان اینکه لشکر های غول آسای میلیون تن ذغال و فولاد بیرون آمد و به آلمان قدرال آن قبرت را بخشید تا در زمرة بزرگترین قدرت های صنعتی اروپا پای امروز درآید.

امروز همه چیز دگرگون شده است. رو هریا قلب صنایع آلمان اکنون گاهی بصورت نا منظم حرکت می‌نموده و تکان های ترس آور می‌خورد. بین قیمت بلند ذغال رو هر و کدیکر نباید به این دود کشن ها منابع انرژی دیگر چون نفت کازو انرژی اتمی متابع عظیم روه را ایجاد کرد.

ولی رویا های این اشخاص و از دروضع بدی قرار دارد. بعد از به دنبال معدن ترکیبی شود. در ماه اخیر آخرین مخزن ذغال سنتک ساحل روه را جایی که در دهه ای دو سده هم بین المللی کنترول شده و آن را بیک محل زراعتی تبدیل نمایند به تحقق چنان شکو فان بود، بسته شد. هم چنان قیمت سر بفلک کشیده ذغال نیویوت و باتلاقی های آلمان غرب و بیان آمدن «معجزه های اقتصادی» سنتک روه ضربات سنگینی به پس از جنک درم رو هر زندگی مناطق فولاد وارد ساخته و این صنعتی را در باره از سر گرفت. ضربه های اندازه شدید است که دود کشن های جدید از زیر خاکستر بسیاری فابریکه ها از روه نقل مکان چنک سر بلند نمود. نموده است. ولی ترازیدی ترین معادن قدیمی شروع به بسیاری دارد در این حقیقت تلغی نهفته برداری نموده و معدن های جدید است که:

روه که به صورت سنگی کشف گردید.

آسمان خراش های صنعتی در انسن و دو ساله رفاقت بر اشتئند می‌رفت در سال گذشته کمترین عاید

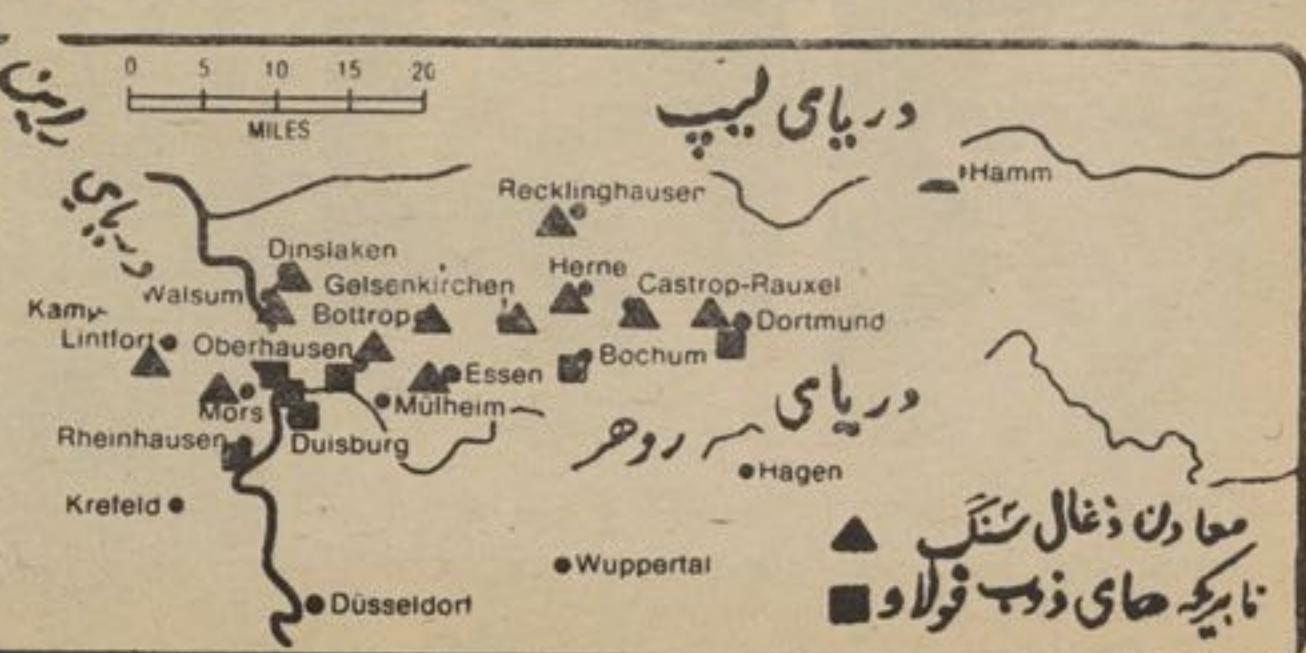
● حکومت بن سعی دارد تا از سقوط تو لمی دغمال و فولاد جلوگیری کند.

● روهر منطقه صنعتی آلمان اکنون به ویرانی کشیده بیشود.

در گذشته بخش روه را آلمانیان دود کشن های فابریکه به تیره کی بنام «انبار آهن» یاد نموده و از خفه کننده پو شانیده و زمین را بگارد آنجا تمام مواد خام صنعتی و خون سیاه رنگ ناشی از دود ذغال سنتک صنایع نظامی در رگ های را پس درهم بیچیده است در اینجا جریان می یافتد. در اینجا انسان امپراتوری های عظیم فولاد و آهن حکومت می‌کنند. همچنان در کرانه های نروتنند و غول های سر مايه چون گروپ و تیشن آلمان را با دودهای کل آلد دریای روه را با دودهای



دود ذغال سنتک، خطر جدی برای کارگران دارد.



تصویر پرداز نمای از منطقه صنعتی روهر

به خاطر پاک نگهداشت محيط زیست بشر اکنون نسبت به ذغال سنگ به نفت توجه بیشتری وجودارد

المان خالی میشود!



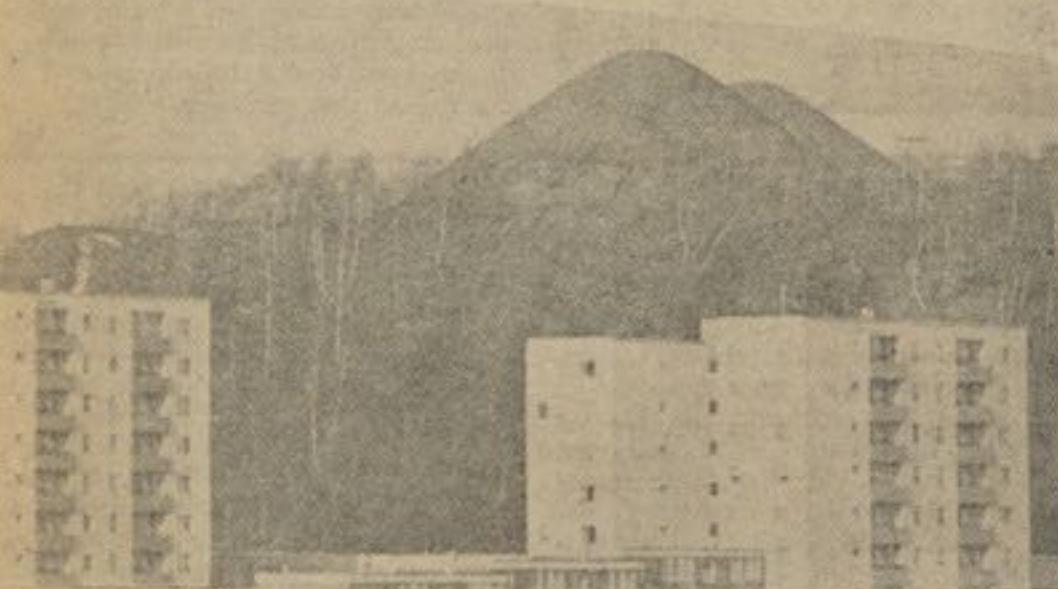
یک خانواده کارگری

در سال ۱۹۶۰ رقم تو لیدات به ۱۴۲۴ را بدست آورد. هیچ پایانی وجود ندارد: میلیون تن می‌رسید در حالیکه ریشه‌های اساسی درد سر روزه امسال این رقم به ۱۰۰ میلیون تن در این نهفته است که این محل به کاهش یافته است. همین آغاز شدت روی صنایع ذغال‌متکی است. در حقیقت کا هش در تولید‌ها ناظران اقتصادی، تاسال ۱۹۷۵ این ذغال روزه، اکنون چشم‌گیر است. رقم به ۷۰ میلیون کا هش خواهد



دودکش‌ها هر روز بیش از پیش فضای شهر را آلوده می‌سازند

یافت و به این ترتیب در در آزادی ۱۵ قیمت مصارف خیلی زیاد شد. سال کاهش پنجا هفتصد را نشان بلکه یک اداره جی صنعت در آلمان میدهد. به این ترتیب فکر می‌شود که «یک معدنچی آلمان در هر مرحله این رقم بی‌پایان بوده و فرجامی به کار فقط ۴ تن ذغال‌می‌تواند استخراج آن دیده نمی‌شود. در حالیکه یک معدنچی آسترالیایی در زمانیکه خبر بحران انرژی بنابر موقعیت خوب زمین در همان جهانی با حرف درشت در صفحه مدت ۴۰ تن بیهوده می‌گیرد». این حقیقت، بخاطر بلند رفتن های اول روزنامه‌های بزرگ نشر دستمزد کاهش در تولیدات ذغال می‌شود کاهش ارزش مارک سنگ خبر تکان دهنده است. بیان آمده و یک تن ذغال سنگی که وارد با آنهم، «ادی روزه - هماکنون ۶۰ دلار قیمت از ذغال سنگی که وارد در حدود ۶۰ بیلیون تن ذخایر ذغال می‌شود، بلند برده است. سنگ دارد که در بر تو مصارف مطلب دیگر اینکه، ذغال سنگ اکنون بیکی از «ناما سب ترین» کنونی می‌تواند مصارف آلمان را تا ۵۰۰ سال تکافو نماید. منبع انرژی تبدیل شده و آقا نیکه ولی مطلب روشن اینست که برای پاک نگهداری محیط زیست



محل‌های کارگری سر زمین روزه روبه ویرانی هیروود صنایع جرمنی مانند دیگر صنایع انسان مبارز همی کنند به شدت به روز بروز اتکاء بیشتر به نفت می‌آن مخالف اند. برای پاک نگهداری نماید. مواد سوخت مایع که در سال محيط روز پدروز صنایع اتکائی بیشتر ۱۹۵۵ فقط ۲۵ هزار مصارف انرژی به نفت می‌نمایند. را در آلمان می‌ساخت. اکنون به ۵۵ ولی با آنهم حکومت آلمان از فیصد می‌رسد. و در حدود ۹۵ هزار کاهش تولیدات ذغال سنگ روزه این مواد از بیرون وارد می‌شود. به تشویش‌اند. زیرا این امر بی‌نظمی انتقال از مصارف ذغال به نفت را در اسکان مردم بوجود آورده روى حقایق تلغی اقتصادی استوار است. در سال ۱۹۶۰ - معادن روزه هر است، در طول سال‌ها، معدنچیان تا ۵۰۰۰۰ کارگر مرد را استخدام آلمان سعی کردند که برای بدست نموده بود در حالیکه امروز این رقم آوردن ذغال ژرفت در خاک روز هر به ۲۰۰... ۳۰۰ نفر می‌رسد. همچنان به کاوش پیردازند. هر قدر که میکنند تا پایان سال جاری ۱۰۰۰۰ را معدنچی آنان عمیقتر کاوش کردند به همان از روزه رخت بر خواهند بست. اندازه بیهوده کمتری بدست آورده و بقیه در صفحه ۸۹

خپلواکی

دو جدی په قلم

د جمهوریت په غیږ کېښې

افغانانو سره دمخا منځ مقابلي او اجتماعي سر طان په خير سیستم پر یېښود اوله نورو لارو چارو خخه په استفاده سره ئى د ضربى د استعمار په ماهیتونو کي تغییر راوست له همدغه وخته سره کړه.

د افغانستان د خپلوا کې د استعماری ما غزو ته نوي فکر پیدا بیز ته ګټلو اغیزه او انګیزه د آسیا او آفریقا په نورو هیوادوکي فوری وه د آسیا او افریقا د عظیمو قارو لویو ولسونو د سر په ستر کو ولیدل چه د نړۍ ستر استعمار تقریبا د یوی پېړی په اوږده موده کې په قول قدرت او طاقت خان درېښې په لحاظ دافغا نستان غونډی کوچنی هیواد سره مصروف کړ خوب بریالی نشو دغه استعماری طاقت په تول له (۱۹۴۰) پېړی کې دوه خله موقع و موندله چه د افغان ولسن ستونی ته لاسن نزدي کړی خو په هرڅلی د دغه مستقیم تسلط موده دیره لنډه شوی ده او د مليونو سخت مقاومت او مبارزی د استعماری تسلطونو موده ورلنډه کړي ده. د تاریخ او سیاست پوهان شلمه پېړی پخواله هغه چه داتوم دېږي نوم و زباندی کېښې ده په آسیا او افریقا کې د ملي خپلواکی د نهضتونو پېړی بولی حقیقت هم دا دی چه له اوږده او درانده خوب نه د آسیا او افریقا دلویو قارو و یېښیدل داسی لو یه پېښه وه چه ددی پېړی فکري او صنعتی انقلابونه او علمي او تکنیکي عظیم تحولات ئى تر شعاع لاندې راوستل.

په دغه لوی جهانی اوښتون او بدلون کې افغان ولسن د ملي نهضتو نو دقہر مان او علمبردار صفت و ګټلی شو.

افغان ولسن خپله پوره سیاسی خپلواکی دشلمی پېړی په شروع کې واخستله یوازی ئى د خپلواکی یه بیز ته ګټلو قناعت ونکړ بلکه خپل کوچنی هیواد ئى د آسیا د نورو ولسونو د پاره د مبارزی یو د ګرو خاوه.

ژوندون



زمونې ملي خپلواکی ددا سی خوانانو د ملي غور خنګ په بر کت ګټلی شوی ده همدوی بهداوطن او ده ګرو خوان نظام (جمهوریت) ساتی.

افغان لوی ولس خلو ینبنت کاله د بیه کنایه غر ور په فضما کښی د نیمکړۍ سیاسی خپلواکۍ په غیږ کښی د ((خیر او خیریت)) تر شعار و نو لاندی غافل و ساتل شو.



خوان عسکر چه دملی خپلواکی او اوجمهوریت ساتو نکی دی .

تمایل نبیی یعنی د قلابی دتسکینو لو دباره دقایقی دیمو کراسی
ونو به لفافه کبیی مسکنی دوا نسخه تجویز شوه مکر دی زا مردم
نه دی بریا لی شوی چهدا ملت چه خپل خاصیتی دلاسه ورکری و
بیری نه زیانه موده بیشه دملت دردونه لبنه پلکه زیبات کول.
جمهوریت حقیقتا یوه مجر به نسخه
قلی شی .

داغغا نستان معا صر تا ریخته نمچه دعلم دنا روغى، لورى او

یوه لنده گنه خر گنده وی چه داحمد نایپوهی معا لجه کوی او په واقعی تو گه شاهبابا دلوی شهنشاهی د سقوط دیمو کرا سی او آزادی تامینوی. ملت نه و روسته له استعمار سره د مخانم خوشانه دهی چه سین کال د خبلی ملي مبا رزی به تو له یوه پیری کی هر خبلوا کی کا لیزه د جمهوریستد خلوبنست او یا پنه خوس کاله و روسته خوشالیو په فضا کښی لمانځی خو

افغانانو خپل قیام دمو فقیمت یوی داخو شحالی په زړو نو کښی خاں مهمی مر حلی ته رسولی دی لکه چه لروی دجشن بیرون غو نه شننه او په ۱۸۴۱- کښی دافغان او انگلیس سره چرا غونه بی مظاهر نشو بللي. په اومړی جګړه کښی افغانانو لوی دخپلواکۍ او جمهوریت نه تر کېب تا ریخی بری و ګا ته بیا خلوبنست شوی خوشانی په قول هلت اړمۍ کاله وروسته (۱۸۸۱) کال کښی خکه بی ددی ويای او خوشانی هر ګلی دافغان او انگلیس په دو همه جګړه کې نور نو داسو جشنو نه ایجا بسوی دغه ستر بریا لیتوب تکرار شود چه دسا تیر یو او تغريع امتیازات

سی خپلوا کی سترا بریالیتوب ممتازو قشرونو ته و بنسی او نورو
نم تقریبا په همدو مره یوه مو ده خلکو ته لا لهاندی او ستوماننیا په
یعنی په ۱۹۱۸ء کال کېنسی لا س ته برخه کېنسی ور کړي .

۱۴ غنی چه با لآخره خهد پا سه نیمه خپلواکی او جمهور یست ،
بیری و روسته دانتظار په سختو و مختگه نه هوسا بو اودوامداره

حڪڻو ڪٻئي جمهوريت اوپئتوون خوشاليو ته د رسيدو وسا يل دي

دعاو نه همیندو نتو نویو ت شرای تو له همدگه امه زموند د
له کبیسی خپل ارزبیت ناک مقام جمهوری نظام د ۱ سی

نیو . ولسوونه ملی خپلواکی تله‌دی
مله‌هوسیری چمهقه داژادی یوه
دختن ته شبات اهدا سه له منخه

سیله بو لی ملی خپلوا کی په ظاهر و پری دی په حقیقت کتبی دخبلوا کی شنے زمهون، به همه اد کنسه۔

سلط پای ته و رساوه او ملت یسی او خپلوا کی هفه وخت واقعی ارزښت سیسی رهوبن پسیو، ببی پسرمی وا قعی ارزښت ته اهمیت ور کولهدي.

لری چه موئید خپلی ملی سیماه لاری
اود نه؛ انکشاف. یو و کرامون به

پیز ندل شوی آزادی. ته درسید و سیله خانونه له خپل کوزه پوره کرو
با زه دندرو لاره ضر و رت محسوس

په‌دی بر خه‌کبنسی دملت‌دت‌تا‌يلا‌لتو
اوچبله اقتصادی خبلاوا کي، تامينه
کری شو.

د افغانستان له خپلو ۱ کې خخه پکښی الہام اخستل شوی ګټلهو نه وروسته دهند دنیمي قاری و عملی شوه افغا نانو خپله دلاسه آزادی د افغان قهرمان ولس او ورکړي خپلواکۍ بېرهه و ګټلهه خو افغانی ملي زعامت دوهم لوی هدف د وخت زعامت یوازی په سیاسی خپلو ۱ کېه قنا عت ونکړ بلکه د اقتصادي خپلواکۍ دپاره ئې به یو خندیو خخه د افغا نستان په لوری مهاجرتو نه شروع شول او دلویی آسیا مبارزینو د خان دپاره یسو مستون تاتوبی پیدا کړ او افغا ن په ۱۴ فغanstán کېښی داښی مشورونی سیستمونه ایجاد شول چه د یو واسو نو ته د آزادی او نجات واقعی دیمو کراسی دپاره دیوی مقدمی درسونه ور کړي.

د تاریخ او سوسييو لوژي پوهان
دېر خله دی پونښتني ته په خواب
برا ېرولو بوخت شوي دی چهلویں
پیښی او لوی کسان یودبیل سر ه
لوی کسان دی چه لوی پیښی ایجاد
وی یو جامع خواب چه دغې پونښتني
ته موندل شوي دی دا دی چهلویں
پیښی او لوی کسان یودبیل سر ه
مستقیم ارتباط لري .

د وخت د امارت په غېن کې د (افغان امان) ظهور د هغو پېښو نتیجه وه چه استعماری بقايا وو او دسيسو را پيدا کړي وي خوان امان الله دخپل پلار دامارت د ناز او نعمت په غېن کې د ملت دردونو او خوبونو نارامه کړي و ده په هغه وخت کې کاملا محسو سوله چه (صورت می خپل واک نې د بلدي) هغه پوهیده چه پردي لاسن د افغا نستان زعامت فلنج کړي دی ، هغه ناروا بليله جه د هيواد حساس

افغان لوی و لس خلوېښت کا لهدبې ماغزه دامتیازاتو او القابو سلسله د غرور او بي خایه افتخاراتو په نشه کي بیده وساتو همه اراده وکړه چه خپل عزت او عمنظت د خپل ملت په عظمت او د خپلی قاری به پخوانۍ سیستم کښه جاداسې

بے عظمت کی تامین کری لہ همدغہ یوہ خبر نشوہ کولی چہ زموں پر خپلواکی داملہ ثی پہ ستر زرہ ورتوب سره

خان پاچاهی ته چه دوخت دفیودالی دباره زمینه نهوه چهداستماریه چاره و مستحبه نه مقابله کنید.

جیسمو ټو په مقابل ټې یوه باندی د لوی افغانی پیکر شخه دیوی اسروری پیدیده وه ورساوه او بیانی تعقی دیر پکندو خونکی نه دی غلمان

خیل لاسن ته ورستلی اقتدار د شوی. خو دافعاً نی تو لئي پساك ک
خلی، هغه، نقشه، د عمله کله د سسخا، نک، کننا فته، نه، دهن، نه،

باره یوه وسیله و گرخولو چه دلوی دیا ره دوامداره مقاومت نلری او د

فغانستان او ستری قاری آسیا د به افغانستان کښی یو خل زادی او نجات د پاره نې لوله . بیا د غه تاریخ

عالی مفکوره چه ددغه لوی ملت حقیقت تکرار شو چهدا ملت دهرب د
تمایلاتو ازتسا وو او مح و میته نه نیمه بیمه نه قیامه شتمه

او اصلاً حی ریفورمونو د یا ره خپل

از حوادث ناگوار دنیا پر ماجراهی ما

۵۰۰ طفل در یک سال:

در کام آب

«اینکه «متوجه مسخر بدر ایستاده باعجه منزل کنار استخراج ایستاده جسد بحرکت دخترش را در میان آب می بیند . پدر بسرعت طفل غرق شده را از آب ببرون می آورد . مادر طفل فوراً بطرف تیلفون رفته از هر کجا که میتواند تقاضای کمک می کند .

جند لحظه نگذشته بود که موتور آمبولاس شفاخانه رسید . يك داکتر

سالانه ۵۰۰ طفل در جمهوریت فدرال آلمان در آب غرق میشوند . درین راپور سعی شده به والدین کمک بعمل آیدتا آنها اطفال شانرا در برابر این سرنوشت شوم محافظت کنند . برای کودکان هر بار که خود را در آب می اندازند ۱۵ متر شنا کفایت میکند و طی این فاصله، نموداری از فعالیت کودکان بشمار میرود .



این پسر جوان که در یک جریل در آب بعفرق پرید، و با تر آن گردنش شکسته غرق شد

زوندون

وصایای زوندون

توصیه های که برای شنا و ران هم مفید است :

* آب بازی در دریا هاو بندهای آب همیشه با خطراتی همراه می باشد . بنابراین شنا در حوض های آبی بازی مطمئن تر است .

* تازه مانی عمق آب برایتان معلوم نشده - با سر در آب نپرید . اکثر وقایع مرگ آور از همین بی مبالاتی و بی احتیاطی نشات میکند . شکستن سر - کله و گردن به اثر پرش در آب بوقوع می بیوند .

* مقررات آبی بازی اخطار های ذیل را صادر میکند :

- * آب بازی در دهنده های سیفون در نزدیکی گرد آب ها - دروازه بند آب - در نزدیکی محل عبور کشتی و نظایر آنها مجاز نیست .

- * حتی قویترین شناگران روزگار هم نمیتوانند در برابر کشش آب که به اثر سقوط در دهانه تور بین های برق ایجاد میشود مقاومت کنند ، یا اینکه از شعاع حرکت جهازاتی که بسرعت می گذرنند ، بی تأثیر بمانند .

- * تا وقتی حرارت بدن پایین نیفتیده خود را کمی با آب سر نساخته اید ، یا با شکم پر ، آب بازی نکنید . پس از نان چاشت لا اقل یک ساعت از آب بازی بپرهیزید .

شودون به همه خانواده ها مشهور و میدهد تا خود را ازین چنین حوادث وار گفته باشد

و این را پور تاز را به دقت بخواهند

فردو میدروند!



دریک حوض شنا واقع در عال
امتداد ساحل میگذشت . موچ
های قوی آپ که از اثر حرکت جهاز
جسد یک طفل هفت ساله پیدا شد .
جنکی در بحر ایجاد شده بود به
باوصفت مراقبت ، طفل در آب غرق
ساحل نزدیک شده آن گروه بیخبر
شده و جان داده بود ، بدون آنکه کسی
از جان را که برای تفریح آمده بود
متوجه اش شود .

در میان گرفت . چهار پسر و دختر
آموزش شناوری بخصوص از
همان آوان کود کی امروز کدام
که به روی یک سنگ دراز کشیده
خودرا آفتاب میدادند پامو جهای
مشکلی بحساب نمیرود . تجارب و
آب در کام بحر فرو کشیده شدند
معلومات معاصر میگوید که حتی
یک دختر مکتب چنان نوزادان میتوانند آبازی را زود تر
بهشت به صخره سنگی خورا که
از راه رفتن فرا گیرند .

کمیته «سلامت کودکان» از سالها
فوراً جان داد .
در مونشن پتر هفت ساله به فرق
به اینطرف به تبلیغات وسیع درباره
دریک جهیل ساختگی آب پرید . عمق
فرا گرفتن تختیک شنا از همان
دوران کودکی میپردازد . اطفال
آب به یک مترو پنجاه سانتی میرسید
تاسن پنج میتوانند تحت رعنایی و
وطفل منکور باجنای شدتی به بستره
بر از سنگریزه جهیل خورد که
مراقبت فنی شنا را بصفت یک بازی
استخوان کله و گردش شکست .
وسرگرمی فرا گیرند .

۳۰۰ تا ۴۰۰ متری آنها یک مخرب به
تلash شانرا شروع کردند . ولی پس
از نیم ساعت از کوشش خود دست
کشیدند . برای کمک آنها ناو قت
شده بود - پدر و مادر طفل بلا تکلیف
ماندند و مرتب سوال میکردند که
آیا در مرگ طفل خود مسؤولیت
دارند یا خیر ؟ آیا اهمالی درین مورد
از طرف آنها سر زده است ؟
سالانه پنجصد طفل در جمهوریت
اتحادی اممان در حوضجه های ذینتی
در حوضهای شنا - در دریا ها - در
بند های آب در جهیل ها وابحار
غرق میشوند . بسیاری از آنها می
باشیست بمیرند زیرا آنها بلد نبودند
چطور شنا کنند ؟ در فرستهای مساعد
کسی به اینها شنا کردن را نیاموخته
بود وهم فراموش کرده بودند به
اینها خطر نزدیک شدن یا داخل
شدن در آب و آبازی را خاطر نشان
سازند .

بنا برین دریک تعداد وقایع و موارد
امکان آن وجود دارد که عده از
کودکان را بیش از غرق شدن نجات
داد . واین تعداد بدون شک رقم
درشتی را تشکیل میدهد . گرچه
احصایی دقیقی درین زمینه دردست
هم نیست .

در مورد اطفال غرق شده
وضع در بسا مورد نباید چندان
خطرناک بوده باشد .

رالف ۷ ساله از فاکسن فله
میخواسته در آب رفته ماهی بگیرد .
کودک بوتها یشرا از پا کشیده داخل
نهری شده است که آب آن تا یک مترو
پنجاه سانتی میرسیده .

تصادفاً پای طفل به یک سنگ لشمن
خورد و فرومی غلتند و غرق میشود .
در نیسا یک تعداد مردم برای
گذشتاندن رخصتی های تفریحی به
کنار بحر آمده بودند اتفاقاً بفاصله

تاو قتی عمق آب برای تان معلوم نباشد . از دایف کردن ویرین به فرق در آب احتیاط کنید



غريق راهی توان تارسيدين دا ڪتر ازراه دهن تنفس مصنوعي داد شنا تو سط دو شک های بادی دور از نظر



طفلي به روی شکم در چنین آبهای
کم عمق فرو غلتند در آنصول رت بطور
جدي همين عمق کم هم باعث هلاكت
کودك خواهد شد . تدابير احتياطي

اتخاذ گرد د.

چنین مواضع ذخیره آب باید برابر
سقوط احتمالي اطفال و کودکان

مطمئن ساخته شود. بدین معنا که
لب حوضچه و غيره بلند تعمير شود
یا بالا ي آب يو ششين گردد .
یا اينکه کتاره گرفته شود. به
اطفالی که شنا يلد نباشند اجازه

نباید داد که بدون مراقبت به لب آب
یا در آب بازي کنند .

هرگاه طفلي به اثر سقوط در آب
غرق می شود ، اين حادثه می رسانند
که کمتر به طفل توجه شده است -

مسئولييت تلف شدن طفل متوجه
والدين می باشد .

مسلمان يك طفل به سن هشت
ي خوبی می تواند آبازی کند و ازومی
به مراقبت ندارد . وهم بدیهیست

که می توان شنا را شامل بروگرام
درسی مکاتب ساخت .

با بكار بردن اين تدابير البته جلو
خطرات بطور کلی گرفته نميشود.

والدين را شاید که اطفال و بچه هاي
شانرا پيش از همه ا زمبالغه و کلان
کاري و همچنان از «تپور و جسارت»
در آبازی بر حذر سازند، ولو آنکه
آنها بهترین شناوران هم باشند .
ياد راينده بشوند .

زنون

نمایش های تهورآمیز در آب بازی خالی از خطر نیست

کميته سلامت کودکان عقيده دارد که
کمروز زمان و فنيات و حوادث ناشی
از غرق شدن در آب چه در اطفال
وجه در جوانان و بزرگسالان تقليل
خواهد يافت .

بطور عموم اطفال بين سنین يك
تاسه سال از ناحيه افتادن در آب در
مخاطره ميباشند . در همه جا «مرگ

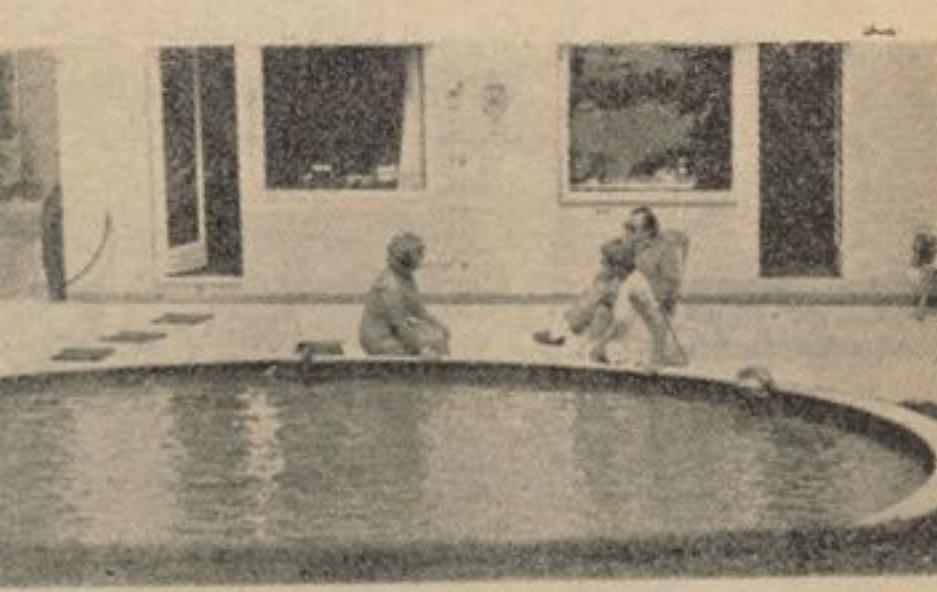
مر طوب» گوش به آواز کودکان خرد
سال است ، در هر كجاي که عمق آب
بيش از يك بلست پخته باشد .

بنا بر اين والدين باید هر قدر
وقت تر که ممکن باشد آبازی را به
اطفال خود بيا موزانند . گذشته ازین

حويلی منزل . باغ و باغچه عموماً ز
ناحیه خطر غرق شدن احتمالي اطفال

در آب مورد توجه باشد. هر کسی که
در حويلى منزل حوض آبازی دارد
باید متوجه رسک و خطر آن باشد.
ذخیره یا چاه که سر آن باز باشند نيز
برای بلعیدن کودکان خطر جدي
محسوب ميشود حتی يك حوضچه

نگهداشت ماهی های رنگه هم که
پيش از ۳۰ سانتي متر عميق نباشد
برای کودکان يك ساله و کمی بالاتر
از آن خطرناک تمام خواهد شد. اگر



پريدين در آب همیشه ودر همه احوال بی خطر نمی باشد

صفحه ۳۶



اگر میخواهید خود را ویادوست خود را از خطر غرق شدن نجات دهید، و صایای زوندون را بدقت بخوانید و به آن عمل کنید!

باز هم شناگران ناشی و... دریای کابل

طوریکه در عکس مشاهده میشود یک تعداد زیاد مردم در دریای کابل آب بازی میکنند و به این وسیله علطشش که نسبت به شناگران دفر و مین شناگران این عمل شنان گه خطر غرق اطفال در آن متصور است. از نظر صحی نیز خیلی خطرناک میباشد زیرا این دریا که مخصوصاً در ایام تابستان شکل زبانه دانی را بخود میگیرد برای آنایکه خود را در آب دریای کابل میاندازند مشکل است از شر مکروبهای آن در امان مانده از آن جان به سلاعت برند. چنانچه در شما رههای قبلی این مجله نیز ازین مطلب یاد آوری ها شده و را پوز تاز مفصلی هم تقدیم خوانندگان گردیده. زوندون که یکانه مجله خانواره هامی باشد از همه خوانندگان از جمند خوش آرزو بازد تا این مسئله را در نظر گذاشته اطفال شان را از شنا درین دریای پراز کثافت و مکروبهای مانع شوند.



• نجات دادن و آب بازی دو نفری • کمکهای اولیه برای نجات یک با دوشک بادی - بازو بندها و حلقه غریق: تنفس مصنوعیست و باید ها نیز نه تنها برای طفل خطر دارد فوراً بدون تأخیر به مساز او پرداخت بلکه نجات دهنده را نیز بمخاطره * تاوقتی داکتر بر سر دهان را به دهان غریق ماند و به او نفس می اندازد.

• آب بازی در بحر بخصوص در عنکام مد و جزر و جانیکه آبها کف باید اورا به سر قرار داد تا آبیکه آسود و مواج زیاد باشد با خطر همراه فرو برد و دو باره خارج شود.

• در صورت عارضه ناخوشی و پس از صحبت یابی برای مدتی باید از شنا اجتناب کرد. برای کسانی که التهاب گوش دارند باید پنهان چرب در گوش گذاشت.



• هرگاه چنین اتفاق افتاد که مجبور باشید غریقی را از آب نجات دهید، در آن صورت باید طوری به او نزدیک شوید که مغروف شما را با خود در آب فرو نبرد. باید سر و کله اش را طوریکه در تصویر سمت چپ بالا مشاهده مینمایید بین دو دست قرار دهید و غریق دستهای خود را به دو طرف باز نگهدارد. بهترین ترتیب نجات دادن و بساحل سلامت رساندن غریق قرار دادن غریق به پشت میباشد.

ژوندون اسرا طول عمر انسان را پوری فاش می‌سازد

چگونه بیش از صد



با وجود سالخوردگی دارای قدرت کار و فعالیت است

رادر آنجا یافتم که با وجود کبر سن دا رای افراد زیادی بودند که حتی بدون احساس خستگی از مراقبی بهتاره کوه واژ یک سمت به سمت دیگر می‌کردند شتنده جرئت و قدرت این اشخاص سا لخوردگه که نسبت به سن سال شان از خود نشان میدادند مراسخت تکان داد.

مخصوصاً صاو ضع غذایی مردم این

سرزمین برایم خیلی دلچسپ بود که از مردم آن معلومات گرفتم اکادمی ملی علوم اصلاح متحده امریکا زیاد غذائی اشخاصی را که اضافه از بینهای و پنج

سال عمر دارند این چنین توصیه می‌کند:

برای مردان ۲۴۰۰ کا لوری با ۶۵ کرام مواد البومن دار.

برای زنان: ۱۷۰۰ کا لوری با ۵۵ کرام مواد البومن دار.

اما من متوجه شدم که مقدار کالوری مورد ضرورت مردم سا لخوردگه و معمر یکتعداد زیاد مردم از مقدار معین غذائی بود

ژوندون

مطابقات بودند درین مورد معلوم است زیادی بمن از ائمه معمود و معلوم است علمی خوبی بدلسترسیم گذاشتند نظر باینکه خصوصیت علمی معینی برای تعیین طول عمر وجود اولین سوالیکه حقیقتاً برای هر یک از متخصصین پیدا می‌شود اینست که چطور امکان دارد نظر شخصی را که ادعامیکنند اضافه از یکصد سال زندگی کرده قبول کنیم. دردو لیکا بامب از زمان های قدیم تو شته های کلیساها درباره (غسل تعمید) که در روی آن عمر طولانی بعضی ها معلوم می‌شود و در وا قعات دیگران از روی شواهدی که از دوستان واقوام آنها بدست آمده وجود دارد.

سر شماری سال ۱۹۷۱ نشان نیز بعد که نه نفر از ۸۱۹ نفری که در منطقه ولیکا بامب زندگی می‌کنند اضافه از یکصد سال دارند طور مقایسه می‌توان گفت که در اضلاع متحده امریکا درصد هزار نفر سنه نفر بیهمان سن و سال رسیده اند.

درین منطقه او نز که تعداد ساکنین آن به چهل هزار نفر میرسد دانستن تاریخ تولد آنها خیلی مشکل بود مردم او نز که در یک منطقه کوهستانی تجربه شده در سر حدات افغانستان و چین زندگی دارند از نظر زبان با هیچ یک از مردمان جهان شباهتی ندارند.

درین منطقه سواد و نوشتن وجود نداشته واژین سبب هیچ سندی راجع به تاریخ تولد مردمان آن در دست نیست.

تنها در بعضی حالات حکمرا ن آن منطقه نظر بد لایل و شواهدی که نزد خود دارد درباره تاریخ شهر خود و درباره عمر بعضی مردمان آن اطهار نظر می‌کند.

خلاف صه نظر به همین دلایل

برای صحبت و سلامت وجود و طول عمر یک رژیم غذائی دارای کالوری کمتر و مقدار کم شحم و کلسیتروول ضروری است

در روی زمین هنا طقی و جوددارد ضمن این سفر در بعضی از قریه های که مردم آن نسبت به اشخاص دیگر ویکه بامب در اکوا دور، در منطقه زیاد تر زندگی کرده و در پیری کو هستانی فرا قروم در کشمیر و در سالخوردگی بیشتر دا رای انرژی ابخاز گر جستان با مردم ملاقات ها و قدرت کار و فعالیت می‌شوند. و مذاکراتی نمودم و زیاد تر با مردمی دردو سال اخیر توانستم در بسیاری درین مناطق صحبت نمودم که دارای ازین مناطق که زیاد تر آنرا هنا طق عمر زیادی بودند علاوه بر آن گروه کو هستانی تشکیل می‌شدند سفر نمایم تحقیقاً تی که درین هنا طق مشغول



این مرد سالخوردگه که بیش از یکصد و ده سال عمر دارد با پسرا ن شصت ساله خود در یکی از مناطق کوهستانی اونز زندگی دارد.

صفحه ۳۸

طب معاصر باین نتیجه رسیده است که جیره غذایی با مقدار کم کالوری مانع بوجود آمدن تصلب شرایین میگردد

سال زندگی میکنند؟

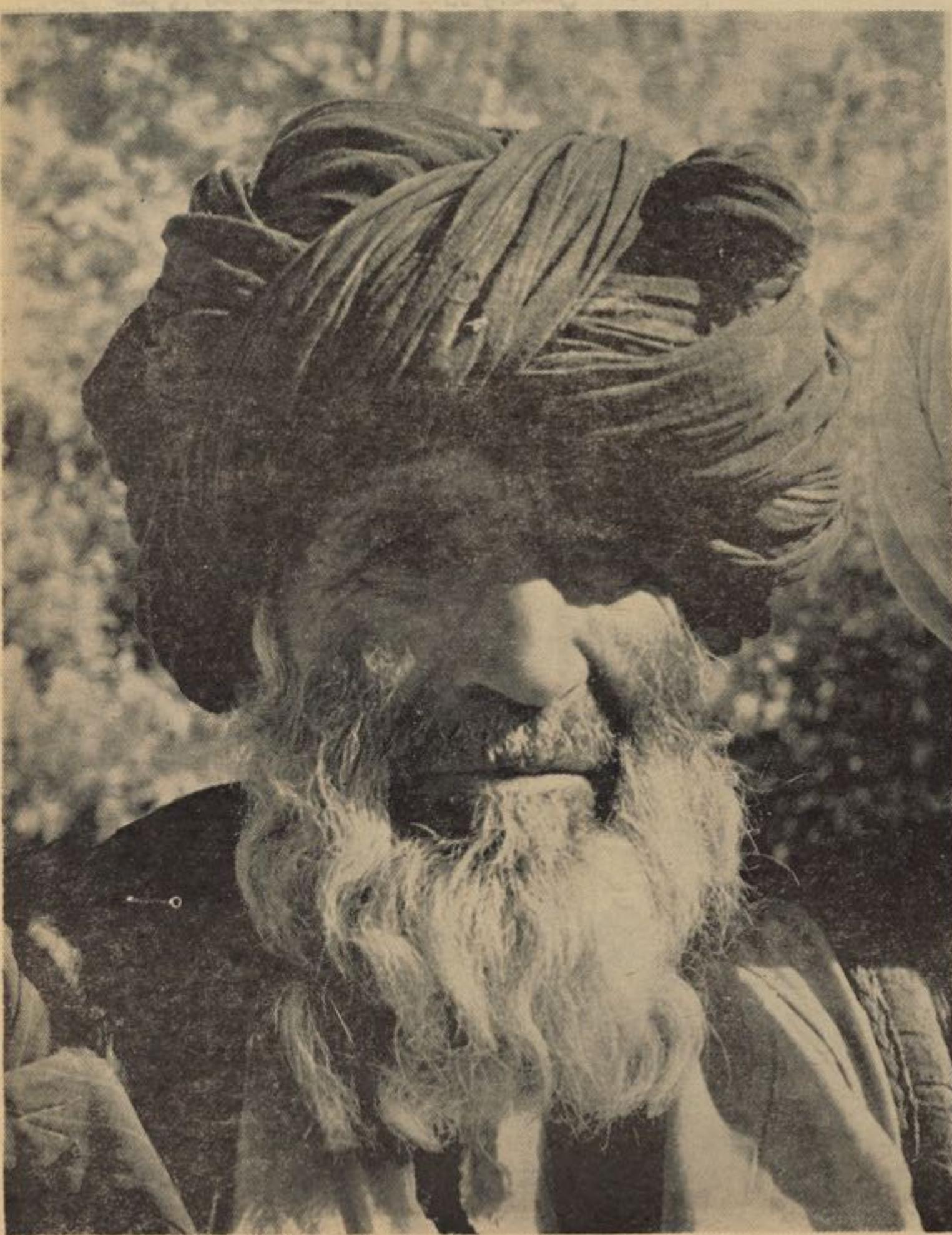
کالوری کمتر با مقدار کم شحم خیلی بلند است. مردمان سالخورده و کلسروں ضروری است. اما این سطح زندگی درینجا نسبت به ولیکا روزیم غذائی در نزد مردمان معمر قفاراز با مب و نیز فرق زیادی داشته و بقیه در صفحه ۹۴

کالوری کمتر با مقدار کم شحم طوریکه با آنها آشنا شدم فرق میکند. درینجا روزانه از هفت صد تا ۵۰۰ گرام غذائی بعد از تحقیقات در مورد غذای با شند گان منطقه ولیکا باعث که زیاده از ۵۵ سال عمردارند اظهار نظر میدارند که باشند گان (اونز) روزانه بطور اوسط

که اکادمی علوم اصلاح متحده تو صیه کرده بود. یک متخصص غذائی بعد از تحقیقات در مورد غذای با شند گان منطقه ولیکا باعث که زیاده از ۵۵ سال عمردارند اظهار نظر میدارند که باشند گان (اونز) روزانه بطور اوسط ۳۶ گرام مواد البو مینی ۳۶۵ گرام شحمیات و ۱۹۳۲ کا لو رو مید هند استعمال مینما یند که در جمله مقدار کالوری یک و نیم فیصد مواد پروتئین دار و لپتیات نیز شامل است زیرا از نظر حیوانات ری و تربیه موادی خیلی عقب مانده بود و تنها یک تعداد گوسفندان در خانها تر بیه شده و در ایام عیدها بعضی از گوشت آن استفاده میشود. چون روغن حیوانی خیلی کم است ازین سبب در شهرها برای پختن غذاهای مروج از روغن خسته زرد آلو استفاده میکنند.

دکتور گلرمو یک عالم غذایی دیگر هنوز هم پایین بودن مقدار کالوری ضروری را در نزد اشخاص معمر این منطقه تذکر داده مینو یسد: جیره ۱۲۰۰ از ۳۸-۳۵ کا لوری است که شامل گرام مواد البو مینی ۱۹-۱۲ گرام شحمیات و دو صد یو صدو شصت گرام مواد کار بونی میباشد که مواد البو مینی و شحمیات آنها از نباتات بدست آمده و مواد البو مینی حیوانی تهیا و تنها یک برسه قسمت تمام غذائی ما که روزانه میگیرد، تشکیل میگردد. ولازم است گفته شود که در اونز مانند ولیکا باعث مردمان سالخورده و معمر چاق و فربه نبوده بلکه اندام متناسب دارد.

طب معاصر باین نتیجه رسیده است که این طور یک جیره غذایی با مقدار کم کالوری مانع بوجود آمدن تصلب شرایین میگردد. من عقیده دارم، که برای صحتو طول عمر یک روزیم غذایی دارای



خودکشی

دیگر شکل جهانی

بیرونی و مرضی های علاج نا پذیر و پدیده نا سالم ، فقط در چوکات تنگ شکست در عشق می توان دید. بوقوع اخلاق محدود بود .

علمت های ممکن:

نگاه و بر رسمی در نا ریخت فر هنگی موارد پسته بهم قعیت یک کشیور بیوسن حادث خود کشی در بسیاری خودکشی داترسیم تعایم . ولی این نمودهای فرهنگی ، تا کید های اجتماعی و هو قعیت افراد در کروه نماید تا چار چوب کمر نک حادث های معین اجتماعی است. در سده خود کشی را ترسیم تعایم ولی این تحقیق هیچگونه کمکی برای شناخت گذشته بیکانه روش کنترول برای خود کشی درها له ای از عقاید ریشه بی خود کشی جز اینکه آنرا یک حاده نا مطبوب اجتماعی بحساب خرا فی فرو رفته بود.

اوریم، نمی نماید . مادر تاریخ هیچ در تمام مذاهب خود کشی محکوم گردیده و روی این عقیده تا کید می گردد که « زندگی بشری یک موهبت آن حاده خود کشی بمعانی نیامده ایی بوده و انسان نباید آنرا بیاری باشد .

با خردا نه بکیرد» امروز بر خورد های تا ریخت بر رسمی و تحقیق علمی مذہبی گذشته در مورد خود کشی حاده خود کشی ، به قرن نزد هم، شکل قانونی گرفته است. ولی در زمانیکه دور کیمیم تا کید نمود که قرن نزد هم بر خورد جا معه به این «روشن خودکشی را می توان در شرایط

زندگی بشری یک موهبت الهی بوده و انسان نباید آنرا ببازی بگیرد.

حل اقل هزار نفر در جهان در روز دست بخود کشی میز نند.

توانیم که یک فرد معین، خود را برای وجود خود را به نیستی کشاند، یکی حفظ دو سنتش و یا بخاطر حفظ یک سنت اجتماعی قربانی نماید. بیوه های که خود را پس از مرگ شوهران زنده بگور می کنند می توانند نمونه این قربانی بحسباب آید .

علت یابی آنرا باید از مقطع های شکل دیگر خود کشی فرهنگی را در وجود پدیده های نادرست دیگر، چون وابستگی های مذهبی و باورهای فرهنگی، عادات و سرتیفیکات جستجو کرد. ولی هنوز مادر جستجوی آن سببی هستیم تا ببینیم که کدام علت است که یک شخص را به طرف خود کشی می کشاند. باو جودیکه ارقام خیلی ، خیلی دقیق وجود ندارد و لی گفته می توانیم که کم از کم در روز هزار نفر در سراسر جهان نبه جنبین عمل تکان دهنده دست میز نند.

جهت های فر هنگی

بررسی برخی از جهت های فر هنگی خود کشی ، نشان دهنده سریع شدن آن هنگ این پدیده نا سالم اجتماعی در درازای تا ریخت است. این بررسی به صورت روشن نمایان ساخته که دو تهدید عمده در سراسر تاریخ این حادث را دامن می زند. او آن خود کشی اجتماعی یا ناشی از نهاد های اجتماعی. این شکل خود کشی را در بعضی موارد خود جامعه از یک فرد در آزادی عضویت آن در یک کروه معین اجتماعی می خواهد. در تا ریخت نمونه های زیادی دیده می شوند

در همه موت دنیا اکنون مراکزی برای جلوگیری از خودکشی بوجود آمده است .



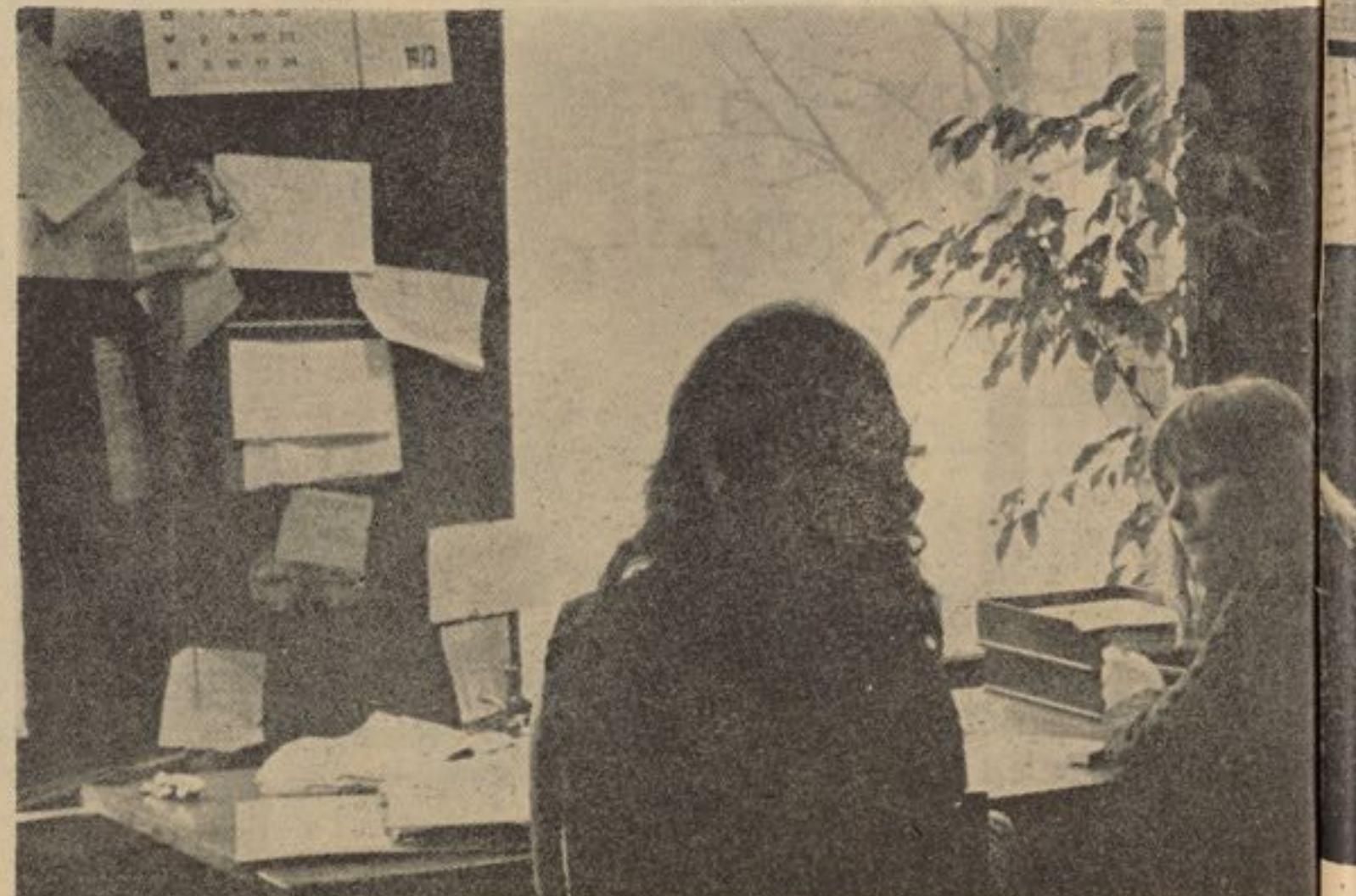
در تصویر بالا بخوبی دیده شود که پولیس شخصی را که اقدام بخودکشی نموده نجات می‌دهد

برایش وجودندازد و یاد ربعی موارد نظرهای دیگری مانند تحلیل های تحلیل ناب اجتماعی، نبرد درونی فرد در درون صدف خود بینی فرو روانی و روانی سحرکی بیرون آمد. فرد را علیه نا بسامانی های محیطی رفت و روابطش با دیگران برهم ولی بعد هامعلوم شد که در بنده ساختن رد می‌نماید و در عین حال تا کید روی دلائل خود کشی در همین چارچوب، می‌خورد. «علت روانی، جامعیت پروری را برهم میزند. برای تحلیل نسبتاً زرف اجتماعی حاد تر خود کشی نا کید موفقیت فرد در درون جامعه، و شکست نمود، راه برای بررسی های بعدی در زندگی اجتماعی، عنصر روش نماید خود کشی است و لی نمی‌توان این علت ها را بسته و کافی باز گردید. بعداز درون این تئوری تمام بفرنجی و پیچیدگی اجتماعی در مقاطع فرنگی، اقتضای طبقاتی و حتی سرشت شخصیت معین، بررسی کرد.

اندازه این مشکل:

آیا اندازه بزرگی این مشکل بحیث یک تهدید به صحت اجتماعی و دلیل اتحاط اخلاقی در جهان چقدر است؟ در بسیاری کشورهای اروپایی خود کشی بین سالین پانزده تا ۴۴ در رده چهارم پس از تصادمهای سلطان و بیما ری های قلبی قرار میگیرد. بدینختانه همه کشورها احصا نیه دقیق خود کشی را نسبت نمی‌نامند ولی هو سسه صحت جهانی سعی نموده تا جایی که در قدرتش است احصا نیه قربانیان خودکشی راجمع نموده و آنها را دسته‌بندی نماید.

با آغاز قرن جدید، رشدی در مطلع خود کشی ها بین آن آنده اکنون رقم ده نفر از ۱۰۰.۰۰۰ نفر امامی سازد. ولی این رقم هم چندان قابل اعتماد نیست. و در بسیاری های موارد زیاد



آنده که در آن روش های جلو گیری از خودکشی بررسی می شود

روز یکه،

عصر نیروی ذری

یونان قدیم به کو چکترین ذره ماده لیتوم از توده ۷ میتواند یک پروتون را اگرفته و در نتیجه هسته‌های توده ۸ را اطلاق میشند که میتوانست و جود بدهدو توده ۴-alfa مانند باشند. داشته باشد.

چه میشود اگر اتم بشکند؟ آیا

دوام کو چکتر بیان می‌آید؟ یا

اینکه شما ساختمان اساسی ماده‌را در هم شکسته و جهان را به پایان میر سانید؟

این سوال ها برای سده های زیاد توجه روشنفکران و دانشمندان را جلب نموده بود. روتور فورد به پیشگویی عقیده نداشت. از همان روزهای اولیه در نیو زیلند که سکالر شیپ تحصیل پکامبرج را بدست آورد، زندگی علمی امیل در چار چوب تجا رب، تحلیل ها، ارزیا بیها و نتائج بدست آمده خلاصه میشود.

بعداز پایان دادن کارهای علمی روی «بی‌سیم» و اکسیریزاعم توجه را را در مورد اشعه اسرا را آمیز یورا نیوم و فلز کمیاب رادیوم جلب شد که توسط خانم پیر زی کیوری در سال ۱۸۹۸ کشف شده بود.

بعد او تجاربش را روی اشعه الfa که آنرا ذره الfa نامید آغاز کرد.

بعداز تجارب زیاد او ذره الfa را زدیوم بمباردمان نموده و در یک مخزن در بسته راهداد مشاهده نمود که عنصر هیلیوم را بدست آورد.

لیتوم از توده ۷ میتواند یک پروتون را اگرفته و در نتیجه هسته‌های توده ۸ را بدهدو توده ۴-alfa مانند باشند. درک این مطلب برای ماو شما تا اندازه مشکل است ولی آن را می‌توان مساده ساخت بدین معنی که دانشمند بزرگ بیان داشت که: اتم میتواند بشکند.

کلمه اتم اتو سط دانشمند ان

جهان در بسته اتم شگافتہ شدواز آن نیروی عظیم و باور نکردنی بی بیرون آمد.

با استفاده صلح آمیز از نیروی اتم میتوان زندگی بشر را رنگ نوی زد.

بنا ریخ بیستم ابریل سال ۱۹۳۲ های دانش کیمیا و فزیک حرف زده و چهره درخشان جهان دانش لاردر و تر میگفت: فورد، در برابر همکار اتش در لندن سخرا نمیکرد. او از آخرین دست آورده اکنون علوم شده که ایزو توب



روتر فورد د اشمند شسپیر در حال آزمایش و شکستن اتم.



هنگامیکه روتور فورد امکان شکستن

اتم را اعلام داشت، در واقع بنیاد

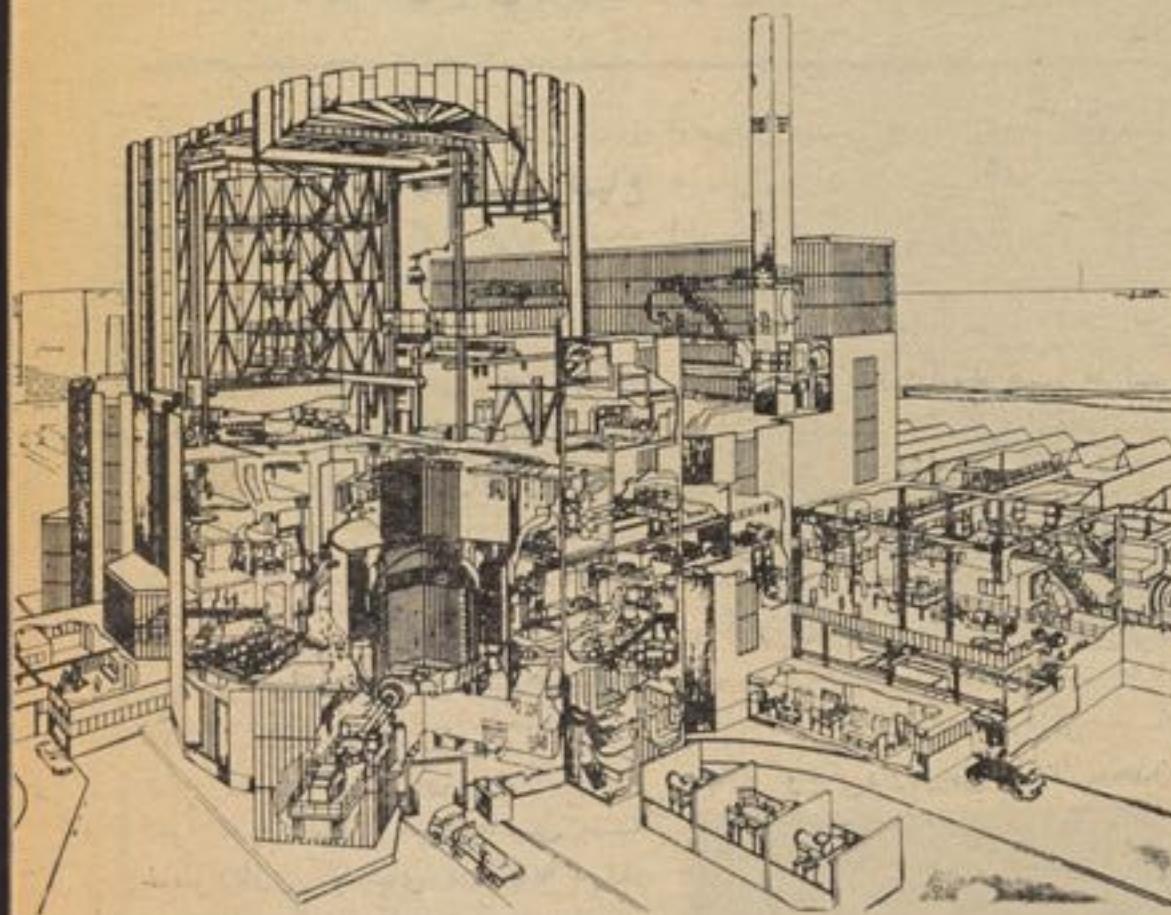
فرضیه «لایتجزا» بودن ذره را بر کند

و دریجه ای از امید و روشنی را بخ

جهانیان گشود.



آغاز یافت



دستگاه عظیم بالامی تواند انرژی را در خدمت بشر قرار دهد.

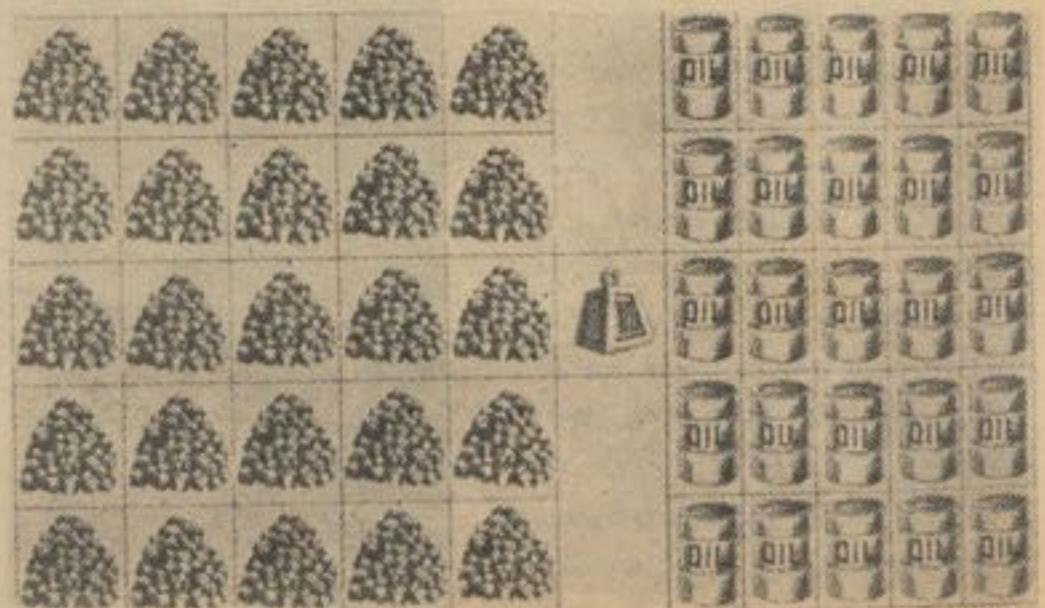
هسته ۱۰۰۰۰ مرتبه کوچکتر از ویک عنصر را به عنصر دیگر تبدیل مجموع اتم است. به صورت مثال اگر میکند. تجربه ادامه یافت ویک تجربه تمام هسته های بدن انسان را باز نمود تا اینکه در کنیم فضای کمتر از یک دانه ریکت سال ۱۹۳۲ گزراش داد که او فلن را اشغال مینماید. ولی جای شکفتی لیتوم زایدا هاید روزن بصاردمان نموده و دو اتم جدید همیویم را بوجود آورده است. به این ترتیب او انسان میشود.

بسادگی یک اتم را بوجود نیاورده بود، بلکه بصورت تمام یکی را به دو بخش تقسیم نموده به این ترتیب جهان اسرار آمیز اتم شکافته شد. زمانی بود که با بصاردمان اتم های نایتروزن، هاید روزن را حاصل تبدله، نظر میکردند و زیر فضای سالم و آرام، دانشمندان در همه جا نموده است. او توسط تجربه کا ری را انجام اتم را زیر بصاردمان قرار دادند. میداد که طبیعت خود بخود انجام داده بقیه در صفحه ۹۲

قبل از آن زو تر فورد و همکارانش روتور فورد تجربه دیگری نمود. ذره نموده بودند که رادیو اکتیو تغییر او ورقه طلا را با ذره الفا بصاردمان شکر فی رادر سرنشست یک عنصر و تبدیل نموده و مشاهده کرد که ذره بی پادشاه آن به عنصر دیگر نشان میدهد. از آن گذشت. به صورت مقایسه این کار چنین معنی میدهد که ما یک سنتک در این زام نظرهای انتقاد آمیز شدید و جود داشت ولی او اکنون را از دیوار صد یاری با فشار عبور به این امر ایمان کامل داشت. تجربه: هیم.

سیاره های کوچک: بیشتر نشان داد که اتم یورا نیوم از راه ۱۴ دفعه تغییر شکل به اتم سرب تابت نمود که اتم به صورت کام مل تبدیل نمیشود. یورانیوم تا حدود ۵۰۰ میلیون سال را در بر گرفت تابه عنصر دیگر تبدیل شد. رادیوم نبوده و دارای فضای درونی میباشد. در حقیقت یک نظام شمسی کوچک در درون آن بود. اتم دارای بخش منجمد تغییر شیوه کار دارد.

روتور فورد کشف نمود که طبیعت خودش کارهای شکفت انجیزی را مانند سیاره های دور آفتاب میچرخد. انجام داده که کیمیا گران سابق به همین دلیل بود که ذره الفا از ورقه طلا غبور نمود. بخش زیاد کلو له های در تلاش تغییر یک فلز به فلز دیگر بودند. زمین شناسان و باستان شناسان اسناد اکنون به کمک رادیو اکتیف میتوانند ها در «سیاره ها» عبور نمود. ولی عمر کوهها، سنگلاخها و دیگر یکی از ۱۰۰۰ رزنه آتش شده اشیای زمینی را معین کنند. بیرون آمد. او محاسبه نمود که



یک پوند یورانیوم انرژی معادل ۲۵۰۰۰ بیلر نفت تو لید می کند.
شماره ۲۲-۲۳

چهره‌ها مشهور هنری جهان را معرفی می‌کند

چهره که بر دروغ سینمای هند قرارداد: **هیما مالینی**



هیما مالینی

بزرگی داشت. میدانید؟ اساساً فراز بود که: «رفلم لال پتھر نقشی را که من بازی کرد، ویجنتو ما لا بازی کند و نقشی را که راکھی بازی کرد، نیز تن به عهده داشته باشد. سرانجام، هنگامی که نقش به من واگذاشته شد، احساس بی اعتمادی نسبت به خود م بهم دست داد. بهمن گفت: «بازیکاران نقش مرداوی را بازی فلم را جکمار نقش مرداوی را بازی میکرد و هم بود که بهمن دل و جرات بازی بخشدید». هیما ما لینی انگار پرسشی را که در دل داشتم، در نکاحم خواندو گفت: «نی، من در کارم باراچ به هیچ اشکای بر نخوردم. من هنوز بازی خود را رادر لال پتھر از بهترین تلاشها یم میدانم والبته در پیروز شدن این تلاشم را جکمار قسماسیم داشته است.» حالا باید پرسید که بازیکران مرد مورد علاقه هیما کیها هستند.

حوال میدهد:

«خوب، شمی کیور در فلم انداز خیلی به من کمک کرد من نقش خودم را درین فلم بسیار دوست داشتم. ولی بیازیکران مورد پستندم همچنان دیوانندو راجندر کیار بودند. یکی از وحشتمناک ترین لحظه های زندگانیم هنگامی بود که در فلم جانی میرا نام در برابر دیوانندو قرار گرفت. معلوم شد کمک کرد که خوب بازی کنم. و چون جانی میرانام جایزه گرفت، معلوم شد که بازی من چشمکیر بوده است. در همین فلم بود که کار گردان مورد علاقه ام را نیز ملاقات کرد. منظور رم ویجی آنند است. او آنچه را که از یک بازیگر زن میخواهد، خوب میفهمد و به دست هم می آورد. از همین جمیت است وقتی او از من دعوت کرد در فلم تیری میری سینی

هیما ما لینی میگوید:

میخواهم در نسخه هندی فلم ((بازدید)) همان نقشی را بازی کنم که انگرید برگمن بازی کرده است .

من عموماً ملاقات بازیکران سینما او هم از جنوب آمده است. تمیز سد. است.» هیمامالینی در صحبت و نگرش خودش من و هیما ما لینی به صحبت درباره راضیاع وقت میدانسته ام. ضیاع هیمامالینی در صحبت و نگرش خودش وقت به خاطر آنکه این گروه وقت زن دیگری را از جنوب به یاد آدم جایزه بی که او را بوده است، پرداختیم زیادی داشت که ضایع سازندو می آورد. ویجنتو ما لا را آیا هیما ویکار دیگر یا ویجنتو مالا بیمیدان آمد میپندا رند که شما هم خود تان را ما لینی قصداً میخواهد از ویجنتو میزد جریان بیهوده بی رهامتیو! نیز در گذشته ازین بازیگران سینما کرد گذشته ازین بازیگران سینما فکر میکند که اگر شمارابا و عده های خودش درین باره میگوید: نادرست بازی بدهند، آوازه بیشتری «انگیزه بیدا بی چنین احساس آن لال پتھر» موقف ویرا به حیث کسی بالاتراز یک بازیگر عادی تشبیت کرد. نصیب شان خواهد شد. با همه اینها است که من به حیث یک رقصه هیما ما لینی در جواب گفت: بدها را تانیام پیش همان سازند کانی بروم که ویجنتو مالا رفته است. به یاد «کاملاً درست است.» اما «لال پتھر» داشته باشید که اینجادر بمبی ساز بیروزی بزرگی نبود، حالانکه فلم جهان کوچکی دارد حق انتخاب محدود «سینتا او ر گیتا» رامی توان بیروزی هم شد. و عده ملاقات من با هیمامالینی بود. این نکته شکفتی آور مینماید. زیرا درین هنگام هیما مالینی به خاطر بازی نقشای دو گانه در فلم «سینتا او ر گیتا» لقب بیترین بازیگر زن را بدست آورده بود و به سختی میشود به او دست یافت.

ملقات با هیما ما لینی مثل آن است که آدم به «کارول باغ» دهلي سری بیزند. وقتی به اتفاق او پا به گذا رید، فضای هند جنوبی را مجسم میبینید و احساس میکنید که یکی از فلمهای ایستمن کل ساخته داد را تماشا میکنید. هیما ما لینی با انگلیسی مدراسی و هندی کار زیل با غی صحبت میکند. هیما زبان هندی را روان گپ میزند. و لیشیوه صحبتیش آدم را میزند. و لیشیوه صحبتیش آدم را و میداند که فراموش کند او یک شخصیت سینما بیست.

هیما وقتی به انگلیسی سخن میزند، احساس آرامش بیشتری میکند. اگر چه درین کار به پای «جاپالا لینتا» که





میتوانند آدم را در قا لبی که لازم است

بیندازند. برین اساس من برای یک نقش بسیار جا لب پیشنهادی دارم:

میخواهم نقش زن انقامجو را در سخه هندی فلم «باز دید» بازی کنم.

منظورم البته نقشیست که «انگرید برگمن» درین فلم بازی کرده است. این سخن از کسی که همین لحظه

از فراورده های نخستین صحبت میکند، متوجه قض به نظر میر سد. ولی

این تناقض، نوعی از تناقض درونی بازیگریست که بر ذره فلم هندی

هنگامی که در جانی میرانام بازی میکرد، استوار تر ساخته است و با فلم سیتا اور گیتا بو لساز ترین

بازیگر شناخته شده است. هیما باز بیای خودش، را می خواهد

را که وی جنگی مala روشن ساخته است میمیماید.

نقشی را بازی کند که با رقص توأم باشد. درین باره میگوید:

« همانگونه نقشی که وحید مر حمان

در فلم گاید بازی کرد. چنین نقشی

رقاصه و بازیگری را که در من نهفته باشد. اگرچه آدم به خاطر افسخار است، نمودار خواهد ساخت. »

بررسیم:

« آهنگساز مورد پسند تان کیست؟

گیرد. به همین صورت، من بسیار شاید من دی. بو من باشد که علاقمند کادر فلمی بازی کنم که به آهنگبای فلم گاید را ساخته است؟ »

جواب داد:

« نی، من آر. دی بر من را دوست

دارم »

واین البته به خاطر موضوع من است

ولی هیما ما لینی این نکته را نهان میگذارد.

ادامه داد:

« گذشت ازین به حیث یک رقصه کلا سیک مدن موہن را با سرشست

کلا سیکش دوست دارم. »

بقیه در صفحه ۹۳

هیما خودش کدام تو جیه عقلی درین صحنه بی رابه یاد دارم و بجی اند از من خواست به سوی یخچال بروم و برای دیوانند یک کوکاکولا بیارم.

فکر میکرم که این صحنه بسیار بی معنیست، ولی هنگامی که آن را

آنرو را جندر کمار را نر جیع میدهد کادر دهه شست وی در اوچ آوازه بود و هیما درین هنگام دو ران تا لیر

پذیری را میگذرانید. خوب حالا باید بررسیم که هیما

ما لینی در بازه دلیب کمار چه فکر میکند.

هیما میگوید: « نظر قان درباره و بجی آند بحیث

نکار بازیگر چیست؟ »

جواب داد:

« خوب، میفهمید که اویک هترمند بر جسته است و من این نکته را در

فلم تیوی میری سینی دیدم. در حال حاضر و بجی اند شاید به حیث یک

بازیگر خوب هم بنتواند کار کند. »

ولی چرا را جندر کمار اینقدر مورد

عالقه هیما ما لینی قرار گرفته است؟

من سخت آرزو دارم که در فلمی
پادلیب هم بازی باشم »

بررسیم: « هر کونه فلمی که باشد، بروم

ندا رد؟ »

جواب داد:

این نقشها بابا زیگری کادر من

نهفته است، جور می آمد. هری

شیدا هما نند سرید هر در مدراس،

کارگران دیگر مورد علاقه من است.

این هر دو، یعنی هر شیدا و سریده،

از: شرعی جوزجانی

بیرونی



آخرین بخش

بیرونی را لیونارد داوینچی دوم نه، بلکه لیوناراد داوینچی را، بیرونی دوم بنامیم (۵۷) او نسبت پدشمنان دانش و معرفت، نسبت بدغیر و عادات نکوهیده و نسبت به بیعدالتی مخت خصوصت میورزید و از ظاهر وریدا در ساحه دانش و قضاآسای قشری منکی بر تصور وسو بزکنیویسم شدیداً هنفردادشت. همیشه ودر هر کجا که قدم میکذاشت . حتی در دشوار ترین لحظات زندگی در جستجوی حقیقت و واقعیت بود و عقیده داشت که اندیشه بشر میتواند تهته ترین و بفرنجترین واقعیت هارا نیز دریابد و «بیاری حکمت، معما راز دهرا ریکشاید».

الدیشه های طبیعی - علمی و فلسفی بیرونی در ساحه مبارزه ایکار، اهانت مترقبی خاصی را حائز میباشد .

میراث علمی بی نظیر این دانمادر بزرگشتر ق جذانکه شاید و باید در گشود ماشناخته شده، (بایان)

(۵۷) عیسی جیاروف، راز خواجه های کهن، ص ۱۶۳، تاشکند ۱۹۶۸ .

- ۷۲- مقالهٔ فی تصنیع کلام «ابی سهل الکوئی» فی الكواكب المختلفة .
 ۷۳- کتاب تکمیل هناءۃ التسطیع .
 ۷۴- کتاب تصور امر المجر والشفق فی جبهة الشرق والغرب من الافق .
 ۷۵- کتاب تاریخ ایام السلطان محمود واعتبار ایه .
 ۷۶- کتاب نزهة النبوس والانکار فی خواص الموالید الثلاثة «المعادن والنیبات والاحجار» .
 ۷۷- علل ذیع جعفر المکنی «ابی معشر» .
 ۷۸- البرهان المیز فی اعمال التیسیر .
 ۷۹- تنقیح التواریخ .
 ۸۰- ابطال البیتان «ایراد البرهان علی علل الخوارزمی» .
 ۸۱- خیال الکسوین عندهنده .
 ۸۲- مقالةٌ فی طالع قبة الارض و حالات التوابت ذات المروض .
 ۸۳- رسوم المنه .
 ۸۴- راشیقات المنه .
 ۸۵- تحصیل الشعاعات بابعد الطرق عن الساعات .
 ۸۶- مقالةٌ فی دلالة الآثار العلویة علی الاحداث السفلیة .
 ۸۷- کتاب فی المستقر والمستودع .
 ۸۸- تقویم القبلة .
 ۸۹- استعمال دوائر السموات لاستخراج مراکز البيوت .
 ۹۰- تصحیف المتنقول عن المرض والطول .
 ۹۱- منصوبات الشرب .
 ۹۲- تعیین المیزان لتقدير الزمان .
 ۹۳- فی الارشاد الى تصحیح المیادی علی النحو داریات .
 ۹۴- مقالةٌ فی الابخار فی قدر الاشجار .
 ۹۵- التحدیر قبل الترك .
 ۹۶- شرح ایی تمام .
 ۹۷- تنویر المیادی الى تحلیل الازیاج .
 ۹۸- المسائل البخیة فی المعنی المتعلق بالنكسار الصناعة .
 ۹۹- امر الممتحن وتمییر ابن کیسوم المفتخر .
 ۱۰۰- مقالةٌ فی طریقة النی ایتکرها فی مصل بعض الاعمال .
 ۱۰۱- کتاب ذیع السعوی .
 ۱۰۲- ایور ریحان بیرونی با آنیمه تبحیر در انواع علوم وفنون وبا آنیمه آثار فنا یزدیر علمی، دانشمندی متبحر ، محقق واقعیین وواعلمکاری اندیشمندی زرف نکر ، راد مردی انسان دوست وحافی بزرگ و دوستدار صمیعی علم ودانش بود واعتقاد داشت که آبادی وعموری عملکرده بنشکوفانی دانش وفنون مسربوط است و سعادت پسر منجمله در دانایی او نسبتی است .
 ۱۰۳- در سیمای بیرونی دانشمند کبیر انسیکلو پیدیت ، فلک شناسی ، جغرافی دان «معدن شناسی ، رتوگراف ، مورخ وشاعر بزرگ فرون وسطی شرق مجسم گردیده است .
 ۱۰۴- محققین بزرگ جهان شمن تلاش برای یافتن دانشمندی که بتواند همیایه بیرونی باشد ، اورا ایله توسفین دوم ، بطیموس وحشی لیونارد داوینچی (نقاش ، فیلسوف وعالم بزرگ دوره رنسانس ایطالیا) تأمیده الد .اما اساساً بر طبق قضایت عادلانه من پ. تولستوف خیلی بجا ومنظقی خواهد بود تا

حسر خو داشت

در شماره گذشته خواندید :

«ایین» دخترست که در شرکت عطر فروشی یک وکیل دعوی بنام زیو کار میکند وی اصرار دارد که کارش کسل گتنده است و مس گوید که ایستادن در پشت میز و بفروش رسانیدن عطر او را ذله ساخته است او بعد از اینکه لز «زیو» جدا میشود بخانه رفته و لحظه یه به یکی از همصنفان دوو شاگردی اش تیلفون میکند . و گذشته هایش را با خاطر نمی آورد . واينک بقیه داستان



دوختی مانند من دوای خواب آور محبری .



در مصادره ، "تهریس" با چی میگذرد ؟ این می از نشستن مدعایات آهنگ
و حسن صورم
لپس با یه تقسیم قطبی کردند شود ، است و بعد از سیاه آهون و دارنه
میگوید که سخن زیر این یا نه ؟
جزی دیگری نمود .

بکار خوب ، عست دو آزاده دیم در تریک دروزه
معنی دکان .





خد سفنه می‌گذارد. بر قاعده
"واندا" بیش از پیش می‌زیاد
محبی نموده. تا ایندک برایش
تعجبی نمی‌گیرد.

درازه په مومن ټولو پوری اړه
لږي
دژوندانه د محیط موضوع د بشر
ټول و ګپري د هیوادونو په اړ یکسی
پو عونی اودي ته یې متوجه کړیدی
چه بشمری ټولنه په یوه تو غندی کښی
چه د مخکن کړه نو هیږي، د سفر په
حال کښی دی. د مسافرا نو له خلورو
څخه یوه برخه دهو سایني او آزا هی.
وسایل لږ او نوری دری بر خی یې
په نا مساعده وضع کښی تیرو ی.
د غسمی بیو یې یقیناً به سفر یا همخکنښی
نه لږي، په تیره بیا هغه و خت چه د
دریمي درجی مسافران و پو هیږي
د اسی وسایل شته چه کیدا ی شی
له هغه څخه ڈیولو دژوند دښه کیدو
د پاره استفاده و شی.

آیا په مو نین کېنى دو مرە سیاسى او اجتماعى یو ھە پیدا شويىدە چە دېولو مسافرانو دژوندا نه شرایطو نه پا ملر نه و کړو او دددو د پرمختګ دباره زیاتهرستهو کاندو، او د تجارت او گمرکو تعر فو د توپیں غوبېتنی موانع له منځه یو سو؟ دغه چول موانع دواړو خواو ته د ګڼي د رسیدو اودنښې امتیاز داصل د عملی کیدو مخنيوی سبب گرزي. عدالت او شخصی گته دواړه په عاقلا نه توګه دا ایجاپوی چه مو نین دپر انیستلو لار په مخکېنى ونیسو او وختو نو مانع له منځه یو سو، نه داچه هغه بني له کوم عقلانی دلیل خخه وټرو او یا دملا تپ او محدود دا فکارو او عقايدو دیه لاس کېنى لرلو په عنوان دهغۇ

په دی خبره باید تردید و نلروچه
بدوای او شتمن هیوادو نه کولایشی
درزو ندانه دمحیطدساتلو د پاره دزیات
لکنیست دمبازی ددوام به ضمن کتبی
دبیو زلو هیوادو سره هم د دوی د
چتهکی ودی اوپر مختیا دباره مرسته
وکې ی خکه تروروستی لس گلنی
دوری پوری به ددوی غیر هلي تولید
له یو زر مليارد ڈالر و خخه هم
ذیات شه

دغه غوبتنه چه پر منع تللى او
شمن عيادو زه نشي کولاي بيوزلو
عياد و ته خپلي هرستى يه سلرو
كبنى له ۳۵ دار خخه قر .
ياتجى يه ۸۸ منع كوي

کېنى پاکە شویدە خىكە چە بە سلۇ
کېنى اتە لوگى لىن تولىد يېرى او ب
سلىو كېنى خلوپىنت دسلفراو كساياد
يېكىنى كم شويدى او بە نتىجە كېنى
بەزىمى كېنى دلمر دويانگو دخلىيد
وخت دوه چىنە گرخىدىلى دى. دغ
تولى بىر مختياوى دى ۱۹۵۶ کال
دپاكى حوا، دەپير بىر مەخ تىلى قاتۇر
لە وضع كولو خە وروستە لاس ئ
ئاھىل دە خەللىق دە خەللىق دە خەللىق

شتمن او پر مخ تللى هييادو ن
دزوندانه دمحيط دپاك ساتلو دپا
نوی تكناالوزى كشفو لو ته دو
وركوي او چير ورباندى كلك ولاپد
ېدە صورت كېنى مخ پە انكشا
هييادو نه كولاي شى دخپل مح
دبىھ ساتلو د پاره له دغۇ نور
تكنا لوز يو خە استفادە و كپرى
مکر ز موڭزىن اندىبىستە له دى خ
چە بنایى خېلۇ دوو گونو ھە فو
يعنى ھە دەمع پە انكشافو هييادو
پە مختىيا سرەھر سته او ھەدزوندا
دمحيط دساتلو پە لارە كېنى رسىي
ئە بىريا لى نشو، دتكو لوزى ل
كمۇرتىيا خە سر چىنە اخلى با
زموڭزىن اندىبىستە دسياسى او اجتما
ارادى داشتىوالى ياكىمورى له مخىد

لوزی دعصر نه دیخوانی بنکلا د
شاعرانه تخیل په شکل تعریف کړی
مګر حقیقت دادی چه د فقر زینه او
چیله خیره د تکنو لوزی دعصر نه په
بخوا دوره کښی په هیڅو جه بنکلې
وه چه په اوستنی شتمنه نپړی
کښی وغواړی دهغی دباره شا عرانه
خونه جوړ کړي :

د صنعتی کیدو نه پخوا دو ره د
زیاتر و خلکو دباره دفتر، بیو زلی او
تازو غمی زه یرته بل خه نه درلو ده
او خوک نه غواصی چه هفی دو ری ته
وز و گرخی .

هر خوک چه ددغه حقیقت په باره
کښی شنکمن وي، په بیرته پا تسي
پا منجیه انکشا فو پرا خو هیواوادو
کښی دبد بختی او فقر کر کجهنه
خیره په بنه و چه لیدلای شی، خکله
دغه محرو میت د بشري زوند د هر
معقول مقیما س سره و حشت
راوستونکی دي . په دي ډول د تعجب
و په نه وي چه ووینو یاواورو هفه
کسان چه دېر مختک له تو لوښیگننو
آټهور دي - غواړۍ چه اقتضا دي
بر مختک دي وختنلوپېږي یاورو شی،
مکر منجیه انکشاف هیوادونه کولای
شی په آسمانی او لړو پیسو سره
د خپلوصنا یمو پنسته داسی کېږد ی
هه دزوند په محیط باندی دزیان

رسولو خخه مختیوی و کپی او
پر مخ تللو هیواد و دعفی و رخی سرد
مخا مخ نشی چه نن ورخ دروندا نا
د محیط دنخوالی خخه په رنځ کښو
دی .

دندگی معتمی یو خرگند خطر یه
امیری مر حله کنی دعفی له زیاتی

په دی معنی چه که دمو ضوع د
ریات ساده کولو په نتیجه کبیسی په
دعی کړه کبیسی درژوند دا صلای ستونو

د تراکم اودرتید و خطر فو ری او عاجل
و گتیو او دمختکی دکری دحیاتی منابعو
خنه بیحده استفاده او دوام
رو او شمیر و، دمچ په انکشافو هیوادو
خلک نه له و حشتنا کی آیتدی سره
مخا مع شنی، خکه چه مو بن به له
دغه محرو مو او فقر خیلو خلکو خخه
وغواپو چه دروندانه دمحیط دسانللو
په خاطر چه دپر مع تللو هیواد و د
بیحده استفاده په نتیجه کښی منع
ته راغلی دی، له پر مختک خخه ده
و کپری - بنکاره ده چه دوی به ددعنسی
غوبستنی به اثر زاویا زیزی . خوزما
په عقیده ددغی مسالی مطرح کو لو
نه ارتیا نشته .

خکه دا سی د لیل نشته چه
دمخ په انکشافو هیوادو دچیر ضرورت
و به اقتصادی پر مختیاددو ی دمحیط
یانورو محیطونو دیاره د نه متنلووړ
فشار: متضمنه ۱۴

شک نشته چه دروند د محیط
ساتنه دهفو یو شمیر امتیازو نو له
جملی خخه دی چه مخپه انسکاف
هیوادو نهین لری خکه چه دوی به
دیر مخ تللو هیواو و له ترخوا اوگران
قیمتو تجربه خخه په استفادی سره
دروند دمحیط په باره کښی د دوی
اشتباګانی تکراری نکړی

نتیجه به حه وی
به انکشاف عیوادو نه پایدله صنعتی
کیدو او دتکنو لوزی خواته د مندوی
و هلو خخه دده و کری او در کود په
حال کبمی پاتی شی. دشتمنو عیوادو
دخلکو دپاره آسان دی چه د تکنو.

اعترف مطلبها

شهر بازی انتونی کوسمین



در میان هنرمندان سینما کسی در هنر بازی و عطوفت بپای انتونی کوئین نمیرسد، او نه تنها به انسانها بلکه حتی به حیوانات علاقه دارد چنانچه یکروز بخانه یکی از دوستان خود رفت و در آنجامشاده کرد که سگ پشما لوی دوستش مرض است. او آنقدر نا را حت شد که خوردن و نوشیدن را فراموش کرده فوراً سگ دوست خود را برداشته برای معالجه نزد دترنبرد. چون روز رخصتی بود اکثر ترکرها به محل کار خود نبودند عا قبیت انتونی کوئین یکی از ترکرها در تفریحگاهی پیدا کرده او را وادار ساخت تا آن سگ را معاينه کند.

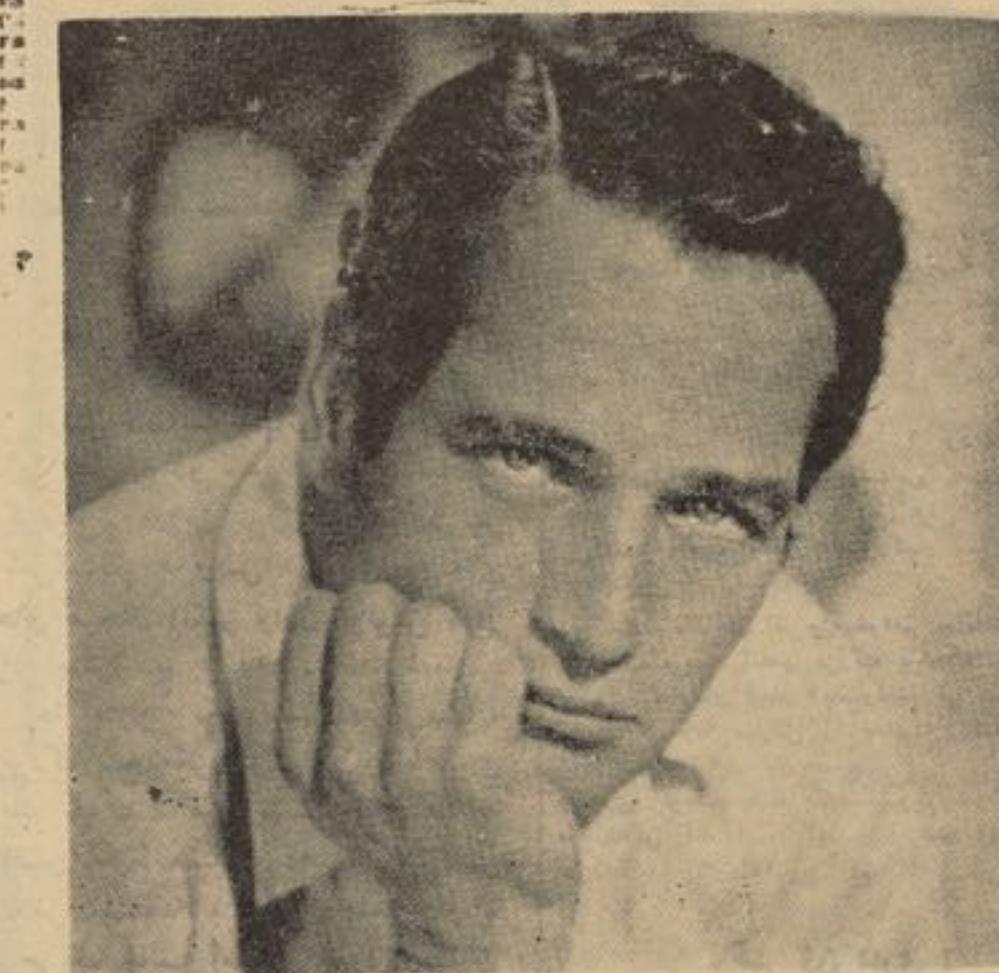
بعد از آن روز تا موقعی که آن سگ بکلی خوب شد او هر روز یا بدیدن آن سگ میرفت و یا تیلفونی از او خبر میگرفت.

پران از میدان بدر نشد

پیری چیز است که اکثر هنرپیشگان را از میدان بدر میکند، در سینهای هند هنرمندانی که سنوسال شان زیاد میشود دو مو قف دارند، یا ۱ ینکه بکلی سینما و هنرپیشگی را رها میکنند و یا در نقش هایی ظاهر میشوند که سن شان اقتضاییکند، بطور مثال شیا ما که یک وقتی هیروثین فلم ها بود، اکنون نقش های مادر و یازنان پیر را بعده میگیرد.

همچنان آشوك کمار و پریمنات ببارت بهوش در همین مو قف قرار دارند با اینهم این هنرپیشه ها بسیار کم در فلم ها ظاهر میشوند. اما بازار پران مانند سابق گر ماست، تنها پیری او را از جست خیز انداخته، برخلاف فلم های دوران جوانیش که بیشتر نقش های منفی و پر زدن خود را بازی می کرد حالا پران نقش های آرام مثبت و بدون خیز و جست را بازی میکند، پران در میان هنرپیشه های محبوبیت زیاد دارد، فلمسازان و همکاران احترام خاصی بوی دارند.

طوریکه از نشریه های سینما بی هند بر می آید پران چندین قرارداد دیگر بسته و در فلم هایی که هنوز کار فلمبرداری آن آغاز نشده برای ایفای نقش های متعدد در نظر گرفته شده است.



بول نیومن هنرپیشه معروف سینما این مطلب را در گستاخه خاطرات خود یاد داشت کرده بود:

« روزی خسته و مانده از کارخانه خود بر گشتم در استاد یو سرم بدرد آمده بود و میخواستم چند ساعتی استراحت کنم. در فلم نقشی را بازی میکردم که اجبارا تغیراتی در فیله ام داده بودم و من همانطور کریم شده و با مکیاز بخانه رفتم چون هو صله نداشتم در استاد یو برای پاک کردن سروصور تم انتظار بکشم دم دروازه منزلم و قتی ازموتر پائین شدم دیدم دختری انتظارم را میکشد، اتفاقاً دخترم را نشناخت و چون دید «بخانه پول نیومن» داخل میشوم گفت:

- آقا بدیدن پول نیومن میروید؟

- بلی خانم.

- پس لطفاً از قول من سلام بکوئید و در ضمن این پست کارت تبریکی را بخاطر مو فقیت فلم ۱ خیرش بسوی بد هید.

من پست کارت را گرفتم و بدرورن خانه رفتم، بعد با عجله در پست کارتی اینطور نوشتیم: « دختر عزیزم ... آنکه پست کارت را از تو گرفت خود پل نیو من بود ... از احساسات نیکت تشکر ۱ یعنی پوست کارت را از طرف من بپذیر... پل نیومن ... »

میلن دومونزو در فلم ۰۰ را فرانسه و ایتالیا بصورت مشترک میسازند. خوبست این آش شو یک میلن اخیراً تصمیم گرفته در یک طنز را در فلم کمدی اش هم بینیم یکی از ستاره های سینما که رقابتی با میلن دو مونزو دارد، از روی طعنه گفته است: سکس در کمدی چه بدرد میخورد دو مونزو که چیزی جز یک اندام زیبا ندارد، در فلم کمدی هم نایار است همان اندام زیبا را برخ مردم بکشد و گر نه بازی کمدی پختگی و مهارت می خواهد که دو مونزو فاقد آنست... صرف نظر ازین قضایت پر از حسادت و رقابت آمیز همه منتظرند این فلم کمدی تهیه شود.



دستور خانم

شایعه کرایه نشین

پدرم خانه اشرا بکرایه میگذارد و مراجعت
به تلفون هن مراجعه میکند. بهمه حال
توقعت مراجعت بعضی دلچسب ، بعضی
عجب و بعضی «نفس انجیز» است . ولی
یکی از آن ها با پیشنهاد خند مداری دارد
که بیان میکنم :

زنگ صدا آمد. گوشک را برداشت و
گفت: «بلی، بفرمایید» ناشناس گفت:
«خانه را شما بکرایه میدهید؟»
گفت: «خوب، اینطور تصور کنید ... آیا
فرمایشی داشتید؟»

گفت: «آخاجان ، من میخواهم خانهای را
بکرایه بگیرم که آنقدر بزرگ یا شد که خانم
در اثر کارهای زیاد «جمع و غنی» فرست
رفن په خانه مادرش را نداشته باشد ...

و بقدیم کوچک باشد که خشونم نتواند با
ما زندگی کند ... آیا خانه شما این
شایعه را دارد؟»

هنر فن داری !

معجیان میگویند: «از هنرهای زناشوهری
یکی آنست که خانم صاحبها بقدیم نوازش
گند که اصلاً علت جدالی را که آغاز کرده
است ، فراموش کند ... گسانیه این هنر
را میدانند ، در رشته زناشوهری واقعاً
دیبلومات هستند!»

دگور خستگی !!

بیام می آید یکروز دو پایان ها دویکی
از ممالک خارج . بسیار خسته شده بودم .
بقدیمکه خواب سنتگینم ریود نمی‌دانم
در چه ساعتی ، باور صدا هاییکه در رعرو
بلند شده بود ، از خواب بیدار شدم . هو
چند منظر مانم ، صدا ها فرو نه نشست ،
بالاخره تلفون را برداشته ، به مأمور موظف
هوتل شکایت کردم . مأمور بکمال ادب گفت:
«ناسف میکنم آقا ، ولی من نمیتوانم
مأمورین اطلاعه را توصیه کنم که آهسته
تر اجرای وظیفه کنند!»

از عجایب جنس لطیف !

این وجبهه ، از دلچسب ترین وجبهه های
روز بشمار میرود :
• زنان همیشه بخود خدمات باور نکردند
و لو ق العاده را میدعند تا شوهری بجهت
آورند ، ولی گفترين و تاچيز ترین زحمتی
نمیکشند تا آن شوهر بدهخت را بخود
نگهداوند !!



کوچک · دلیلی · خواندنی

از ظرف‌تکاری‌های شعر و
نویسنده گان

دندان خربوزه

معروف است که در آوان کود کی امیر خسرو دهلوی شاعر ، موسیقی دان و صوفی شبهیر یکی از دوستان پدرش از او خواهش کرد چنان یک دو بیتی (رباعی) بسرايد که متنضم کلمات (مور بیضه ، خربوزه و تیز) باشد .

امیر خسرو دهلوی فی البدیله این رباعی را سرود که بسیار طریف است :

هرموی که در دوزلف آن خوش صنم است صد بیضه عنبرین بر آن موی ضم است
چون تیر بدان راست دلش را ، زیرا چون خربوزه دندانش درون شکم است

قربانیان مود

مدموی د راز از بیان سلمانی های
کلکتمند به شدت متضرر ساخته
است . طبق را پور اسو شتید پرس
عده ای زیاد سلمانی ها بخاطر کساد
بازار دکان ها را بسته و دست به
تظاهر زدند . قابه این وسیله جلب
تو جه نموده واگر بتوانند بازار کار
شان را و باره گرم بسازند

عکس جالب



مسابقه شطرنج در زیر

دریا

اولین مسابقه جهانی شطرنج فیز
آبی بنازگی در سیدنی آسترالیا برگزار
گردید . در این تورنمنت هر چند نفر
شرکت نموده ویس از مسابقه های
های هیجان انگیز وارن پولیس ، از
از استرالیا برنده شناخته شد .

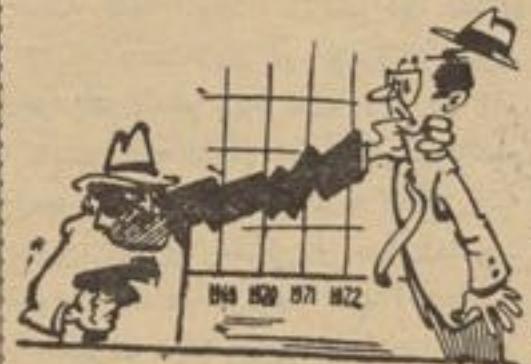
جا لبترین نکته مسابقه این مساله
بود که پنج هنرمند اکسیژن فقط برای
یک ساعت میتوانست کار بدهد . به
همین لحاظ مسابقه دهنده حد اکثر
تلاش مینمود تا در همین مدت کوتاه
برحریف غالب آمده و اورا از میدان
بدر پرید و در غیره تجدید هنرمند
اکسیژن ممکن نبوده و شرکت کننده
خود بخود از میدان برد بیرون میرفت .



ارقام تاثر آور

ارقامیکه در در سامیر گذشت از
طرف انستیتوت جنایت شنا سی در
التباح آلمان نشر شد نشان میدهد
که از هر چهار خانوارده آلمان غریب یک
خانوارده آن در سال گذشت از همین مورد
دستبرد دزدان قرار گرفته است .

اکنون معلوم شده که طی سال گذشته
افزایش جنایت رقم هجده فیصد
رانشان میدهد .



پیغمبر اکرم

مملکت جوانان افغان

به آغاز این دعوه جمهوریت شعر سروده وستگ «ستمکشان» را بر سرینه گویند

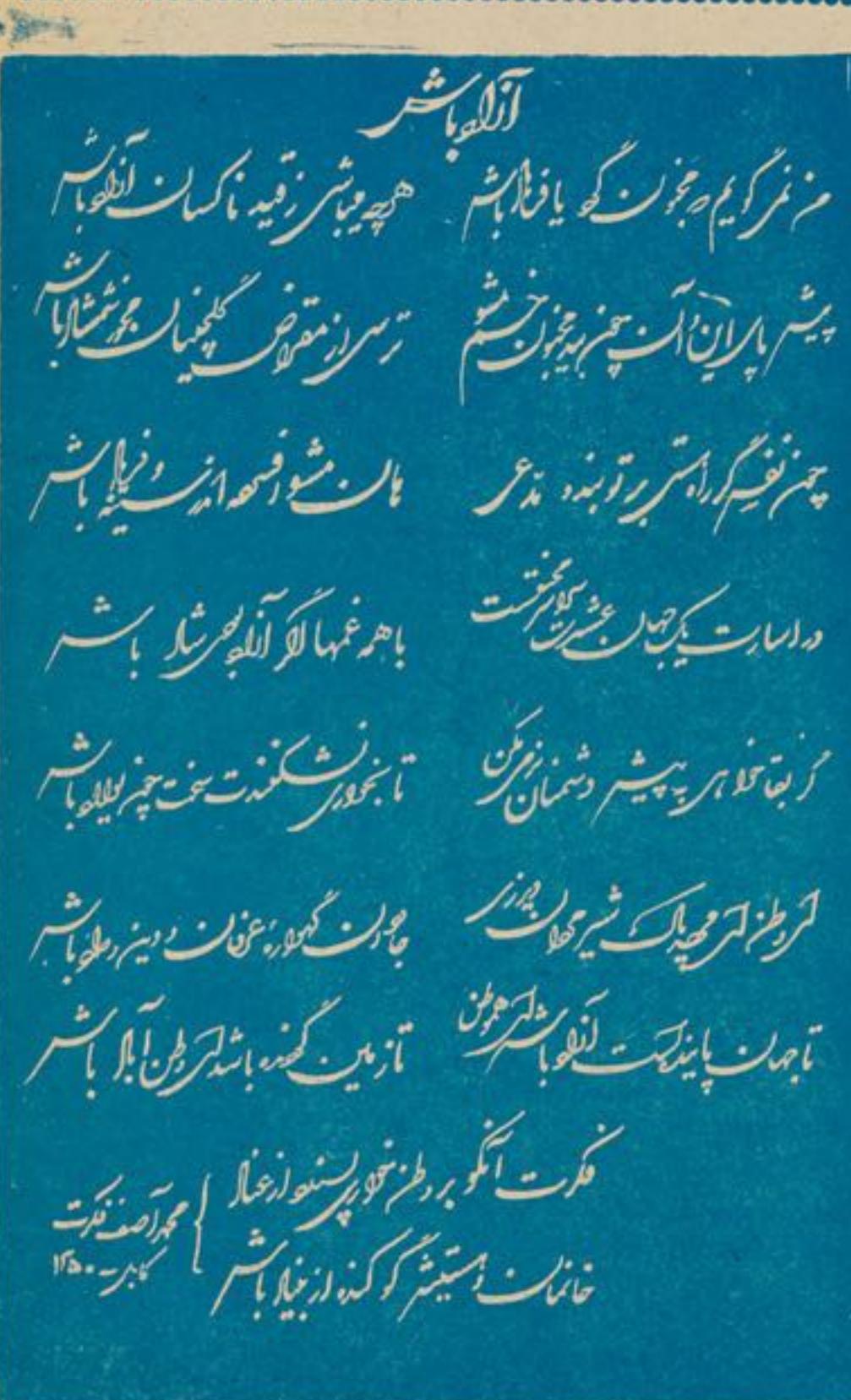
است!

خاصیت آذینه

بالنچب، گرایین زمانش میر وطن درسته دارند
اکنون که قدر سرینجه و بال و پر پارته دارد
فکر خیانت بر سر و درسته بزرگانش
مشهون خدمت بر لب و لفظ افتاده است از حالت خود
فرادی جمهوری رسید و غافل است از حالت خود
زربوش بران و پر حالا خرقه بشمنه دارند
از زده جمهوریت امیدوارو شادمان است؛ انکس که برگف آبله، در جامه صد های استه دارد
نی آن ستمکزاده ای در تازو نعمت پاشناور

بنیان نشاید اشن جنس پر باز پر خرقه
تاریخ رسوا میگند. خاصیت آذینه دارد

کابل - ۲۹ - آس - ۵۲ - علام رباني «پروانه»



جوان گرد و دستدار هلت و کشور نمیباشد
بطون دشمنان ملک چون خنجر نمیباشد
نمیباشد که در خیل جوانانش جوان گولی
چون رادوره پر افتخار حلقه نشک و نام
که حلقه خاک ترا ذات عصر نمیباشد
چون در حلقه خاک خود بیاک و خون گند بازی
کواراو حلاوت بخش چون آب دم شمشیر
چون دار نظر قلل همایون همایوس
چون را سرخ روی نزد قوم اکنون و آینده
چون دشمن خود بیختن بپتر نمیباشد
چون در خدمت هام وطن جان میکند
خلیل از پیر غیر تهدن و خون جوهر نمیباشد
کشمیر چون را غیر خون جوهر نمیباشد

محمد ابراهیم خلیل

آزادی از نگاه صاحب نظر ان

من، آزادی را به هر شکلی که باشد، دوست میدارم، لیکن آزادی همانی دا
«ناپلیون»

مردم را باید برای حلقه آزادی، تعلیم داد
 تمام گشکش ها و تحمل آلام و مشقات انسانی درین دنیا، برای آزادیست.
 یک ساعت زندگی با انتخار و شکوه، به یک قرن گمنام ذیستن، می اوزد.
 فقط کسانی شکست میخوردند که تلاش و مبارزه نکرده اند.
 آینده، متعلق به کسانی است که در آرزوی آن مستند و به آن ایمان دارد.
 فتح وظیر، بکسانی تعلق دارد که بیش از دیگران، استقامت دارد.
 برای مردی که اراده دارد، هیچ کاری، امکان قابلی نیست!
 اگر انسان، در زندگی، همچون کسی وقتار کند که بزندگی، ایمان دارد، شایسته تر
 و سعادتمند تر خواهد بود.

از: ناصر طهوری

شکوه جاودان

وطن ای وطن! تو پیشت ما، تو پیشت مهرو صفائی ما
تو شکوه ما، تو جلال ما، تو امید ما تو رجای ما
دل و جان ما، بقدای تو، بقدای آب و هوای تو
که تو پیختی، که تو شوکتی، که تو نعمتی، که تو ای
همه مست باده همرو تو، همه اختزان سپر تو
تویی آرزوی دل میشه، زتو سورور عشق و نوای ما
دل سکهای تو پر شرد، دل آبهای تو پر کبر
دل کشت های تو پر نعمت، تو نمود ما، تو نمای ما
زصفای آب و هوای تو، شده تازه جسم و روان ما
وطن ای زنام تو، ملتفت، زن و مرد پیرو جوان ما
وطن ای زفتر تو سوده سر، یه سپر، گرد لای ما
وطن ای وطن! بخداقسم، تویی عزیز تری زجان
که بدانم تو گرفته جا، سرو پیکر شبدای ما
شبدای ما، که برآ تو، بی خلقه حشمت و جاه تو:
- به نثار گردن جان و تن، شده اندر اعتمای ما
وطن ای شکوه تو جاودان! وطن ای سرود تو پر زبان
وطن ای نثار تو هر زمان، دل پر زمیر و وفاک ما
همه درزه تو پیاده سر، همه دامن از تو پر از گبر
همه همراه نود عای ما، همه حافظاً تو خدای ما

از داستانهای کوتاه وطنی:

و در دنیا میخندد!

- عمره‌اش که باشگفتی وی را می‌دید ، تبسم
کنان گفت :
- راست است ، درست است ، باورگردم ،
باور گردم .
- حالاگه باور گردی ، پس بیا اینجا را
ترک کنیم .
- به گدام سو بردم ؟
- شما خواهد بید که راز بی برید .
همین طور نیست ؟
- همین طور است .
- پس باید اطاعت کنید .
- اطاعت می‌کنم .

در مناره «مسجد بیل خشتی» آذان نماز بیشین
طنین اندیز گردید . نهادزگاران بیخیال داخل
مسجد هیشندند . آن دو ازراه درون «سرای
های تجاری» به سوی متودی روان گردیدند .
باز «میرزا» از عمره‌اش برسید :

- می‌شنوی ؟
- چی را ؟
- بازگشی چی را ؟
- باید گفت که بیلی من شنوم .
- از هرسو سرومهدا بالاست ، من جه
مندانم که عظیبشا کدام است .
«میرزا» از بازوی او گرفت و ایستادش کرد .
سپس برایش گفت :

- گوش کن ، خوب گوش کن ، آیا از هیان
این همه سرومهدا بیکار او از بر جسته و
نمی‌شنوی ؟
- مثلیکه آواز دهل و سرنای «مرستون
تیانر» دام گوین .

در جریان نمایش «انانسر» ظاهر می‌شدو
به تصریحت می‌برداخت . ولی نهانگی نصیحت
دانی شنید بلکه مسخره اش میگردند و
«انانسر» هم از روی ستریز به فعش و نا سزا
می‌برداخت . نهانها جیان هم در باشگش کوتاهی
نمی‌گردند . سر انجام گی به رسماً نسی
من گشید و درنتیجه «انانسر» می‌باخت . در هنگام
رقص باز اسیاقها ، نفره کشیدنها ، گپ‌ها
و حرکات «جالب» تها شاچیان ، نهایش دلچسپی
را بوجود می‌آورد .

در این حالت ، حال «میرزا» هم جالب بود .
او چنان غرق تماشی ، نهانها جیان بود
مثلیکه صحنه در آنسو باشد . همه اش
به او گفت :

- چرا نهانها نمی‌کنی ؟
- چطور نهانها نمی‌کنم ، می‌بینی که
نهانها می‌کنم .
- چه قسم نهانها می‌کنی ؟
قرار دارد و خودت در بیشتر سرمی بینی .
«میرزا» بقیه خنده دند و در میان خنده‌هایش
من گفت :

من... من.... معز و میت عارا نهانها
می‌کنم .

ا و متوجه شد گذاشت من گفت
کاروان زمان اعیان اعیانه بیش می‌دلت
و «میرزا» از دریچه دنای خود به جهان دیگران
نگاه می‌گرد ... گاهانگاهی از عمره‌اش عیبرسیده:
- می‌بینی ؟
- چی را ؟
آنگاهیکه او می‌گفت :

- چی را ؟
اویقات «میرزا» تلغی می‌شده ، می‌خواست
سرش فریاد بزنده ولی حوصله می‌گرد ، قبرش
رامی خورد و باز خاموش می‌ماند . پس از
لغتن بازدیگر می‌برسید :

- می‌شنوی ؟
- چی را ؟
هره اش لبخند می‌زد و می‌گفت :

- چرا فیر می‌شوی ، مطلب را توضیح

کن .

می‌گفت :

- این بک راز است ، راز ...

کلمه «وان» بیشترین گان جالب بود . هر کسی

که بیخواست به این راز بی ببرد ، «میرزا»

برایش خاطر نشان می‌نمود :

- پی بردن به این راز ، خرج کار دارد و

فرست می‌خواهد . می‌توانی می‌باگنی ؟

اگر او می‌گفت :

- آری .

آنگاه روزی را معین می‌گرد و در روزمود

با او به گردش می‌برداخت :

بن سخن در گوچه‌ها و پس گوچه‌های شیر

گهنه چکر می‌زندند . از دکانهای «چارسو»

خوردنی هایی می‌خربندند . در سعوار ها

«جاینکی» می‌خوردند ، تصویر های رنگارنگ

زنان زیبارو و ستاره های سینمای هندی را که

به دیوار های دود زده گاهه‌ها آذین سته بودند

نهانها می‌گردند ، ریکارد های هندی می-

شیدند و جای سبز فرمایشی هیل دار و چوش

دادگی می‌نوشندند ...

وقتی همه تاریک گوچه های کج و بیچ شیر

گهنه‌ها نک و بی می‌گردند و از بالای تمام دیوار

های شکسته و گاهانگاهی خانه های دامنه «کوه

شیر دروازه» می‌گذشتند می‌امندند به «سرچوک»

لغتن در آنچه به نهانها ... می‌برداختند و بعد

بسیار گوچه «کاه فروشی» گام می‌بردانتند

تلخی رسیدند در بیشتر دیوار های «مسجد

بل خشتی» آنچه‌ای که خوراک های پسماندو

دارد :

- باور گشید ، که همین طور است ، بخلاف قسم

باورگرد ؟

بود نبود بک ادم بود ، نام این ادم
«میرزا کلاب» بود . به طور کوتاه «میرزا»
می‌گفتندش . «میرزا» عمه‌های گونه ادم های دیگر
بود وهم نبود . او از خود چیز های داشت که
دیگران نداشتند ، دیگران چیز های داشتند
که او نداشت . قدرت های و آنهاش لامر بود .
در نصف بیان زندگی اش ، گام می‌بردانت ، گفتم
در نصف های زندگیش ، خودش این را می‌گفت .
وقتی ازش می‌برسیدی ، چند سال داری ؟

منکفت :

- در نصف بیان زندگی ام گام می‌بردارم .

بعد از زرف می‌گشید و ادامه میداد :

- بیش از سه دهه عمرم بیموده گذشت .

همه‌ای رنج ، عمه‌ای درد و همه‌ای شتم ...

گاهانه از او می‌برسیدند :

- از جهه میدانی که در نصف های عمرت گام

می‌بر داری ؟

پاسخ میداد :

- از گورستانها .

- از گورستانها چطور ؟

خا هرس می‌ماند و پس از لحظه ها

می‌گفت :

- این بک راز است ، راز ...

کلمه «وان» بیشترین گان جالب بود . هر کسی

که بیخواست به این راز بی ببرد ، «میرزا»

برایش خاطر نشان می‌نمود :

- پی بردن به این راز ، خرج کار دارد و

فرست می‌خواهد . می‌توانی می‌باگنی ؟

اگر او می‌گفت :

- آری .

آنگاه روزی را معین می‌گرد و در روزمود

با او به گردش می‌برداخت :

بن سخن در گوچه‌ها و پس گوچه‌های شیر

گهنه چکر می‌زندند . از دکانهای «چارسو»

خوردنی هایی می‌خربندند . در سعوار ها

«جاینکی» می‌خوردند ، تصویر های رنگارنگ

زنان زیبارو و ستاره های سینمای هندی را که

به دیوار های دود زده گاهه‌ها آذین سته بودند

نهانها می‌گردند ، ریکارد های هندی می-

شیدند و جای سبز فرمایشی هیل دار و چوش

دادگی می‌نوشندند ...

وقتی همه تاریک گوچه های کج و بیچ شیر

گهنه‌ها نک و بی می‌گردند و از بالای تمام دیوار

های شکسته و گاهانگاهی خانه های دامنه «کوه

شیر دروازه» می‌گذشتند می‌امندند به «سرچوک»

لغتن در آنچه به نهانها ... می‌برداختند و بعد

بسیار گوچه «کاه فروشی» گام می‌بردانتند

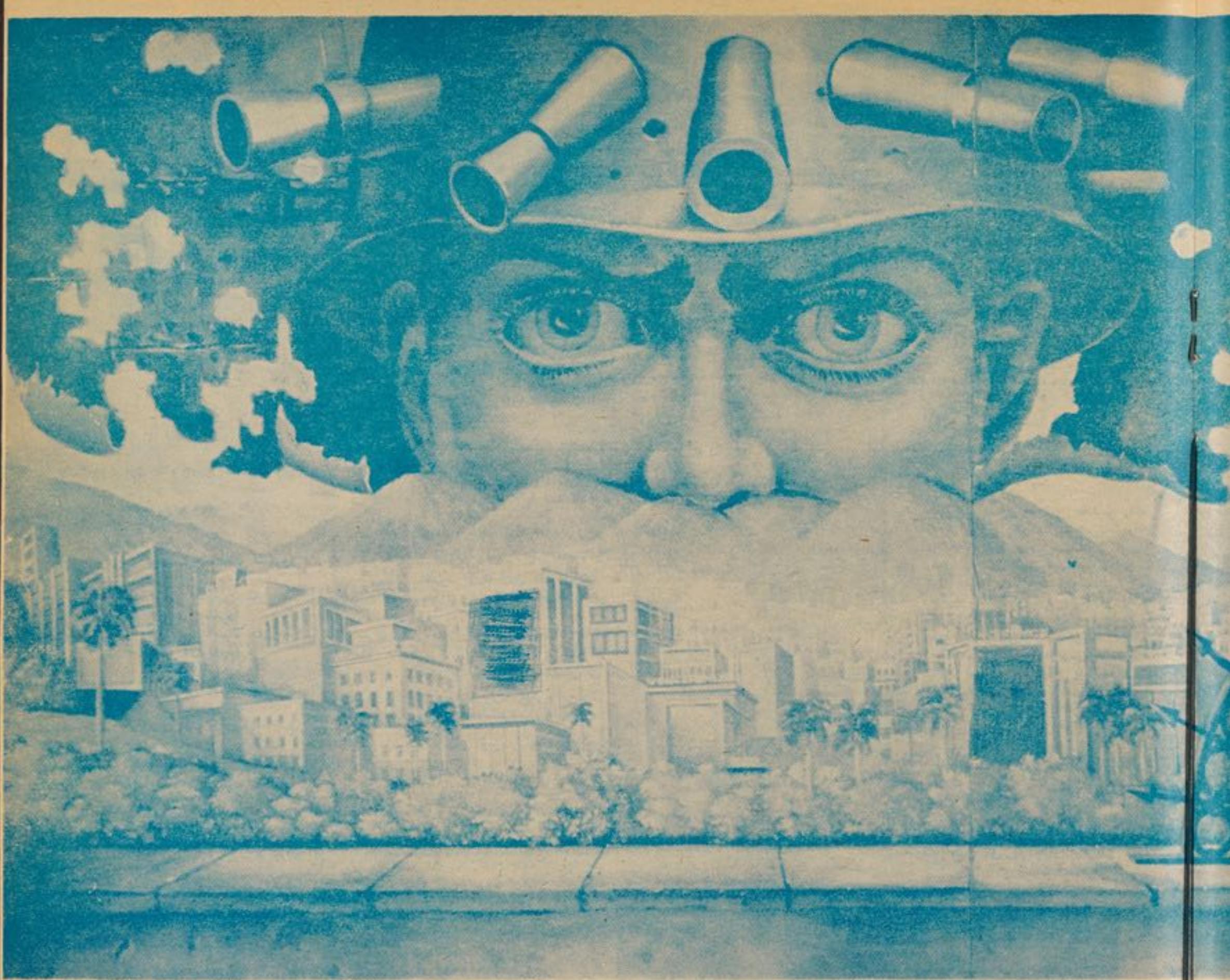
تلخی رسیدند در بیشتر دیوار های «مسجد

بل خشتی» آنچه‌ای که خوراک های پسماندو

دارد :

- باور گشید ، که همین طور است ، بخلاف قسم

باورگرد ؟



- هیدامن ، هیدامن ، باز توضیح میخواهم
مکرمن دیگر وقت ندارم باور گند که وقت
ندارم

روزهای بعد در حلقه دوستان آوازه شد
که «میرزا» گم شده است . هر یکی باشگفت
از همه این خبردا می شنیدند و با خود
زمزمه می کردند :

- بیچاره «میرزا» ...

و بعد خاطره های اورا بیاد می آوردند :
- عجیب آدمی بود . همواره گاهگاهی میگفت
که روزی از میان این همه غم هاچنان بسی سرو
فدا و جنان بی خبر خواهم رفت که به آسانی
کسی تواند ردیابی نرا بیافتد و آخرهم چنان
کرد

«میرزا» همیشه میگفت :

- انسان یک موجود خوب بفرنج است ،
شناختن او گاری بسی دشوار است ، آری
بسی دشوار !

وقتی ازش می برسیدی از جهه زیاد رنج
«میرزا» در حالیکه همان طور دوان بود
می بردی ، پس از تلکری می گفت :

گفت :

از کوره راه های میان گورستانهای «شبدای
صالحين» به سوی شهر گام بر می داشتند .

«میرزا» با همه اش می گفت :

- هیدامن که شام غربیان ، عصر زندانیان
وصبح یتیمان بسی تاثراتگیز است ؟

- نه نه دامن .

- باز درباره اش بیندیش ، وقتی خوب
زرف بیندیشی ، می توانی بدانی ، آری ...

آری ... انشاء الله که میتوانی ...

بار دگر خاموشی حکم فرمای شد . هر یکی
در گشتن خیال خود نشست و در دریای چوت
هاش شناور گردید .

آمدند آمدند تاکه بعدل شیر و رسیدند .

به گف دستش نگریست . نگریست و نگریست
و بعد خدا حافظ گفت از هم سفرش دور شد .

اوaz دبالش صدا زد :

- یک کمی صبور گنید ، یک کمی ، درباره واز
جزی هی برسم ، درباره واز ...

وقتی ازش می برسیدی از جهه زیاد رنج

گفت :

Sham تزدیک می شد . آنان آهسته آهسته

این را بگفت واز جایش بر خاست .
مندوی آدمها نام می نهادند ...

بعد آن دو خودرا در میان گورستانهای

قول آب جکان . یافتند ، هر تو خ سنگی
نوشته دار را که «میرزا» می دید به همه اش
گفت :

- بخوان .

وقتی او می خواند بعدی برسید :

- در چند سالگی مرده است ؟

همین گونه هر قبیری که لوحه سنت نوشته
دار می داشت میخواندش واز آنایکه بوس

گورستان های اقارب شان برای یاد و بود و دنیا
آمده بودند می برسید :

- این ها به چند سالگی مرحوم شده بودند؟

یاسخ آنان را در گف دستش یاد داشت
می نمود .

همین طور از «قول آب جکان» به «داننه علی آباد»

دویشت این ینجره و گاهی در یشت آن ینجره

قرار می گرفت . اویه مرغی میاند که از

لبلای میله های قفسش بیرون را نهادا کند .

پس از اینکه از تمام ینجره های بیرون را نگاه

گرد به همه اش گفت :

شدو
سبعت
ند و
سزا
نراهی
سری
هنگام
گپها
جهیزی
بود
اس

غمراش اعتراف کنن برسید :

- عنز نمایش به آخر نرسیده است
میخواهم بکجا بروی ؟
«میرزا» در حالیکه از بازوی او می کشید
گفت :

- کافیست ... کافیست برویم .

غمراش تردد داشت ؟ «میرزا» براش
گفت :

- نباید فراموش کنی ، تو گفته بودی که
اطاعت می کنی .

ساعت های بعد ، آن دو در «شبرنون» بودند .

تمام سرک های فرعی را زیبر پا نمودند در اکثر
عوکل ها و رستو رانت های عالی سر زده

حلق ترکردن و ناگهان سرحد شان به آخرین
متزل هوتل «انتر کاتنی نتل» رسید . از آنجا

«شهر کابل» یعقوبی دیده میشد . «میرزا» گاهی

دویشت این ینجره و گاهی در یشت آن ینجره

قرار می گرفت . اویه مرغی میاند که از

لبلای میله های قفسش بیرون را نهادا کند .

پس از اینکه از تمام ینجره های بیرون را نگاه

گرد به همه اش گفت :

شام تزدیک می شد . آنان آهسته آهسته

استقلاله

سراو مال هوشہ قربان په آزادی
عوا باد دی دا جہان په آزادی
آزادی ده چکا یونه ، ملتو نه
یوله بلہ دسیالی کوی کارو نه
آزادی کبھی بلبلان دباغ یه گللو
خان کپری ستری هر سحر یه چندلو
ستا په مینه خیلوا کی اواستقلاله
پیر زلمی شو تیر له سراو ھم لہ ماله
دمیوند دشیدانو ویشی تراوسه
دی تازه او ھم زوندی ده لاملا له
خلی خای په خای ولار ستابع نت دی
نیسانه یعن دیستون دننگ کماله
بی دستا لہ روحه میرہ وی ملتو نه
خیلوا کی دزوند او بہ کپری دب هرجا لہ
(نص اللہ حافظ)

دکم با مانع

جمهوریت تہ هر کامی

جمهوریه ستري مه شى يه ليمو راخه
زمونز پەزۇنۇ كېردى قىمۇناس يەپۇراخە
دەفغانانو لوى درو سەتا انتشار كۈلۈ
نوى زۇندۇن ھوشۇنصىب يەلتۇر راخە
تۈل مەلکەت يەتاۋىيەنە خوشحالى كۆي زىن
زەمىزىر يە دەتكۈدنىڭو غرو دېنىتۈرگۈ راخە
شى ارزو گانى اوھىلى بە زەعۇنۇزارەپورە
ددىرىدىنە زېردا حاوا ل يەپۇتىنەد وراخە
ستاموسس محمد ناۋىد زەعۇنۇرەپەحالدى آگاه
دەخوار غەریب اوەمەرەۋەتەن يە تىدو راخە
دەزقى سەھەرداشە شېھە زەعۇنۇرەپە سېبا
تىدارو كۆپو تەدۇطن، يەرۇنيدو راخە
ظىلەم دەشتە بعض توپىر زەعۇنۇرەلە مەغەدورلۇكىر
دۇرۇرۇلى، بېراپىرى، بې جۈپىردى راخە
فەرۇو افلاس اوپىكارى زەعۇنۇ وەطن ئىولى
دۇرى ئىس، اوپىر بېندىن يە بېتىدوراخە
1 سەتا اعلان چەددۇطن يوقىرەمان زۇي وەكتى
خان كەرە بېدارد مەلکەت يەكۈپىردا راخە
ماخ وېستان چەددۇطن شى ماڭىچە سەمسور
لەكە مەلئا تار يە خەفار اوڭىرىدۇ راخە



خواریزی

دیده کعبه کتبی نه بت خانه کتبی
له یه رمزم کتبی نه مینخانه کتبی
نه من په زړه کتبی له یه لیمو کتبی
موشی طلب کړم یه ویرانه کتبی

لهم ملک کرہ نہ می خیوان کرہ
نہ می بول عشق کرہ نہ می عصبان کرہ
ز مسلمان یم او سطھ می خوب دی
ما خالقہ ما خو انسان کرہ

آزادی

دادوی، یومشروع حق دی آفرین و زلزنهای زامن لونه لسوته ای، درنا وی دهمه چانی لکه جنت ده، افغانان ای (جنت خواهان دی) تقلال عالی هدف نه، رسیدلی دوی که ندی دی ک تول پری تحیین وانی، عز تو نه ای خوندی دی دی لکه بیلاده افغانان ای مجنو نان دی په تقلال به معنی مساتور، من نیز سرو زنخنی جاردن دی دی جنگ میدان دی، افغانان ای سربازان دی موخدای یوم وطن دی، موئن ببرو دفر آن یو زادی دعوه دیاره، توجه که به هر آن یو یونکی به تنان دی نه بشنگان دی

ادی ده لکه شمه، افغانان نسی بستگان دی

دیوان بیان

لله نهدی

شناخته عشق خرفونه تورنه دی گلگونه دی
هم به دایجه نوشتنه په چکر خون دی
پس بهله شنی همه خم دعشق له میو
چه بیخ خاوری دفر خاد او د مجتو ندی
دلنا چاری همه واوه فائسی دی
دا دستا چورو چدا ولی افزون دی
مفتولان ستا دغمن ودی لاله نه دی
چه په سره کلن له زمکن را ببروندی
چه بی هرخ بها خلبو شخه نشه
جورنه نهودی سکه گنجونه دقارون دی
در حمان دزنه خو ناب مکر قبول شی
چه مخوا نه ددلبر وبری گلگو ن دی

A blue-toned illustration of a rose bush. The central focus is a large, fully bloomed rose with many petals. To its right, there is a smaller, partially open bud. The bush is surrounded by several green leaves with distinct serrated edges. The background is a light, textured blue.

لمری بریدمن محمد عارف تسل
له خان ۳۰ آواه

دھمہ و ریت سٹا یونہ

نوی قیام ، نوی نظام چمپوریت دی زموئن
برغ او چت دی زمو نز
دخوشنگالی اوانتخاردنوی نهضت دی زموئن
ملی وحدت دی زموئن

داستر بري مو مبارڪ شه دا فغان عسكرو
ای فهرو مان عسكرو !
ناسو کېلش د تاریخ لوی امتحان عسكرو !
په پاک وجدان عسكرو !
يه لراو برکښ جوړ اختر د سوت دی زموږ
دزوند نعمت دی زموږ

زهونز لرغونی آرزوگانی سرته و رسیدی
سترنگی موه غلیدی
هر اوی غوتی دارهانونو مورا وغور یـهـی
خوا وی موه سـهـی یـهـی
بریالیتوب هم دربـجـی یـهـی برگـتـهـی زـعـونـیـهـی
نـوـمـهـتـهـی دـیـهـی زـهـوـنـیـهـی

خیل سر نوشت بخیله خوبیمه مونه زا کلی شواوس
اخیبار لری شواوس
دنهدن درشل نه خان وررسو لی شو اوس
عر خه کولی شو اوس
ملکرو ! وخت دنیکهرغى او سعادتدى زمۇنرى
وادى جراتت دى زمۇنرى

موئز دالغان دجمهورية اردو تکرہ سر بازان
دجریت پستانگان
ملا مو تپلی کو خدمت به صدائقت او ایمان
دخلل قائد په فرمان
ذیہ له کومی اطہستان داطاعت دی زعمن

جمهوری نظام یه سیوری کبیس هرام نیو
عزت دقان نیو
د ملی پست دخلائلت گم اهتمام نیو
مبتب اندام نیو
تسله خوبین بری هر بوفردد آول ملت دی زموزون
نه نیک اه غیرت دی زمهون

خپلواکی یه لئنبوگنیس
دختلواکی دختلگت تاری دی
موری زه سمه دجانان سره ورخمه
دختلواکی یه جنگ شمیده
دوطن ییغلى دی زیارت لره درختنه
یارمی یه جنگ گبیس توره و گمه
خکه همزولی رانه گوبیس مسوونه
با م که چه وارند خطا نشی
یه تورتیویک ویشتلى راشی
دکلو خاتنه دی په سرو لایه یمه
چه بیرهزوونه دی گندهم خوله درگوونه
توپی توپی یه تورو پنه بی
دیں ننگی اوازدی مه راشه هینه
دختلواکی داختر ورخ ده
یکنیس به مرخوتوری ستونگی سره لاسو

هندان خانواده



رقص با پر

سلسلی راند ، رقص اش معروف
که نخستین نگاه هایش را در محیط
هنری خانوادگی اش آنداخت .
اکنون با سرعت شکرف زمینه های
شهرت و محبوبیت را در هنر رقص
زیر پا می گذارد .
او اکنون در مرکز هنری منها تان
نیو یارک ، هر شب با هنرآفرینی
اش قلب هزاران هوا خواه خود را
به تپش در آورده و بسیاری
تماشاچیان برای دیدارش سروdest است
می شکند . در گلوبی که او هر
شب به رقص و پایکوبی می پردازد
چوکی ها از هفته های قبل قروه گردیده و مردم باید هفته ها منتظر
بکشند تا شبی را در پای سر رقص او به صبح برگشتنند . رقص با پر
که توسط سلسلی صورت می گیرد شهروند فراوانی برایش بسیم زد
است .

فرجام خانواده لو باوین

فرجام لو باوین عاز تو لیدات روسيه شوروی فلمیست پراز ماجرا .
درین فلم یک خانواده از ساکنین یک دعکده سائبیر یارانشان میدهد
که علیه غارتگری و چباول یا کدسته رهزنان مسلح از خود دفاع
میکنند . یک همکار با تجری ویک کمسومولی جوان موظف به خنثی
ساختن عملیات تجاوز کارانه رهزنان میشوند . باز تباطع هنری
موضوع فلم میرود و معلم میشود که رهزنان از طرف بعضی
عناصر که در خود محل زندگی میکنند حما یت میشوند که افراد خانواده
اعیان از حادثه را خلق میکنند . ولی فیلم با همین حادثه یايان نمیبیند یه
بلکه بر شهادت تاریخ سعی شد عوامل و تغییرات اجتماعی که بن
به روی پرده سفید منعکس میشود در فلم روابط اجتماعی که بن ز هم
پاره شدن نو آوری های جا نشین ارتباط های پو سیده میگردد . این
نوآوری ها بیگمان با مفکرمه های عالی و به تفصیل در فلم تجلی
میکند که تماسا چی گاهی خود را در جریان حادثه احساس مینماید .
و در فلم آنچه بیشتر جلب تو جه میکند همانا نمایش وضع سیاسی
همان ناحیه در آن زمان میباشد .

رزی لیو نید یند گلو نیا سناریولوژیوند نخوشفولوژیوند یند گلو بنا
تو لید کننده کالینیا یاسکا .



جوانترین هنرمند تیاتر

نام او اینوارا گلیو را ۱۱ سنت . او تحصیلات اولیه اش را در مکتب
لسان انگلیسی فرا گرفته و برای آموزش پیانو به مکتب مو سیقی نام
نویسی کرد . او هیچگاه لحظه ای را که در کاخ کارنده ویان جو ۱۱
کنسروت های موسیقی برای میکرددیداز دست نمیداد . زمانیکه مکتب را
بیان رساند و لحظه انتخاب شغل آینده فرارسید او در انتیوت دولتی
هنر تیاتری نام نوشت .

سال گذشته او توانست تاموقیت چشم گیری در تیاتراوپریت
مسکو بدست آورد .



اینوارا گلیورا در حال تمرین نقش تیاتری اش

انستیتوت از جمله محسلا نش پنج نفر را که در آن جمله اینزا

گلیو وانیز شامل بو دبه تیاتراوپریت برگزید .

درین زمان کار تحت رهنما یی مای هنرمندان معروف و حر فهی
آغاز یافت او توانست من در اوپری کمیری «مسابقه زیبایی» شرکت نموده
و نظر استادانش را جلب نماید نقش را که او به عهده داشت آمیزه ای نمایانی
شاعرانه کمیدی و تراژیک بود .

او که اکنون بیست و سو میسن سالگرد تو لدش را جشن میگیرد
درجاده طولانی هنر تیاتر پاسربانی و پیروز مندی گام گذا رده
وافق وسیع پیروزی در برابر شقرار دارد .



کمسومول جوان .. در یک صحنه از فیلم فرجام خانواده لو باوین

خبر

انتظار سلطا نیو ۵

خپلو اکی

دختگ میدان تبه خوکولی سر ہلاسونہ نہ خی

جنت خوری زدی خالو نه دشمنید له

نمونه گنله کیزی .
په غزا کانو کي د نا رينه او ، او
زموره خنک به خنک پښتنۍ
بېغلى هم بر خه اخلى خو پښتنۍ
بېير مني کو بښن کوي چه غازيا تو
نه يه مر چلو نوکښي خواړه ، او به او
رش « يعني د کار تو سو نو جبهه خانه
و لوازم و رسوی ، ګوا کي پدی عظیم
نواب کي دوطن هر غږي اود هری
طبقی یوري هر بوط په ګډه سره برخه
خلی اودا ملي وظیفه په پوره
بېر انه او کامل کفايت سره ، سره ته
رسوی .

نه دغزانه برى را پر
علمه به درگەرم دسوركو شونلۇپ سرونه
پەتۈر ئۆك و يىشتلى را شى
دېبى نىڭىھى احوالدى مەھرا خەمىنە
او كە چىرىخلىمى پەدى لارە كېنى
خانونە قربان كىرى، ھەملىۋى افتخار
نەل كىرىخ داخو خىكە چەندەنە نومد
د ياش زەزۇندى پاتى كىزى او
يەلى پەخىلە د شەپىدا نۇ زىيا رت تە
سى او پەسرو مەتكەل دەرسرو گلە كېنى
ەنەفە بە قىز ماندى زىدى:

آزادی دانسان یو مشروع حق دی دهندو کش او سین غرہ سمسوری
دآزادی تعییر او تفسیر دھروطنپال دری ، زر غونی لمنی ددوی دپا دواو
او آزادی غو بستو نکی په ذهن کبیسی رهوند خپ بسلکی ورشو گانی دی .
دانسی خای لری چه دھفه په خته کی
دابا سین غایپی کخو نه ددوی داغول شوی دی .

هستو تى پىچى دىرى او حجرى دى،
دد نياو اسونه او هىرادونه چە داڭيا نيانو داڭاتىوبى د يېنىت! و
خومره د ترقى او اعتلا بە لىورى پكەت سېيغلى خاورە د بىخىدىتمەن
رسىپىرى او يادنورو بىر مختكىنۇدپارە دا زانکو د آزاد زۇند، دازا نى. لە
لارە آوارووى ، تو لى يى دازادى لە نعمتونۇ خىخە بىر خوردارە ساچە دە.
بىر كىته دى .

که آزادی نهادی ، کار او فعالیت دوطن دا زادی له ناوی خخه په گډه
شنویزی ، دانسان سره چدد کار سره خانونه قربان کری او ډول
جرئتنه وی نود ناکامی او بدبختی ډول کارنامی او فدا کا زی . بی پری
کندی ته لوپری عمر بی تریخ او هرہ اینسی چددی خاوری باعزمته تاریخ
کری . دمرگ په انتظار کښی وی . بی شاهدی ور کوی او هر افغان پری
په نړی . کښی دخپلوا کې نهضتونه وي پاری .

او دو لسوتو یوبربل باندی یه غلوته
دواره دومره او بده سا بقه لری لکه
چهان انسان دهستی سابقه او بده ده.
دلته دازادی سره مینه میشته او
اغرل شوی چیر ته چه عشق وی
هلته درزه او احساس شریک هدف
دریگویدا او ویدا په استناد د
وی او به دی تو گه دخبلی معشو قی
تاریخی معتبر روایا تو په بنا له
سره دو صالح امکانات زیبات وی .

پنده مر غه افغانان د تاریخ به اکش رو
دوزو کښی د آزادی. له نعمت خخه خر گندوی چه:
پستګ دبلی شمعی یار دی
بیلیل د ګلو خربدا ردي

مودد غسی و یار نو او افتخار رو نو
لوبی خزانی لری دلیلا دوه سترگی هجنون پیز نی

دآزادی قدر پنستون پیز نی

داسوس او الدوس تر منع او له بستی بعلی برجهه وحنه بوری
بامر او کشمیر نه نبو لم به سویا، دو صال تمونه کوئ، خد ۲۰ میز

کشی دهند تر سختتره پوری دا ورده آزادی. له جنک نه بري نهوي را وري.

لمنه او یلنہ پر ته ٹمکه دپنیست او فکر کوی چہ دا لویہ بدنامی ده چھد

پیکت تو کم در زیریدو اولو نید و بی غیر ته انسان سره سری مینه
او سبز نکه ڈانگکه او تا ته دی ۱۹۴ دغوت اثاث ده طه ده قننه

داسوس دغاري بستکلي او بنا یسته آبادي اود خاو رى سره دقداکاري.

بلخ ددوي لو هر نئي زا نگو ده يه جملاتو خلاصه کيدياي شنی مثلا د

Digitized by srujanika@gmail.com

صادرات ۵۸

Digitized by srujanika@gmail.com



روطن دیلاسیک بوتونو فارسی
شرکت صنعت برتر پاستیک رون

عرض بریک

تام کارکنان شرکت های صنعتی بوت پلاسیک

وطن پناه و نجین جشن استرداد استقلال وطن عزیز را پسگاه

موس جمهوریت فرزند بر و مند کشور بنا علی محمد داؤود ریس

دولت و تام مردم با شہامت و غیور افغانستان

عزیز از صمیم قلب بریک عرض نموده از خداوند بزرگ پیروز

در حشان شرم جمهوری افغانستان را همراه بارفاه افغان
نیازمند انداز.

۱۶۱/۱

حادثه

لی به تزاع برخاست، در اخیر توانست که
اورا از کشیدن انداش سوی خود بازدارد.
او برایش گفت: یک روز مرد تو از راه خواهد
رسید و....

نوشته: بتزلیج مان

ترجمه از: غزمان سدید

این نموده هنوز هم در همانجا باوار
و جبروت خاصی و بانگاه های
جسورانه اش جلب تو جه می کرد.
البته حالا این نمونه از نگاه دنیای
امروزی در جمله آثار تاریخی و
قدیمی در آمده بود. اما لی آنرا
دوست داشت. طی یک مرتبه،
هنگامی که طفل بود خودرا بطور
ضمی غیر قابل انفکاک از این نمونه
کوچک که عبارت از یک قطار آهن
مانند قطار های آهن ساده سامان
بازی اطفال یافته بود.

در آتش خانه ماشین قطار آهن
شاهدخت سر خیوستان ذغال
سنگرهای به اندازه حقیقی دور از
هر نوع تصنیع می سوخت که انسان
تصور می کرد می تواند دست آش نش
را توسط آن گرم نماید. ناگهان
یک شب وقتی که لی طفل کو چکی
بیش نبود خودرا به ماشین قطار
آهن رسانید و آتش خانه آنرا
با خود برداشت و به اطا قش به
طبقه فو قانی برد. البته ذغال
سنگ وقتی که توسط دست لمس
می گردید گرم نبود بلکه در عوض
سرد می نمود. این ذغال های سنگ
مانند کو هی روی یکدیگر انبار
گردیده و در محوطه کوچک آتش
خانه قرار داشت. بدین ترتیب به
تشهائی از جایش حر کت داده نمی
شد. امالی دوست داشت که سوی
آن نظر انداخته و آنرا تماشانماید.
هنگام صبح لی به طبقه یا نین
در حالیکه احسناس یکنوع بست و
حیرت می کرد آمد. آقای ایو پورت
که وظیفه تر تیپ و تنظیم دارا نی
و املاک قصر را به عهده داشت مفقود
شدن آتش خانه قطار آهن را درک
کرده بود و البته او وقتی قادر بدرک
این کمبود گردیده بود که حسب
معمول هر صبح اشیا و لوازم قصر
را وارسی می کرد. او به آن تی
اصرار کرده بود که باید در این باره
از مستخدمین قصر استفسار نماید

کتاب هاریس ایلیتون و خزانه اش
و یاد رهم شکستن شیطان، حقایقی
را واضح می ساخت که این نمونه
در جریان عصر فقر و تندیستی و بی
سر و سامانی نوشته شده و بوجود
آمده است. در حالیکه مرد مان
غیری و گرسنه در لابلای سر کها
دست به آشوب و شورش زده
بودند، در قصر و یورلی، دعوت ها
و بارتی های با عظمت و بزرگی
برگزار می گردید. بعد از آنکه
مدعوین از صرف طعام های خوشمزه
فارغ می گردیدند سوی سالون
بزرگی می رفتند تا از سیوانی
او سوا گو و بیلی هاون دیدن نمایند.



در ذی-مکہ شب

البته آ نتی که همیشه سخت گیر مسئول تما م امور واشیای موجودة لباس های گو ناگون ورنکا زنگ وندخو نبود این موضوع را نادیده قصر بوده . حتی هنکامی که یکمرد باداشتن آستین های دراز و یخن جوان و تقریبا ناپخته بود تا چه های فراغ چگونه برای او تمهیه گرفته بود .

هنکامیکه لی نزدیک دروازه اتاق اندازه به این مسائل اهمیت می- می شود . آ نتی زن قشنگی بود گذاشت از هر نوع سوء تقاضا هم و این زیبائی اش از آرایشی که به نان خوری در آن وقت صبح ظاهر و بیش آ مد غیر مترقبه جلو گیری سپک قدیمی میکرد منشأ می- گردید و این جواب و سوال را شنید، آنتی نکاه هایش را بالا نگهداشت و گفت :

این گو نه مشکلات بوده است. هرگوشة و کنار آن هیجان می بازید

انتی گفت :

سواین دوشیزه نامگنیس است
آقای ایونپورت فکر میکنند که ما هم
خیلی پیر و سامخوردش شده ایم و
نمیتوانیم که کارهای خود را تر دیب
و تنظیم نمائیم، لذا دو شیزه نامگنیس
از امور منزل وارسی کرده و کارها
را بروی دیسون آماده و رهبری خواهد
کرد.

پرعلاوه مرا درم موضوعات اداری
ومکتوب نویسی و جواب گفتن کمک
می‌کند او واقعاً یک دخترمدد کار
و همدد است.

دوشیزه تا مکنیس سکر تشییع
جا سیگاری مقابله خاموش کرده
ونزدیک آمد تا زیادتر به لی معرفی
گردد، او زیبائی خیره کننده داشت
موهای سیاه که چشم را خیره می‌
ساخت از دوکنار صورتش که چون
مهتاب می‌درخشید به عقب سرازیر
گردیده بود چشمانش هانند رنگ
بنفسن بود که لی را بی‌می با سوی
شان می‌کشید او در حالیکه می‌خندید

گفت: از ملاقات تان خیلی خوشوقت من درباره شما خیلی چیزها شنیده‌ام لی یک نوع عکس العملی را که از یک چیزی تقریباً همانند حسادت س چشم‌های میگرفت خوب دید حسادت با عکس العمل طوری معلوم گردید که او از بودن زنی به آ زیبایی در قصر دیورلی رنجید و تو خواهد که او را در جریان اقامتش بقیه در صفحه (۹۷)

البته آ نتی که همیشه سخت گیر مستحول تما م امور و اشیای موجودة لباس های گو ناگون ورنکا زنگ وندخو بود این موضوع را نادیده قصر بوده . حتی هنگامی که یکمرد باداشتن آستین های دراز و یخن جوان و تقریباً تا پاخنه بود تا چه های فراغ چگونه برای او تسبیه گرفته بود .

هنگامیکه لی نزدیک دروازه اتاق اندازه به این مسائل اهمیت می- ی شود . آ نتی زن قشنگی بود گذاشت از هر نوع سوء تفا هم و این زیبائی اش از آرایشی که به نان خوری در آن وقت صبح ظاهر گردید و این جواب و سوال را شنید . آنتی نکاه هایش را بالا نگهداشته و گفت :

این گو نه مشکلات بوده است . هرگوشة و کنار آن هیجان می بارید

دراین جریان مومن اولس رویس این نوع از رایس می‌برد و در این
به قسمت بالائی دره که از آن میشید اثنا استخوان دست هایی را که
به نمونه قطار آهن است چنین بیرق های قصر ویورلی را که در طریف بود روی بدنش احساس کرد
به نتیجه رسیده ایم که آتش خانه اعتزار بود تماشا کرد رسیده بود. آنتی خندیده و بعد گفت :
قطار آهن شا هدخت سر خپوستان این قصر آهسته آهسته به جهت
مفقود گردیده است . آیا تودراین درست تائز دیک لبه پر نگاه بیش
از سایه عقب او بر تا داویلا که میرفت و بعد نرده ها و ساحه های
مستخدمة طبقه فوکانی بود در حالیکه پاره چیزی میدانی ؟
لی در دادن جواب از خود یکنوع که از سنگ خاکستری ساخته شده
تردید ودو دلی نشان میداد . در بود خیلی به آرامی سوی پا نین
نرده دیک دروازه دخول اتاق ناخوری دریا سرازیر می گردید .
ایستاده و با پنجه یکی از بوتهاش آنتی انتظار لی را می کشید .
روی گلهای قالین رسمهایی می - او به صورتش بود را که فوق العاده
خوشبو بود و بنام تلک یاد میگردید
زده واژ عطر بتنفسه استفاده کرده
نی قدیمی سوی آنها برداشته باشد .

آنی سوی لی رفته چهره او را بود .
بادستش بلند کرد . ای گفت : در حالیکه آنی او را در آغوش
وايلا یکجانی گفتند :
- من نمی دانستم که آن کارتاين می فشرد گفت :
اندازه احمقانه باشد آنی . من - آه عزیزم ، تا وقتی که دو باره
که شمارا دوباره می بینم .
بعد هر کدام سوی وظائف خود
رفتند ، آنی در حالیکه دست لی و
با زدن بغلش انداخته بود آنرا می فشرد .
آنکه خلد قشنگ است .

آنچه خوبی
آنچه خودرا راست کرده و صورتش
را متوجه آقای ایو نیورت نموده و
گفت : آنها دو باره عقب عقب رفتند
تا یکدیگر را خوبتر تماشا نمایند.
آقای ایو نیورت می‌بینید، امالی در اولین احوال پرسی اش
این موضوع خیلی ساده است. و با آنچه یکنوع ترس در خود احساس
حالا لی عزیزم لطفاً به طبقه فوقانی نمود. او خوش بود که دو باره
برو و آنرا با خودت بودرا و دوباره به آنجا آمده است. اما بدینختی
در جای اصلی اش بگذار. همین وقتی شروع می‌شد که هرسا ل
طور نیستم لی عزیزم؟ لطف و مهربانی آنچه نسبت به او
کاملاً کاسته می‌شد.

لی اتفاق ناچوری را برت بمعنی سایه اش اشتغال داشت و از کردن تادستور آنتی را اجرا نماید. آقای آه، البته که او در قالب همیشگی هدایای که جهت آمدن او به قصه اینویزت صحبتیش را با آنتی دنبال بر خوردهش با دیگران بود. لی مدت‌ها کرده و گفت که او تاچه اندازه قبل فرا موش کرده بود که بداند



عضر ترکیب

کارکنان انسٹیوٹ قره قل افغانی جلیل نجاح پونجیں

سالگرد استرداد استقلال وطن را به پیشگاه بنا غلی محمد داد

پیش دولت و موسسہ جمیع ہریت افغانستان

اردوی غیور و فدا کار و کافہ ملت بجزیرہ افغانستان

صیغمانہ ترکیب می گویند۔

وکهربندهای عریض و تماشایی ساچمه
زعنون دم مکتب های دختران ساعت ها وقت
گرانیسای خود را تلف کرده با حركات و
ستخان سخیف و طفلانه اظهار «چیز فهمی»
می نمودند.

د رکنیین سرگومی یکده دخترها جمع کردن
بست کارت و عکس های آرتیست های سینما
سرگرمی پسوان راجمع اور ی تصاویر
بیج و تحریک کننده تشکیل میداد. پسیار ی
ز جوانان جز در نو شتن نامه های
با سفاهه کمتر آن مبارت داشتند نه از
دبیات چیزی می فرمیدند و نه عمان چیزهایی
را کمتر مکتب میخوا ندند میتوان نستند به
حافظه پسیار نه و شاهد بزرگ این مطلب
روگرام ذهنی وادیو افغانستان بوده میتواند
چنانچه در همان پروگرام شنیدم که یک
شماکرد صنف یا زده گفته بود «سو یس در
افرقا سنت» پسحال برای رشد و تربیه سالم
جوانان عملی شدن پروگرام های وسیعی لازم
است. پروگرام اصلاحات در مورد لباس و
سرووضع شماکردن مکتب باید باخوش بینی
تمام از طرف شماکردن استقبال شد، و جوانانی
که احساس وطنیستی و ترقی خواهی
قوی دارند دین قسمت پیش قدم شده
بعداز اصلاح خود به تشویق و ترغیب
دیگران برداخته باید روحیه همکاری درین
نوسازی کشور از لحاظ اقتصادی، اجتماعی
و فرهنگی سهم فعال بگیرند. حکومت متوجه
ورژیم پستدیده جمهوریت در افغانستان
روی شانه طبقه جوان فرار دارد و جوانان
بایست با استواری واستقامت مسو لیست
بزرگ تاریخی خود را درگ و نگذارند که
دیگر جپل و خرافات و یا مشغولیت های بیو
که از مقام غرب است چهره اجتماع هارا
مطلوب و مضمون بسازد.

۷۰

روی یکنی از پاکت شایی که بد فتر مجله
مید نوشته شده بود «پیشمندو لانویستنه
را در یک کتاب معرفه» من هم پاکت را بازگردم
از اینجا مطالعه نمودم، اینک هنر نامه را برا یعنان
برادر غریز و گرامی سرهندو که جان...
رمجله زیبا و خواندنی زوندون بسیاری از
دهاهی مردم ما هنرکس میشود، بخصوص دو
فچه هزارویک کیم مشکلات حیاتی مردم
ا بارها تشریح کردیده و اکثر مسو لین امور
بچه کنند و این سطور را بخوانند و بعد به
فع نواقصی که در شرایط فعلی امکان اصلاح
نم هم میسر است یکوشند بیبودی مشبوهی
ادر زندگی خود خواهیم دید... امیدوارم این
شمشیده ها جیت توزیر یکده از برادران
خواهاران به نشر پرسانیده، گرچه این مطلب
مکن است قبل برین هم نوشته شده باشد.
بخانه یکی از دو ستام رفته بود م.. سرا
سیمک و پرشانی عجیب در خانه شان دیدم.
موضوع از ینفار بود که یکی از پسران
دوستم را گزدم گزیده بود. چون آن پسر
ازدود ناله میکرد عمه بفرگ چاره اثنا دند
دو تیجه همسایه ها هم از موضوع آگاه
شدند، یکی از همسایه ها که فکر میکرد
متواند چاره ای برای درد پسر گزدم گزیدگی
بیدا کنند گفت:
— بگذارید من علاجش میکنم... بعد او
بچکاری را از محلول پتامیسم پر هنگات
پر کرده در محل گزیدگی ترزیق کرد. دیگران
هم که نمیدانستند اینکار مفید است یا نه
بیرون اینکه بدانند شخص مذکور معلوماتی
در طبابت دارد یاندارد مانع کارش نشد و
اورا گذاشتند تا آن پسر دا «تداوی» گند...
اتفاقا وضع آن پسر و خیم ترشد و باعجله
اورا بشفایه رسانندند. خوب شر مندوک
غزیز...! تاکی باید در خانواده عا همسایه
ایکه معلوم نیست بشقغل اصلی او معلمی
است یا کتابت و یادربوری به کار های طبابت
بپردازد و تاکی کوکو دادا ها و بی بی دادا ها
به معالجه بپردازند. دیگر عرض ندارم.
راحتی ام غلام سخن حملی

三

طوريکه شنیدريم چنین تجو بز اعمال
مده که سرو وضع دختران و پسرا ن مكتب
صلاح شود و دیگر نمی گذاوند بسی پرورایی
بی بند و باری در قسمت پو شنیدن لباس و
وهامانع وشد فکری و عدم توجه جوانان به دروس و
علوم شود. این اقدام پستدیده از بسی جهات
نقد است و گسانیکه روی نسل جوان
حساب میگردند همین آرزوو توقيع را داشتند
در طبعو عات هم انتقاد آتی به عمل آمده بود
کی گرسی درسابق به آن توجه نمیگرد .
متاسفانه نظم و دسیلین در مکاتب دختران
پسران بسیار فعیف شده بود ، بعضی
دختران یا ناخن های دراز ورنگ شد و
موهای جوشده به مكتب میرفتند و پسران
هم موهای بلند گذاشته با پطلون ها عجیب

بن نیپست انتقامی یکشد، عمان بو د که استفاده از عناصر واپسی خود دو خود سورما و به کمک آنها آشوبی برپا کرد و نیم رون کنسور مارا بعقب انداخت. حر کات مقابله و ریفورم های هقیده دست فراموشی سیرده شد و در نتیجه کنسور مادر دریافت بسی ماشه ترین کنسور علیه درآمد. نسل امروز نادرک هو فف کنسور وعقب افتادگی ها امروز مستولیت بس عظیم داشته باشد باکار بیشتر از خودگذری ها این سالهای فتوودا جبران نند. بخصوص حالاکه زمینه تلاش های صادفانه و وطنی سانه بیشتر از هر وقت دیگر مسیا و فراهم شده است.

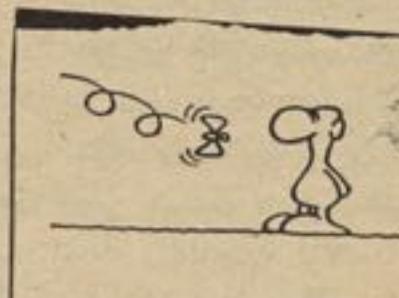
۲۰

وچون خواستم گپ بیسنت و هشتم را
ویسم . همکار عزیز ما محمد علی نژدیک
بزم آمده گفت :

چه چیزی دا بنویسم ؟

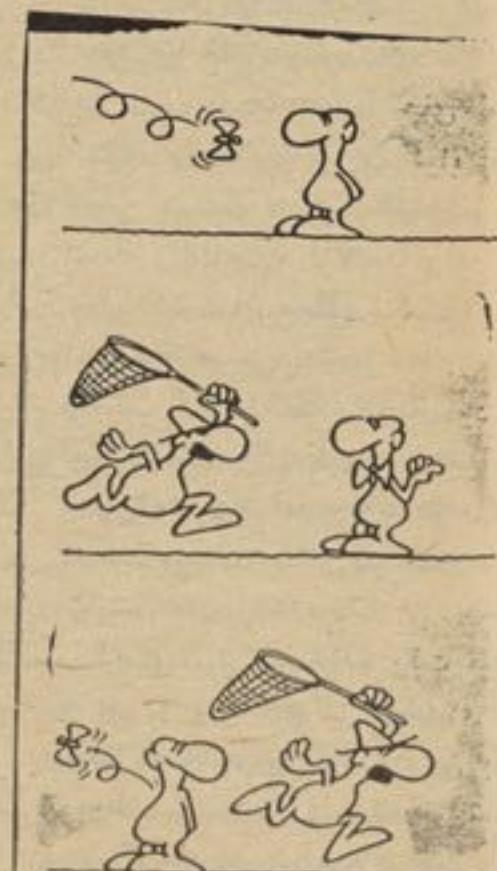
تصرفات شان بوجود آورد و آنها بی راه رزو داشتند آفتاب بر برق شان غرو بگند سراسمه ساخت. مؤرخین خود شان وجود تعصب فراوان نتوانستند از مقاومت جماعه انگار نمایند و شکست التفاخ آمیز خود را خودشان نو شتند و به آن اعتراض کردند.

بعداز حصول استقلال مملکت های با گامی سریع بسوی تمدن قدم برداشت و تی استعمال بر عقده خواست اقلاً باعث قفسه اختن



د ویادرد شان تسکین یابد . گفتم :
 سدرین مورد چیزها بی نوشته ام وبخصوص
 دعورد ایتکه باید تکذیب نداند دو کنور ای ن
 یوان همه در مرکز جمع شوندو باید یک دوره
 دهدت در ولایات ود هنده های فر بو با
 لسوالی هارا بگذارند، چیز هایی در جراحت
 روزنامه ها قللا نوشته شده است .
 مجمل علی گفت :

خوبست اگر بکار دیگر این مطلب را
و بسیار مفید است.



شرح بدون پاتینه باز

تاینچای داستان :

کنتر مامور لایق پولیس به تعقیب سازمان بقه ها دو سال پیش نا ینکه وارد تشکیلات آنها شد، اما به اثر اشتباہی زنده گی اش را از کف داد اکنون الک معاون کمیسر پولیس به تشویق دیگر گاردن به تعقیب هایتلند پیر که مرد هرموزی ۱ سست برآمده و فسمند میخواهد از زندگی خصوصی ماو موازن لولا بسا نوکسپ معلو مات کند.

مزموری میان گلاب و بقعه

کرد که کمترین معلومات در بسارة جیب بیرون آورده مشغول خواندن برمی‌گردد. من نمیتوانم بگویم که شخصیت این متخصص امور مالی آن شد آقای مایتلند در فورتن هام او کیست اما یک چیز را میدانم: از ندارد و هم متوجه شد که مایتلند از تراموا پیاده گردید. ساکنان این خانه از لحاظ خوراکی اضافه ریش سفیدشهر میباشدند. همچنان در گذشته خیابان فورتن درجه پایین قرار دارند. هیچ یک روزنامه و جریده در باره اش هام را قطع کرده وارد یک گوجه تنک و فقیر نشین شد و سپس در وقتی موتر از مقابلش گذشت الک میان تعجب فوق العاده الک دروازه نتوانست در برابر کششی که مایتلند آهنه یک عمارت تاریک و کثیف را حد کفاف یک وقت غذای یک طفل دراو پیدید آورده بود مقاومت کند. باز کرده داخل آن شد و دروازه را از سالم تجاوز نمیکند. و بی اختیار موتر تکسی را اشاره عقبش بست. خفیه بولیس نگاهی به بالا و پایین غرب شهر باز گشت او تصمیم کرده سوار شد و به دنبال مایتلند گوچه انداخت. اطفال خرد سال گرفت به موضوع بیشتر توجه کرد، موتر مایتلند را تعقیب کرد. محله دورش را حلقة گردید و الک کند. اما به نظرش موزون تر آمد رسانیده بدون سوالی باسر اشاره کرد بحرگت افتاد هیچ دریوری در خیابانهای لندن نبود که این مامور فسیاه و کثیف معلوم میشد پرده های لولا بسانو متمن کن سازد. دریکر را فرسوده بست شیشه ها آویخته بود از خیابانهای عصری که از هر که توجه نشده بود. این بود منزل نشیمن آقای مایتلند صاحب میلیونها از طرف کرایه نشین های پولیس میشود هیزان کرایه هم داشت. الک تصمیم خودش را گرفت و دق همین قسمت شهر مخصوصاً زیب الباب کرد. برای لحظات طولانی است والک دید لولا بسانو در یاد چنین ایارتمان هایی وجود دارد که صردد شنیده بدلند شد مثل آنکه کسی سلیپر به پا داشته و آنرا به روی زمین میکشد. یک پیر زن با چهره هویض و بیرنگ دروازه را باز کرد. الک در حالیکه دستمالی را از جیب بیرون آورد اظهار داشت: بخشید خا نم این دستمال از نزد آقای که یک لحظه بیشتر وار داین عمارت شد که او در ینجا زندگی میکند؟

محافظ لفت جواب داد: «این بشما به زمین افتاد. آن زن با چشمها از حدقه برآمده مر بوط نیست دروازه ایارتمانش به دستمال خیره شد. سپس دستش را دران گوشه است دریان لفت وقتی دراز کرده آنرا گرفت و بدون اظهار کارت خدمت الک را دید، فوراً وضع کلمه دروازه را بر روی الک بست. الک با خود به تلخی اندیشید: این مقدار معلومات داد: او دو ماه آخرین دستمال بینی خوب من بود. میشود که درینجا زندگی میکند از

درا تاق انتظار باما مایتلند صحبت کرده بود ضمن همین ملاقات ها با فیلو جانس نیز آشنایی زیر امامایتلند سوال و جواب با مامورین زیر دست خود را اجازه داده بود. الک عمر مایتلند رادر حدود ۷۰ سال تخمین می‌زد و اکنون برای بار اول حسن کنجکاوی او بیدار شده بود تا محل سکونت مایتلند رادریابد یک حقیقت عجیب در ذهنیش خطرور



آقای الک! تنها هستیم و لزومی ندارد آهسته حرف بزنید ..

از شما چه پنهان اکثر او قات تعجب دلاند به رضایت خاطرش مینمود .
ام که او چطور و به چهوسیله در عمارت او عقربته دروازه را کاملا باز
کارای اپارتمانی را صاحب شده گذاشت .
من اعتراض کنید که چرا به نام
مستعار فعالیت دارم .

الک با خود فیصله کرد که
نکرده اید . در وايتهاں باهم برخوردم
موضوع بقه را در موقعش عنوان کند
و من زنگیر کلید می فروختم . نام
آن مرد الک را مخاطب ساخت :
جوشا برود است . شمانمی توانید
است ؟

آقای الک! تنها هستیم - لزومی
ندارد که آهسته حرف بزنید . سکرت
درختم کلام اشاره تحویلی لفت بان
داده اضافه نمود . « خوبست وات .
من اجازه دارم که با آقای الک گاهنگامی
که او را باز داشت کنید ؟ » در بان لفت
جمله اخیر را با احساس ترس اظهار
و گذاشت که الک وارد سالون شود .

الک پاسخ داد : « من برای یک
دیدار دوستانه با ماد موازل به اینجا
آمدی ام . »

لفت بان از لفت خارج شده به یکی
از دو دروازه چوب شیشم که در
راکب دهیز وجود داشت اشاره نموده
اضافه کرد : « دروازه دوی مربوط
به اپارتمان یک میلیونر امریکایی
نداشت . »

الک میخواست جوابی به او بدهد
که لفت بان بطرف دروازه رفته به یک
لوحة پالش شده اشاره نمود : « این
چیز عجیب است شما خود یک دفعه
به آن ببینید . »

الک خود شیرا پهلوی لفت بان
رسانده بایک نگاه آنچه را باید بفهمد
فهمید . به روی یک تخته از چوب
موازی رسم یک بقة کوچک سفید
یک را دید که با آنچه همین امروز در
تصاویر تایپ کاری ها و خالکوبی های
موجود نزد دیک گاردون دیده بود .
شباخت داشت . یک بقة کوچک که
کمی مایل آویخته شده بود . الک
دستی به روی لوحة کشید . رنگ آن
عنوز خشک نشده بود .

در همین لحظه بی محابا دروازه باز
گردید و مردی متوسط العمر در
چوکات دروازه ظاهر شد . تفنگچه
بدست داشت و میله دراز آنرا در
قلب الک گذاشت تهدید کرد .

- « دستهای تانرا بالا ببرید » سپس
زبانش به لکن افتاده به صورت
بولیس خیره نگریست الک بدون
آنکه حرف زده باشد به مردی که
مقابلش ایستاده بود نگاه کرده اورا
شناخت . دست فروشی بود که همین
امروز در وايتهاں بهم دیده بودند
amerikaner زودتر توانست به خود
سلط شود و الک از تو درخشش داد
در جسمهای آن مرد خواند که



لَسْخِرْنَابِرْ

بخش دوم

اتفاق افتاد . هائی مانند دفعه گذشته ویدون تکلیف پیداشد . اینبار بیر مرد بازنش در آشپز خانه بودند .

نیمروز بودوزن دهقان در مقابل دیگران ایستاده چیزی را دردید که شور میشد . بیر مرد از همین سبب که او را دخترساده دهانتی در عقب میز نشسته بود . وقتی آنها بطرف هائی دیدند ، متوجه شدند . شاید دختر شان از همان خود را قوی و محکم احساس میکرد . در آمد دفعه قبلی او گفته بود آنها خاموش بودند بیرون به کار خود داده داد و بیر مرد همچنان خبره خیره بطرف گلبهای روی میزی لایوردین کرد . مایوس کردن هائی خوش قلب هم چنان آسان نبود .

سلام بیمه - هائی به خوش این چشم ادای کرد براستان خوارکه آوردهام .

روی یاکت را بزرگ و یکمقدار گوشت بادو قطع پیش نسبتاً بزرگ و یکمقدار گوشت بادو قطع ماهی سارادین گشیده و بالای میز گذاشت .

دختر خشکینه خنده دید .

- مازم ماه به این طرف پیش رانمیشانم که چیست از این خشک سیر نیشیویم . سال کنسته ازما فرآنسیویه اتمام اسب هزار گرفته و حالا بزها و تمام حیوانات باقیماندها ماند گاوها خون و مرغ هابردند .

- خوب چه ماکه رایگان نگرفتیم پولش را ببود که مداخله کنی .

دراین اثنا دختر داخل آشپزخانه شد .

او بالای هائی با خشونت فریاد زد .

- تو دراینچه میکنی وقتی نظر دختر بخواهیم یکجا کوت کرد و

بطرف هائی پرتاپ کرد .

- برادرایشان را اینجا بردار .

دراین هنگام مادر خود را بیزرساند .

این تو دیوانه شده ای .

- من ازاو خیرات قبول نمیکنم .

آخرین خوارکه ها محصولات خود ماست .

از ماست . آنها زمادزدیده اند . تو تنها بطرف این ماهی سارادین نگاه کن . این سارادین هال مابود و هست بیرون خم شد و آنها را جمع کرد .

هائی بطرف دختر دید . چشمان آبی او تمیخت آمیز بنظر میشد .

- پس اسم توالت است . اسم قشنگی است . خوب توجیه والدین اجازه نمیدهند .

که کمی غذای لذیدخورند . آخر خودت گفتی که شما زسرمه ماه به این طرف پنیر را مزه نگردید .

گوشت پیدا نهادیم چیزهای را که مزوق شدم پیدا کنم آورده ام زن دهقان خوارکه هارا باهر دوست گرفته و به سینه چسباند . بفرخسار او آمده بوداین خوارکه هارا ببود .

های ایش اشک دید .

- خدای من چه ننگی . این کلمات از

کلوبین مانند ناله بیرون شد .

گونه های دختر سرخ شده و غصیب در چشمانتی میدرخشیده هائی دختر را زیبا تر از روزیکه اورا بخاطر داشت یافت . خوب تا بحال که گارها برونق مراد است دخترها دهه ای هم نیست وزیاد تریه شیری هاشمیه است .

از همین سبب که او را دخترساده دهانتی نیست بیرون شده در این میان ایستاده بود . وقتی آنها بطرف ایشان را بین زدن خودرا بطرف اتفاق مجاور شدند . دخترش آنجا روی نیم کت به همان حالت که هائی اورا را کسره بود افتاده و زارزار میگریست .

- آنها برا در و گورت را کم کن .

- حماقت نکن کاردا بینداز . اگر عصبانیم کنی به ضرورت تمام میشود تو س از نداشته باش .

- من از تو تو س ندارم .

دختر اگر شتان خودرا باز کرد و کارد افتاد .

هائی کاسکیت خودرا باز کشیده و بالای چوکی نشست . پای خود را دراز کرد و بیانک موزه کارد را بطرف خود نزدیک کشید : بیا بتو کم کرد و کجالو پوست کنم . چطور ؟

هائی خم شده کارد را برداشت . از کامه کجالو گرفته و به پوست کردن شروع کرد .

دختر بانگاه های دشمنانه بطرف اومیدید

هائی چنگ را بطرف خود نزدیک کشید : بیا بتو کم کرد . بیا بتو را بشکل استشمام هم نکرد .

بداما عساکر فرانسوی را بشکل اسیر دیده بود . تمام چنگ براش چنان سرگرمی میست .

نهش بود که حتی در شوابش هم نیامده بود .

هائی باز هم بعدها مبارکه چنگ در بیاریس زندگی کرد . برازی همه تحفه خرد و پست کارت های رنگ به دیوار نکیه داده و حرکات هائی و چشم ایشان را بشکل اسیر دیده اند .

اویلی که باریس را مانند پنج گشت اش میشناخت همانجا باقی ماند ولی هائی را با

نیام و احش دوباره به سورسون فرستادند در شیوه کوچک سورسون زندگی سریازانه ایان بدینمیکنند . غذا فراوان بود و شامیانی تربیا رایگان هربوتل آن یک مارک به پول ایان قیمت داشت وقتی امر انتقال به سورسون داده شد هائی فکر کرد خالی از تقویع نخواهد بود .

که مزونه بروه و دختر دهقان را بیندیده برازی هائی به دختر بفهماند که کیه رایه ایشان را نهاده یک بوره جوراب ابریشمی براش بود .

که مزونه را بیدون رحمت خواهد یافت .

یکی از شامگاهان هنگامیکه او هیچ سرگرمی دیگری نداشت چو دا بارادر جیب گذاشت و باموت سایکل به طرف فارم حرکت کرد .

یک روز ملایم خزان بود در آسمان ابری دیده نمیشد و تیسه های اطراف قشنگ میشود .

اگرچه ماه سیستامی و دیرگاهی بود که حتی یک نظره بیان ره هم نیامده بودولی از سیبیدار ها

احساس نمیشد که تایستان بیان رسیده است .

یکباره هائی بطرف دیگر بیجید و این موضوع از راکم معلم ساخت ولی بیرون خود را بعد از نیم ساعت به مزونه رساند . لزدیک دروازه سیک تکه بیان پارس کرد هائی بدون دخالت دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دختر جوان عقب میز نشسته کجالو پاک میگرد .

مجرد دید هائی در قورم نظامی اواز چاپریده و بایستاد .

- بفرمانیه این صد فروانک را بگیرید .

بگذرانید مادعوز بیراهن جدیدی براش بخورد .

از کهنه اش بسیار بجا مانده .

اوپول را بالای میز گذاشت و کاسکیت خود را بوشید .

- برویم .

آنها بیرون شده دروازه را باز گفت خود بسته و بعد بالای موثر سایکل های خود نشسته حرکت کردند بین زدن خودرا بطرف اتفاق مجاور کشاند . دخترش آنجا روی نیم کت به همان حالت که هائی اورا را کسره بود افتیده و زارزار میگریست .

بعدز گشت سه ماه هائی باز هم به سورسون آمد . او بایسرا بیان بیرون بیرون میگرد .

باشیس بود و با موثر سایکل خود را از زیر طاق طفر باریس بین گشتند .

هائی کاسکیت خودرا باز کشیده و بالای چوکی نشست . پای خود را دراز کرد و بیانک موزه بین دو رفت .

هائی چنگ را باز هم بعدها مبارکه چنگ در بیاریس زندگی کرد . برازی همه تحفه خرد و پست کارت های رنگ به دیوار نکیه داده و حرکات هائی و چشم ایشان را بشکل اسیر دیده اند .

اویلی که باریس را مانند پنج گشت اش میشناخت همانجا باقی ماند ولی هائی را با

نیام و احش دوباره به سورسون فرستادند در شیوه کوچک سورسون زندگی سریازانه ایان بدینمیکنند . غذا فراوان بود و شامیانی تربیا رایگان هربوتل آن یک مارک به پول ایان قیمت داشت وقتی امر انتقال به سورسون داده شد هائی فکر کرد خالی از تقویع نخواهد بود .

که مزونه بروه و دختر دهقان را بیندیده برازی هائی به دختر بفهماند که کیه رایه ایشان را نهاده یک بوره جوراب ابریشمی براش بود .

که مزونه را بیدون رحمت خواهد یافت .

یکی از شامگاهان هنگامیکه او هیچ سرگرمی دیگری نداشت چو دا بارادر جیب گذاشت و باموت سایکل به طرف فارم حرکت کرد .

یک روز ملایم خزان بود در آسمان ابری دیده نمیشد و تیسه های اطراف قشنگ میشود .

اگرچه ماه سیستامی و دیرگاهی بود که حتی یک نظره بیان ره هم نیامده بودولی از سیبیدار ها

احساس نمیشد که تایستان بیان رسیده است .

یکباره هائی بطرف دیگر بیجید و این موضوع از راکم معلم ساخت ولی بیرون خود را بعد از نیم ساعت به مزونه رساند . لزدیک دروازه سیک تکه بیان پارس کرد هائی بدون دخالت دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دختر جوان عقب میز نشسته کجالو پاک میگرد .

مجرد دید هائی در قورم نظامی اواز چاپریده و بایستاد .

یکی از شامگاهان هنگامیکه او هیچ سرگرمی دیگری نداشت چو دا بارادر جیب گذاشت و باموت سایکل به طرف فارم حرکت کرد .

یک روز ملایم خزان بود در آسمان ابری دیده نمیشد و تیسه های اطراف قشنگ میشود .

اگرچه ماه سیستامی و دیرگاهی بود که حتی یک نظره بیان ره هم نیامده بودولی از سیبیدار ها

احساس نمیشد که تایستان بیان رسیده است .

یکباره هائی بطرف دیگر بیجید و این موضوع از راکم معلم ساخت ولی بیرون خود را بعد از نیم ساعت به مزونه رساند . لزدیک دروازه سیک تکه بیان پارس کرد هائی بدون دخالت دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

دستگیر دروازه را چرخانیده و داخل خانه شد .

باختنه های نیشدار جواب می داد. لب های خود را محکم بهم فشارداده طوری به طرف ناسی به عرض ذات الریه مرد .
هانس نگاه میکرد هائند اینکه در دنیا بدتر از او کسی نیست . غالباً اینت اوراطوری عصیانی میساخت که هانس حاضر بود تازشانایش گرفته چنان تکانی بددهد که روح از بدنش پررواز شاید همین برایش خیر بود . آخر اوضاع عین اینت بود . بهن حال گشته شد چون تحمل یک روزه ایس رانداشت . پیروز دویاره آه رسواهی شکست رانداشت . اوراتها یافت وقتی اینست میخواست خارج شود هانس مانع رفتن اوشد .
- صیر کن میخواهم با تو حرف بزن .
- یک‌گونه زن بی دفاع هست .
سواین است چیزیکه بتومیکویم . تایلایکه برای من معلوم است من دیرزمانی اینجا خواهم هاند .

اماز چنگ مرد بود .
اور ادججه نکشند بلکه اور در شفاخانه در هانس نگاه میکرد هائند اینکه در دنیا بدتر از او کسی نیست .
- ها متناسب .

- شاید همین برایش خیر بود . آخر اوضاع عین اینت بود . بهن حال گشته شد چون تحمل یک روزه ایس رانداشت . پیروز دویاره آه رسواهی شکست رانداشت . اوراتها یافت وقتی اینست میخواست خارج شود هانس مانع رفتن اوشد .
- آه برادر . آخر بیانیات کردند از همین سبب تماماً اینطور اتفاق افتاد .
- پراشماهه دفاع پولند یها شناختید . آنها برای شماک هستند ؟

- درست - درست اگر مامانع هتلر شما نمیشیدیم و من گذاشتیم که پولند را شغال کند او مهاره ایم آرام میگذاشت .
حین خارج شدن هانس تکرار کرد که باز هم خواهد آمد .
- راجع یک‌گوشت فراموش نخواهم کرد .

او ضایع به لفظ هانس بود . او مامور بست بیدا کرد که هر هنله دو مراثیه به دهکده های اطراف سر بر زند . واین کاریه او ممکن بیشتر

داد که مزوجه بود . اینکه هیچگاه با دست های خالی به آنجارود برایش حکم قانون را بیدا کرد . اما کارهایش بالایت جسور نی آمد . او تمام تبریزک های محیانه که زنها را زیر تالیف می‌آورد و تجربه مردانه اش را او آموخته بود کار می‌بود . اما اینت به تمام آنها

چه خوب خواهد شد اگر ایست بالآخر باز هم عاشق او شود . آخر هانس مرد اول ایست .
در هوشین دانشجویان هنکام پرگوش عقبه گیلاس آبجومعتقد بودند که در حقیقت زن‌های مردی را داده بودند که آنها را از زاده بفرگند . هانس بکلی مطمئن بود که جواب ردتمی داد . او زیر

لب می خندید و چشم‌انش محیانه میدرخشد . بالآخره تصادف با هانس کیک کرد که باز هم به مزوجه سر بر زند . او با خود پیش - مسکونه و چند قطعی گشت که انسوسو یا کسی قبه‌گرفته و با

- برای خود بگذرد . من هر قدر خواسته باشم پیدا میکنم . هانس پکی زده و دوده از یعنی بیرون آورد .

- چرامادعوا کنیم . چیزیکه ساخته شد آنرا دوباره نمیتوان ساخت . خودشما می‌فهمید که چنگ . چنگ ایست من می‌فهمم که ایست دختر تحقیل کرده است و نمیخواهم که اوراجع به من بدقفر کند . میکن ایست واحد های را مدت مديدة در شرسوسون معطل شود . من میتوانم گاه‌گاهی بیایم و چیزی از خواراکه بباب ویدون را اشیز

برایتان بیاورم . شمامیقه میدکه هابانم قوای سعی میکنیم که باهالی شهر را بطری خوب داشته باشیم اما فرانسوی هامقاومت میکنند حتی نمیخواهند بطری مایبینند . بالآخره یک اتفاق ناگفته بود . همان چیزیکه دفعه قبلی وقتی من بادوستم اینجا آمدم و خداد . شمامیا بیان من پترسید من حاضرین بالایت طوری بامحترام تمام پیش آمد کنم مثلیکه باخواهرم تن خود .

- توجیر اینجامیاین ؟ توجیر مارا آرام نمیگذاری ؟
در حقیقت هانس هم درست نمی‌فهمد . دلش نمیخواست اعتراف کند که او از فقدان روابط عادی انسانی دلتگک است . دشمنی خاموشانه ای که امانتها را در سوسون احاطه کرده بود روی اعصابش تأثیر کرده بود گاهی حاضر بود اولین فرانسوی را که در جاده با چشم انیکه باشند تفاوت به اونکاه میکند تکانش بدهد جناتکه باید و گاهی هم این موضوع اورا تسا سرحد گریستن میرساند خوب است خانواده بیداگتم . که مرادوستانه بیدیرنده .

- اور دوچرخه داشتند هانس بیانیت از همان بیانیت داشتند که راجع به اینیت افکار پلیدی ندارد . اینت از زنهای تیپ او نبود . زن‌های بلند قامت پایستانهای برجسته مورد پسند او بود . آناییکه هائند خودش چشم آبی و میبور بودند آناییکه تن بحکم و پرخراحت داشتند برای او طرف افت بیانیت داشت - چشم‌های تاریک و صورت رنگ پریده قابل قیم نبود . این دختر چیزی داشت که در او حس ترس را بیجاد میکرد . اگر او آنطور مبت از باده پیروزی نمی‌بود اگر او

هانس پرسید که آیا اطفال دیگر هم دارند . پیروز آه کشید . آنها پسری داشتند که در آنوقت بیشتر شراب زیاد نمی‌نوشید حتی در خیالش هم نمی‌گنجید که پنین دختری اورا امسی خودش سازد .

هانس مدت دوهفته نتوانست از او احدهش دور شود .. او بین داشت زن و شوهر پرمشل گرگ های گرسنه شراب بجای خواراکه هایی که او آنوقت بوده و در مزرعه گذاشته بود حمله برد اند . باعث تعجب او نمیشد که اگر ایست هم بالای هم را بیانی کرده باشد .

طبعاً اینت از هانس نفرت دارد آنهم چه نفرتی - مکر گوشت . گشت ایست و پنین پیش از اینه ایشانه ایست هیچ از سوار بیرون نمیشد نفرت ایست اور اخشناد میساخت اوعادت کرده بود که مورد پسند زنها واقع شود .

هانس مدت دوهفته نتوانست از او احدهش دور شود .. او بین داشت زن و شوهر پرمشل گرگ های گرسنه شراب بجای خواراکه هایی که او آنوقت بوده و در مزرعه گذاشته بود حمله برد اند . باعث تعجب او نمیشد که اگر ایست هم بالای هم را بیانی کرده باشد .

طبعاً اینت از هانس نفرت دارد آنهم چه نفرتی - مکر گوشت . گشت ایست و پنین پیش از اینه ایشانه ایست هیچ از سوار بیرون نمیشد نفرت ایست اور اخشناد میساخت اوعادت کرده بود که مورد پسند زنها واقع شود .

شماره ۲۲ و ۲۳
صفحه ۷

تا ینجا د استان

زهره زن بادیه نشین پس از قتل شوهرش با دو دختر خود بشهرمی آید و دو سال بعد آن شهرشوم را ترک میگوید . دختر کلا نش هنادی توسط ناصر ، ما مایش بقتل میرسد . آمنه دختر کوچک مدتها بعد از خانه پدری میگریزد و دوباره بشهر باشگاه ساخته در آنجا کار میکرد پنا هنده میشود و میخواهد از انجیر جوانی که خواهرش را به آن سر نوشته شوم کشانده انتقام بکشد و برای این منظور هراس نامزدی خدیجه دختر مامور را با او بهم میزند و خود در خانه فا میل ثروتمندی بعیث خادمه استخدام میگردد و در صدد آن میافتد تا بپرسیله ای ممکن باشد ، بمنزل انجیر مذکور راه بیابد و پلان خود را عملی سازد .

رجویم در آن قریه دور افتاده
غرب بر مغز خطور میکنند : میبینم
بازم آن چشمها جوشان بد منظر در
مقابلم قرار دارد و خون سرخ از آن
فوران مینماید . سراسیمه از جا
بر میخیزم ، تو س و هراس گریبانم
را رها نمیسازند ، میخواهم ازین
اتاق بگریزم ، اما بکجا ؟

بلی ! درین شب ساکن و آرام
به کجا میتوان گریخت ؟ در
چنین لحظاتی که خاکوشی همه جا
سایه گسترد و پرده ظلمت بر همه
جا فرو افتاده است دختری چون
من بکجا میتواند بپرورد ؟ باید این
زن را که در گوشة از اتاق درخواب
فرورفته و غرق در رویاهای شیرین
خود است بیدار سازم ، آری ، باید
اورا بیدار سازم و بقیه شب را
ضمن صحبت با او سپری نمایم ...
اما همینکه برای این کار تصمیم
میگیرم ، اشباح سرخ از جهار طرف
احاطه ام مینمایند ، خواهرم با چهره
مایوس که تبسی حزین بپر لب
دارد نزدم میشتابد ، استر حام
کنان میگوید :

بیدارش ممکن ، او مارا میترساند ،
هرگاه بیدار شود ، مارا از ینجا
میراند ، چرا از ما هراس داری ،
مگر از مدت‌های زیادی یا نسوان با هم
الفت نکرته ایم ، اینقدر زود مارا
از یاد بردہ ای ؟

این سخنان چون تیر پر قلب
می‌نشینند ... نه ! هرگز نه ! من
شمارا از یاد نبرده ام و هر گز از
یاد نخواهم برد ، هیچگاه شما را
از خود نخواهم راند و این زن را که
شمارا میترساند ، هرگز از خواب
بیدار نخواهم ساخت . شما بامن
باشید ، در پیرا مونم طوا ف
کنید ، حرف بزنید که میداند ،
شاید روزی من هم در قطار شما
قرار بگیرم ، شاید روزی این لباس
سرخ گلکونی را که شما در پر
نموده اید ، در بر نمایم . این لباس
که هم مرا بسوی شما فرامیخواند
و هم از شما میتر ساند ...
بقیه در صفحه ۹۲

آدمک شبا و بزر

گردانم ، اما ناگهان باز هم آشباح اشباح سرخ احاطه ام کرده اند
سرخیکه در منزل ملک قریه ، قبل و پیرامونم در گشت و گذاراندویکی
از آغاز آن سفر شوم بسراج ما بعد دیگر نزدم می‌آیند و میخواهند
می‌آمدند ، در نظرم مجسم گردیدند سخنانی بگوشم بگویند ، من از
و تو همینکه این اشباح را دیدم ، مشاهده این صحنه میترسم و بس
بدون اراده بسوی شان شتا فتی خود میلزیم و تصور میکنم دستخوش
وبه شبی سرخ مبدل شدی و بآنها چنون گردیده ام ، میخواهم فریاد
بکشم ، چیخ بزنم . خا طرات دوران
بیوستی !



بلی ! تمام شب را با تشویش
ونگرانی بروز آوردم ، بدو ن
تردید اگر اندیشه های شبا نگاهی
مراه خود مشغول نمی‌داشت ،
شبی بود طولانی و دشوار گذار .
خواهر عزیزم ، صورت محزون تو
که در لحظات تنهایی یاور و موئس
من است ، سنگینی بار شب را از
دوش زدود کم کم بیش آمد و بفاصله
نزدیک در مقابلم قرار گرفت و
شروع کرد بسخن گفتن . من گرچه
سخنانش را نمی‌شتمیدم اما بی
میبردم که چه میگوید و چقدر بر قلبم
می‌نشینند . صورت تو همان بود
که هنگام مسافت بسمت غرب
در منزل ملک قریه دیده بودم ،
صورت مبهوت و فرو رفته در اندیشه
هایی عمیق و بی پایان که حتی
نمی‌توانست به آنچه در ما حولش
میکنند متوجه گردد ، درست همان
صورتی کدر لحظات گفتگو با تو
و در دقایقی که میخواستم تسلیت
دهم واز اندوه جانکا هست بکا هم ،
بدقت و تعمق بر آن خریده میشدم .
تو نزدیکم آمدی و در کنارم
نشستی ، سر کو چکت را مانند
گذشته بر دوش گذاشتی ، بملایمت
بر رویت دست کشیدم و اشک از
چشمانت یاک نمودم . لحظه‌ای با هم
گریستیم و لحظه‌ای گریه با فت
دانشتم ، انگشتانم بمهربانی باموی
انبوهت بازی میگردوبایت اطمینان
و آرامش می‌بخشید ، و خواب آهسته
آهسته بر چشمانت چیره میشد ،
اما ناگهان از جای خاستی و چند
قدم از من دور شدی سپس بر گشتی
و باحالتی بیت زده و نگران در کنارم
استاده شدی ، من باز هم با لطف
ومهربانی احاطه ات کردم و خواستم
آرامش از دست رفته ات را باز



عرض تبریک

کارگران هو تل انتر کا نتی ننتا ل جشن استقلال وطن عزیز را به بانی و مؤسس نظام نوین

افغانستان بنیانگذاری محمد داؤد، اردوی غیور ملی و جوانان افغان و کافه ملت نجیب افغانستان تبریک عرض نموده
و ترقیات شایان افغانستان عزیز را تحت رهنمائی های نظام نوین جمهوریت خواهان اند.

(۱۵) اد

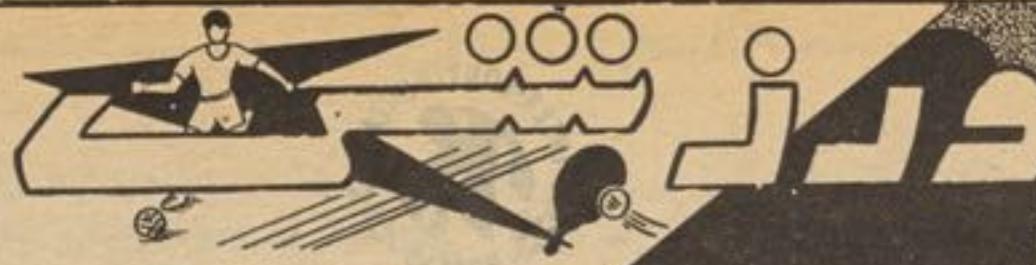
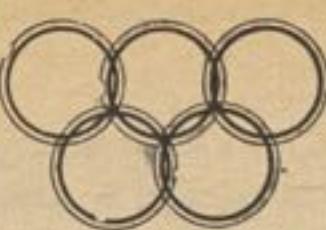
عرض تبریک

کارگران فابریکه نوروزی حلول سالگرد استرداد استقلال وطن را به حضور بنیانگذار محمد داؤد

بانی جمهوریت و رئیس دولت و هموطنان با شرکت خود تبریک عرض نموده ترقی مملکت را در پر توده ایت

(۸) اد

و کارداری فرزندان فدا کارش صمیمانه آرزو می نماید



تیم فوتبال امانت در حالت ضعف قرار دارد

سالهای ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ همتو شون دستیارانش با زحمات زیاد تیم را آغاز مسابقه در جام مکسیکو ساختند اما تیم امانت توائیست موقعیت سیوم و احصال نایاب و بعداز آنکه امانت در پایان برآذیل شکست یافت تیم ملی آن کشور مقام درجه دوم را داخل مملکت خوش حاصل نمود.

در مسابقات اخیر هنگامه کشور امانت یکی از علیه شکست تیم امانت عدم میبدید (نتر) استاره درخشان تیم مذکور بود که بخاره هریضی مادرش بود و تیم مذکور در مقابل ارجمندان یو گو سلاویا برآذیل شکست خورد میباشد.

هلموت شون رهبر تیم ملی فوتبال امانت دریک مصاحبه خود پیشین گفت در حال حاضر هرچه از راه میرسد تیم و تاریخت اما من نا امید نیستم و میکشم که امانت را در میان آینده چنانکه جهان مشناست و مردم امانت میخواهد روانه میدان سازم.

این گفتار همتو شون ناشی از شکستهای پیش تیم امانت است که در مسابقه اخیر که در امانت برگزار شده بود و تیم مذکور در مقابل ارجمندان یو گو سلاویا برآذیل شکست خورد میباشد.



جایانی از مسافت تیم برآذیل در اروپا و افریقا

تیم ملی برآذیل که برای انجام مسابقات مقدماتی عازم اروپا و افریقا گردیده بود از انجام دو مسابقه در ارقام باوردار ایطالیا شده و با تیم لا جوردی پیوشن ایتالیا ز آزمایی کردند که نتیجه اش شکست برآز بود و پس از شکست در تورین با اطربه ها مساوی ولی در امانت غرب در میان که در برلین بریان شده بود تیم امانت غر رایا شادی بیان شکست داد و میرزه سیار مسکو گردید تایه یک بیرونی بزر دیگر اروپائی دست یابد این مسابقه ک در ورزشگاه لین که گنجایش ۱۰۳ هزار شاهرازی کورا دارد برگزار شد و در پی نتیجه فوتبال مهم جلوه کرد زیرا «ماری کالو» شوروی را یکی از بزرگترین کشورهای صاحب فوتبال میداند و شوروی ها مخواستند فیر مان جهان را در نزد بیستند ولی نتیجه مسابقه چنان شد که یک هوای خوب روی زمین عالی همز تماشگران شاهد گول خالق گیر کنند «جزر یکی بود دقيقه شعرت و هفتم شد هوا در میکو خیلی گوارا بود شور ها از این مو قیمت استفاده بزرگ دیگر بقیه در صفحه ۸۸

در گذشته چنین بود که تیم ملی فوتبال امانت هموار صاحب نقش درجه یک را در مسابقات اجتماعی این سرزمین داشت یعنی همیشه تمام فعالیت های مسابقات تحت رژیم ملی آن کشور فرار داشت و چون این همیشه در معرفت مسابقات فرار نمیگرفت همه جز رایخود منحصر میکرد اما اندک اندک اوضاع تغیر دارد و مسابقات بخش نیست و مطوريکه وجود آمد اندک اندک قدرت گرفته و در

چرا سپورت های محلی مازیادر فته است؟

وزرش که بیانی بشر ارزش جانی داشته و از قدیم الایام انسانها بآن احتیاج احساس کرده اند نظر به موقعیت و شرایط محیطی به اینواع و اقسام مختلف در آمده و مردم بآن علاقه گرفته اند. چه همین علاقه و درگاه همیت و ارزش سبورت است که انسانها در راه پیشرفت و توسعه مزید سبورت هرچه بیشتر گوشیده و میکند تازمینه اتفاق آن وسعت بیدارده و تعداد بیشتر مردم بصورت هم خصوصی بوده و اهالی محلات و دهات بعمل آورند. مردم کشور باستانی مانند به اهمیت ورزش سبورت و ورزش از زمانهای مسابقات کنند چهارین سبورتها برای یک عدد مردم شهر ها مختص بوده و اهالی محلات و دهات بعمل آورند. اکثر داشتکیل میدهند تیغه اند بوجه احسن آرا این گفتار دین ترتیب سبورت و ورزش شکل انتخابی را بخود گرفته هدف اساس و واقعی سبورت از میان میسر و دیگر میتواند ترویج راه و از آن مستید منطقه خویش را بخود گرفته و از این میتواند سبورت و ورزش از زمانهای اوراد آن چشم پوش میشود.

من بیاد دارم که نا چندان بیش از اینواع سبورتها ملی و محلی در چشم همای ولایات و در پوهنتون کابل تجلیل میشند و مسابقات آزاد آنها برگزار میگردید که مورد توجه همه قرار گرفته ولی با گذشت زمان تمام آنها از بین رفته حسنه نیامد آنرا امردم فراموش کردند که درینجا وظیله مقامات مسئول سبورتی بود تایه آن توجه کرد در زمینه انتخاب آنرا میگردند که این مسابقات صلاحیت دار سبورت در کشور بدان بحیث یک سبورت نه تک سبورت و اهمیتی به آن قایل نیستند که همین بیان دارد که این داد و فرآوری سبورتی دلسرد ساخته و به صفت بازی بیسپورت، پس دادن یکنده مردم شیرها را باین از آن دلسرد فکر میکند که این دیگر خود بی اعتمانی مازا در مقابل فر هنک و کلتور خود را نشان میدهد زیرا همین سبورت تهی محلی است که که نمایانگر احساس مردم اصلی و باستان کشور در مقابل ورزش بوده و معرف عنده ملی و استعداد و اینکار سبورتی مردم کشور دامیباشد.

به عقده من برای پیشرفت و ایجاد این سبورت های ورزشی تشکیل داده و اشخاص که به این سبورت های دسترسی و علاقه دارند جمع آوری در تور تخته های میگردند و مسابقات سبورتی به آن حقیقی قابل شدید و آنها با بصورت صحیح و تغییری در آورند تایم سبورتی های مسابقات تحت رژیم ملی آن کشور باستانی رانکه داشته و هم به سبورت و ورزش کشور سرو صورتی بدهد زیرا باین وضع کمالاً سبورت در کشور دارد و مسابقات بخش نیست و مطوريکه وجود هدیهم گهدر آینده نزدیک گلوب پامیر را فضیل یک مصاحبه مفصله هم فی خواهیم کرد.



ماور زش کاران معارف ، یو هنتون و کلیب های آزاد تسبیر کابل روزیم جدید راکه از خواسته های دیرین مردم و جوانان مابود به حضور بانی و موسس دژیم جمهوری در افغانستان تبریک گفته و آمادگی و همبستگی کامل خودرا برای هر گونه خدمت و فدائکاری در راه اغتصابی وطن تحت قیادت بنیان گذار و حامی دژیم جمهوری و نبضت های جوانان روشنگران در کشور اعلام میدا ریم .

در دل در نشست

بنظرور ببیو و وضع وزش و پیشیر فست آن در کشور و بر رسمی وضع نا هنجارش بعد ازین دو همین صفحه تحت عنوان «دد دل ورزشکاران» مطالبی را مطالعه خواهید کرد که مستقیماً از زبان ورزشکاران شنیده شده یک سلسه مشکلاتی را محظی خواهد بود که اورزشکاران های آن دست و گریبان بودند. البته علل گشایش چنین ستوانی درین صفحه زیاد است. مانند همه امور زندگی عقب افتادگی وقتور و حشتناک در ورزش کشی رمایه تشویش و نگرانی جوانان وزش دوست و ورزشکار کشور بوده و این عقب افتادگی ایجاد میکند تا عوامل آن جستجو شده شجا عانه افتادگردد. ثانیا هنله دلسردی جوانان ورزشکار جستجو شده منعکس گردد تا برای رفع این دلسردی چاره مقتضی و مقدم فراهم کرد شود. همچنان نظر یات و پیشنهادات مفید و اصلاحی در امرتشو یق ورزشکاران ببیو وضع ورزش جمع آوری و نشر شده در عمل مورد استفاده قرار گیرد.

درینجا سعن میکنیم با ورزشکاران جوان کشور گفتگو هایی بعمل آورده نظریات شبان منعکس کریم و مسوالان امر را متوجه ساخته در امر اصلاح نقایص بایشان گشک کنیم. روی همین منظور تبیه گلنده این صفحه با چند تن از ورزشکاران لیسه زرغو نسے یعنی چند نفر از اعضای تیم پاسکتیا ل آن لیسه که در زمرة پاسکتیا لیست های خوب پایانخت کشور بشمار میرو ندتماس گرفت. این چند نفر عبارت بودند از پیغله سجیه احمدزی سپاهانی سون فوزیه سیروزی کلالی حیدر، ملالی و لطیفه حکیمی و همچنان پیشگلی سعدالله احمد زی پیکتن ازور زشکاران شنبیر کشور ما که هر یک به توبه خویش ازوضع نابسامان ورزش گفتگی هاداشتنداینک خدمت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اگر بصورت دقیق ورزش کشیده را این
که نهایتی به آسانی دریافت خواهیم
دید که وضع ورزش در کشور روز بروز
وی قبلاً میرود ورزشکاران مانند نسبتاً
ناراد های سابق قبیر مانند کشور رانه
نهایتی اند حقیقت نهایت بلکه از آن عقب نیافر
ند اند. نتایج مسابقات خارجی در چند
ماهی میتوانند است. چه قبیر مانند ما
ستراحت در چهار عصیانی جهانی هنر سفاهه
مال موفق به‌آخذ مدال برونزیم نگردیده
از تعداد ورزشکاران وطن فداران آن روز
کاسته شده میرود. پیشترین استعداد
ورزشی و مردمان سبورت ماموروز صحنه
شس رایاییک عالم تاثیر ترک کرده و به
یک دیگری مشغول اند. خلاصه ورزش
ور پاشکل عرو سکنی در آمده که آنرا صرف
کند روز جشن جامه بتن کرده و زیب
تست دارد به‌نها یعنی از شخصی صاحب
وح ویزگان که مخالف تهضیت های
نان در کشور بودند به نها یعنی گذاشته
پاش میگرفتند.

علل این ناساعاتی ها را در عدم توجه
له مسئولان امر در گذشته میتوان
که

الموك

از سالیان درازی امپیریک ها یا تشکیلات و پرسنل ثابت طور نامطلوبی اداره مشدداز همین جهت این اداره در تنظیم و بهبود روزش در کشور خاقد مؤثریت بوده است .
بقیه در صفحه ۸۸

تیم باسکتبال لیسه فرغونه

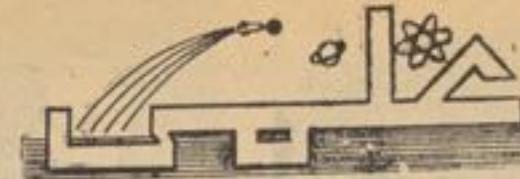
اورین چیزیکه آنها شکایت را از آن شروع کردند عبارت بود از اینکه اخلاق و رذیشی در بین جوانان ورزشکار ما از میان رفته جان چه در مسا بقات گامی هم داقع نمود که همدیگر را تهدید نموده و یا عمل سدهه های جسمان بپند یک میرسانند که با این عمل جدا مخالفت خویش را اظهار داشته و اصلاح آنرا توقع نمودند.



تیم یاسکتیاال لیسه زرگونه در حال تمرین



بردم در دنیا پر از گثافت کابل شنا من گشته.



جراحی شگفت انگیز

هر کس تعویض کرده در تاشکنند در نوع خود در آسیای میانه بینظیر است. این مرکز یک سال قبلاً پایه گذاری شده و در همین مدت کوتاه تجربه های ارزشمند و همچنان در این ساحة نسبت آورده است. هر کس بادستگاه های گردد مصنوع غرسه های دادیو - ایزو - توب برای حالات بد، ولاب آتوار آماده میباشد.

ولاد ایوا نف که از مرضیں گردد شکایت داشت دریک وضع بدیه شفاخانه پذیرفته



در اتاق جراحی پدر

شد. مطالعات نشان داد که گرده های ۱ و فعالیت خود را بکلی از دست داده و کمی بعد ممکن تمام وجود را به قسمات بکشاند. یکانه راه برای نجات مرتقبه تعویض کرده هایش بود. ولی یافتن گرده شخص زنده برای ایوانف مشکل منمود. پیام اضطراری برای یدزو مادرش در فرغانه فرستاده. هر دو آماده بودند تا یکی از گرده های شان را برای پسر شان بدهند. بعد از معاینه های طبی در یافت شد که گرده های یدزو برای تعویض مناسبتر می باشد. بیو تسر ایوانف «۱۵» ساله کارگر خارجی که کودکی میباشد در فرغانه می باشد.

تعویض کرده از یک شخص زنده برای او لین دفعه در ناشیکد صورت می گرفت.

این امر در دو اتاق جراحی صورت گرفت در یک اتاق پروفیسور انتکافی ایریف موسس

هر کز با سعدالله جراح روی مريض گاز می کردند. در اتاق دیگر گروه هتشکل از دیگران ازستا مواف چراج گرده شوکت کریموف و یکنور گزیریا لف و عوض عثمان تو ف مشغول کشیدن گرده زنده وجود ازین پدر مريض بودند.

هر دو عمل به بیرونی صورت گرفت.

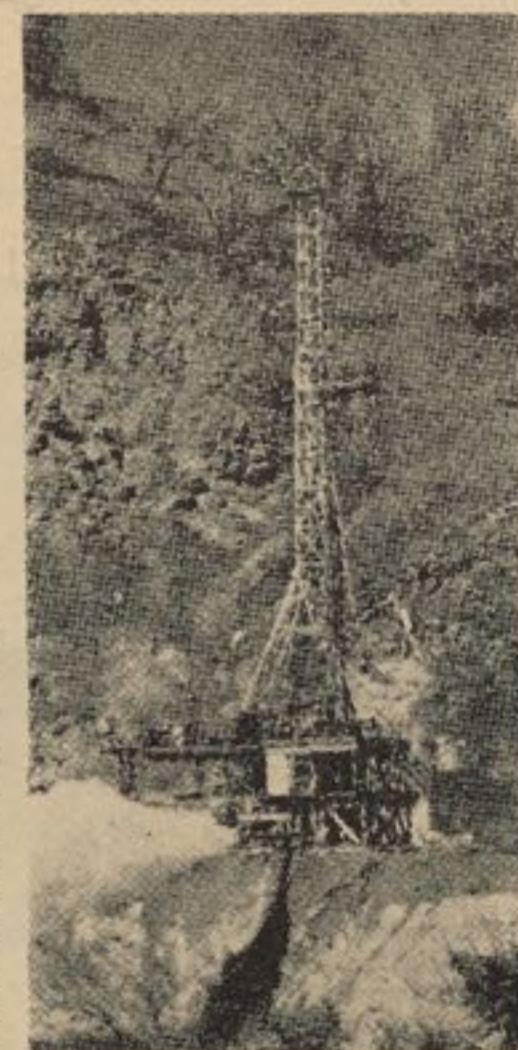
گرده از یعنیده بدرخوار ج شده بود پنج دقیقه بعد ترمه وظایفش در یعنیده بود پنج دقیقه بعد عمل مدت شش ساعت را در برق کشید.

عمل سطحی از ۱۲۲...۰۰۰ میکوات برق در آمریکا تبریز

هر دو پدر و پسر اکنون در شفاخانه به استراحت بودند این امر ممکن است تا

خود را دو باره باز خواهند یافت.

در تصویر خط های سیاه تیره،
منابع نیروی حرارتی زمین را در جهان
نشان می‌دهد.



محلى کهاف انس زی حراجی ف مین استفاده میشود

استفاده از انرژی حرارتی زمین در برای خود مشکلاتی از لحاظ تکنولوژی و توزیع سهمه ام دارد. دکتور توماس فریز بیان داشته که «انرژی حرارتی زمین یکانه موبایل نیست بلکه بیجیده کی عده این است که مثلاً بخار از غرب و ضرورت در شرق است. ولی با هم نمی توان یا انرژی دیگری را برای این کرد.

این طبق آخرین محاسبه ازین لحاظ می توان تا در ۱۲۲...۰۰۰ میکوات برق در آمریکا تبریز نمود. ولی با همین می توان این رقم را تا حدی بسیار بزرگ نمود. این امر ممکن است تا آینده صورت بگیرد.



استفاده از نیروی حرارتی زمین

برای سالها خبره کان مواد سوخت در نیرو را از میدان بخار بنام کسر از شلل کالیفرنیا بدمست می آورد. این دستگاه‌ها نوآند ۴۹۰...۰۰۰ کیلووات برق تولید نمایند. اند که باید نگاه جدیدی ده مورد این هناید مخالفت شدید گروههای طرفدار حفظ طبیعت ریست بشری مواد شده امیت آنان اعتراض دارند که دستگاههای برق حوارتی زمین کشیده که بوجیب آن از حراست در داخل زمین طوری کار گرفته شود که بتواند خلای کلونی را از بین ببرد. در ایالات متحده بخش طرح های داخلی در

محیط زیست بشری توجیه پذیر است. حتی بخار بسیار بالا هم چنان که در یک عدد بدمست می آید محبوی هاید روزن میلیار یاد باشند که خواهان مطا لعنه در همین ساحة اند و اگذار کند در همه

جا ممل متحده سعی مینماید تا به یک عدد از گشورهای کمک نماید. تا باز این هناید استفاده و بیره برداشی کند. به این ترتیب زمین مدت کوتاه انرژی حرارتی زمین بعثت از زمان ترین منبع ارزی در می‌باشد.

انرژی حرارتی زمین در ساحة های تویلید میشود که نا منظمی های در پوسته زمین اجرازه مدهد که سکاخ های متاب که به سطح زمین نزدیک امیت برای گرم ساختن آماده میشود. در این مرحله آب های زمین زمین گرم میگردند. بعد آب یا بخار که نزدیک به نقطه جوش ویا غلیان میرسد،

در میسر معنی سوق داده میشود که تویلید موله برق را بحرکت آورد. تقریباً کارگاه های انرژی در بیشتر ازده های جای و جسود

دانشته و اکنون سعی بعمل میاید. که بخطاطر کم شدن مواد سوخت دیگر از این منبع

حدا کثر کار گرفته شود. خط روشن این انرژی حرارتی زمین نا اندازه زیاد همان خط مناطق زلزله و آتش فشانی را تعقیب می کند.

برای حرارتی زمین در ساحة های جون لارللو ایتالیا، نامسکار، ایسلند، یات مکسیکو و ایوانکی نیویورک نیز بدمست آمده میتواند. ژووف بر نا رئیس اداره منابع و انرژی ممل متحده بیان داشته که دما تبریز زمین را در تمام محیط های جغا فیا یسی دینه متوالیم هاکنون کشورهای جون کینیا و جنوبه سعی بعمل می آورند تا بررسی های در مورد یافتن منابع نیروی حرارتی زمین در داخل مرز های خود آغاز بدهند.

در ایالات متحده اکنون یک دستگاه تبریز حرارتی زمین وجود دارد که مشغول فعالیت است. کمپنی گازو برق پاسفیک منبع اساسی

یک خبر عامی در داخل کشور

مواد ایو لوی ۱۷ در مرکز فرهنگی امریکا در کابل به نمایش گذاشته شد

یک نمونه سنگ که از سطح ماه طی مأموریت ایولوی ۱۷ گرفته شده بایک برق افغانستان که به ماه حمل گردیده و طی همین مأموریت واپس به زمین آورده شده است دو زمین را شنبه ۳۶ سلطان در مرکز فرهنگی امریکا در کابل به نمایش گذاشته شد.

سنگ و برق که روی یک تخته چو بی نصب گردیده بعیت سهیول دوستی امریکا به افغانستان از طرف مرد ایالات متحده امریکا طی مطلع تجلیل از یکصد و نواد و هفتمن سالگرد آزادی امریکاروز چارم جولای اهدا گردیده. به همین سبب مطلعی بر با گردید بود.



* فهم، دانش و ابداع بشر محدود نیست، انسان امروز در هر ساعت بسوی تکامل پیش می‌رود.

از فنازهای جهان دانش

سرش جدید برای تکت پسته

یک کمپنی انگلیسی بنام فار تینکام بتازگی سرش جدیدی را برای چسباندن تکت پوسته اختراع نموده که ضرورت بهتر کردن ندارد. بتایر ادعای کمپنی مذکور سرشار آگاهان

در عقب تکت پسته مالیده است. برای صحبت مضر است. برای دوری از این دردسر کمپنی مذکور ورقه نازک سرنش را بوجود آورده که در آن هزاران نقطه کوچک به شکل کبسول ها وجود دارد.

زمانیکه تکت پوسته را بر روی این ورقه و آرا بر روی تکت فشار بدھم کبسول های کوچک که از این سرنش است ترکیده و سرش محظوظ آن تکت را بر روی پاکت بدون ترکیدن بله بین سرش می چسباند.

لانه پرستو ها

دو شهر ایلو نایزا مریکا بوجی بازتابع اند ۹۰-۹۰ متر وجود دارد که در آن ۳۰۰ هزار پرستو ها آشیانه ساخته اند. این پرستو ها را مردم آشیانه به خاطری در آن جا آورده اند تا پشه ها را محو نمایند از پک از این هرگمان روزانه یکپیاز پشه را محو می سازند.

عينکهای که قدرت بینایی را تغییر داده میتواند



محفظ دارای مارع

کسانیکه نسبت ضعف قوه با صره محتاج به استعمال عینک هستند مجبور اند بعد از انقضای پکیدن آنرا عوض نمایند و با اینکه چندین عینک با نهره های مختلف داشته باشند.

برای دفع این مشکل یک مختصر اندکی ساخته ایلو نایزا عینکی را اختراع نمود که مطابق بعوایش شخصیکه از این استعمال میکند قدرت خود را تغییر میدهد. این عینک دارای چوکات عادی و شیشه های نازک بوده و بین لینز و شیشه آن مایعی از مرکبات گلسرین و کلسیوم برونت و وجود دارد. در اینجا عینکیکه تل پلاستیک قرار دارد که دیواره های آن قابل احتمام باشند.

کانال کوچک که در جوکات عینک انجانیده شده با محفظه ارتباط داشته و در عقب لینز قرار دارد. کانال و تل کوچک با مرکبات فوق تو درا انعکاس میکند. نل قاتل اینجا فشر فشار را احاطه نموده و طوری حرکت میکند که مرکبات مذکور را تبدیل می نماید اگر اشار نزدیک لینز باشد فشار مرکبات کمیابی بلند رفته شیشه نازک به آسانی رانده میشود اگر فشار بطری عقب باشد در آن صورت شیشه هموار می گردد که باین صورت قدرت لینز به ۳-۲ دبو میتری می شود.

میدان بازی روی یخ، بدون یخ

اکنون سطح ترکیبی نی را بوجود آورده اند که میدان بیخ مانندی را بدون ایجاد بیخ مصنوعی برای بازی روی بیخ بوجود میآورد. این اختراق از طرف دستگاه سناپیکه تولید بین المللی جایان صورت گرفته است. این سطح بیخ مانند که به ادعای کمپنی، مانند بیخ واقعی است روی یک سطح محکم کانکریتی که در محوطه بسته و چادر هوای آزاد بکار میروند. برای لفزانه نگهداری این سطح آنرا روز دو دفعه توسط یک مایع مخصوص چرب بینایند.

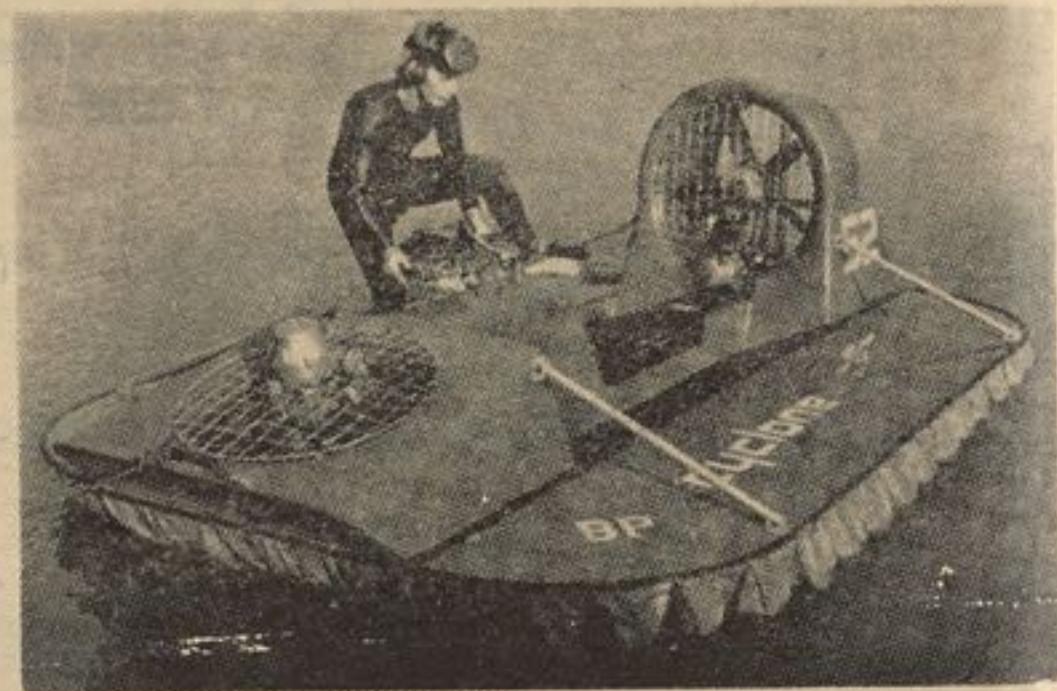
کمپنی مذکور ادعا میکند که این سطح بیخ مانند لفزانه تر و اقتصادی تر از بیخ مصنوعی است. مصرف هر فوت مربع آن ۵۰-۸۰ دالر میشود.

دراز ترین جراب جهان

دراز ترین جراب رنانه جهان را که طول آن به دو متر می رسد دو میرمن بولندی به میکنند آنها این جراب را با اساس دواج باستانی از پشمی که دارای تک سرخ تاریک است میسا زند.

هور گرافت ورزشی

بتازگی کمپنی لایست هور گرافت در انگلستان موفق به ساختن اولین هور گرافت ورزشی شد. این هور گرافتکه «سایکوم» نام دارد می توانند دو نفر را در محل که سکل زمین دارد، جای پنهان کنند. در ازای این هور گرافت ۱۰۰ قیمت ویژه ای آن ۷۰ قیمت است. نحن غافل همراه با آنچن جلوی می توانیم گرافت این را در پیش از کانال، هائین می نموده ایم آزمایش، این هور گرافت فاصله ۴۵ میلی را در پیش از کانال، هائین می نموده و تو ایست تابا امواج که دفت ارتفاع داشت راست و پیچه نرم کنند. این هور گرافت می توانند تا ۲۰ میل در ساعت سرعت داشته باشند. هور گرافت یاد شده از فری تیپه



هور گرافت در حال آزمایش

ساخته شده و دارای رنگ های سرخ، نارنجی، زرد و سینه علیق میباشد. سازندگان آن امید دارند که این وسیله طرف توجه زیاد ورزشکاران شیوه فرار گیرد. همچنان این وسیله برای شهکار چیزی در عالمی و غواصان خیلی مفید است. بقیمت آن در حدود ۳ هزار دالر تخمین شده است.

پرو نتو

ایستیویت تحقیقاتی جایان در او سما کا موفق به ساختن گواما سنج فوری شده است. این گواما سنج می تواند درجه حرارت میریض را در طرف سه دقیقه معلوم کند. بجای به کار بردن سهاب معمولی، در این آله یک گزه بصری که فوق العاده در برابر گرما احساس می کند و بنام تایبالوم نایسنر می شود است. این موثر سایکل در یک صد کیلو هر متر گردش ۲- لیتر بنزین مصرف دارد.

موتور سایکل و بایسیکل یکی از وسائل عمومی تر اسپرسو رتی هر ده م رادر آنچنانشکل میدهد و این از سببی است که مردم نسبت به تکسی و سرویس با این وسائل زود تریه جانی که در نظر دارند رسیده می توانند.



گرما سنج فوری

کمپنی برق ساینو در او سما کا می باشد. این موثر سایکل در یک صد کیلو هر متر گردش ۲- لیتر بنزین مصرف دارد. این موثر سایکل و بایسیکل یکی از وسائل عمومی تر اسپرسو رتی هر ده م رادر آنچنانشکل میدهد و این از سببی است که مردم نسبت به تکسی و سرویس با این وسائل زود تریه جانی که در نظر دارند رسیده می توانند.

روشنایی در تاریکی

کمپنی برق ساینو در او سما کای جایان به تازگی جراغ روی میتری را بیا زار آورده که در مو قیمه که برق میروند نیز به سور افتشان اولم میدهد. این جراغ شکل اریکن کلاسیک را داشته و با خودپری از سیکل کار دیوام بیرون دارد. زمانیکه جراغ جریان برقی ارتباط دارد بتری آن برق کافی میگردد. ولی همینکه برق میروند به صورت سود کار بتری به فعالیت آغاز نموده و تا بینهاد دفعه بور افتشانی می کند. این مدت کافی است تا زن خانه دور و پیش خود را جمع نموده و با شمع دست و پایی کند. قیمت این جراغ ۱۳۸- ۱۴۰ دالر میباشد.



عرضه تبریک

اتحادیه صادر کنندگان قالین به نمایندگی از تمام مؤلدين و تجار قالین جشن استرداد استقلال وطن عزیز را به پیشگاه مؤسس جمهوریت و کافه هموطنان عزیز تبریک گفته ترقی و تعالی کشور عزیز را تحت قیادت رهبر جمهوریت و نظام نوین افغانستان تمنامینمايد.

۱۵۱ (۷)

عرضه تبریک

کارگران مؤسسه موبل سازی صوفی غلام رسول به مناسبت پنجاه و پنجمین جشن استرداد

استقلال وطن عزیز تبریکات خودرا به حضور بساغلی محمد داؤد مؤسس جمهوری و رئیس دولت و کافه ملت باشہامت و نجیب افغان تقدیم داشته پیشرفت و اعتلای کشور را صمیمانه آرزو مینمایند.

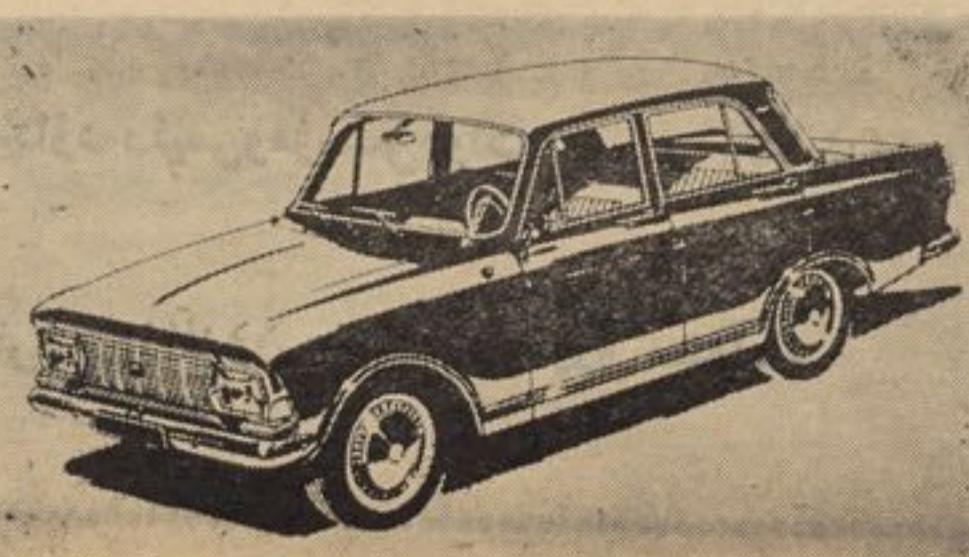
۱۹۱ (۱۹)

عرضه تبریک

کارگران و کارمندان فابریکه نسا جی امیدو «سید مرتضی نوی نسباجی» حلو ل سالگر د استرداد آزادی مملکت را بحضور بناغلی محمد داؤد بازی جمهوریت ورئیس دولت، اعضای دولت جمهوری و کافه مردم نجیب و باشپامت افغانستان تبریک گفته در پرتو تحولات ثبت نوین پیشرفت افغانستان عزیز را صمیمانه آرزو مینمایند.

مزده

مزده بفamilی های خوش ذوق و مود پسند.
مزده بکسانیکه باقتصاد خود علاوه دارند.
موترهای ماسکویچ ۱۲۴ با انحنی ۸۰۴ که از هر حیث مطمئن مستریح، قشنگ، کم مصرف، مستحکم باده هزار کیلو متر گرانشی بر نگهای مرغوب و بقیمت نازل بخدمت مشتریان عزیز بشرکت سرویستا زه رسیده است.





اعلى مط敏

تلاافت جمهور

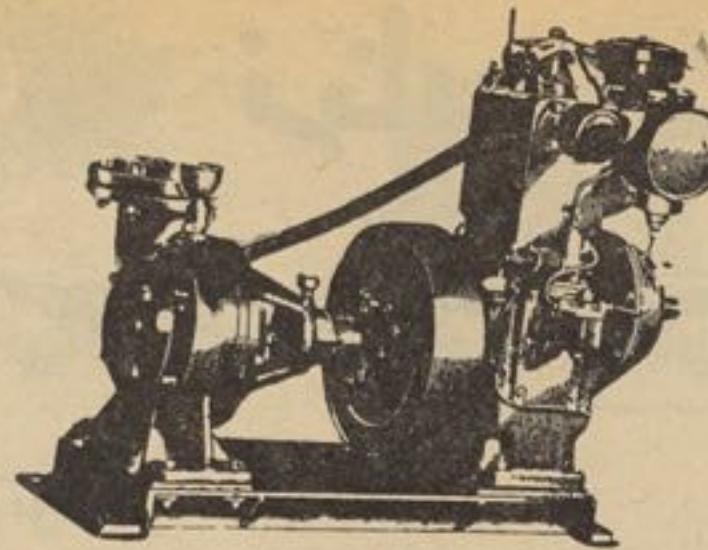
عرض تبریک

رئیس و کارمندان کبیر لمند بمناسبت حلول پنجاه و پنجمین سالگرد استرداد آزادی کشور صمیما نه
ترین تبریکات خودرا بحضور بنا غلی محمد داؤدمؤسس جمهوریت و رئیس دولت جمهوری و کافه
ملتغیور و فداکار افغانستان تقدیم داشته اعتلاء و سرافرازی مملکت را با پیشرفت صنعت و تولیدات
ملی از بارگاه خداوند آرزو مینمایند.

عرض تبریک

کارگران فابریکه صابونسازی افغان تبریکات خود را به مناسبت سالگرد استرداد استقلال

وطن به حضور بنا غلی محمد داؤد رئیس و مؤسس دولت جمهوری، کارمندان دولت و کافه مردم غیور و باشہامت
افغانستان تقدیم داشته ترقی روزافزون مملکت را آرزو مینمایند.



عرض تبریک

فروشگاه کرلیسکر تبریکات صمیمانه خود را بمناسبت پنجاه و پنجمین جشن استرداد استقلال

افغانستان به پیشگاه مؤسس جمهوری دادوڈ رئیس دولت و کافه مردم افغانستان عرض

کرده سعادت و ترقی افغانستان را تحت قیادت رهبر بزرگ کشور تمدن دارد.

۱۷)

عرض تبریک

کارکنان شرکت سهامی بیمه افغان بمناسبت پنجاه و پنجمین جشن استرداد استقلال

وطن عزیز که مصادف به تاسیس جمهوری افغانستان است، صمیمانه ترین تبریکات خویش را بحضور زعیم

ملی، فرزند غیور و باشپامت کشور بناغلی محمد دادوڈ رئیس دولت و صدراعظم جمهوری افغانستان،

جوانان باشپامت و قهرمانان اردوانی ملی افغانستان کافه ملت نجیب افغان تقدیم میدارد و پیروزی درخشان

جمهوری افغانستان را همراه با سعادت ملت افغان از بارگاه ایزد متعال نیازمند است.

۱۴)

زن و زندگی

زنان و دخترات

مراحل ابتدائی کودک

میگردد . مادر فقط چند علته بعدازین اصلاح میباشد که طفلی در بطن وی بیدا شده است . چنین نیست یک طفل تیروی دارد که میگیرد . ولی رشد خود با خود من آورده ولی درآوان توله ، حتی قلب - ریه - شش و هاشمه باید پیش از قابلیت زمان به بعد از این تکلیف میگردند . این زمان به بعد از این تکلیف چون زمان ولادت به نظر میرسد . دوکتور صدای پیش قلب اوراده ما شانزدهم شنیده میتواند .

پس از هفت ماهگی طفل چانس زندگی را در محیط خارجی بیداییکند . عرگاه قبل از تولد باید تلف نمی گردد . ولی به يك مرد گین سال کوچک بیشتر شباهت دارد . درین هنگام دویشه یونده وزن دارد . در دوران دوماه اخیر بزودی نه می کند . طول وی تقریباً ۱۴ تا ۲۱ انج و وزن وی به تقریباً ۷ پوندازیش خواهد یافت .

بعداز ولادت ، کام جدیدی در زندگی مستقل شروع میگردد . طفل مستقل بوده و بیک پیمانه وسیع مربوط به امنیت و اتکای خودی میباشد . توانایی والدین برای تأمین آنچه فرورفت دارد ، در دوران سال اول وی هم است .

این اقدامات شامل فرام ساختن محیط پیشبرای رشد فزیکی و کمک به طفل است . تاکرگند که وی در جهان دوستی فراردارد . در دوران تولد طفل چند چیز انجام داده میتواند . حرکات وی اتفاقی و غریب منظم میباشد . وی آنها را کنترول کرده نمیتواند . طفل نوزاد بخوبی میشنود و با آواز بلند صداییکند . زیاد دیده نمیتواند . ولی بعداز تولد بزودی قادرخواهد بود تاروشنایی متعارک را با جسمان خود تعقیب نماید . حواس لمسی ، ذایقه و شامه نسبت به حس باصره بیشتر انشاف میکند . (مترجم: استالف)



از انجام وظیله بر رشد خود شروع کند . استخوانهای طفل بسیار نرم است و تناسب و شکل آن های اbaum متغیر است اندواعصب و ساختمان عضلات تاکتون نامکمل است . در دوران سال اول ، طفل نسبت بعدیگر دوران حیات خود بسیار سریع رشد میکند . وزن خود را نسبت به زمان ولادت سه چندی میگذرد و از یک کودک بسیار کوچک به طفلی مبدل میگردد که میتواند به ایستاده ، حتی قدم بزنند فاشق را بدست گیرد بکوشید تا گذا بخورد . اکثر آنکه کشیده تابعی کلمات را مورد استفاده قرار دهدند . شروع میکنند ، تاهرجه را می خوانند ، بدانند و می کوشند تا آنرا بدست آزند . رشد و انشاف آنها تماشایی و دیدنی است .

برای والدین وی بعضی اوقات مشکل خواهد بود تا نیزیرات سریع طفل را بدانند و فروریات هتاوم وی را بعداز ولادت در دوران سال اول تأمین نمایند .

انشاف طفل قبل از اولادت شروع میشود . در دوران (۹) ماهگی که در نظره قرار دارد روی از یک چنین کوچک - تبدیل یک شخص کوچک انشاف یا نهانه فعال میگردد که میتواند وجود مادر را تراک کوید و در جهان خارج به زندگی خویش ادامه دهد . پس از دوماه ساختمان جسم طفل تشکیل میگردد . به انشاف خود شروع میکند و از تگاه پسر و بادخشناد بودن قابل شناخت میباشد . جسمان و گوشها به رشد خود شروع نموده ، خون جریان میکند و قلب با وجود اینکه شنبده شده نمیتواند - می تپد .

بعداز آنکه دو تیم ماه سیری شد ، طفل دارای سویزدگی ، بینی ، دهنه و انشاف دارد . میباشد . ارگانهای دیگری انشاف میباشد و استخوانها به سخت شدن شروع میکنند . علایم ساختمان سیستم عضلات و اعصاب حس

زن بودن و مادر بودن !

اگر خواسته باشیم به تاریخ زندگی انسان درین مورد که موقع اجتماعی زن چگونه است متوجه میشویم که زن خود اجتماع دارد از هانقلر اندازیم متوجه خواهیم شد که زن بعد از دوره های زیادی آزادی و برتریت اجتماعی در پیشلوی این بازهم زن در فعالیت های اجتماعی خود را ازدست داده تحت اسارت مرد قرار سپم کرفته نقش را فعالانه در همه شئون زندگی خود گردید . بساط کاروزحمت داروی فرش اتاق منزل خویش هموار ساخت در هر محیطی وازوکالت تاده قانی هم این هارازن قبول نموده و جرخ دشوار زندگی را در پیشلوی اندام وزرع ، هنگامی چوپانی اوقاتی هم رعبی نموده است . ولی چیزیکه در زندگی زن ثابت و سبیر مردبه پیش میراند .



پابرجا هانده مقام زن بودن و مادر بودن شریعت . بودن و مادر بودن و اطهاریکه اجتماع و زندگی از اوتوقوع است - موقفانه به پیش بسرد موزون تر خواهد بود . زیرا وقتی کشته نباشد امکان عبور داش آب موجود نیست و تاده قانی رحمت نکشد خرمی ببارنخواهد آمد . پس همین سان اگر مادری نباشد فرزند برومته زاده نخواهد شد و اگر چون شکسپیر - فارابی ، رافائل و هوگو را بدینا آورده است . اجتماع مصدد خیر نخواهد گردید .



قسمت اعظم زنان دارای هیچگونه اخلاقی نیستند .

(الکساندر یوب)

*

تمدن چیست ؟ تمدن نتیجه نفوذ زنان پارساست .

(امریکن)



آداب معاشر ت

زن امروز



وجه من دارای بخشنده مراسته مراسم احترام را بجا آورید . درست است که هر انسان قابل احترام است ولی این معنی را نمی دهد که شما احترام بگیرید از همان افراد که احترام صرف باشند خیلی صعبی است . بلکه صرف باشند خیلی صعبی است . استقبال کنید این وظیفه میزبان است که شما را با سایرین معرفی نماید . همچنان که نوشتند که باورود هر یک از همان افراد چون این امر فرق نمیکند .

باوجود بر خوداری زنان از داشتنی های روز متابغه بازهم عده خانمها هنوز طرز برخورد بادیگران ، طرز لباس پوشیدن مطابق به محیط و موقع را دارای نکه چکونه در مخالف حضور یافته موقف خود را به حیث یک زن روش نگفکار امروزی ثابت نمایند بخوبی نمیتوانند .

حالبتر از همه اینکه تاحصال برخی از خانمها متوجه ارزش زن بودن و قابل احترام بودن شان نشده اند .

طور مثال در یک محل مهمنانی باید حضور یکم بر سایه و نخست درمورد لباس نان خیلی محتاط باشید و طریق بهتر انتخاب کردن آنرا بدانید . به این معنی که شاید نشخیم بدینه که دعوت عصر است یا ظهر و ممکن محل شبانه ای یا مجلس عروسی باشد ، از این رو باید در نظر گرفت چکونه لباس یه تن کنید .

بعضی ها سرف باشیدن کلمه مهمانی بدون در نظر داشت وقت و موقع آن لباس ملند شب را ازالتاری بیرون آورند مثل اینکه به محل نمودنی میروند خود را از اینکه به دعوت میشتابد ، ولی وقتی داخل سالون خانه میزبان شد درک میکنند این دعوت صرف میزبان است .

یک دوست است که میشند بالای این ساده در آن

اشتراك نمود .

گوشش نمائید تا همیشه لباس ساده ، مبین و برآنده بین نمائید تا مورد انتقاد قرار نکنید . هنلار تکه های ساده گلدار و کم مصرف لباس های تبه کنید که در محلی بتوانید از آن استفاده کنید . البته داشتن دوسته بیرون از شسب قبیل هزاروی آتش بپرخانید تا کباب ضروری است . طرز برخورد با مردم یا همانان در محل نیاز جمله آداب زندگی است . وقتی در یک مبالغه ای میزبان از همانان داخل میشود و شما غبار میزنان کسی دیگری را تیشناشید لازم نیست که این نشسته دست روی دست است .

بلکن از این وظیفه میزبان است که

زدن مظهر شجاعت ، قدرت ، اراده و کاراست .

زدن مظهر قدرت زیبایی ، لطفات و ایمان است .

کباب حسنه

پخت و پز

نیم کیلو گوشت بدون استخوان را کرته راک وریته های آنرا خارج سازید و به نکه های کوچک ریزه اش کنید . آب یکدانه بیاز را بروی گوشت بپریزید و به عوض بپارهیتوانید گوشت را باشیر نیز اخته نماید و چند ساعت بمانیه .



نیم کیلو کجالو را پرست کنید و نیم کیلو بادنجان رومی را نمایه هرمه با گوشت خشک نماید ناچ بیازنداشته باشد . میس چند شاخه نازک درخت را ببریده پرسید کنید و نوک آثارا تیز نمائید و به ترتیب کجالو - کوشت سعدگرام دنبه و مقداری بادنجان رومی را به چوب بکشید تا قسمت وسط چوب پرسود آنکه سیخ هزاروی آتش بپرخانید تا کباب البته میزیکه بادنجان نسوزد .

دیگ رایا کمی رونم چرب کنید و آندکی بیاز خورد شده در ته آن قرار دهید . سیخ هارا در ته آن نهاده میان آن نمک و مرچ سیز خورد شده بپریزید و بعد از ساعتی آماده صرف است .

مرد هفته شجاعت ، قدرت ، اراده و کاراست .

زنه نمونه از آرایش موی که

آرایش هدی



نازه برای شما انتخاب کرده ایم ، خانمها ای با سلیقه برای سهو لیت در کار بیشتر از این اسلوب استفاده نمیکنند .

دیکھو انسان

ژوندون

از دنیا



چهره هایی از شاملین فیستوال

ولفگانگ سپاتیک یک دلال فروش کشتیهای نو و مستعمل است او زمانی که در دستگاه نظا می آلمان به حیث یک فرد عادی خدمت میکرد به خواندن کتاب علاقه گرفت در اثر مطالعه کتب دلچسپی و شوق او به تحصیل تحریک شد پس از ختم دوره مکلفیت عسکری واذدواج شروع کرد به تحصیل تا اینکه پس از گرفتن سر تفیکت اکنون به حیث معلم کار میکند.

در تمام شهر های بزرگ هند فیستوال جوانان آغاز گردیده که این فیستوال با جشن بزرگی که در کلکته برگزار خواهد شد انجام خواهد یافت.

جوانان هندی درین فیستوال به خاطر صلح دوامدار جهان شعار داده و خواهان یک سیستم بدن خطر دسته جمعی در قاره آسیا میباشند.

محصلین هندی درین فیستوال ده هزار روپیه کلدار برای اعمار یک شفاخانه در ویتنام جمع آوری نمودند.

نما

آنچه این به دفتر مجله رسید چون از دوم شما که از نامه های خراب تذکر دادید باید نظر خود را در مورد آن بنا روشن میساختید که به عقیده شما نامه خراب یعنی از طبع باز ماند امید بعد ازین در وقت نوشتن مطلبی حواس تائرا از هر طرف چون نموده و متوجه آذان نویسنده کی باید به خوب نموده بودن در هنگام نوشتن مطلبی شرط اول این قن است.

نامه که برایما و بخاطر نشر درین صفحه ارسال داشتید موضوع آن یک موضوع شخصی است که گنجایش چاپ را درین مجله ندارد. و شما که ادعا دارید این مجله را همیش مطالعه مینما نید پس چطور

محترمه پیغله سیما :

شما در نامه خود نوشته بودید که ما هر نامه خوب و خراب را درین صفحه چاپ نمکیم اول اینکه فرمده نتوان نسبتیم که نامه خوب را چرا و وجه دلیل به نشر نرسانیم و در ضمن

فکر کردن چیست؟

غیر از این حالات، لحظاتی هم وجود دارد که انسان بعضی از اعمال خود را بر اساس تفکر نه، بلکه از روی عادت انجام میدهد و هنگامیکه اکثر اعمالاً و کردار ما بر اساس عادت روزمره سر برآه شده و عملیه تفکر کمتر در آن زید خل گردد آن وقت است که انسان به یک نوع تنبیه و کهای لت دچار گردیده و همینکه به سن جوانی نزدیکتر شده میرویم بیشتر امو ر روزانه بصورت یک نواخت انجام یافته و با لوسیله کمتر درست فکر میکنیم و کمتر برای حل مشکلات خود چاره جویی میکنیم و آهسته آهسته روح افسر ده و عاطل میگردیم. بپر حال چنانکه گفتیم گه ونا گه دماغ ما را اندیشه در باره یک موضوع مشغول میگرداند، شاید بقیه در صفحه ۹۴

نما یشه گاه صنایع دستی افغانستان در امریکا



نساگلی هایل

مجتبی هایل که سه سال پیش جهت ادامه تحصیل به امریکا رفته بود، اخیراً طور رخصتی بکا بل آمده است.

او جوانیست جدی و پرکار که توانسته با قبول مشکلات فراوان به تحصیل دانش ادامه دهد. مجتبی هایل در رشته رادیو تلویزیون درس میخواند و فعلاً شامل صنف دوم یونیورسیتی هیوستن میباشد.

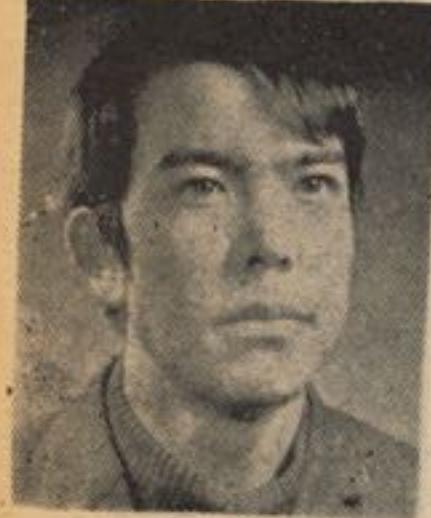
او در ماه سپتامبر سال ۱۹۷۲ به اتفاق محصلان افغانی غرفه یی از صنایع دستی افغانستان را در شهر هیوستن ایالت تکراس باز نموده که نهایت مورد استقبال واقع شده و جائزه درجه اول که عبارت از یک سفیر و اعضای سفارت کبرای افغانی کپ طلا بود نصیب غرفه مذکور شده در واشنگتن قابل یاد آوری است.



شاگردان ممتاز



اسم بشیر احمد کمال زاده
مکتب لیسه حبیبه
صفت ۱۲ - الف
درجہ اول نمرہ عمومی
آرزو میخواهد الجنیر شود



اسم دولت حسینی
مکتب لیسه حبیبه
صفت ۱۱
درجہ اول نمرہ عمومی
میخواهد الجنیر شود



همه دل همراه

فرتوت و کهن و بی مزه‌گوشی و کنار کشیده ماجده شود. من یاخود میاندیشم در حالیکه در مرکز کشور ما که ساحه علم و دانش به پیمانه وسیغتری در آن دامن گشته باز هم یک عدد مردم تاریک ذهن سرخ میشوند که تاهنوز پایند به همان رسوم پس سیده و تباہ کن هستند پس درساير اکاف مملکت ما اصلًا شاید از اتفاق روشن و شرط امروز آنرا در میان نباشد.

چون نامزدم شخصی فوق العاده متمول تروتمند نبوده پس تبیه ساز و برگ زندگی بیک سویه متوسط نیز وقتی ویک مقدار پول به کار دارد. چه یک از شرایط عده زندگی وجود منزل رهایش است که هنوز نامزد م با اینکه هامور دولت ایست مالک آن شده و در تکابوی آنست. اما پدر و مادر و سایر اقارب تاریک ذهن من از او چنین تقاضا دارند که تا هر مرتبه بیک که بخانه ما باید باید به اصطلاح دست خالی نیاید و در ضمن داد و ستد هایی را که در عید و برات و نوروز و غیره بفکر کهنه آنها صورت یگیرد مراجعت بخاید... و این موضوعات امیت که اتفاقاً من و نامزدم را از هم پاشیده و باعث آن میشود تا سکنی در پلا نهای بعدی زندگی مان وارد گردیده و حتی جلو زندگی از دست ما رهایشود. چه قبول همچو شرایط مزخرف به یک انسان متور و روشنگر خیلی دشوار است پس شما خوانندگان این نامه چه ذکر ممکن دو جوان... دو فرد متور این آرزو دارند تا منحیت دو فرد متور این بقیه در صفحه ۹۴

اگر چه از مدتیکه صفحه جوانان! دردی از صدعاً درد از مجله زوندون کم شده به پیما نه گنجایش همان صفحه درد های ما از طریق این مجله متعکس شده تی توائد اما تنها برای طبقه جوانان همین قسمت کازیر عنوان درد دل جوانان درین صفحه به نظر داشت که بعضی عقده های جوانان را رسید دست کم میتواند از اتفاق روشن و شرط امروز حل میسازد.

پس حال منکه این بحث را در میانه جوانان مساعد به متعکس نمودن درد های جوانان یافتم آرزو دارم این درد دل ما را نیز در همین جایه نشان برسانید

دختری هستم که در حدود ۱۹ سال دارم متعلمه صنف یازده مکتب میباشم تقریباً یکسال قبل یا مرد آید خود نامزد شد اما او را که مرد آیدال میباشم راست است زیرا ادیک جوان تحصیل کرده، روشنگر و بـا احساس است همیش نسبت به ماده معنی را ترجیح میدهد. و هر وقت بخشش با من فقط روی علم و دانش و موضوعات حاد روز است. و خوشبختانه که معیط کار روزمره اش نیز یک محیط روشن است. اما با تأسیف فاملی من ... که هنوز هم شرایط عصر و زمان بفکر ویداعشان تالیر نکرده در فکر آنند که داماد شان یعنی نامزد من باو شان از در به اصطلاح سیالی و شریکی پیشامد نماید در حالیکه نه تنها بفکر اویلکه به عقیده من و همه مردم متور مادیگر باید گلیم اینهمه دسم و رواج های



ولفگانگ سیاتیک و خانم شن

های رمیله

مطالبی از طریق این مجله به جای رسیده اما اینکه جاده عمل به آن پوشاک نشد و تقصیر از ناییست. لای امروز در پرتو فروغ نظام نوین کشور امید ما به بر آورده شدن آنچه شما توقع دارید و سایر حواسه های منبت و معقول وطنداران بیشتر کسب و سمعت میسازد. امید است مایوس شوید و اینسته دست از نلاش بر داشتن هم کار خوبی نیست. اما سعی کنید تا حوصله داشته باشید.

زیرا باید صبری نمیشود کاری را انجام داد علاوه از اتفاق تان پرتو خواهد شد. محترم پیغله زهر از گلوله یشته! دیگر همه چیز از دست تان خواهد رفت در اطراف موضوع مورد نظر شما بارها و آنگاه ندامت سودی خواهد داشت.

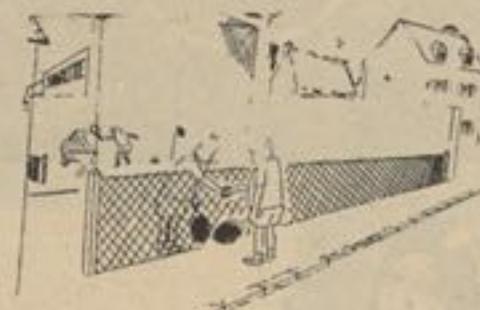
گل اندام! از خور نشان و از طرز ترکیب آن بر میاید که شما باید از طبقه آنات باشید. اما در یک قسمت آژنوتنته تان بر عکس چنین معلوم نمیشود که شما باید یاک مرد باشید یا هر صورت اینکه مادر مورد شما متعدد هستیم تقصیر ازما نبوده بلکه از شمات است. گذشت درین مرد خواستیم بیشتر تبصره نکنیم اما بعداً دیده شد که شما روی موضوع ازدواج حرف زدید و آنهم بشکلی که باز هم برای آلبات مرد بودن وزن بودن تان کدام حرف به نظر نمی رسیده - ذیرا به اصطلاح خالواده هفتاد داشته باشید در میان اعضا خالواده هفتاد داشته باشید در میان بگذرید امید به این ترتیب از یعنی همه در یک قسمت نامه تان نوشته بودید که دشوار بیا نجات باید.

کارآگاه

خانم ذری ساند نویسنده معروف فرانسوی
در مورد عشق یک طرفه میگوید:
- عشق یک طرفه درست مثل اینست که
انسان بخواهد سگرت خود را باسگرت خاموش
دیگری روشن کند.

همینکه خوا بش برد

زن و شوهری که برای او لین باریه اسکا تلند سفر کرده بودند یک شب
که به اتاق خواب شان در هتل رفته ملاحظه نمودند که بستر روجایی
ندازد، فوراً پیشخدمت را صدا کرده اعتراض نمودند که رو جایی چهشد.
پیشخدمت با قیافه حق بجانبی که بخود گرفته بود گفت:
- ناراحت نشوید قربان... روجانی را برای مسا فریکه تازه آمده بود
بردم همینکه اورا خواب برد آهسته آنرا از رویش برداشته برای شما
دوباره می آورم.



نه...

دخلتر: مادرم بمن گفته که همیشه
بگویم... نه!

پسر: پس مانعی نداره که با من
به گوش بروی؟
میتانه جال تینس ما و تو باشه
ناهر روز تمرین کنیم.
دخلتر: نه...

فانتیزی و طنز

نوشته: جلالی نورانی

زن برای خانه

یاخانه برای زن؟

تقریباً یک سال میشد که اوراندیده وقتی که به خواستگاری آن دختر و مفسن بخرم و یازمین خریده در آن بودم. اویکی از دوستان صمیمی من آن دختری که تصور می نمودم زن منزل بسازم به موسسه ای مراجعه بود و من علاوه از اخلاق خوب بش خوب وایده آلی برای من خواهد شد کردم که خانه های ارزان و ساخته گر ویده معلومات وسیع اور بسیاری رفتم مادرش او لین سوالی که نمود، شده را به شرایط خوب و اقساط چیزها بودم، شمرده و آهسته حرف این بود: میفروخت... من هم به آنجا مرا جمه میزد، گفت:

- بچیم خانه داری؟

- نخیر خاله جان.. (نخواستم مدیریکه پشت میز نشسته بود به قدو بمن گفتی که میخواهی ازدواج کنی... اور اخشوی محترم خطاب کنم چون خوب چطور شد... ازدواج کردی.. هنوز رسم روابط خشن و دامادی بین تا خواست حرفي بزند حرف را موجود نداشت) دنبال کردم:

- نخیر خاله جان.. (نخواستم مدیریکه پشت میز نشسته بود به قدو بمن گفتی که میخواهی ازدواج کنی... اور اخشوی محترم خطاب کنم چون خوب چطور شد... ازدواج کردی.. هنوز رسم روابط خشن و دامادی بین تا خواست حرفي بزند حرف را موجود نداشت) او گفت:

- بلى ازدواج کردی که اینطور - آی... خانه که نداری چرا زن خود را از رفقا کناره میگیری... میگیری؟ - آخر.. من.. خدا خانه کرا یاری آهی کشیده گفت:

- نه هتا سفانه تاحمال ازدواج را نکید. فعلان من خانه ایرا کرایه نکرده ام میدانی.. آخر من خانه گرفتام.. شخصی ندازم.. آی بچیم.. مه قطعاً راضی گفتم: چه فرق میکند؟ نمیشم دختر کم ده خانه کرا یسی: چطور فرق نمیکند... مگر به یک زندگی کنه...

آدم بی خانه هم کسی زن میدهد؟ - پس تکلیف من چیست؟ باوار خطایی پرسیدم: - توانول سرشته خانه ره بگی این حرفها زانزن.. من هم خانه بعذاب و به خواستگاری بیا.. تو جوان ندازم.. اگر قرار باشد که برای خوب و فرمیده معلوم میشی... مه آدم بی خانه زن ند هند من و توباه دخترمه برت میتم اما شرط ایس که خانه شخصی داشته باشی...

شدم.. هردو در جایی نشسته درد دل من دیدم چاره ای ندارم جزا ینكه گردیدم او از قصه خواستگاری رفتن خانه ای برای خود پیدا نمایم، چون آنقدر پول نداشت که یک خانه خوب خود بمن گفت:

بچیه در صفحه (۹۱)

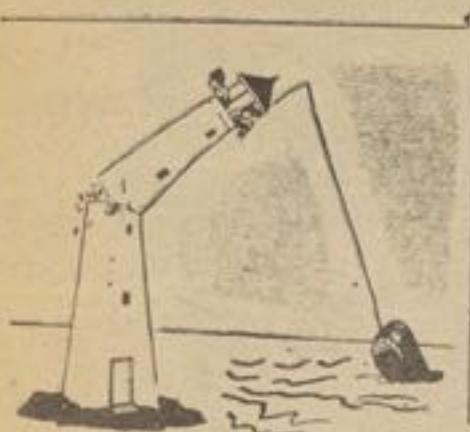


وقتیکه سگ شکاری با بوکشیدن
محل بود و باش خرگوش را پیدا میکند

دختر امروزی

پدر: بین دخترم... اینقدر مبالغه
آمیز فیشن نکن.. مادرت برای اینکه
شوهر پیدا نند نه به لباس تو جه
داشت و نه بسیار فیشن میکرد.
دختر: بلى... و به همین علت در
ازدواج شاتس نیاورد.

حاضر جواهی



زن مغروز و خودخواهی هنگام رقص به مردی که با او میر قصید گفت:
- شوهر من فقط اجازه میدهد تا بامردان زشت و بدقواره بر قصیم
مرد فوراً گفت:
- اتفاقاً زن من هم به همین شرط بادیکران بمن اجازه رقص داده.



تکسی سواری

یک مرد استکانلندی باز و اطفالش برای قدم زدن بیرون رفته بودند،
مو قع بر گشتن قرار شد که سوا رتکسی شوند. مرد یک تکسی را
منو قف ساخته کرایه اش را پرسید: تکسی دریور گفت:
- از خودتان دوشیزه، از خانم تان هم دو شیزه و اطفال رامجانی
می برم.

مرد استکانلندی گفت:
- هله زود باشید بچه های من به تکسی سوار شوید، من و مادر تان
بیاده می آیم.

نویسنده: پیتر نز-نا کوموف
مترجم: غاله‌غالی

فانتیزی خارجی

مار-چرا جان مادر... چر اقار
کدی؟
پسر- بو بو جان به اودختر گفتم
غزیزم بیا سینما برم، گفت برونه
نره دوست ندارم.

قصه جایزه گرفتن من

ازینکه با عت حسادت دیگران شده آنقدرهم فو ق العاد کی ندارد، انتظار داشتم جایزه ام را درین پطنوس گذاشته طی محفل باشکوهی بمن میدهند ولی اینطور نبود، باید خودم را جمع کرده جایزه ام را از شعبه محاسبه نقداً اخذ میکردم. در شعبه معا سبه یک چهارم جایزه را بعنوان ما لیهوضع کردند. و من تصمیم گرفتم با بقیه پو لم دعو تی تر تیبداده همکاران خود را که به من بدبین شده حسادت میور زیدند دعوت نمایم. ولی در دعوت نزدیک ترین دوستانم نیامدند (بسمول کسا نیکه در کانکور شر کت کرده بودند) هر کدام بهانه ای آورده عذر خواستند در عوض کسانی آمدند که من آنها را خوب نمی شناختم و ایشان کسانی بودند که در هر دعوتی می آیند و برای شان مهم نیست که دعوت دهنده چه کسی است و دعوت برای چه منظوری ترتیب شده. درین دعوت یکمده از زنان زیبا با لباس های شب آمده خوردند و نو شیدندو همراه همه واژ جمله همراه خودم رقصیدند، رویهم فته در دعوت کسانی بودند که بمن حسادت نمی کردند. فردای آن روز وقتی که باز نم بقیه دو صفحه (۹۱)

خوا نندگان بسیار عزیز، چندی ولی آنوقت خیلی دیر خواهد بود و من قبل من خلاف انتظارم موفق به گرفتن درزیر خوارها خاک خوا بیده خواهم جایزه شدم، از همان جواز بیشمایر یود (معدن می خواهم ازینکه گپ که برای عرنوع فعالیت هنری و ادبی عایم ترا زیدی شد) در تنها بی فکر میکردم و غم میخوردم ولی مستو لیت خوا ننده بی خبر و قتنی می خواند که های فامیلی هرا وادر می کرد که افکار فلانی ویستنده یا هنر مند جایزه تلخ را یکسو گذاشته بفکر کار گرفت، با خود میکوید: خوش بحالش و نویسنده خود باشد. کاش ماراهم جایزه بد هند.

بلی، خیلی آرام زندگی میکردم و به وبا گفتن این جمله قیا فـ معنی معینی خوشبخت هم بسدم. مایوسانه و ناامیدانه بخود میگیرداما خوب بپیر حال.. زنم پیرشد، اطفال نوای خواننده عزیز، خواهش میکنم بزرگ شدند و فرمیدند که چگونه نز حسد بردن عجله نکن، اگر صبر زندگی کنند. یکمده شانرا بیشتر و هو صله داشته باشی من قصه دوستدا شتم و چند تایش را کمتر جایزه گرفتن خود را برایت شرح البته به اندازه امکانات قرن تختیک میدهم، آنوقت اگر خواستی نسبت و علم. بالاخره هیات رُودی برای یک اثر من جایزه تعیین کرد، بلی جایزه من حسادت نمایی از طرف من اجازه ایکه قبل از آن نام برم و بشما گفتم داری و من ازت آزره نمی شوم. که بخاطر آن بمن حسادت نکنید، این قبل از آنکه من جایزه دریا فـ جایزه زندگی هرا از بالا تا به پا بین نمایم، آرام و آسوده زندگی میکردم عوض کرد.

دا سtanهای کوتاه و فانتیزی های شیرین مینوشتم و مانند همه نویسنده در لحظات اول بعداز شنیدن این خبر باید اعتراف کنم که خیلی های شکسته، نفس امید وار بودم، خوشحال شدم، بلكه میخواستم اعانه برای جایزه، برادران نویسنده خود که از این برای همیشه مورد قبول خوانندگان خودروا قع شوم، هر وقت میگفتمن: مو فقیت من تمجد میکردند، خیلی وقتی دیگران ارزش هرا خوا هند خوشحال بودم و بخودمی بالیدم. فهمید که هرا از دست داده باشند، بعدتر فهمیدم که این جایزه من علاوه



بدون شرح



در عینک فروشی

بیانگر

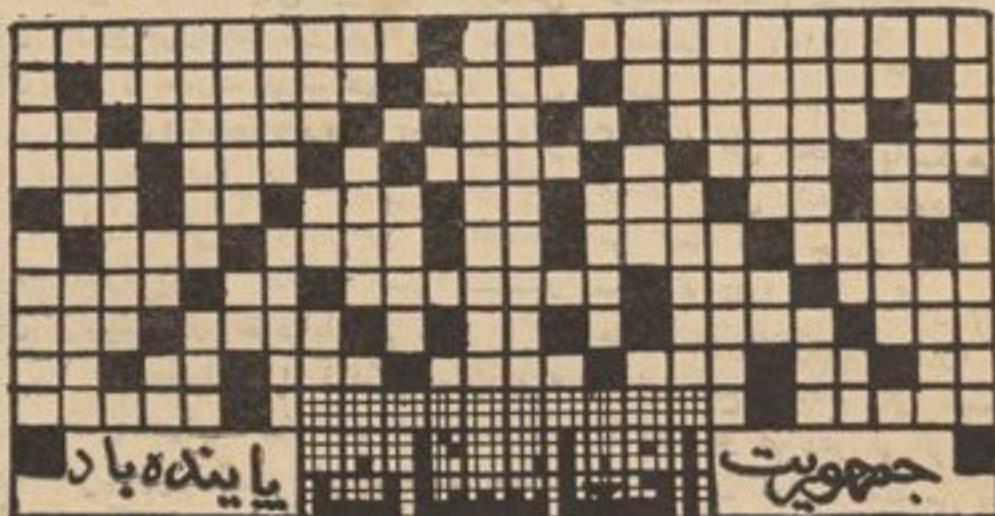
مسابقات

سرگردانی

جدول کلمات متقاطع

افقی :

- ۱ - اعتراضات ازاوست - حرفی ازانگلیسی - رئیس جمهور یکی از زینج قدرت - ۲ - زندگان ذ حمت کش - در مقابل تجاوز میشود - مردی - ۳ - دروازه دهن - مرتبش بهراه صاف و یکدست گفته میشود - دولت غنا - شکل خارجی در صابون جستجو کنید - ۴ - دانه خوشبو - معکوسش مکان است استوار شبی که گذشت - مرتعج معروف - ۵ - تکرارش معشوقه مجنون است موجودی که به چشم دیده نمیشود - مزاح - از آن آب می آید گهواره ماجاوت آب پیدامیشود قبول نیست - ۶ - تازه و نو - خاموش و آسوده طرف سرنگین (معکوس) خود داری - ۷ - از آنطر ف لازمه ناتو ایه است - جبر کسیکه یک نوع بوت معروف را پوشیده است سعادر نمی از نالین - ۸ - ارزش فصلی از سال دو حرف ازالقبا خوش آهنگ و موزون - اشک ریخته - ۹ - آهومیکند - اشاره نزدیک پشتو سرکز یک کشور اروپا نی منسوب به هنر - ازاو سخاوت را باید انتظار داشت - بند - با افزودن حرفی نام منطقه ای در افغانستان است - معالجه و پرستاری استخوان ماهی .



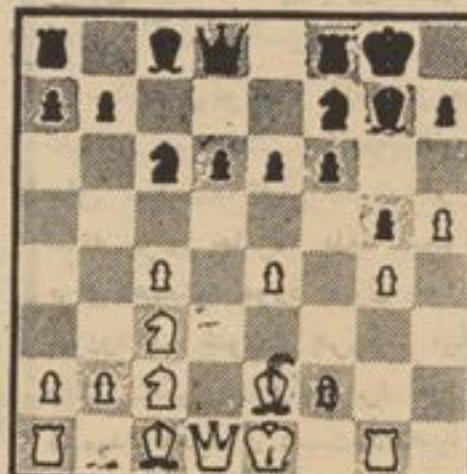
قلمی بردارید و اعداد از یک تا صد را به ترتیب بهم وصل نمایید تا تصویر جالبی بدست آید!

اعداد نامعلوم



مسئله شطرنج

سفید بازی را شروع میکند و سمن
دور گرفت سیاه رامات می‌نماید کلید
حل مسئله را که عبارت از او لین
حرکت سفید می‌باشد برایها
بنویسید!



طرح از - محمد یاسین نسیم‌زاده

عمودی :

- ۱ - از ایه بوجود می‌آید بدی و شر اندازی - ۲ - سیله کاویدن زمین - یک ورم - ۳ - ضمیر چپه - معکوسش برای حمل و نقل مواد بکار میرود - ۴ - عمیق پشتو - خوابکاهاین - ۵ - از آلات برقی موتور اماده نقطه کم دارد - بته است در صحرا - ۶ - فضای لایتنهای سروپای سبز - ۷ - از آنطر ف همسایه است شهری در کانادا - ۸ - نوای مغشوش - از کشورهای دوست ماست - ۹ - عددیست - اولین زن - ۱۰ - عرضش کم است - ۱۱ - از کشورهای جمهوری - ۱۲ - مرکز السلاوا دور - ۱۳ - روشنگر - ۱۴ - رادیو - ۱۵ - روشنی - ۱۶ - مرکزیک کشور اروپایی - از خواننده گان رادیو - ۱۷ - عمیق قلب - روی پشتو - ۱۸ - ظاهر و آشکار سوزار تی است - ۱۹ - ازموتراشتراب - ۲۰ - لفظ ماین دو رادر برمی گیرد - کینه وبغض - ۲۱ - حرف او لش زاعو خن کنید تا از حروف شرطی شود - اسلحه مخرب - درستون چهار بجوييد - ۲۲ - تکرار حرفی - ۲۳ - اينگونه چاقو نمی برد مرتبش از اجزای فعال تفکك است - ۲۴ - فراواندرآ شپز خانه بجوييد .

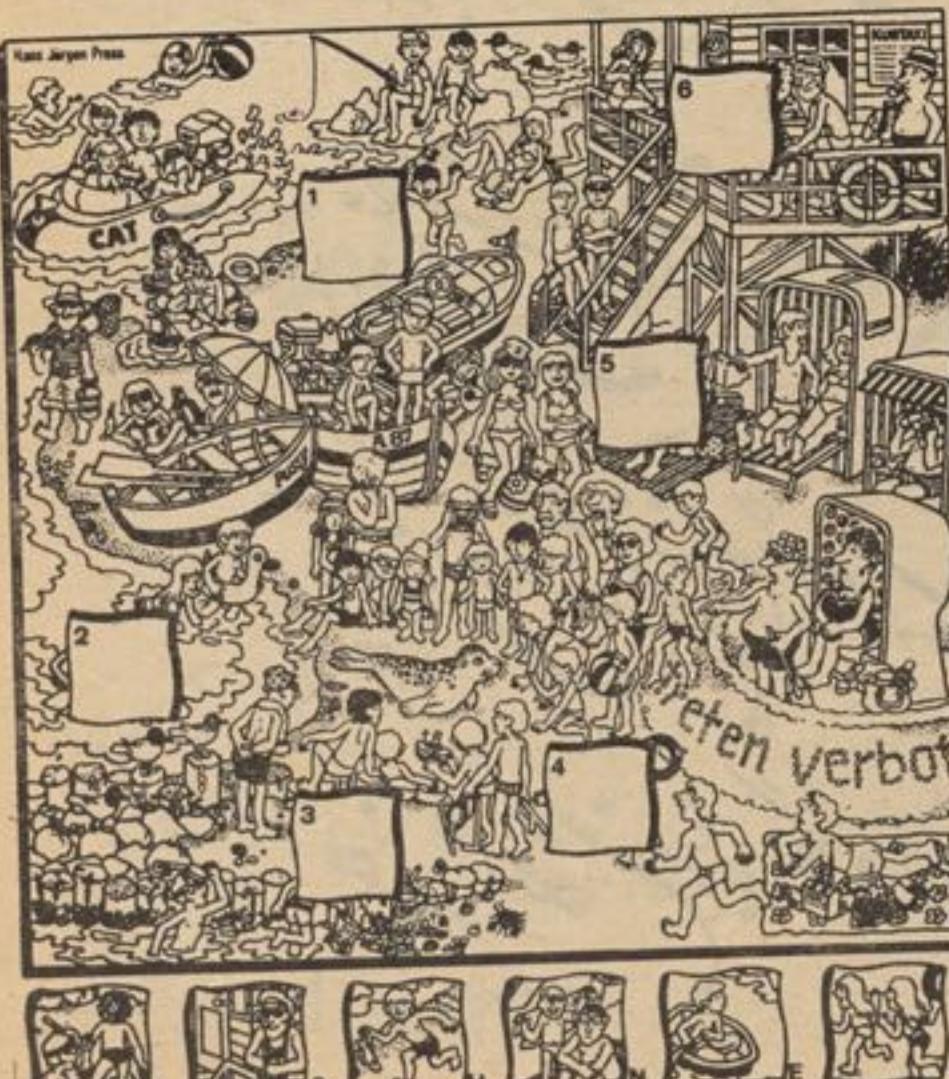
قطعاتی از همین شماره



درین کلیشه شش قسمت از مضمون صفحات مختلف این شما ره
بریده شده آیا میتوانید بفهمید که هر قسمت هر بوط کدام صفحه و کدام
ضمون این شماره است؟
جواب خودرا برای هابنویسید.

آیا میتوانید؟

شش تصویر کوچکی را که در زیر مشاهده میکنید از قسمت های
مختلف این تصویر جدا شده است آیا می توانید جای اصلی هر کدام
از آنها را پیدا کنید؟



هنر پیشه شناسی



درین کلیشه عکس یک آوازخوان فرانسوی، پنج هنر پیشه امریکایی
و یک هنر پیشه هندی را می‌شناهد. میکنید اگر موفق به شناخت آنها
شدید اسمای هر کدام را به آدرس مجله ژوندون در صفحه مسا بقات
پفرستید.



HORSE · BRAND · SOCKS.

باوشید ن جو دابهای زیبا و
شیک اسپ نشان نه تنها به اقتصاد
ملی خود کمک میکنید بلکه با عث
پیشه شناسی، قطعاتی از همین شماره و
جدول میشوند بحکم قرعه یک سیت جراب
تقویه صنایع ملی خود هم میشوند.
اسپ نشان جایزه داده میشود.

عرضت بریک

تمام کار نا ز شر کیت سی هاراد و خا و می با سبب پنچا و مجنین
 جشن است را ل استقلال و طنز عزیز که مصادف تبا نیز هست افعا است
 راست صمیح رستم کیا حیش شر بحضور عجم مفرزند باشد
 کشور بغل محمد داوه ریس دولت عظیم جمهوریت افعا است
 جوان ز شهدا شهدا افعا نش کانه ملک نجیب افعا تقدیم دار
 پروردخش ز شر عجم جمهوریت افعا نش زیرا همراه با سعادت
 غیور افغان ز پارگاه رایو متعال نیازمند است

۱۱۲۲

عرضہ بریک

تصفیہ انحصاراً ت د کارکنان

آن پناہ پنجیں سالگرد استقلال وطن عزیز

را بحضور رئیس دولت و موسیٰ جمہوریت افغانستان

و کاظم عزیز و ماماً منوبین اردوی غیور افغانستان بریک میکووند

لمیک

گردیده الد. گلب های آزاد سیورانی شهر
کایبل که تعداد شان محدود نبایشد به صراحت
و همت خود جوانان و دو ستاران در زشی
بدون کوچکترین کمک و رهنمایی موثر
البیک و دیگر مقاومات وزرتشی بعیان آمدند
لسمیت نداشتند و مذاہیای بازی و سایل
کافی با مشکلات دست و پیغمه نرم میگندوا
حال بودت و اتحاد خود پایدار نمایند و
ایند اما منا سفاهه البیک که شکل هرگز
راده این مورد داردنها تنها ارتباط خود را به
صورت واقعی ازور زشکاران معارف پیوشتند
ر گلب های آزاد شهر کایبل قطع نموده بلکه
همیشه کوشیده اندتا بصورت مستقیم یا غیر
مستقیم سد راه فعالیت های آنها شود.

ماوراء زشکاران پا در ک مشکلات فوق دست
حالی نشستیم بلکه چندین مراتبه به عملیات
دمته جمعی از قبل مظاهرات و اعتصامیات
برخند دشمنان نهضت های جوان والمبیک

فرسوده خود نمودیم اما قبل از اجرای
عملیات ما بواسطه دسایس مختلف گه
وحدت جوانان از هم پاشیده شده و دشمنان

فرسنه خود نمودیم اما قبل از این راه
عملیات ما بوا سطه دماییس مختلف که
وحدت جوانان از هم پاشیده شد و دشمنان
مایه این شکل استفاده نمودند اگر به آزاد
ورژنده سستان و ورزشکاران هر آجعه شود
با اطمینان کاملی اکثریت مطلق بهاء ملی
بودند و تاکا من زیاست المیک در راه بیرون
و توسعه ورزش در کشور گواهی خواهند
دادو مسوو لین این دستگاه را بتصویر ت
الگشت نما مصر فی خواهند
کرد تاریخ بهائیات رسانیده که اتفاقها در
همه امور استعداد های کافی دارند که
در وجودیت آن در مساحة ورزش انکار کرده
نمیتوالیم به اینکه توجه دلسوزی ممکن
بود امروز ورزشکاران مایا قبرمانان بین
المللی دستی و پیونجه نرم کرده و مددالها ری
افتخار و بروزی را مردم ما در گردن آنها
می دیدند و می بالیدند .
اکنون که رژیم جدید در کشور مستقر
شده و همه ما آنرا بدل و جان پذیرفته ایم
آماده هر گونه قداکاری در راه تحقق یافتن
اززوی های دیرینه مردم افغانستان تحت
قیادت باشی و هو صعن رژیم جمیو ریت و
حامی تهضیت های جوان و روشنگران کشور
همچنین قوع داریم که رژیم و حکومت

جدید در پیلوی مائن امور در موردورزش
توجه خاص مبنو داشته باطراح یلان های
اساسی و انتخاب اشخاص بادرد و وطن برست.
در این امور هر بوط به و رزش یخهای
لایت ورزشی هارایه حر کست در آورد و
صفحة جدیدی در تاریخ ورزش کشور
بکشانند.

ما و رزگا دان منتظر
که روزیم جدید خواستار عمل سادستی - یا کس
ووحدت است روی این منتظر ما حاضر

به هرگونه خدمت و فداکاری در شمه امو ر
مخصوصا درساحة ورزش کشور هستم. به
این پیروزی در راه ایجاد یک دستگام ورزش
سالم. و هو فقیت نظام هتر قی افلا نستان

و رزش یا میا نی بزرگش
و پیلوان بشکل حقیقی و واقعی مو رد
نشیونی فرار نگرفته بلکه شکل تجارتی
ایخود گرفته و اجراء این مسابقات به
بولهای هنگفتی داد طلبی میشود همچو منبع
وجود نداشت که به حساب این عائدات
سیدگی کند .

ورزش در ولایات کشور به خاستگیار
ایتدانی باقی مانده وورزش فعلی کشور که
آخرین نسخهای خود را می کند تابه حال
بدست و همت خود دردم زنده نگهداشته
شده نه بواسطه امیتیک و مسوولین امور
متأسفانه از کمکیای عمالک و دوست به نحوی
شایسته و معقول درین مورد استفاده نشد و
تریترهای خارجی یکن بعد دیگر با خاطره
های تأثیر آور از امیتیک ها کشور را تراک
گرداند و اکنون دعوتحامه های معا لک دوست
جهت اعزام تیمهای سپورتی کشور به خارج
بیرون و جب جواب رد داده شده دروازه
تبها استديوم شهر کابل که بزرگترین
منبع عایداتی بشمار میبرود مخصوصاً من

بروز های جشن و مسابقاتی که بمقادیر شخصی
گردانندگان چن خبای ورزشی و مسرو لین
آن یاز بوده و در غیر آن همیشه بروی مردم
رجوانان مسدودبوده و ایشخاص ذیصلاح ریاست
البیک در مصائب هایی که با جراید و رادیو
به اثر تقاضای مردم نموده الدار مسولیت
های حقیق خوشانه خالی کرده و ملی
البیک را انتها و ارسی از فعالیت های
ورزشی کشور قلمداد کرده است. حالا نکه
البیک مرکز تمام فعالیت های ورزشی
کشور بوده و تعمیم و توسعه بخشیدن ورزشی
در سراسر کشور تشکیل تیم های ملی
تشویق ورزشکاران و احیای مجده ورزشی
های باستانی و محلی کشور ما پشكل حقیقی
و طایف مهم و اساسی آنرا تشکیل میدهد.
جای تعجب نیست که کاغذ پر انباری
و مرغ جنگی شامل بازی های البیک شده
و به قدرهای آن کب اهدا میگردید و لیز
فعالیت های اتلتیک حرف و سپورت
هاکی را همان شرط بین المللی کدد بین

رشته دا شتیم از خاطره ها فرا مو شمس
گردیده است. شناوران از فلکان سوچ
های آبیاری و نیوند مینا بقات در دریا ی
کابل به مسابقه و شناوری میپردازند
چند حوض آبیاری کابل مال همه نبوده
مخضو من یک طبقه قرار داشت.
معارف:
کمیته های ورزشی وزارت «معارف» و
پوهنتون کابل هر یک جدایگانه سیورت را
در جمله تعالیت های «اورای تدریس شامل
نمود» و با تشکیل تیم های ورزشی کمال مهندسی
موثر بسوی پر فن اکتشاف سیورت د ر
سامنه های معارف پوهنتون برداشت و در

تىيم المان درحالى

هاینکس و کریوس، کولمون، و ملوخه، که
ز چهوره های درخشنان تیم ملی ایران و فتن
ند و آرزوی جذب آنها را دارند که اگر بین
زین حدسات به حقیقت بیروند تیم آلمان
هم خواهد باشند.

یکی از علی‌که تا اندازه همیوت شون
۲۰۰۰ می‌سازد بازی بعضی از چهره‌های
جدید در تیم ملی ایران است چنانچه (برنارد
کولمان) بازیگر ۲۳-اله جوان درخشیده‌که
هر کس تصور می‌کرد جای (شوارتس بک)
را گرفته (هینس فلووه) آف بیک ۲۵ ساله
که بهترین بازیگر در مسابقات اخیر معرفی

شده است .
یکی از علل واضح شکست امانت بیش قدرت
مارق العاده و دفاع شکست نایابی تیم برآزیل
بود که به هیچ ووجه تیم امانت نتوانست در آن
تفوّد کند و خطا فاعی آنها را بشکند امروز که
قریباً میکمال به مسابقات جام جهانی هنوز
واقیمت هلموت شون مرتب تیم ملی امانت
با مشکلات بزرگ رو بسر و مست
تلثلا در خط دفاع دو مدافع بزرگ که امانت را
نه قهر مانی از پیش و هیبری گردند ، یعنی
کن بادو و «شوراتس یک» دیگر صاحب
آن قدرت و عظمت گذشته نیستند و امروز
امانت ها معتقداند که «بکن باور» یکلی خوب
بازی نمیکنند وهم «مولشن کلاد باخ»
«فوکشس» و «هو تکر» «بیک» های مشبوه ر
گذشته نیز با آن قدرت سایق بازی نمیکنند.
در خط وسطی تنها «یولی هانس» «باتنی
مانده» که آنهم به تهائی در مقابل ضربه با ت
حریف عاجز خواهد ماند ولی در خط حمله
امانت با آن قدرتی است که بود یعنی
«هنکس» «مولر» و «کرموس» که تا هنوز
با همان قدرت سایق بازی میکند .

علموم شون تصور میکند که با داشتن خط قوی حمله میتواند به تیم خود جان دهد ممکن است که با این دفاع خفیف باز هم کاری را از پیش بردازد گرچه بیک چب تیم ایمان خیلی قوی بوده و از حمله راست حریف تا اندازه در ایمان خواهد بود ولی باید آینده آن نمیتوان خوشبین بود باین صورت اگر تیم ایمان خلاهای کوتی خود را پر نکند در جام جهانی اصلاً حائز درجه نخواهد شد با اینهم علموم شون همیشه میگوید «من نا امید نیستم میکوشم تا ایمان را در سال آینده چنانکه جیان میشنا سه و هر دو ایمان آرزو دارند روانه میدان سازم».

نیز نمودند و آن بر گذاری چشید خداحافظی
«جنر نوف همند مشهور فوتیال شوروی که
بعد از «یاپین» بزرگترین-مول فوتیال
شوروی بود» است، در اول «کلو دوالو»
از جانب ملت برزیل هدایه نمی‌شوند
«جنر نوف» تقدیم کرد که این مورد تمجید
نا شاگران قرار گرفت و بعد سریعی
الانی آغاز مسابقه را اعلام کرد و در اول شوروی
بسیار کول برزیل حمله ورشید و هم تیم
برزیل با این حملات شوروی اندکی سر
سام شده بودند ولی آهسته آهسته تیم
برزیل روحیه خود را عرض کرد و نویسندگان
دفعه دوا به شوروی سپرد نخست «بلوکین»
قریب بود توب را داخل گول برزیل کند
ولی چانس داد و بعد از آن برزیل
به یک سلسه پاسهای پسیار دقیق دست
زد و توب رادر چهار کوشه میدان به حرکت
آورد درین وقت دفاع را بلکلی تیم شوروی
با خود اختصاص داده بود و بازی تا ناقفر پیچ به
همین شکل ادامه داشت در نیم دوم پیش
شوروی باز هم به حملات شروع کرد ولی
دورش کم بود تا آنکه «جرز ینهور» دست
به یک شیکار زد که سه سال قبل در پی این
چنگ سلوا کیا نیز آنرا استعمال نموده بود
تو پرا در میانه میدان تصاحب نموده و
چنان حمله برد که دفاع تیم شوروی در
مقابله خود را ضعیف یافته و سراسمه
گردید و با جانش شوت تویرا داخل گول نمود
که گول کبیر قدرت جلو گیری آنرا نداشت
گرچه می‌هر تیه تیم شوروی نیز تازد یک
کول برزیل خود را رسانید ولی با شتارت
کول کبیر برزیل تما محملات آن ها می‌
نتیجه هماند و در نتیجه مسابقه به نفع تیم
برزیل خاتمه نافت.

چراسپورت‌های...

شاید باید اکتشاف میکردند که استریا
همین یک تعداد سپورتهای که موجود است
آنقدر پیشرفت نکرده که در بازی های بین-
المللی مانند مسابقات کشورها حصه بگیرند.
از روی ما باز مقامات صلاحیت دار سپورت
کشور این است ناهم سپورتهای بینالمللی
را اکتشاف داده و برای رسید آن توجه بیشتر
گذاشت و هم نظری به سپورتهای اصیل کشور
انداخته و نگاذارند که به کلی از بین بروند
در زمرة دیگر سپورتها در مسابقات حضور
داهند و باین صورت ورزشی در کشور هزینه
ماهیه اویج خود رسیده و تعداد بیشتر از مردم
کشور از آن استفاده کنند.

در دل و رزگار

بین خط الداری میدان هایی سامان و لوازم
ورزش و تشریق ورزشکاران از وظایف این
ریاست است .
ولی نا حال که م اقدام جدی ریاست
مدکور را درین زمینه تدبیر نمایم و همیشه
ازین عدالتی دیگری ها رفع برده ایم .
آنها متذکر شدند که اگر ریاست هذکور
اعمار جمناز یوهی را در صورت امکانات
مالی اجازه دهد توقع کرده وهم ترویج سایر
صورت ها مثل آب بازاری وغیره را هم خواسته
ودادن نمودن توزیعت ها را به اسرع وقت
در بین ورزشکاران مرکز و ولایات و هم مساعده
ساختن زمینه - استفاده از تور های خارجی
را به دختران آرزو نمودند .
در اخیر نظر عمده دختران این بود تا
نهضت علم و حرف و فن و توان از

قلب صنایع آلمان . .

برای اینکه آدم یک خواننده خوب شود برای امداد معاش شدید بود از آنکه موسیقی اندکی بدانم گردید .
کافی نیست که فقط صدای خوبی داشته باشد من به موسیقی میگویم : اواید موذین مو سیقی را پیشنهاد کند .
مو سیقی را آنها بدانم نکردن ، بلکه بدانم مو سیقی را آنها با آنهم باعث شدند .
بدنام بود و لی آنها با آنهم باعث شدند .
موسیقی داشتند از آن دست بر نداشتند .
کافی بیم در مورد هنرها دیگر اطلاعات و هو سیقی در میان آنها ماند ، مو سیقی عوام باستان خصایص عوام گردانده است و خراباتی هادر این امرگانه نداشتند .
موسیقی میگوید :

سینه آنها را ملزم نمیسازم ، منتها فکر میکنم مو سیقی خرابات بیشتر یا کمتر بود برای امداد معاش تایک نلاش بخطاطر ارتقاء هنر مو سیقی .

من فکر میکنم اگرمو سیقی خرابا تدر محدوده ذوق گرایی خالص گیر ماند و لی موسیقی خواص هم اسیر تجمل پرسنی شد .
خواننده ما ت Xiao است که خواست جامعه را پیش از بیش بسکرید و فراورده هایش را بآن خواست عبار سازد ، بلکه غرب زدگی کرد ، دنیا هواز امر را گرفت و لی بجای کافه های درجه دو درجه یک در کانتی ننتال کنسرت داد ، من مخالف این امر و چند باری که از من دعوت شد در کانتی ننتل کنسرت دهم قبول نکرد .

موسیقی کاغذه ها یعنی رایر میدارد ، بر میخزد تا برای ثبت پروگرامش از استودیو ها وقت بگیرد رویش پسوی من بر میگرداند تا خدا حافظی کند و لی من باز هم می برسم : از برو گرامت چیزی نکنی ؟
برو گرام من چیز کاملاً تازه بیم نیست .
بلکه اینکو نه شو های زادیو بیم در کشور های دیگر فراوان است .
میگویم :

درست است که در کشور های دیگر فراوان است و مردم آنها می شنوند و خوش شان می آید .
ظاهر موسیقا میان پاناهه می خند و بروز و نمیان چرا ناگران آنگه معروف او باخاطر من آید و با خود زمزمه میکنم .
کم برایک من بیا زدیک من شام تاریک من صلح و سنا کن و بی مهابا از خود می پرسم ، دیگر شام تاریک من صلح و سنا کن چه می خورد ؟ او رفته است و حالا پریشش من بی جواب می ماند .

امداد های بیشتر زیر فشار قرار شده است .
میدهد تا شاخص تولید سالانه آغاز عدد آرزو مند اند که در طی همین ۸۰ میلیون در سال پایانی نیاید .
این سوال بزودی مورد بحث قرار کاملی خواهد ریخت . ولی به آنهم اکثریت مردم در المان عقیده دارند

خواهد گرفت . در تاپستان جاری ویلی برانت سعی دارد تا اوراق که تمام نلاش های دولت هیچ گونه سفیده در مورد مواد سوخت به بوند اثر درست از خود بجا نگذاشته ستاگ تقدیم نماید . در اوراق یاد جلوگاهش تولید ذغال و فولاد را شده برای حفظ و نگهداری صنایع ذغال و فولاد طرح های در نظر گرفته

برای آلمان این ارقام خبر های بدی دوام این وضع خود ایالت رومردابه همراه دارد .

به همین سبب در دهه شصت کند . بنابر ادعای سرمایه داران زمانیکه کا هش ارزش دالر ضربه های آمده و کمیود انرژی احسا می شد . سنجینی بر صنایع فولاد و ذغال آن حکومت بن تصمیم گرفت تا صنایع

ذغال را «جیره پندی» نماید .

برای پسر رساندن این هدف بن دیگر یا باست و جازومن علاقه ندارم ، در حالیکه مو سیقی زبان زمان است زمان که در آن می زیبم . یک مو ضوع دیگر در مورد صدای من می ماند و آن اینست که من مشکل تلقیت دارم . بعضی حروف را نمیتوانم بدرستی ادا کنم می پرسم :

بنظر تو گروه های جدید اتشکیل چکونه اند .

موسیقی میگوید :

سعائده گروه های جدید ، کار جدیدی تکرده تکرار و تقلید دو عنصری بودند که مسکونی بطرف تورید ذغال ارزان از ساختند ، تقلید چنان در این میان شدت پیدا میکند که به کایپر کردن تبدیل میگردد کایپر کردن آنکه گونه گون .

هم چنان غول های دیگر فولاد در المان ساحه فعالیت های شان را از آنکه جاز خنجره این گروه ها مو سیقی یا بیرون میزد .

ارزش به مشابه طلا :

بسیاری اقتصاد دانان المان عقیده دارند که در شرایط بحران کتو نی کشایش دوباره معادن ذغال ارزان از بیرون روی آورده است .

هم چنان غول های دیگر فولاد در المان ساحه فعالیت های شان را از دادی روهر بیرون برده اند .

عمل پیوشه مگر اینکه کمک های علیمی مانند جامعه اقتصادی اروپا برای کارگران صورت نگیرد .
برای تشجیع بیشتر تقاضای داوطلبانه پیشنهاد شد تا به کارگران بعد از سن پنجاه ۹۰ فیصد معاش شان را پول تقاضه بدهند . هم چنان به آنان اجازه داده شد تا کلبه های محقر شان را تا به آخر عمر می نو اند حفظ کنند . درحالیت تا عمل این امتیاز بیشتر میگردد .

ولی با وجود اینهم تلاش ها و طرح های گونه گون رو هار موفق نشد تا سطح تو لید

برای المان به صرفه خواهد بود تا روشنی را روی دست بگیرد که ۱۰۰ میلیون نفر که نیروی عمده کار را می سازد از روهر فرار نکند . زیرا همین اکنون رشد بحران کاهشی را در این زمینه بوجود آورده است .

به خصوص روش محتاطانه را باید در مورد کار آن خارجی بخصوص در ترک ها مد نظر گرفته شود . زیرا نیروی کار یادشده نقش قابل ملاحظه در گرداندن چرخ اقتصاد صنعتی المان دارد . اکنون کارگران خارجی به وضع بدی زندگی می کنند کوی های فقیرانه کارگری چنان نا منظم رشد نموده که بنا بر پیش گویی یک کارگر روهر تبدیل به «مردمان خسته مزد بیکران - انجینیران و کارگران ناراضی خواهد شد .

نه قیاد نه کم :

در حقیقت ، روز بروز ساکنین روهر که بخش زیاد آنان در بازار گرم صنایع مصروف اند از ضرورت نیرو های کار بیشتر می شوند .

صنعت ذغال ، در حقیقت سعی می نماید تا حکومت بن را برای گرفتن طوریکه اتاق تجارت المان بیان داشته است این کنسرسیوم سوم بمشابه «کورستان پول های مالیه دهنده المان است » .

در ده سر های روهر گول بسیار زیاد بوده و حتی فکر میشود که شماره ۲۳-۲۲

لوبزه بیسموادی او ناپاکه هوا بشری

هیوادو داقتاصادی پر مختنگ دباره لازمی دی تامینه شی. ددغه مقصد دباره درمنخ تللو هیوادو مرسته به سلو کتبی ۷۰. ته چه د ملکرو ملتون دمو سمسی له خوا تاکل شوی دی ورسیبیری او غیر عادلانه تجارتی بندیزونه چه له بیوزلسو هیوادو خخه دصادراتو مانع دی له منخه یورل شی.

به پای کتبی باید تینکار و کرم چه هدف باید پشتنه احترام او دیوه و پرروونکی خطرخخه دبشر خلاصون وی. داسی خطر چه نه یوازی دهنه دیدن سلامتیا بلکه روح ته بی هم زیان رسوبی او همه فقر دی، بر حمه فقر او دنداوی ور فقر. ز مونب وظیفه دانه ده چه د خپلی خوبی سره سم دروندانه داسی محیط منخ ته را پر و چه بیوزلی ملک یکتبی او سینی بلکه ز مونب وظیفه داده چه دسر لور و خلکو دباره دزوندانه ور محیط منخ ته را ور.



بیوری تاب دفع کننده میکروب های هفسره آب

اگر می خواهید آبهای نو شیدنی شما کاملاً اطمینان بخش باشد. و به امراضی از قبیل کولرا، محرقه، پیچش و دیگر امراض مکروبی دچار نشوید از تا بلیست های ساخت انگلستان که شهرت آن دارد. جهانی دارد استفاده کنید.

مراجع فروش: طور عمده نمایندگی همدد محمد جان خان وات و پرچون: تمام ادویه فروشی ها خوش آخرا و زیبار

کتبی ۷۰. ته چه ملکری ملتون نه تاکلی دی، ورسوی، دمنلو ور نه ده. شتمن هیواد و نه بنایی خبلی مرستی دغی اندازی ته و نه رسوبی او دتجارتی توپیر لرو نکو مو ا نعو یه لیری کولو او ددواهه شتمن او غیر شتمن هیوادو دباره دیوی عادلانه او گتیوری لاری په خلاصو لو کتبی تعلل و کری، مکر شتمن هیوادو نه دیوی زلو هیواد و سره د ذیاتو معاملاتو او ددوی سره دزیاتو مرستو دلار وله خلاصو لو خخه دده و کری، دزوندانه د محیط د ساتلو سره ددوی دعلاقی سره به ارتباط ونلری بلکه علت به بی دخانکر و گتیور دساتلو دباره ددغو هیوادو دا خلی عکس العملونه وی. او س خه باید و کری چه دمغ په انکشاپو هیوادو سره دمرستی دباره ز مونب دنظر او دزوندانه دمحیط دساتلو او بنه کولو دمسؤولیت تر منخ هم آهنگی

بیدا شی؟ زمایه عقیده خلور ضروری اصلونه شته چه باید سرته و رسیبیری:

- ۱- باید داخبره و منو چه د مخ به انکشاپو هیواد و دباره اقتضا دی وده دی ته اهتیا لری تر خو دغه یوادو نه کولای شی خپل انسانی مسایل په خپله حل کری.
- ۲- باید په دغه حقیقت اعتراف و کری چه که دغه هیوادو نه خپله وده او پر احتیا د پروگرام له مخی به سمه تو گه سرته و رسوبی دزوندانه محیط ته به کوم زیان و نه رسوبی.

۳-دمخ په انکشاپو هیوادو سره دی مرسته و شی چه دخبلو اقتاصادی زیاتو پر مختکر نو په خنگ کتبی دخبل زوند محیط پاک و ساتی.

۴- همه خارجی مرستی چه ددغو

برای این کار باید یک تلاش همکانی صورت گرفته و در قدم اول جامعه و در راس آن اداره کنندگان همان جامعه مسئو لیت سنتکین جلو گیری از خود کشی را بدوسن دارند.

جلو گیری از خود کشی بعیت یک ارقام مختلف نشان میدهد که خود کشی را کمتر ساخت. جنبش اجتماعی، بخشی از تلاش از هرده نفر یک نفر اقدام به خود کشی مر کز جلو گیری از خود کشی در می کنند. بیشتر زیاد این اقدامات با لوس انجلس از قامی را انتشارداده های کنونی در بسیاری جوامع انسانی می کنند. بیشتر زیاد این اقدامات با وطی آن بیان داشته که خود کشی بکار برد مقادیر بیشتر دوا صورت رانی تو ان فقط با درست گردن چند بسیار آرام و سرور بخش برای افراد مهیا دارند.

خود کشی یک مشکل جهان

شندن و یا کم شدن این حادثه وابسته که خطر و شیوه بخود کشی بکشد. بعد از این رسیبیر دیده شده که رقم خود کشی در موقع دقیق معلوم شد که اکثریت حوادث بحرانی و پس از روزهای جنگ بلند اقدام بخود کشی در بین گروه ها رفته است ولی این حوادث به اندازه دارای سن کم بخصوص زنان، دیده پیچیده و بغيرنج است که، بمشکل می می شود. به عبارت دیگر، حر کت تو ان بر رسی کامل از آن در این اقدام به خود کشی را می توان «فریادی گفتار کوتاه کرد. برای کمک» و یا جلب نظر دیگران از طرف دیگر احصا نیمه هواز قام خواند. شتنکل تا کید زیاد روی نشان می دهد که در این قرن مقدار ضرورت مطابعه دقیق حر کات خود خود کشی کنند گان مرد نسبت به زن کشی نموده و می گوید که بیشتر این خیلی زیاد تر است. همچنان طی خود کشی از عدم ارضای روابط سا لهای اخیر تعامل بیشتر به خود و بیرونی های اجتماعی بوده فرد خود را کشی در بین گروه های جوان دیده در یک خلا نا باوری می باید و سپس میشود. با اینکه چریان خود کشی برای رهایی از آن اقدام بخود کشی در بین سا لمندان هنوز وجود ندارد. می کند.

بد بختانه از قامی را که مو سیسه صحت جهانی گرد آورده از آنجاییکه مردم با اقدام بخود کشی فشار روانی از منابع خود کشورها ناشی شده مورد سوء ظن و بد گمانی قرار دارند. زیر فشار سنتکین، دست بخود کشی می زند.

روشها: عمجنان معلوم گردیده که بین ارقام رسمی همچنان معلوماً تی در مورد شیوه های خود کشی بدهست می دهد. این ارقام نشان میدهد که روشهای معین خود کشی رواج می یابد. به صورت مثال گاز سوخت یکی از متداول ترین وسیله خود کشی شده است. همچنان خوردن زهر های کونا گون و بخصوص بکار بردن مقادیر زیاد دواهای مخدوش و سایلی یک شکل پنهان خود کشی است زیرا است که از طرف مردم برای خود کشی معتاد به آگاهی آن را بکار می برد و هر روز رشته زندگی اش را کوتاهتر می سازد.

است. وسایل شدید و گرم مانند سلاح های آتشین، خیز زدن از تعییر های چند منز له تا اندازه به گروه های مردم تعلق است.

اقدام به خود کشی: اگر نادرست است که تکیه بیشتر آن احساس می شود. اکنون روشن روی معلومات احصا نیمه بروط به خود شده است که خود کشی علت کشی کنیم. این هم مشکل است که بیرون اجتماعی نداشته می توان با معلومات دقیق درسا حه یک کشیور بکار گرفتن روش معقول تا اندازه از معین در مورد اشخاصیکه اقدام بخود بمعیان آمدن آن جلو گیری گرد هرگاه کشی کنیم، این هم مشکل است که یک شخص زیر مرا قبت دقيق قرار معلومات دقیق درسا حه یک کشیور گرفته و شخص وارد در ژر فنای معین در مورد اشخاصیکه اقدام بخود نا را حتی های روانی یا اجتماعی کشی می کنند بدست آورد. شخص فرو رود، می توان تا ارقام از قام مختلف نشان میدهد که خود کشی را کمتر ساخت. از هرده نفر یک نفر اقدام به خود کشی مر کز جلو گیری از خود کشی در می کنند. بیشتر زیاد این اقدامات با لوس انجلس از قامی را انتشارداده های کنونی در بسیاری جوامع انسانی می گیرد. بیشتر زیاد این اقدامات با وطی آن بیان داشته که خود کشی بکار برد مقادیر بیشتر دوا صورت رانی تو ان فقط با درست گردن چند بسیار آرام و سرور بخش برای افراد شتنکل در سال ۱۹۶۴ سعی نمود مر کز باوسایل و آلات طبی از بین برد.

قصه جایزه کرفتن من

مقابل شدم آثار یک بد گمانی شدید را در چهره اش مشاهده کردم، از من نشراتی می‌مهدت تاریخ و سیه روی پرسید:

- این زنها کی بودند.. اسمایشان چیست؟ طبعاً چون من یکعده آنها را نمی‌شناختم نتوانستم از ایشان نام ببرم و این مطلب با عث بد گمانی بیشتر زنم شد و او مانند بیمنجر شد و مشا جره آغاز کردید. همسایه‌ها واعل محل هم بطر قضا ری او برخاسته و در نتیجه من مغلوب باز خانه‌را اندشید. باید خانه را ترک گفته نزد همان کسا نیکه در دعوت با ایشان بودم، میرفتم، زیرا زنم نمی‌توانست بعدازین کوکت زمخت مرا تحمل کند، حالا دیگر هر طوری که می‌خواهم باید زندگی کنم و مرا حم زن واطفاً لم نشوم، جز مو قعی که پول خروج خانه را برای ایشان می‌آورم.

زنم می‌گفت:

- خوب شد که آن جایزه را گرفتی و یک مقدار پول بدمست رسانید و من همچهار حقیقی تراویدم و شناخت، تاحال استبهای کرده بودم چون ماسکی بچهره ازه بود.

در بعضی مکتوبها که معلوم نیشد حسودان نوشته بودند، از من پرسش بعمل آمدبو که به هیات ژو ری چند رشوه داده ام ...

من با وجودی خوابی هاو این کش و کوب ها و ناملاً یمات مجبور بودم خود را خوشحال نشان بد هم. تاخود را مستحق جایزه نشان داده باشم ازین رو همیشه یک لبخند ساختکی به لب هایم دو خته بودم.

روز پنجم تمام پول هایم تمام شد یعنی پولی را که بعنوان جایزه گرفته بود، من مجبور شدم از بانک کمک بخواهیم که این خبر را خود را خوانده صبح خبر جایزه گرفتن مرا خوانده و این خبر خوشی اورا مدخل ساخته است و مانند آب چایجو ش جوش آمده بود.

ازینکه بازن سابقش آشنا شده بودم زیاد عصبی نشد که از چایزه گرفتم عصبی شد. او به ایار تعان زن سابقش یعنی آشنای جدیدم رفته خواست اورا لتو کوب تمايزو تهدید بقتل نمود و تهدید به اینکه طفل خود را از او خواهد گرفت. وقتی که بخانه آنها رفتم شوهرش عقب میز کار نشسته بود، هنوز هم آثار خشم و هیجان درو جودش بعلاطفه میرسانید، استادی خود را با نوشتن هفت صفحه کاغذ برشم کشید و توسط آن ضعیف اخلاقی سرا آشکار ساخته بود، تهدید میدان بدر کرده شوم.

باقیه صفحه ۹۱

زن برای خانه یا خانه برای زن؟

میکرد ...

حرف را اصلاح کوده ادامه دادم:

- بی بی جان... وقتی که میخواستم

این حرف به رگ غیر تم پرخورد

خانه بکیرم مدیر ابا رتمان ها بمن

با خشم زیاد گفت:

- بسما چه مربوط است که زن دارم روی خانه را ببینی ..

- گفت:

- مدیر دوباره با همان لحن بسی

بردا گفت :

- نه .. ندادند ... گفتند زن

- آغازان.. ما بیک آدم بی زن و بی

ناداری.. خشونی ابروها یش را با ناز

فامیل چطور خانه بدھیم .

- و بخدا اکه خانه نداشته باشی

روی زنه نمی بینی .. بمه من بوطنیس

که بتتو چه گفتند و چه نکفتند.. برو

فامیل دار صاحب خانه شو و بعد شوق زن

- چه مانعی داره اگر بمن خانه

بدھید تامن هم فامیل دار شود .

- نخیر .. ما معتقدیم که یک آدم

فامیل فامیل دار شود ..

- چه مانعی داره اگر بمن خانه

دیدم چاره نیست دوباره بیش مدیر

شما بمن خانه بدھید بعد من فامیل

رفتم ... خلاصه چندین بار خشونی

و آن مدیر مانند توپ فو تبال مرا به

دار میشوم .

- نخیر .. نمیشود اول برو

همدیگر پاس میدادند، خشونی میگفت

میگفت :

- من از مقررات نمی‌توانم عدول

کنم.. بالا خره مدیر را راضی ساختم

- بمن چه مربوط است... من آدم

تاقدم رنجه نموده به خشونی بگو ید که

بی زن را خانه نمیدهم ...

با عذر وزاری گفت :

- مدیر صاحب .. بینن ظا لمی با خشونی ایست، زیرا اگر مدیر به

نک .. آخر اگر شما مرا خانه ندعید

خشونی اطمینان میداد که بعداز زن

هزار نمیدهند یک کاری بکن که من

می‌دهد .

صاحب زن شوم .

اینبار نوبت برافروخته شدن مدیر تا دختر خود را بمن بدھد .. بالا خره

زیرا حرفهای مبن رک های

عن موقع شدم آنها را با هم رو برو

غیرت که نش را متوجه ساخته بسازم ...

دوستم آهی کشید و سکوت کرد

- هر چه خیال کرده ای.. من چه من با عجله گفت :

محبوبیتی دارم که در زن گرفتن تو

- وقتیکه قصه بجای حساسش

کم کنم.. بمن چه مربوط است که رسید حالا حاموش شدی ، بکو چه

شد .. آیا بدینو سیله مو فق شدی

زن بکیری یا نمیکیری ... آیا زدواج صورت گرفت.

گفت :

باز هم بانا امیدی گفت :

خشونی محترم من شرط گذاشته که

این صاحب خانه شدم مرابه دامادی

آن ازدواج من شود در

- چی .. پس کی داماد بود ..

- آن مدیر ...

دخترش چیز میشوم ...

- این حرفها نست دل سنگ

آن مدیر را نم کند ، دو یاره رفت

نیش زنی که باید خشونی میشند، آمدند ... آخر خشونی بیوه .. و آن

مدیر هم بیوه بود ..

پس سرنوشت تو چه شد .. آیا ..

او بیشانی خود را ترش کرد، زیرا آنها از بس در زندگی خود دخو شی

خود غرق شدند دیگر از من نیز میشند

آخر او آنقدر پیرنبود واند کسی از

که تو چه کاره بیوی و چه میخواستی

زیبایی هم بیوه داشت و فیشن هم همین بود که من همینطور بی خانه و

مردی در نقاب بچه

گفت: «ما دریک کشور تقریباً آزادی شما علاقمند هستم اورا بشناسم من با یکتعداد زیاد مردم سرو کار زندگی می‌کنیم».

الک پاسخ داد: «هر کسی آزاد که از برخورد با من به علی مختلف باید وحشت کند. نامش - فکر نکنم دانستن نام او برای شما اهمیتی پردازد و لو آنکه عضویت مجلس لارد داشته باشد. من محض یک مرتبه ها را هم داشته باشد. اما یک چیز با او در عمرم برخورده است ام و در آن مجاز نیست آقای بروود! که کسی میله تقیکجه خودرا بر روی سینه یک حرف زدن ایستاده متغیرانه به قیافه پولیس شرافتمند گذاشته تمدیدش الک نظر دوخت. الک برسید: کند.

«اما شما همدگر را می‌شناسید؟» «بهیچوجه من پیش آمد محترمانه نسبت به او کردم و برخورد دونفری ماییش از پنج دقیقه طول نکشید و مادر یک اتفاقی بهم دیدم که صرف بایک پراغ لاترن روشن شده بود آقای کمیسر پولیس تصویر میکنم اینهمه معلوماتیست که راجع به او میتوانم بشما بدهم.

«لطفاً سرجنت بگویید.» غرشنی کرده با خود گفت: «بسیار عجیب است. درین اواخر باهر کس که بر الک نگاهش را از صورت بروود میخوردم مرا کمیسر پولیس خطاب بیخشید.

میخواستم بپرسم که شما انتظار وقفه نا راحت کننده بوجود آمد گدام دوست تان را داشتید؟ من وسیس در حالیکه با سر به طرف برای شنیدن اسم این دوست از زبان خود تان دلچسپی دارم.»

برود اظهار کرد: «من هم مثل «بابسانو و رفیقش نه. بهیچوجه رابطه ورفت و آمدی با آنها ندارم.

چطور؟ مگر شما بخاطر او اینجا آمده اید؟ الک به علامت نفی سرش را

تکان داد و اظهار نمود: «صرف

میخواستم یک دیدار دوستانه بعمل آورم. آقای بروود من به همین تازگی

ها از کشور شما باز گشته ام. سر زمین قشنگی است. اما از لحاظ بعد

فاصله برای من چندان گوارانبود.»

لختی به گلهای قالین نظر دوخته به صحبتیش ادامه داد: «از صمیم قلب

آرزومند معرفی با دوست شما بودم

شاید او هم یک امریکایی باشد؟»

برود سرش را شور داد والک را

حين خروج از اتاق بدون آنکه حرفی

زده باشند مشایعت کرد.

عصر فیروزی روی

رو تر فورد و همکار رانش بار دیگر دریارا گرفته و برای تحلیل را دیگر بوجود بیاو رند.

چادویک، همکار دیگر ش مر کزانه هیچگونه پیروزی بی در این ساحه هاید روزن را بمبارد مان نموده باز آن ذره دیگری یعنی نیو ترون را بدست آوردند.

رو تر فورد در سال ۱۹۳۷ پدرود برج فولادی در صحرای مکسیکو

منفجر شد. او لین گروهی که برای کارش بی برده باشد. بعد از مرگش بزودی اتم یورانیوم بوسیله گلو له نیو ترون شگا فته شد.

با بدست آمدن این نتیجه نه تنها بعجردیکه به منطقه نزدیک شدند.

آنان بروی ریگزاری حرکت کر دند که به اثر حررا رت زیاد بکلی ذوب شده و به شیشه تبدیل شده بود. این

حرارت ملیون هادرجه گرماداشته است برج فولادی از بین رفته بود.

درینجا انرژی بیان آمده بود که ۱۰۰۰ متر به از شدت نور آفتاب شدیدتر بود.

بر نیروهای طبیعی مانند آتش

سیلان، زلزله و غیره قدرت تخریبی با آمدن جنگ دوم، دانشمندان دیگری که ساخت دست بشر بود.

شدن تا با دانشمندان جرمنی، بشر اکنون در راه جدیدی با اثر انرژی دنمارک و ایتالیه که از زیر چکمه های آزاد شده ذریعی گامزن شد. این

بودند همکاری مولسینی فرار کرده بیان آوراند. ولی هنوز دانشمندان آزاد شده ذریعی های زغال شودند.

درینجا از زیر چکمه های آزاد شده ذریعی گامزن شد. این

و در صورت بکار گرفتن نا درست، این نیروی مغرب و ویرانگر میتواند نزد بشری را از روی زمین بردازد.

کجا این بم ساخته شد:

مسابقه برای بدست آوردن بمناسبت در امریکا در سال ۱۹۴۳ جریان داشت

و این تلاش در قلب صحرای خشک نیو مکسیکو دریک شهر پنهان صورت میگرفت.

در سال ۱۹۴۵ به هنوز آماده نبود.

سوال های تکان دهنده در ذهن همه جوش میزد. آیا هیتلر آنرا بدست نیاورده بود؟ آیا او دیوانه واربرای نجات جرمنی به ساختن آن موفق نشده؟

بیشتر یک گروه عساکر متحده در فرانسه با نیروی جنگی بیاده شدند هدف شان کشف مخفی گاه های اتمی هیتلر بود. آنان به دریا

راین همراه با جبهه پیش آهنگ رسیدند.

در زیر آتش، آنان نمونه های از آب

با پوست بدنه نیز میتوان دید

بروفیسر اضافه میکند که برای او وسایر حاضران بسیار تعجب آور بود که از آنجه مرد نایینا دیده بود خوشش نیامد.

این آله در راه اکتشاف سالیم پیش میرو د:

کارتیم تحقیقاتی انسٹیتوت سمیت کیتل ول درینجا به پایان نرسیده است برخلاف کار اساسی آنها تازه شروع میشود هدف بعدی اینست یک زاویه دیگر از حداقل بیست درجه باید رویت واستعداد گرفتن تصویر را پرای نایینا بینایان تقویت کند.

این هدفیست که پروفیسر داکتر باخی ریتا در مورد اکتشاف دستگاه

تی وی - اس اس به آن می‌اندیشد.

آهندگ شما و یز

پرندۀ عزیز آو ای ضعیف ، را ازوی ربود ... تمام این چیز ها
محزون و درد نالک بر دوش همای برای من معلوم و روشن است ...
اکنون دیگر تصمیم گرفته ام ...
ملا یم شب پر من میو مدو چو ن اکنون دیگر تصمیم گرفته ام ...
نوری که در میان تاریکی انتشار فردا بمجرد دیدن صبح ، بمنزل
آن انجنیور جوان خواهم رفت و در
یابد ، در فضای ساکن و آرام
انعکاس مینماید . هرقدرو این صدا
همانجا اقامت خواهم گزید و بکار
هایی که خواهرم میبرد دختر خواهم
بمن زندگت گردد ، بهمان اندازه
برداخت و بعد از آن بسوی سرنشست
باطمینان آرامش می افزاید و در
عين ز مان حزتی درد آور بر قلب
چیره میسازد . آواز تو همان حالت
بیداری عادی را که میتوانم طی آن
بیندیشم و خویشتن را در یا به
برندۀ عزیز ، آواز دلنویزت
را شنیدم و آنچه را که از من توقع
می گرداند .
آری ، آواز دل انگیز برگوش
بار دیگر ما بر سر عقل آورد ،
و نیروی به تحلیل رفته امدا برایم
باز گردانید . اکنون در انتظار
دمیدن سپیده دم نشسته ام تا
بسیوی منزل آن جوان بشتنا به ...
قتل فجیع او را با خاطر می آورد .
برای من خوب روش است که اورا
تبسمی ملیح و دلنشین بر لبانم
نقش بسته است .
(باقیدارد)

اقسام بو تهای شیک و مدرن

زنانه ، دستکول های زیبا
ارزان ، بمود روز .
آدرس : سر ک اول شیر شاه

مینه و نما یندگی در منزل تحتا نی
فروشگاه بزرگ افغان



دو میرزا فریاد می زد :
- خواجه هاراهاشان گندید ، درب دویا
نشنید :
فریاد های اورا گسی نم شنید
... و دیگری خنده دید
پایان

هیمامالنی

پرسیدم :
« آیا وین کتره گون ، که از مدعايان
رقص و ساز کلاسیک است مورد علاقه
تان قرار دارد ؟ »
عیامادر جواب گفت :
« من هن گز در یندگیم او را ندیده
و این راهم نمیدانم که چرا مردم میگویند
من به دهلی رفته ام تارقص اورا ببینم .
حالانکه من اینجا در بمبی مشغول
بازی دریک فلم بوده ام » .
من روزی از وین تتره ون نیز در
باره علاقه اش به هیما ما لینسی
رسیده بودم و او از چنین علاوه بی
انکار کرده بود . بدینصورت با سخن
هدو « نی » بود .
اکنون میدیدم که یک « نی » وین
کتره گون بایک « نی » هیما ما لینسی
دنیال عیشد . وکی با اینهمه ...

و دوستانش که اورا به شانه های شان حل
میگردند و به سوی شهرم بروند میگفتند :
- بس است دیگر ، یندگی خیال پردازانه
بس است ، ماترا باز هم به سوی یندگی واقع
میبریم .

۹۰۰ در یامی خنده

- از درگاه ناشدن و ناشناخته ماندن ، از
« بست » پیش و فتند . و فتند و درست تایله
خرابه های « بست » وسیدند ... آنسوی
خرابه ها ، دونفر در کنار دریا پهلوی پیلورم
نشسته چنگک های ماهیگیری وادر آب رها
نموده گرم صحبت بودند . طوری غرق صحبت
های خود بودند که هیچ متوجه آنان نشدند .
آن آنسته آهته نزدیک شدند وقتی خوب
نزدیک شدند از شادی هدیگر وادر آغوش
کشیدند و بوسیدند :
- یکیش خو « میرزا » بود ولی آن دیگر ش
راگه قابلند بروت های زبر و ابروهای پیوسته
داشت ناشناس بود .
دمتیاهی شان را به بازوان هم حلقه گردید
نفس های شان را لید نمودند ، بی صدا و
آرام آرام به آن دونزدیک شدند ، وقتی در پیش
سرشان قرار گرفتند به صحبت های آنان
گوش دادند .
« میرزا » خطاب به همه جیش میگفت :
- برازو ، تواناچ از تمثیل های نا روا ،
از برازو بی وفا ، از دوستان مطلب اشنا واز
دشمنان دوست نهایه شکایت داری . پاشکایت
دشواری های یندگی حل نمیشود . خوب شد
که سرانجام در عمل به حقیقت های یندگی
بی بردی ، بلی بسیار خوب شد
دوین وقت یک ماهی کلان در چنگکش بند
شد و اویه شدت آزاره ای سوپرتاب گردید .
وقتی رویش را برگردانه حلقه بی از دوستانش
داده پیرامونش دیده ، از شگفتی دق ماند ،
دوستانش باشاده ای اورا بغل گرفتند و سرو
صورتش را بوسیدند و او هم سرو صورت شان
را بوسید .
دوستان « میرزا » خواهش نمودند تا هرچه
زودتر بایشان بسوی « بایخت » حرکت نماید ،
مگر او خاره های گیری اش را به زیر مستکی
محکم نموده چنگکش را به دریا انداخت و آنکه
آن را در تمام خرابه های « بست » گشتنان و قوتی
خوب خسته شدند ، در مقاره تی ، آنان را بر
بودیانی نشانیده ، چای سبزی تعارف گردید و
بعد توپش را به ایشان همراه گردید :
- پایین هود آزاده و جوانمرد آشنا شویده
اویگانه گسی است که تابه حال باین از
مساعدت های صادقانه و بی دیغ تکرده
است ...
بعد مشغول نوشیدن چای شد ، آنکه
چای را فرست ، قوت می نوشیده سعن هایش
ادامه داد :
هایشانه های جتل دو قایق ساخته ایم ،
یکی قایق نم و دیگری قایق یندگی . در قایق
نم ، رنجاو نم های یندگی دیگر من گتیم و
در قایق یندگی خودم نشیتم . قایق نم دا
بن تا خدابه دریاره ایتمای تایس از سرگردانی
در قایق های از خاطره های یندگی اورا ورق
سرزین خوشبختی دهنایی میگردید
میغواهید این قایق ها و بیشید ؟
همه بایک هدا گفتند :
- آری ، آری ...
دویا میرش دایی خیال می بوده ، آفتاب دو
دل آهن گمده بود و ترم ترم می جنیه .
« میرزا » در گنارش باشورو شوق قایقیای قسم
و یندگی را به دوستانش تسان میداد .
دوستانش می خنده داشتند و خوب هم می خنده
قبه هی خنده داشتند .
« میرزا » باشگفتی آنان را می دید و میگفت :
- گم های من خوخته شدند .
آن را در حماله های مالکونه می خنده داشتند .
همدگر اشاه هایی نمودند ، تاکیان « میرزا »
جار دست و بازیزین برداشتند . هرچه « میرزا »
داده بادگرد ، رهایش تکرده . خنده هایی
آنچه ای رمود والعکس آن در خواجه های قطبی
الداز گردید . « میرزا » میگفت :
- همایم گندگه عیش هایم به دریافتند ،
همایم گندگه شمارا بقدر و هایم گندگه ، تیروم ،
نم دوم آ

فکر کردن چیست؟

برای حل مشکلات و طرح پلانها نظر قضاوت کنیم این یک قضاوت صائب نخواهد بود.

هر کدام ما عقاید، نظرات، ذهنیت‌ها و برآبلم‌هایی داریم که زندگی عادی ما را رنگ و رونق بخشیده و تنظیم میکند و همه آن محتاج این است که همیشه متوجهشی باشیم مثلاً تعصب و ذهنیت منفی ما راجع به یک موضوع ممکن است طرز فکر

مارا چنان تحت الشاعع قرار بده که در باره هر چیز در پر تو آن ذهنیت خود فکر کنیم و به جهان از همان روزنه طرز تلقی خود نگاه کنیم مایل در باره هرچیز یکه میشنویم می‌بینیم و میخواهیم عمیقاً نه بیان ندیشیم زیرا ما در دنیا یعنی زندگی میکنیم که در جلو ما انسان گوناگون پدیده‌ها قرار دارد و این ما هستیم که باید از طریق تفکر سالم بهترین را انتخاب کنیم و این

انتخاب ولو هر قدر موضوع ساده و یا یک رجحان کم اهمیت هم باشد باز هم محتاج آگهی و معلومات کافی در باره آن میباشد. ما باید همیشه

موضوعات را حلاجی کنیم و پیرامون آن زیاد مطالعه کنیم زیرا هر قدر در باره یک موضوع بیشتر معلومات داشته باشیم صائب تر قضاوت می‌کنیم. پس تفکر سالم آنست که از طریق آن درست قضاوت کنیم و به نتیجه درست و معقول برسیم. به صورت عموم در عصر مهمن در درست و معقول فکر کردن ذید خل است که عبارت از بکار بردن نظرات فاصله اعتماد و تکنیک صحیح و معقول می‌باشد. هر گاه نظر و مفکره که در عملیه تفکر ذید خل است واعی و یا خلاف واقعیت بوده و یا تکنیکی که در فکر کردن بکار برده میشود نادرست باشد نتیجه تفکر همچنان معقول و درست نخواهد بود.

بطور مثال هر گاه در باره سلوک بخصوص یک گروپ و یا یک جمعیت یک نظر عمومی منفی داشته و هر آنچه در مورد یک فرد آن با ارتقا طبیعت

بعض منافع و یا ذهنیت مادر امری ذید خل گردیده مسبب میشود که از حقایق چشم بیوشیم و با توجه با منافع خود نظری ایجاد میکنیم. و بر مبنای آن در موردیک موضوع فکر میکنیم و به فیصله میرسیم.

یک عملت دیگر که بعض از نظر نا درست در تفکرما راه پیدا میکند همانا کم حوصلکی و شتاب در قضاوت است. بعضی‌ها چنین اند که گویا بمجرد دیدن و یا شنیدن بر گاه در باره یک موضوع بی‌آنکه تعمقی

است در موردی‌ها بیم.

در شماره آینده در مورد اینکه چگونه باید در باره مشکلات و برآبلم‌های خود فکر کنیم بحث خواهیم رانده موثرهای سرویس‌هیچ‌کدا کرد.

هر بوط صفحه زن

طفل‌شما

پروگرام‌ده و قته غذا‌ایی طفیل

ممکن است آمادگی طفیل برای پروگرام سه و قته غذا نی معنی پنج ساعت فاصله را بین هر غذا میدهد. هر گاه طفیل شما پس از چار ساعت بعد بسیار گرسنه گردید و ازین رهگذر گریه‌س و دهد برای پروگرام سه و قته هنوز هم آماده نشد و است. اگر طفیل شما اولین غذای خود را بساعت دشیں صحیح میکیرد معمولاً صحبت در باره سه وقت غذا بسیار مفید گفته شده نمی‌تواند.

اگر طفیل شصت خود را زیاد دعی چوشید و هنوز هم آماده است تادر هر چار ساعت غذا بخورد پس دلیل آنست که برای یک مدت دراز تر طفیل دریک پروگرام چار و قته گذاشته شود. بعض از ندرت اطفالی دیده میشوند که در خلال روز از نگاه پروگرام چار ساعت برای مدت دراز آماده نمیباشند. اما هنوز هنوز زنگ‌ساعت صرف مادر خواهد گفت: رطفلشیں صرف با اشتباہی کامل در هر تو پیت یعنی در میان غذای خود را میخورند مثلاً اگر بوقت شیر خود را با مزه و کامل مطابق ضرورت طفیل، وقت را بیار سازید. بقسم معمول وی را بپرسی خورده ولی بساعت دوی بعد از ظهر باز هم با اشتباہی خوب آنرا خلاص میکند و بساعت شش صبح صرف مینماید. باز هم با اشتباہی خوب آنرا خلاص میکند و بساعت شش شام آنقدر اشتباہی خوب نمیداشته باشد. پس اطفال که چنان عمل مینمایند ضرورت احساس میکردد تا برایش روزانه

برایلمی وجود ندارد و بکوشید تا مطابق ضرورت طفیل، وقت را بیار سازید. بقسم معمول وی را بپرسی خورده ولی بساعت دوی بعد از ظهر روزگر او داده و به دادن غذا بساعت ده شب تاوقتی ادامه دهد که آماده شو د. یعنی ساعت ده شب خواب نماید.

(مترجم: محمد حکیم نا هض)

هر روز بود فعالیت‌های انکشافی کشور شان سهیم فعال داشته باشد تحت این گونه شرایط ته مسئله جما و احترام بزرگان هم در میان باشد به میتوانند کرد.
به هر صورت من این نامه را نوشتم تا مکار از این طریق والدین بحال ما و هم بحال محیط خود از دل توجه نموده و زندگی به اصول زندگی امروزی که باشته به جیست بی ببرند و دیگر وسیله ادبی دو جوان را فراهم نسازند.
یقلاً لایه از کوته سنگی

چگونه بیش از صد سال
یکهزار و نهصد کا لوری غذایی
میکنند.
 تمام مردم عمر در سه منطقه هند کرده خیلی فعالانه زندگی داشته‌اند در امور زراعت و امور خانه و کارهای فزیکی دیگری مصروف می‌باشند.
 مردوzen از آوان جوانی تا آخرین روزهای عمر بکارهای ایشان می‌باشند. علاوه بر آن مردم این منطقه غیر از کارهای عادی روزانه به فعالیت‌های فزیکی می‌پردازند که آنها را از امراض تصلب شرائین و امراض قلبی محافظت مینماید و عدم مردمان از چاق شدن های بیجا جلو کنند می‌نمایند.

علم طلب از قدیم‌ایام تا پت ساخته که صحت بودن قلب عربو ط به فعالیت‌های فزیکی بوده و این موضوع در ادبیات کلاسیک طبی روی یکتعدد کارمندان پستی انگلستان آزمایش و اثبات شده. و نشان داده شد که آنها نیکه عقب میز دفا تر بصورت مدام کار می‌کنند زودتر با امراض مختلف و مرگ گرفتار می‌شوند. نزد این هامرگ از اثر امراض قلبی خیلی نسبت به آنها یکه با مرگ فعال تری مصروف اند بلند است. خصوصیت دلچسپ مردمان این سه منطقه زرین است که هر کدام دارای خصوصیت های علیحده طرز زندگی و فایده بودند و شرایط زندگی آنها یکی باشد و متفاوت بود.

تمام مردمان معمولی را که من درین سه منطقه ملاقات نمودم با فایده های خوبیها و ندان نزدیک شان درخانه عاید هاتی بزرگ زندگی داشته و در امور زندگی خانوادگی سهیم بیشتری داشته و تفاوت آنها در تمام آنها یک

موترهای مازدای جاپانی

موتوهای مازدای جاپانی چار سلندر ۵ بهترين موتو جهان و مخصوصاً به شرایط افغانستان



موترهای قشنگ و بادوام مازدای جاپانی مورد علاقه همه فامیل های باذوق و مود پسند. موترهای مازدای جاپانی به اقسام مختلف ۱۵۰۰، ۸۰۸، ۶۱۶ و ۴۰۰ میلیون دلاری که پیکر و مستحکم به خدمت مشتریان محترم آمده است.

آدرس: نماینده گی در کابل: امین سهامی شرکت حصه اول جاده میوند المپیا هوتل.

مرجع فروش پر زه جات و سامان موتormazda (نماینده گی امین سهامی شرکت) ورکشاپ موترهای مازدا شاه شهید (ع) مقابل مینار نجات متصل جوی پل مستان.

یکن از ماموران پولیس جنایی به خبر را احمد شان چند صندوق هتر دورتر از یک ساختمان کشف گردید. گوشت بدن آنان تکار یونه اطبار داشته است که تازه در تیز مورد مجرم موشان و کرگان قرار گرفته بود.

فکر می شود که لاقل ۳۲ قبل به شهید انجه بیشتر مورد دلجمی و تعجب پولیس ارتاط پیدا خواهد کرد و اگر این حمله قرار گرفت در همین سلاح مختلف کشف درست ثابت گردد در آنصورت این شخص سه حد صفعه باد داشت شهید راجح به آنچه آدم کشی و تزویز بود. این کشف لقب «قهرمان قاتلین و حنا یتکاران» را احرار خواهد کرد.

در حالیکه شهید در سلوی زندان برای در خلای این حریانات شهید بخت معاينات بودند فلورید تاباری از تاش خورشید بران خود مذبوحا نه تلاش میکرد مد عی اطمای مختلف روانی قرار خواهد گرفت.

العموم استاد دلایلی برای سکن ساختن واقعاً چه شوخر سخنره امنی خواهد میگیر از مرد و زنده اش خبری یار نیامد.

با بدست آمن این شوaled این اشتیاء همچنان زیورات دختر دیگری بنام هندلین تیز که نامبرده در دختر چارده ساله را نیز بدمست آمد. این دختر تیز در یک هتل کار بقتل رسانده بانده تقویت یافت. ۱۰ میان روز به اسناد و مدارک تازه ای دست من تشخصی بدهند و در نتیجه بقیه عمر خود را تحت حراست پولیس سیری کند.

انگشتان این سرد ۳۲۵ . . .

دختران گمشده ارتباط بهم میرسانند که در اندکی به بازی تیس مشغول گردند ولی خلال چار سال گذشته مفقود وبا باعمال روز گذشته شده بودند. این ساما نیاعبارت از آن تاریخ بعد از ومشبود نگشت. از داخل بکس شهید یارچه های لیاس بودار لباسی زنانه، زیورات، اوراق هویت و حتی دو یارچه دندان طلایی بدست آمد که در دختر دیگری بدست آمد این هر دو دختر پادختری بنام کافرین ماریا ارتباط داشتند. آن مخطوط گردند ولی بعد هیچگونه خبری این دختر سه سال قبل از هنzel ناید بشدند از آنان وستکن شدند. و دیگر از مرد و زنده اش خبری یار نیامد با بدست آمن این شوaled این اشتیاء تیز که نامبرده در دختر چارده ساله را نیز بدمست آمد. این دختر تیز در یک هتل کار بقتل رسانده بانده تقویت یافت. ۱۰ میان میگرد قبل از یکه نامبرده از نظر ها ناید بشدند شود یاد داشتی عنوان شوهر ش در خاله دختران در میان چارده میالکی قرار داشتند یابند.

چگونه بیش از صد سال

تقویظ



اولین شماره مجله اردو که با آن کلمه مقدس جمهوریت اضافه گردیده است با نشر بیام رادیو بی بساغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم جمهوریت افغانستان و نشر مقالاتیکه از طرف منوزین اردو به رشته تحریر در آورده از طبع برآمده است.

این مجله از فدائکاری های قهرمانانه از دوی باشیامت جمهوری افغانستان یاد آوری نموده و مساعی شبانه روزی جوانان از دوی دلیر افغانرا که از هیچ گونه خود گذری در راه استقرار نظام نوین در بین

بساغلی عاطفی

نموده اند درج اولین صفحات مجله نموده است.

این مجله طی راپورت های مفصل و نشر عکس ها شدت استقبال مردم را از استقرار نظام جمهوری نوین بچاپ رسانده است.

در این مجله برخی از صفحات توافق معرفی فرزند قهرمان و صدیق اردو «مرحوم لمبی بیدمن حبیب الله شمیبد» که خود را در راه بوجود آوردن نظام نوین قربان ساخت گردیده است.

در همنه مجله مضمون دیگری بنام «سپیده صبح سعادت» بجا ب رسیده که نویسنده آن مدیر مستول مجله بساغلی «جگرن فیض محمد عاطفی» میباشد. او در این نوشته اش که بایان شیوا تحریر یافته چنین مینویسد: «مرغان سحری هنوز بخواب غنوده بودند، کائنات در سکوت عمیق بسر میبرد و آرامش در سر تاسر گیتی حکمران بوده همه در بستر خویش بارو یا های گوناگون آرمیده، اما در دل شب و در دامنه مسکوت همیشگی، جوانمردی از خواب کران بر خاسته بود... میخواست بکابوس های و حشتناک ملت بینوا و مظلومش بیان دهد... حالا جان تازه در کالبدار دوی فدائکار دمیده شد و حیثیت معنوی این خدمتکاران واقعی در انتظار همکار جلوگر گردیده اردو از هلت شد و ملت از اردو...»

از نشر مضا مینی که در این مجله بچشم می خورد چنین فهمیده میشود که روح تازه ای در وجود این مجله دمیده شده است و اکنون این مجله با بیان رساز، هتر قی ترویج شکام تر که خواسته جمهوریت نوین است آغاز به نشود کرده است. ما این حرکت توین را بانتظر قدر دانی دیده و درخشش این ستاره را در آسمان مطبوعات نوین کشور تبریک گفته و موفقیت همیزید کار کنان آنرا آرزومندیم.

اجنبی تامین مینماید. یک تعداد علماء و متخصصین فکر میکنند که امکانیت سیستم جوان ساختن در اثر تلقیح هر ضی وجود دارد. اما من فکر میکنم که کشف این نوع دوائی یک جریان پیشگیری شده بوده و در آینده نتایج آن معلوم خواهد شد. و این کار و قی صورت خواهد گرفت که طبیعت سالخوردگان از هر نقطه نظر نزد علما معلوم شده باشد.

انکشاف سیستم ارئی وجود دارد. و باعث عدم طول عمر میگردد استراحت کردن نزد این مردم برای ما این امکانات میسر میگردد. مربوط به سن و سال نبوده بلکه تمام که در اجتماع کوچکی مانند ولیک آنها بپرسن و سالی که باشند اجبارا بامضه افراد بصورت باز استراحت مجبور کردانیده میشوند. انفرادی این جین های مضره ازین نیز کارهای مفید را احساس نموده بیشتر گردیده است.

صدھم قرار دارند و ظایف باعث آن شده تا از جین های مضره مهربانی شود. او نز که یک میله هند. آنها وظایف سنتی را در مساحت آن خیلی زیاد وسیع و قابل خویش بدوش میگیرند از قبل جمع آوری حاصلات زراعی تغذیه نفوس آن از نزد های مختلف است و تربیه بوندگان و حیوانات خانگی از تحت همین شرایط قرار گرفته و مردم قبیل مرغ گو سفند و غیره، شستن آن طبق تعاملی که دارند با نواسی مجاور خویش ازدواج نمی کنند. مطالعه خیلی محتاط طانه و دقیق وضع اطفال. نظریات آنها و توصیه ها و اوا مر شان در خانه نزد همه افراد مجاور آن مارا بسوی یک استدلال فامیل قابل احترام بوده و حکم قانون محسوب میشود. در «او نزد» اشخاص باینکه شرایط زندگی در او نز معم و سالخوردگه آنقدر قابل احترام مطالعه خیلی محظا طانه و دقیق وضع می باشند که حتی در امور اداره کشور نیز نظرشان قابل تطبیق است همه روزه ساعت ده صبح حکمران «او نزد» مردمان سالخوردگه راجمع آوری نموده و با موضوع نسل است.

این است سوال اساسی که ارتباط به طول عمر دارد و اکنون تحت مطالعه آنها در امور کشوری بعنوانه و مذاکره است اما موضوع نسل از ابتدای میپردازد. در مذاکرات همروزه بیست ترکیبات سلولها تحت پروگرام گرفته نظر سالخوردگه ترین اشخاص خواهد شد. یا اینکه فکتور های شرکت میکنند. آنها بروی فرش محیط دور و بیش آن در طول تمام قالین بهلوی هم بطور دائم وی حیات بصورت مداوم به کرو ما تین نشسته و در باره برابلهای داخلی هستی لطمہ وارد میکنند که در مشهوره میکنند. وقتی آنها به توافق آخر مرحله سلول ها تشکل طبیعی خود را متوقف میسازند.

آنکاه حکمران فیصله نهایی خود را نظره در محیط تغذیه کننده بینجاه

مرتبه بیشتر طول کشیده و تلف میگردد اگر جریان حقیقی طول کشیدن

اکثریت علمای که مشغول مطالعه در مراحل مختلف مثلا سرد ساختمان فوری قرار داده شود، سلولها بعد عقیده رسیده اند که فکتور ارئی از برآمدن از حالت انجام داده بازه طویل شدن خود را تاینچاه مرتبه میکند و از قدیم باین ترکیب میباشد. این زیادی موجود است والدین این میسازد که حد اکثر تقسیم شدن مردمان نیز دارای عمر خیلی طولانی بوده اند و این موضوع از روی صحبتی سلول به بینجاه در نتیجه ترکیب هستی سلولی سلول های وا لدین بوده.

والدین و اقوام قریب آنها نیز مطالعه سیستم تلقیح هر ضی در وجود اداری طول عمر بوده اند. علم هنوز امکانات جدیدی را برای تحقیقات علمی بالای سالخوردگان میسر گفت که شاید تنها عدم وجود جن می سازد.

های مضره باشد که این جین های این سیستم تولید مرکبات ضد مضره بعضی امراض را بوجود آورده جسم را مقابل باکتری ها و اجسام

حداده در

به نظرش آمد، آه، نسبت به آخرین مرتبه که لای اورا دیده بود البتہ در تابستان سال گذشته خیلی پژمرده و خسته به نظر میرسید واقعاً تمام

قصر درباره ملاقات نماید این کار آنها تا اندازه زیاد پیر معلوم می‌کردیدند ویلا، ویسون و پرنا آنها برای همیشه در آنجا بودند چه چیزی ضرورت داشت، دو شیوه تامکتیس می‌توانست که برای او همکار خوب باشد، برای لی چه فرقی می‌کند که او را در آنجا بینند و یا از اودوری اختیار کند، لذا او هم خندهید و گفت:

برای عمه بزرگ خیلی تسهیلات پیش خواهد شد اگر شما در اینجا باشید.

آنها گفت:

اما، همین طور است، عزیزم همین طور است حالابرو به طبقه فوقانی و لباس را تبدیل کن توباید در جریان این سفر گرسنه شده باشی. اپلیتون با کدام منفعت و فروش و سوی سالون دریش گرفت در این جریان یک نوع احساس ترس ناخوش آیند می‌کرد.

او از فکر کردن درین باره و توقع

ناگهان آنها خیلی بیرون اخوردند



دامتیاز خاوند:

د مجلات تو نشراتی مو سسه
دموسمی دئیس:

سراج الدین و ها ج
تیلفون: ۲۳۸۴۴

مسؤول مدیر:
حسین هنی

دفتر تیلفون: ۲۶۸۴۹
دکور تیلفون: ۳۱۶۵۱ (۳۳)

دچاپ مدیر: طورانشاه شیم
داربیاط اخبار نگارانو مدیر:

روستا باختنی

فوتو رو یورتو: مصطفی وذری
عکاس: محمد ظاهر یوسفی

پته: انصاری وات
داستراک بیه

به باندیشو هیوادو کنسی ۲۴ دالر

دیوی گنی بیه ۱۲ افغانی
په کابل کنسی ۴۵۰ افغانی

شماره ۲۳-۲۲

انسان دلومبری حُل دپاره

اود ۱۰۷ مکعب فتو په اور دوا لی نوروته بی بلنه ورکوله چهدا لو تو دو وزرونه در لود. له دغی شبیسی ماشینو نه جوی کړی.

وروسته هیڅ شی داو تو لیلنتال د «قریانی» باید ارومرو ور کړی شی، خنله مانع نه ګرځیده، دده د هلکتوب دلیلنتال ۱ لوکو، نو موری خپل خوبونه حقیقت ته تزدی کیده او یو شهرت ته ورساوه مکر په پای کښی شمیر نوری الو تکی بی همچو په بی دی ووازه ۱۸۶۹ د کال دا گست کړی.

لیلنتال حتی دبر لین په یوه پانهه تولیلنتال پخچله ۱۱ المبره دو هورزه، کښی د ۵۰ فتو په لوړوالی یو ه الو تکی کو لی. خلکو مصنوعی غو نهی جویه کړی و ه په پیره تلوسه ددغی الو تکی ننداره ددغی مخروطی شکله خاوه رینسی کوله، خو وروسته په پیر وحشت

غونهه دباسه یو مخروطی هنگر سره بی دیوی ناخای سیلی. دراتک موجود و چه الو تکی پکښی خای احساس و کړ. دلیلنتال الو تکه په در لودی. له دغه خای خخه «او تولیلنتال» نیمه فضا کښی و درینه خلکو ولیدل له هغه خوا خخه چه باد جاري و ه، چه لیلنتال خان پراندی وغور خاوه هر لوری ته چه زړه بی غو پسته خان او هخه بی وکړه چه دال الو تکی مخکنی خوشی کاوه. په ۱۸۹۴ کال کښی برخه پنکته کړی، خو خوت له وخته لیلنتال خپله نهمه ۱ لو تکه جویه تیر و ه الو تکه له حرکت خخه ولو یده کړه. دغه الو تکه دنورو په شان یوه وزربی و لو یده او الو تکه په یوه خوا جویه وزرونه در لوده خود اخیل وغور خیده.

نوموری آلمانی فضا نورد یو ه افقی په لومبری سر کښی دا سی. لیندی. چه دیدله لرگی خخه جویه پیکاریده چه الو تکه پنایی دیر لپ شوی وه، دیکان د شنبولو یه منظور زیان لیدلی وی خکه چه یو وزری دالو تکی دو زدیه مخکنی برخه کښی زیانمن شوی ټمکر هاو تولیلنتال، و درو له کله چه ۱ لو تکه الو تکی ته په لپه فاصله ها خوا بیسده وغور خیده، دده آز مو ینه مثبته پرور و ه ده ددرد احساس نه کا و نتیجه ور کړه.

په ۱۸۹۵ کال کښی «او تولیلنتال» لیلنتال دبرلین دبر گمن په کلینک خپله لومرنی دو ه وزره الو تکه کښی مرسو. دده دقیر په تیره باندی جویه کړه، خو په دی و خت کښی دده دپاره چانس زیات ټله کله چه ارو مرو ور کړی شی. داد لیلنتال لیلنتال په دی برخه کښی پخپله خپله خبره وه.

ویلی و: «قریانی» کانی باید ور کړی داتلا نتیک په پله خوا کښی داو هیرو شی «ده خیلی تجربه بی سرته رسولی ده ټیتن» په دیو کی بشار کښی دو و پراندی تله اود الو تکی دبریا لی ورونو دلیلنتال ده یعنی دخوا شیمی وختونو هر کلی بی کاوه. خبره واوریده او تصمیم بی ونیوچه دده داخترا عاتو مربوط خبرونه دلیلنتال هغه اقدام تعقیب کړی چه او په فضا کښی دده دالو تنواع کسو نه نیمکړی بی پری اینې ټه «اور ویل»، په نوله نړی کښی خپله شول ۱ او امویلبر رایت» ددوی نومو نه و.

نمکین و خیلی جذاب در حالیکه روی دختری شد که روزی به اتعلق خواهد اسپ سفید جنگی سوار است نزد گرفت یعنی خندیده میوه بیان همه دنیاهای او خواهد آمد سوی پنجره نکا ه خیاتی روپوش کشیده اونا پدست خواهد کرد واورا خواهد دید. از روی نسیان سپرد، سپس سوی تیلفون تاکهای انکور ضخیم وریسانه مانند رفته گودی فرانسوی را په کنا ر که تا آخر دیوار برج ادامه داشت گذاشته و نمره را دایل کرد پدرش جوابداد:

ازویندرلنډ چه مخبرها است؟

خوب بالاخره توبه آنجا رسیدی رفت. درحالیکه لی می خواست این روها مانند همیشه غیر قابل قبول

سوار شده ویکوشه خلوتی خواهند

لی در جواب گفت:

کمال آزادی وصفا روی اسپ یکجا

سوار شده ویکوشه خلوتی خواهند

لی در جواب گفت:

درحالیکه لی می خواست این روها مانند همیشه غیر قابل قبول

هارا فراموش کند متوجه تصویری

صفحه (۹۸)

عرض بریک

غشوبین د افغانستان بانک پېښن

برکات خود را بمناسبت سالگرد

جشن استقلال وطن بحضور موسح پور

وئیں دولت بناغلی محمد داؤد د کا

ملت نجیب افغان تقدیم میدارند.

سعادت بریک

ساحی عبدالرّوف مقصودی
ABDUL RAUF MAQSUDI
TEXTILE MILLS
P.O. BOX 210 KABUL
AFGHANISTAN

عبدالرّوف مقصودی فنوبین و کارگران فابریکه نسا.

مقصودی و فابریکه پلاستیک سازی مقصودی بهترین

تبریکات خود را بمناسبت سالگرد جشن استقلال وطن.

بحضور موسن جمهوریت و نیز دولت بنیانی محمد داؤد و کا

ملت نجیب افغان تقدیم میدارند

امید و ایام در پرتو تحوالت تایخی کنونی ملکت ما در عرصه صنعت

و سایر ساحات زندگی اجتماعی چرقیات روزافزوی نمایل آید.

سُرْضَرْتَكِي

مُسْوِنْيَه بِرْبِيْلَه بَنْجَه بَنْجَه دَرْلَيْه فَخَنْدَه لَكَه عَالَسَرْدَادَه

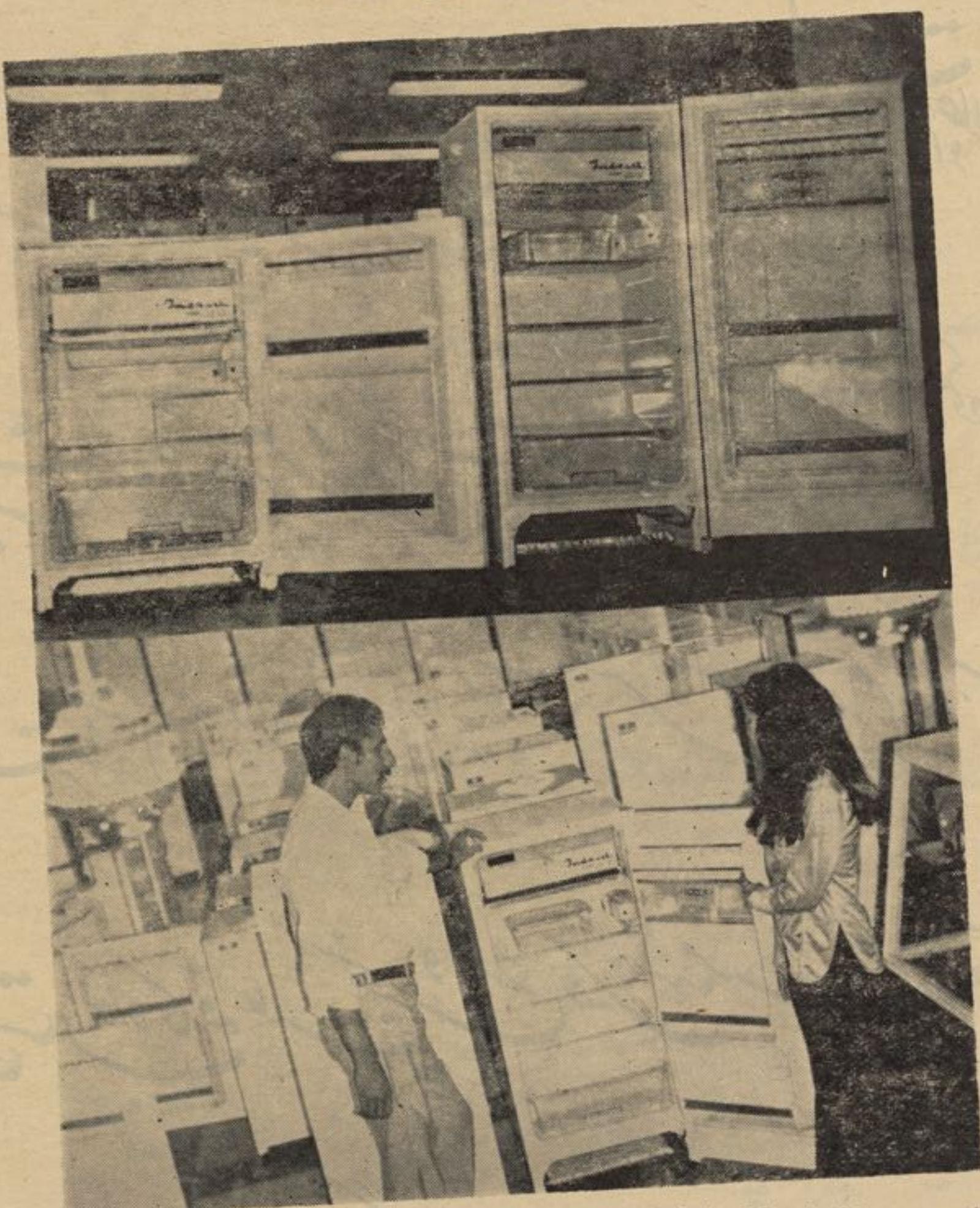
غَفَرْيَه شَهْرَه بَكَارَه بَنْجَه فَحَتْه دَلَزَه بَچَاه بَهْه

أَسْتَرَه طَلَه اَه تَقَدَّه كَشَه رَاهْه بَهْه لَهْه مَهْه لَهْه شَهْه يَمْه بَهْه

رَفَعَه زَنْه دَهْه كَافَه مَلَهْه نَجَيْه دَاهْه وَهْه بَشَه مَهْه سَهْه وَهْه غَوْه زَفَعَه

بَهْه بَهْه وَهْه بَهْه مَهْه سَهْه كَوْه نَيْه

فروشگاه بزرگ افغان با بهترین و قشنگ ترین یخچال های جهان در خدمت شما



یخچال اندست ساخت ایتالیا دارای شهرت جهانی یخچال اندست که در بیش از یکصد و بیست کشور جهان مردم با علاقمندی زیاد از آن استقبال کردند.

یخچال اندست مدرن قشنگ و خوش ساخت.

یخچال اندست در گرمای تابستان غذای صحي را برایتان نگهداری شمارا فرحت میبخشد.

یخچال اندست را صاحبان ذوق و سلیقه عالی انتخاب میکنند.

یخچال اندست را از فروشگاه بزرگ افغان بدست آورده میتوانید.

دیما حیوانی محصولات تو سهامی شرکت
YAMA ANIMAL PRODUCTS .CO
KABUL / AFGHANISTAN

عرض تبریک

تمام فنوبین دیما حیوانی محصولات تو سهامی شرکت پنجاہ پنجاب

سالگرد استرداد استقلال کشور ایضاً بحضور موسی جمہوریت۔

افغانستان، اردوی باشہامت و غیور افغان و کاذب

ملت نجیب افغانستان عزیز تبریک عرض نموده و رفاه مردم

را تحت شریم حوالن جمہوری از خداوند متعال آن زرود دارند.

دیما حیوانی محصولات تو سهامی شرکت افتخار دارند از نیکه با

صد و محصولات حیوانی نزراحتی جهت جلب اسعار و ارزی

صادرات کشور و معمول فعال در اقتصاد و صنعت دارد.

خطاب به مردم افغانستان

و سرهایه های خارجی دو پیش
خواهد گرفت.

تجارت:

در نتیجه فدا کاری مردان وطن برست جمهوری بوجود داد - مرحله به مرحله به پیش رفت. شرط ضروری انجام موفقانه وظایف میرم ملی با آمده است بسط و توسعه حقوق آزادیهای دیمو کراتیک را در شرکت قاطبه مردم در حیات اقتصادی اجتماعی و سیاسی وجود قانون اساسی جمهوریت و دیگر قوانین متمم آن بخاطر ترقی و تکامل جامعه، استحکام نظام جدید و پیشرفت مادی خارجی کشور را به اساس یک کشور است. هموطنان! اکنون در مرحله قرار داریم که سوالهای زیر مطرح است: چه کرده می‌توانیم؟ از کجا باید شروع کرد؟ بکدام جهت باید رفت؟ برای جواب دادن به این پرسش‌ها باید قبل از همه اعلام داشت که در اوضاع و احوال کنونی وظیله عملده میرم و ضروری دو لست جمهوری جوان افغانستان تحکیم رایه‌های رژیم جمهوری تامین کامل امنیت مصونیت و رعایت قانون در کشور است تا شرایط سالم و مطمئن و دیمو کراتیک برای مردم سرا سر افغانستان بدون تبعیض و امتیاز امداده گردد و در زود ترین فرصت کمیسیونی بفرض مطالعه و تدوین مسوده قانون اساسی جدید جمهوریت تعین و پس از طی مراحل قانونی و تصویب آن از طرف لوی جرج افغانستان به مرحله اتفاق نداشد و دمو کراسی واقعی می‌تحقق باید.

دولت جمهوری افغانستان

دولت جمهوری افغانستان کشور است که در آن اقوام برادر مختلف زندگی دارند رشته های مختلف این ساکنین افغانستان را بهم پیوند میدهد که در تاریخ طولانی کشور سر نوشته مشترک داشته و در راه استقلال و آزادی کشور متعددانه مبارزه کرده اند در ایجاد فرهنگی مشترک ملی با هم همکاری نموده اند.

لپذا دو لست جمهوری برای ایجاد یک اتحاد واقعی مادی و معنوی بین مردم افغانستان بر اساس برابری، برادری و دوستی سعی می‌نماید و درین آنست که همه انواع واشکال تبعیض را ریشه کن سازد.

۲ - اصلاحات اقتصادی:

افغانستان از لحاظ اقتصادی کشور است که گامهای سریع و وسیع در این زمینه برداشته شود و تحولات بنیادی در این مورد اجراء گردد و یک اقتصاد ملی مستقل مترقبی هم‌هست و براساس بیان و برایه ساینس و تکنولوژی معاصر باید ایجاد شود.

توسعه صنایع:

دولت جمهوری افغانستان ایجاد صنایع سنگین از قبیل صنایع استخراج معدن، ایجاد صنایع فلز کاری و ماشین سازی صنایع کیمیا و برق را که ضامن پیشرفت سریع اقتصاد و تحکیم استقلال کشور است حائز اهمیت بزرگتر می‌شود. اکثریت مردم افغانستان از بخشی بانوی حمیمه این اشتراكه قانونی مردم افغانستان صورت خواهد گرفت.

کوپرایفها و شرکت های تعاونی زراعی تو لید و مصرف باشترانه اکثریت زرعنین و به نفع آنان بوسیله دولت جمهوری دیگری تأمین می‌شود. دولت اراضی بازار را در

صو رتیکه امکان آن موجود باشد آباد و شبکه های آبیاری را توسعه خواهد داد.

دولت جمهوری حماست از صنایع ملی، صنایع دستی و هنر های ملی را وظیله جدی خود می‌شمارد و سیاست را برای بسط و توسعه تربیة داد.

دولت جمهوری افغانستان که براساس منافع مردم گه حمایتی را از صنایع و تجارت داخلی در برابر رقابت اموال حیوانات اتخاذ خواهد کرد.

۱ - اصلاحات سیاسی:

با ازین رفتن رژیم گذشته اکنون امکانات آن بوجود آمده است که کلیه قوای دولتی بدست مردم و استقرار حاکمیت ملی در وجود جمهوری جوان گردیده که این افغانستان متمرکز گردد.

حاکمیت ملی:

خوش بختانه جمهوریت جوان از پشتیبانی حمیمه این اکثریت مردم افغانستان برخوردار است و از منافع اوشان نمایند گشی می‌گنند. در آینده براساس قانون اساسی اینست که ناقد میگردد تجدید انتخاب هیئت دولت جمهوری و تفکیک قوای دولتی بر اساس تساوی حقوق و اشتراكه قانونی مردم افغانستان صورت خواهد گرفت.

دولت جمهوری بمنقوله دفاع از تمامیت اراضی و استقلال وطن ما افغانستان و حاکمیت علی که از وظایف مقدس آن است بانظر داشت موازن قوادرای منطقه دنیا قوای مسلح و قدرت دفاعی کشور را تقویه خواهد نمود اردوی جوان افغانستان دیگر یک اردوی جمهوری است.

دولت جمهوری دستگاه اداری دولت را از لحاظ برسوند شیوه های کار سادگی و سرعت عمل و سیستم اداره تصفیه مخفف بوجود خواهد آورد. و اصلاح خواهد کرد و آنرا سرازن و تشكیل و تکامل خواهد داد.

دولت جمهوری حماست از صنایع ملی، صنایع دستی و هنر های ملی را وظیله جدی خود می‌شمارد و سیاست را برای بسط و توسعه تربیة داد.

دولت جمهوری افغانستان که براساس منافع مردم گه حمایتی را از صنایع و تجارت داخلی در برابر رقابت اموال حیوانات اتخاذ خواهد کرد.

ساختمان موافقان

و حمل و نقل:

دو لت جمهوری برای بیبود شرایط کار و معیشت ما مورین و مستخدمین دولتی اقدامات مقتضی را بعمل خواهد آورد.

دو لت نظر به ایجاد وضعیتی مملکت زایشگاه ها شیر خوارگاهها و گود کستا نیاوا بمنظور حمایه ما دران و کود کان و رشد سالم و تر بیت نسل جدید ایجاد خواهد کرد.

دو لت برای ریشه کن کردن فحشاء اعتیاد به چرس تو یاک و الکبیول به اقدامات جدی متوجه خواهد شد.

همچنان علیه گرانی - اختکار و قاحق جدآ مبارزه خواهد گرد.

دو لت جمهوری برای ایجاد شرایط لازم جهت تامین و تعیین خواهد کرد و اصل مزد مساوی در برابر کار

دولت امور شهر سازی مساوی را برقرار خواهد داشت.

دو لت قانون مترقبی و دیمو کراتیک کار را بمنظور اصلاح و بخوبی مناسب با مخارج زندگی و احتیاجات

دستمزد کارگران را مناسب با مخارج زندگی و مسئولیت حقوق فردی و اجتماعی کارگران صنعتی و زدایتی و ضعف

شنید کوچی ها و همچنان توزیع املاک دو لت را برای مردمان بی زمین فراهم خواهد آورد و آغاز حیات بیوی کوچی

و عشیره وی را از بین خواهد برد.

هموطنان عزیز!

دو لت جمهوری ریشه های اجتماعی را برای کارگران سائر زحمت کشان شهر وده نظر به وضع و بنیة مالی خواهد کرد و نیز ببود وضع بدی را جز اقدامات خواهد گرفته در تشبیت کرایه خانه ها

مردم در نظر خواهد گرفته در تشبیت کرایه خانه ها موسسات و د کائین جدآ اقدام خواهد کرد.

ترقی عمومی:

دو لت جمهوری افغانستان بر برو گرامی معارف تجدید نظر نموده و آنها را اصلاح خواهد کرد برای امحای

بیسوی دی عمومی و ایجاد تحول فر هنگی در مملکت بر اساس فر هنگ ملی و مترقبی مبارزه خواهد نمود و نسل جوان را با تقوی و بار وحیه وطن پرستی و خدمت بر مردم

برو رش خواهد داد.

دولت تعليمات ابتداء نیعمتی و مجا نی را برای تمام کود کان اعم از دخترو پسر از طریق بسط و توسعه

مکا تب دو لت تامین خواهد کرد همچنان زمینه های

تعلیمات متوجه عالی را بمنظور برو رش کادر علمی

اعماده خواهد ساخت.

دو لت جمهوری برای بسط و توسعه مطبوعات و

انتشارات دیمو کراتیک بمنظور بیدا ری مردم کمک میگردد.

دو لت جمهوری افغانستان در حالیکه به معاهدها موثر خواهد کرد و هنر های ملی تیاتر سینما ها و رادیو

را تقویه و توسعه خواهد بخشید و همچنان برای ایجاد شبکه تلویزیون در مملکت اعنه اللزوم اقدام خواهد کرد.

دو لت بمنظور توسعه تحقیقات علمی و تاریخی در سائر کشورهای صلح دوست جهان میتواند در امر تامین

صلح و امنیت رفع تشنجات بین المللی و موقوفیت سیاست

دینات سهم بگیرد.

دو لت جمهوری افغانستان معتقد است که باید به اقدام لازم را مرغی خواهد داشت.

دو لت در ایجاد کتابخانهای بسیاری های مختلف و در

نقاط مختلف کشور سعی بعمل خواهد آورد.

لیندا دولت جمهوری افغانستان دو لت جمهوری طب معالجی و شفا خانه های دو لتی را

برو گرام اصلاحات اجتماعی بسط و توسعه خواهد داد، تا زمینه تداوی و معا لجه ملی مردمان فلسطینی احیاء گردد.

ذیل وا در نظردارد:

برای عموم اها لی کشورهایی المقادیر و فراهم گردد.

لطفا ورق بزنید

خطاب به مردم افغانستان

صرف تحویلات انقلابی
و اتفاقی کشور را قادر خواهد
ساخت که استقلال ملی
خوبی را تعیین نماید و با
اطمینان بیاری خدا و نزد

بز رگ در شاهراه ترقی
اقتصادی و اجتماعی گام
نہد.

همو طنان بسیار عزیز و گرامی!

این و ظایف عظیم
ملو ایجاد میکند که در این
مرحله خطیر و حساس
نا ریخت تمام نیروهای ملی
و مترقبی و تمام طبقات وطن

پرست کشور در یک جبهه

و سیع تحت لوازی رژیم

جمهوری پیش از ملکه اسلامی

که در این

دوستی و صلح و عدالت، آزادی ملی

دوسته و صمیمه نه داریم و آرزو هندیم ایند وستی باز

نمیگشود. این روزی خدا

استقلال اقتصادی میباشد.

دو لت جمهوری هر گاه در مرحله مبارزه بخاطر ترقی

اجتماعی و ایجاد یک اقتصاد مستحکم ملی وارد نگردد.

استقلال سیاسی کشور - حاکمیت ملی مردم ما به

کامل در راه پیدا کردن راه حل مسالمت آمیز و شرافت

مندانه مسئله ملی پشتونستان مجدانه سعی خواهد کرد. ما

عقیده داریم منا سبای افغانستان و پاکستان با

منافع دو کشور و با منافع ترقی و تحکیم صلح در منطقه

اقتصادی و اجتماعی اجراء کردد. ملکه اسلامی این روزی

دوستی و صلح و عدالت، آزادی ملی

دوستی و صلح و عدالت، آزادی ملی

دوستی و صلح و عدالت، آزادی ملی

پیوند های معنوی فراوانها را با کشورهای ملی و
مترقبی عربی بسته می سازدما با کشورهای غیر مسلک
و اتفاقی کشور را قادر خواهد ساخت که استقلال ملی
جوان سوم بخاطر تامین صلح و مبارزه علیه استعمار ببر
خواهی را تعیین نماید و با این نزدیک

شکلیکه باشد و تعیین نزدیک

خواهیم داشت.

سیاست هم زستی مسالمت آمیز میان کشورهای پیرو نظام
های اجتماعی مختلف بطور دوا مدار تعییب گردد و به
سیاست تجاوز و جنگ خاتمه داده شود و از توسل
قوه در زمینه حل مسائل اختلاف اجتماع بعمل
آید.

بخاطر اعتقاد بین هد فیضو لت جمهوری افغانستان
بر اساس سیاست مستقل صلح جو یانه بیطری فی مثبت

و فعال و علم شر کت دوییما نیای نظامی احترام به
مشهور ملل متعدد پشتیبانی از ازادی خواهی دوستی
و همکاری و تعیین روایت حسن با تمام کشورهای

صلح دوست جوان - بسطو تو سعه روایت و همکاری
اقتصادی فنی و فرهنگی با این کشورها بر مبنای منافع

متقابل ملی استوار میباشد.

دو لت جمهوری افغانستان به پیروی از اراده آزاد مردم
خود - یکبار دیگر به تائید اعلان میه جمهوری ای
و صنایع اعلام میدارد که ما هیت سیاست دا خلی و

خارجی افغانستان را اصل صلح و عدالت، آزادی ملی
حا کمیت ملی و استقلال ملی تشکیل میدهند بنا بر این تکرار

میکنم که زیستن در صلح و تقویه علایق دوسته نه
با ساس احترام هنقا بله با همه مردم و ملل دنیا یکی
از آرزو های قلبی ماست بحکم اصول همچو ری خاطر
نشان می سازیم که روایت همسا یکی نیک و دوستی ها
با اتحاد چما هیر شو روی خل نا پذیر است.

با همسایه دیگر خود جمهوری مردم چین مناسبات
دوسته و صمیمه نه داریم و آرزو هندیم ایند وستی باز
نمیگشود. این روزی میباشد.

روایت ما با برادران ایرانی همیشه دوسته بوده و امید
واریم این روایت دوسته بیشتر تحکیم گردد. دد مورد
مناسبات با پاکستان با یکدیگر که منانه مفاهیم این یگانه

کشور میباشد که روی هسته ملی پشتونستان و حقوق حقه
برادران پشتون و بلوچ خود را آن اختلاف نظر داریم -

دو لت جمهوری افغانستان با هو صله و خون سر دی
کامل در راه پیدا کردن راه حل مسالمت آمیز و شرافت

بهمین خاک جهان بهسیانس و تکنو لوژی معاصر و ار تکای سطح زندگی دگری ساختن است

زندگی و جاوده باد افغانستان مردم ما لازم است که رiform های عمیق و بنیادی

سریلنگه باعترد افغانستان این روزی میباشد. بر افراده باد بیرق

دیموکراسی در حیات اجتماعی سیاسی و اقتصادی تعمیم میباشد. جمهوری دی و من الله التو فیق

همو طنان عزیز :

اجازه میخواهیم تا بصراحت که خاصه ها افغانستان در
روشنی واقعی ترقی خواهانه اسلامی و مطابق با ایجاد
عصر و زمان اعلام دارم که دو لت جمهوری دی جوان
گردند. بفضل خدا و به جهت
افغانستان در راه اصلاحات بنا دی بدون شتاب قدم
اصلاحات بنا دی و ایجاد
بقدم و بیاری خدا. بدون لغزش بجانب افزایش و تغیرات
شجاعانه به پیش خواهد درفت - مامیت شعریم که وظیفه و مترقبی - با شور و شوق

اساسی دو لت جمهوری افغانستان در این مرحله وطن پرسته با شجاعت

تا ریختی عبارت از پایان بخشیدن به نابرابری های و اطمینان به آینده - باسرو

دسته این عیوب و عقبه هایی که در طول قرون همتوانی
داهنگی کشور هاست تحکیم استقلال سیاسی و نیل به افغانستان عزیز به تو کل
خالق بسی نیاز به پیش روند.

دو لت جمهوری دی ورگاه مرحله مبارزه بخاطر ترقی
اجتماعی و ایجاد یک اقتصاد مستحکم ملی وارد نگردد -
استقلال سیاسی کشور - حاکمیت ملی مردم ما به

مکانیزم ملی افتاد - بخاطر ایجاد یک اقتصاد ملی متسکن

مندانه مسئله ملی پشتونستان مجدانه سعی خواهد کرد. ما

عقیده داریم منا سبای افغانستان و پاکستان با

منافع دو کشور و با منافع ترقی و تحکیم صلح در منطقه

اقتصادی و اجتماعی اجراء کردد. ملکه اسلامی این روزی

دوستی و صلح و عدالت، آزادی ملی

بازیها میباشد.

چشمتان را معالجه کنید

آنها قطعه از مریضی خویش

میکنند و بیوهین منتظر برای اطفال اطلاعی نداشته و احساس میباشند

درین ای پاکتودهای مخصوص از نمی کنند و همین امر باعث میشود که
قبیل کشیدن رسم و غیره نیز تدریس زودتر تداری آنها صورت گیرد.

نتایج این متود جدید تداوی از

تمدوی بالات مخصوص از چشم این قرار است: اطفال که دارای

درین واقعات کمتر صورت گرفته فیصد بینانی میباشند تا ۹۰ فیصد

و اضافه تراز طریق بازی های تفریحی قدرت بینانی شان بلند رفته و از

بیندازی ای شان پرداخته میشود که ۲۰ فیصد این نوع اطفال به صدقه

اطفال بدون اینکه از مقصد تداوی رسیده است و تعداد زیاد اطفال دارای

این بازیهای تفریحی ملتفت گردند. عارضه (دربیشی یا احوال) یکلی محبت

با علاجمی زیادی مشغول این نوع یاب شده اند.

زوندون

کمک میکنند و متنزل برای رهایش مسافران

فراری تیه میباشد. سگهای قیمتی وی نیز

پروش میرسد و باین ترتیب گویی خواب
و خال شجاعلا بحقیقت میرسد و آن دوزنده کس

نوی را در پاریس زیبا آغاز میباشد.

سینیع از آنچه تصورش را میکردند
موریس دوال در حلقه ناقان جوان پاریس

رام میباشد و هر دوی زودتر از الجیه

بیشینی میشد. موره تالید میتوکر از

پاریس قرار میگرد. موریس ظاهر ابله
مرود و باور از تردیک میشود، اما...

اما یکشیخ واقعه عجیب اتفاق میشود که

حصه این امتیازات را با یک ضریب میشود

میزارد. هیکس نیما میباشد. آن

آن شب ترازیدی و حنعتنا کی در حال وقوع

بیه صفحه (۴۳)

نقش قاتل ۰۰۰

شش هفته بعد از آن تاریخ، شتیلا و

شوجهن پسری پاریس سرکت مینما میباشد.

علمت آن روشی است: یکنون از دوستان به
موریس دوال اطلاع میباشد که اسم وی در

لیست سیاه گشته بود در درگردید... زن و

پاریس ترسان و هر اسان بر سلا و روا در نیمه

شب ترک میباشد.

روز های نخست در شهر زیبای پاریس

بر زن و شوجهن فراری ساخت میکنند. آن

فائد اسعار استند. ولی موریس دوال گویند

قبل مترجمه این مشکل شده بولهای خود را
بد که مردم قریش جیب حل و فصل منازعات

است.

موریس بمنویشا و ندان خودکه در پاریس

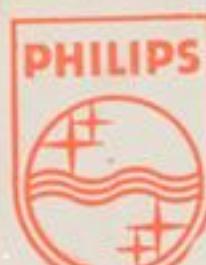
صفحه ۱۰۶



عرض تبریک

ہبہت عامل، مامورین و مسویین بانک رہنی و عمرتی
سالگرد استقلال وطن عزیز و تاسیں جمہوریت افغانستان
بحضور بنا علی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم اردوی
رشید فدا کار و کافہ ملت با شہامت افغان تبریک
میگویند واعتمادی افغانستان را از خداوند بزرگ نیازمی.

قبریک

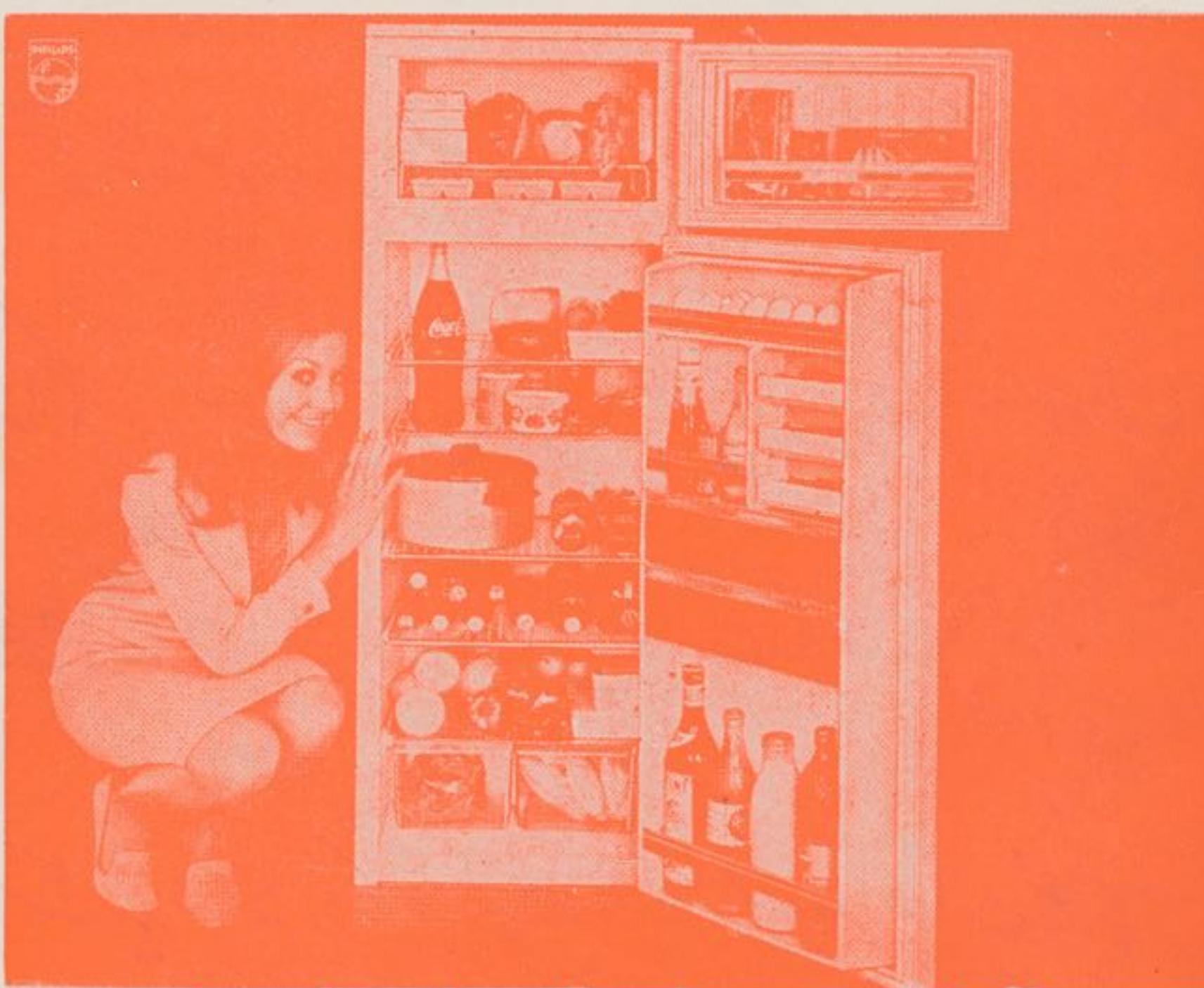


فیلیپس

علامت برتری و اطمینان

عرض

حاجی میر محمد نعیم یعقوبی رئیس و کارکنان نمایندگی فلیپس یعقوبی تبریکات صمیمانه شان را
بمناسبت پنجاه و پنجمین سالگرد استقلال کشور بحضور مؤسس ارجمند جمهوری، اردوی ملی
افغان و کافه هموطنان عرض نموده سعادت و ترقی افغانستان را تحت رژیم جوان جمهوری تمثیل دارند.



یخچال فلیپس، یخچال یخچال هاست

نمایندگی فلیپس، نمایشگاه فلیپس، ورکشان فلیپس در خدمت شما.

آدرس: ۳۰ محمد جانخان وات، تیلفونهای ۲۵۴۸۶ - ۲۵۴۸۷ - ۲۸۸۰۴

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library